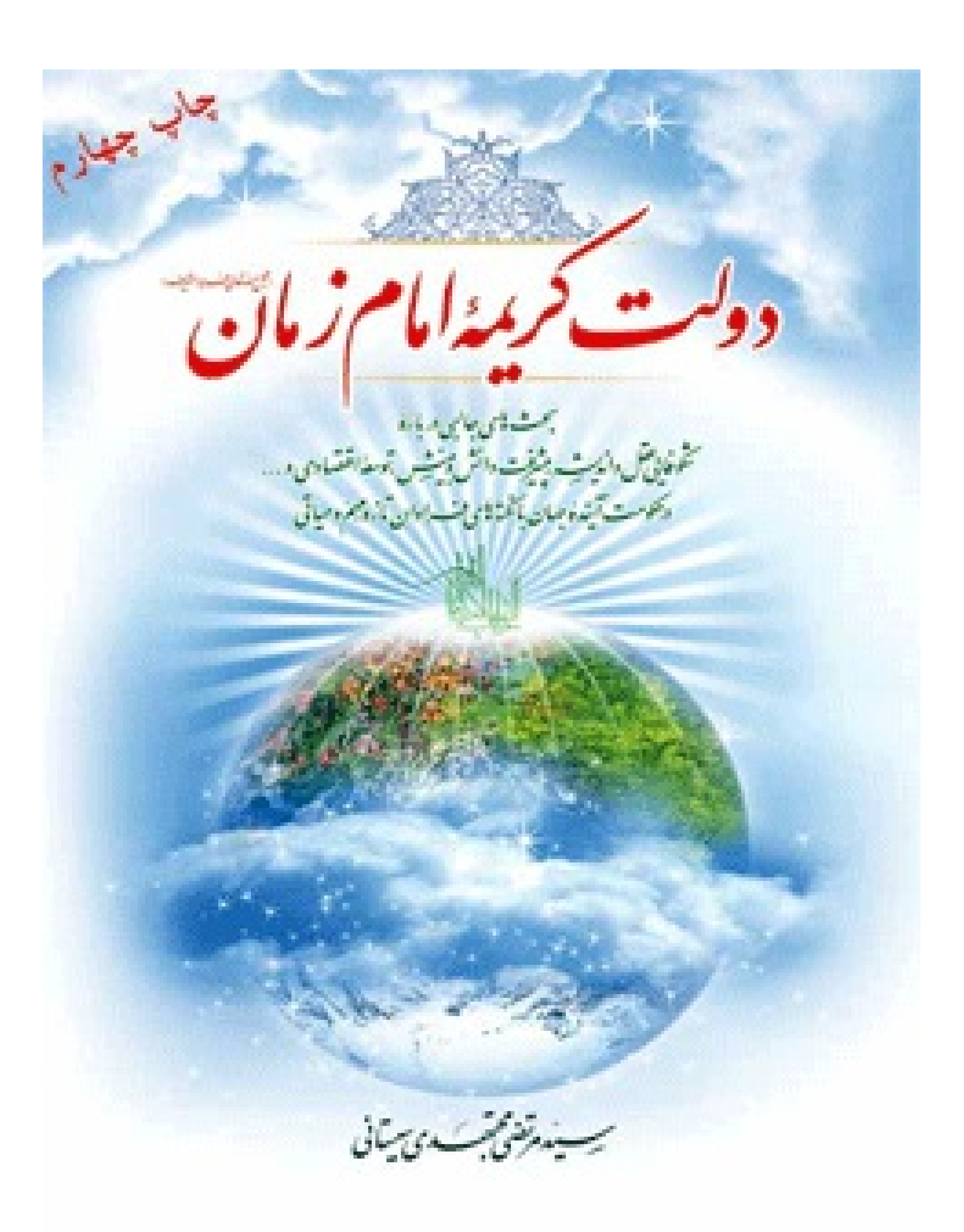

چاپ چهارم
دولت کریمهٔ امام زمان
سید مرتضی مجتهدی سیستانی


بسم الله الرحمن الرحیم

دولت کریمه امام زمان (عجل الله فرجه) : بحث های جالبی درباره شکوفایی عقل و اندیشه در ظهور حضرت

نویسنده:

مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر چاپی:

الماس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دولت کریمه امام زمان عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجتهدی سیستانی، مرتضی

عنوان و نام پدیدآور : دولت کریمه امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف): بحث های جالبی درباره شکوفایی عقل و اندیشه ،.../ مرتضی مجتهدی سیستانی

مشخصات نشر : قم: الماس، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۳۰۳ص.

شابک : : ۹۶۴۷۷۵۳۳۴۹ : ۱۵۰۰۰ریال.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی

یادداشت : چاپ دوم.

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۳۰۶۰۲

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

نقش فکر و اندیشه در تکامل انسان

افکار و اندیشه های ارزنده و بزرگ ، نقش بسیار مهمّی در تکامل انسان دارند ؛ بشر می تواند با افکار عالی و ارزشمند پایه های رکود را شکسته و به سوی اهداف عالی گام برداشته و آن را به دست آورد ؛ همان گونه که افکار زشت و ناپسند در تباه شدن عمر انسان نقش عجیبی دارد و بسیاری از انسان ها بر اثر اندیشه های آلوده و خطرناک ، خود و دیگران را به گمراهی و تباهی کشانده اند .

این قانونی است که در جهان خارج و در دنیای درون ما حکومت می کند ؛ اگر ضمیر خود را با افکار نیک و پسندیده بارور کنیم ، از نردبان ترقّی بالا می رویم و اگر آن را با فکر گناه و اندیشه فاسد و آلوده پر کنیم وسیله سقوط خود را فراهم می سازیم .

همان گونه که زمین خشک را می توانیم با آبیاری و تلاش به باغ و گلستان تبدیل کنیم و نیز می توانیم او را رها سازیم تا خارستان شود ؛ ضمیر خود را نیز می توانیم سرشار از افکار ارزشمند و پر ثمر نماییم یا نفس خود را رها ساخته و در افکار فاسد ، آلوده و منفی غوطه ور شویم.

پس ما می توانیم با کنترل افکار و

طرد انـدیشه های شـیطانی و نفسانی ، نه تنها از غوطه ور شـدن در اندیشه های کوچک و شخصـی دست برداریم ، بلکه نفس خود را به سوی اندیشه های بزرگ ، ارزشمند و جهانی بسیج نماییم .

عالی ترین اندیشه ها ، در انتظار نهفته است

آری ؛ اکنون همه دانشمندان آگاه می دانند که فکر و اندیشه انسان ، در حیات و زندگی او بسیار مؤثّر است .

انـدیشه های منفی انسان را یک فرد منفی بار می آورد و اندیشه های مثبت شخصـیّتی سازنده و مفید برای انسان به ارمغان می آورد .

اندیشه های کوتاه ، آدمی را محدود به زمین و زمان معیّنی می سازد و اندیشه های بلند، انسان را بر فراز اعصار و زمان ها قرار می دهد و سرزمین های دیگر را تحت تأثیر افکار و اندیشه های او قرار می دهد .

در زمینه تکاملِ انسان ، چه فکری می تواند از اندیشه در پیرامون تکامل جهان هستی و نجات همه انسان ها ، کاملتر و مثبت تر باشد ؟ و چه اندیشه ای می تواند ، بهتر از اندیشیدن درباره عصر ظهور و تکامل جهانی ، انسان را به تکامل برساند ؟

میلیاردها انسانی که در سراسر جهان زندگی می کنند ، هر کدام که با افکار و اهداف شخصی زندگی می کنند و در حفظ و حراسـت و پیشـرفت خـویش می کوشـند - اگرچـه دارای هـدف خـوبی باشـند - از افکـار کوتـاه و انـدیشه هـای کـوچک برخوردارند ؛ زیرا هر انسانی با مقایسه با همه مردمان جهان و همه موجودات عالم هستی بسیار کوچک است .

کسی که می تواند فکر و اندیشه خویش را گسترش داده و درباره پیشرفت عالم هستی بیندیشد ، اگر فقط برای ترقّی خود و یا خانواده اش بیندیشد ، آیا در افکار کوتاه غوطه ور نشده و به اندیشه های کوچک نپرداخته

است ؟!

چرا انسانی که می توانـد بر اساس راهنماییهای حیاتبخش خاندان وحی علیهم السـلام درباره نجات عالم هستی بیندیشد و فکر خود را در راه پیشـرفت و تکامل مردم سراسـر جهان پرورش دهد ، از آن ها غفلت ورزیده و تنها به فکر نجات خویشـتن باشد ؟!

آیا فکر و اندیشه برای کمک و نجات یک تن و یا مردم یک سرزمین بهتر است ، یا برای نجات همه انسان ها در سراسر نقاط جهان ؟

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند :

أَبْلَغُ ما تستدرُّ به الرَّحمه أن تُضمَر لجميع الناس الرَّحمه . (۱)

رسانـنـده ترین (و مـؤثّرترین) چیزی که رحمتِ (الهی) به وسـیله آن جـاری می شـود ، این است که رحمت برای همه مردم در خاطر داشته شود .

بنـابراین ، نجـات و رهاشـدن از گرفتاری را ، نه برای یک فرد و یک گروه و نه برای یک ملّت و یک کشور ، بلکه برای همه مردمان جهان بخواهید ، و نجات عالم فقط با ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه و در دولت کریمه آن حضرت واقع می شود .

در اندیشه ظهور

فکر و اندیشه درباره فرا رسـیدن روزگار پرشـکوه حکومت خاندان وحی علیهم السـلام که جهان و جهانیان را از فروغ تابناک ولایت الهی روشن نموده و همگان را با رشد و جهشِ فراگیر به سوی برترینها رهنمون می شود، بسی سرورآفرین و حیاتبخش است .

روزگاری که نشانی از فقر و تنگدستی ، زور و تزویر و پستی در صحنه گیتی وجود ندارد و پرچم عدالت و انسانیّت در سراسر جهان هستی به اهتزاز درمی آید .

روزگاری که خرسندی و خشنودی همه مردمان جهان را فرا می گیرد ، به گونه ای که هیچ گونه فرد ناراضی

و ناراحت از حکومت وجود نخواهـد داشت و جامعه بشـریّت در آن زمـان - از هر گروه و قـبیله و از هر نژاد و ملّت - از حکومت عدلِ الهی آن حضرت خشنود و خوشحالند ، و در کمال خرسندی به حیات تازه و زندگی پیشرفته ای که سراسر جهان را در آن زمان فرا می گیرد، ادامه می دهند.

در حکومت جهانی حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه آنچنان بساط شادی گسترده می شود که حتّی گفتگو درباره آن روزگار ، آدمی را به نشاط می آورد و خاطره های رنج آور و تلخ زندگی را - اگر چه برای مدّتی کوتاه - به دست فراموشی می سپارد .

آشنا شدن با ویژگی های روزگار پرشکوه ظهور ، آنچنان قلبهای پاک طینتان و افکار انسان های اصیل را جذب می نماید که برای فرا رسیدن آن عصر فرخنده لحظه شماری می کنند و با قلبی آکنده از مهر و صفا خواستار هرچه زودتر فرا رسیدن آن روزگار فرخنده از خداوند مهربان می شوند .

زیرا می دانند با تشکیل حکومت الهی حضرت مهدی ارواحنا فداه و با به قدرت رسیدن دولت فاطمی ، دیگر غم به خانه ای راه نخواهد یافت و اشک کودکان یتیم در دامان مادران نخواهد ریخت ، در آن زمان خون انسان های ستمدیده ، صحنه گیتی را رنگین نخواهد نمود و کودکان بی گناه با پیکر بی روح پدران خود رو به رو نخواهند گشت . در آن زمان .....

ولی در این زمان جامعه بشریّت بر اثر پیشرفت علم و تمدّنِ یک بُعدی و رکود مسایل واقعی و معنوی ، با دست خویش بدبختی و تبه کاری را برای خود فراهم ساخته است و دژخیمان زراندوز استعمارگر ، آنان را به سوی لهیب سوزان آتش

رهبری می کنند و تهدید زورگویان جهان ، افق های تیره بی شماری را به روی مردمان گشوده است .

در این دوران کیست که خاطری آسوده داشته باشد ؟! کیست که راحت باشد ؟! کیست که در کاروان اشک ، در کوه غم و در صحرای حسرت جایی نداشته باشد ؟!

آری ؛ مقرّرات برده ساز و انگیزه های شوم نظام های طاغوتی همچنان بر مردم حکمرانی می کند و از چشمه ساران عدالت خبری نیست ! و کشتارهای گروهی که تاریخ نظیر آن را سراغ ندارد به وقوع پیوسته و توده های انبوه بشر را در خاک و خون می کشد .

اسفناک تر آن که بازماندگان بر اثر کشتارهایی که خود با چشم خویش ناظر آن بوده اند و بر اثر گرسنگی ها و سختی های دیگر ، دل های شان مرده و نشاط ، آرامش و آسودگی خود را کاملاً از دست می دهند و به سوی راه صحیحِ نجات هدایت نمی شوند ؛ امّا سرانجام سروش غیبی مردمان را به سوی نظام عدالت و آزادی فرا می خواند .

سرانجام آن روز فرا خواهد رسید که مصلح بزرگ جهان از کنار کهن ترین معبد تاریخ ، نوای دلنوازش را به گوش جهانیان برساند و دیدگان آزمند توده های محروم به سیمای پرفروغ آخرین نماینده خدا روشن شود .

در آن روز نظام های طاغوتی که زالوصفت خون مردم را از شریان ها بیرون می کشند ، به دیار نیستی خواهند رفت و دیگر از دریاهای خون ، بیابان های ظلمت و کوه های غم خبری نیست .

خشنودی ، خوشحالی و خرسندی که در آن عصر همه مردمان جهان را فرا می گیرد ، اختصاص به پهنه گیتی ندارد بلکه افراد دیگری که در کرات دیگر و آسمان ها زندگی می کنند ، از حکومت

عدالت گستر حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه مسرور و خشنود می باشند .

نظم جهان در پرتو ظهور

تا کنون برای رهایی و نجات از این وضع آشفته و سامان بخشیدن به نظام زندگی مردم جهان ، افراد زیادی پروژه های اقتصادی فراوانی را عرضه نموده اند ، و گروه هایی به عنوان دفاع از حقوق بشر به بحث و گفتگو پرداخته اند ، و افراد بسیاری به عنوان دفاع از حقوق مردم و نجات افراد ضعیف قیام نموده و در طول تاریخ بشریّت خون میلیون ها نفر از مردم را به عنوان از بین بردن ظلم به زمین ریخته اند ، ولی نه نظام زندگی مردمان جهان سامان یافته است و نه از نجات و رهایی افراد ضعیف خبری هست . کشتارها و جنایت هایی که بوده ، همچنان وجود دارد و همچنان ادامه خواهد داشت ؛ تا آن زمان که برنامه صحیح سامان یابی زندگی انسانها پیاده شود .

از نظر آگاهان از چگونگی آفرینش انسان ها و آنان که حتّی با اتم های وجودی هر انسان و هر موجودِ دیگر آشنا می باشند ، بشریّت در زمانی روی سعادت و نجات را خواهد دید که با رهبری صحیحی که با تمام اسرار وجود انسان و آفرینش بشر و نیازهای واقعی او آشنا است ، هدایت شود . و تا آن زمان که افرادی که نه تنها از شناخت دیگران ، بلکه از شناخت وجود خود و نیازهای واقعی جسم و جان خویش بی خبرند بر مردمان حکومت می کنند ، نظام زندگی انسان ها سامان نیافته و نخواهد یافت و همچنان فرهنگی نابرابر و ظالمانه بر مردمانِ جهان حکومت خواهد نمود .

از نظر مکتبِ ما ، باید یک حکومتِ عدل جهانی بر تمام کره

خاکی حکومت کند و اقتدار و ولایت او آن چنان گسترده و عمیق باشد که برای پیاده کردن دستورات حکومتی خویش از نیروی های فوق العاده ولایی برخوردار باشد ؛ نه آن که برای بقاء حکومت خود بر اثر ضعف و کمبود مجبور به ظلم و ستم و خونریزی باشد .

از نظر مکتب خاندان وحی علیهم السلام ، گشایش و نجات جهانیان در صورتی انجام خواهد گرفت که اولیاء خداوند – که دارای ولایت و قدرت های مافوق بشری هستند – نظام امور مردم را در دست گیرند و با استفاده از اقتدار و شناختی که نسبت به نیازهای جامعه دارند ، مردم را رهبری و هدایت نمایند ؛ و گرنه تباهی ها همچنان ادامه خواهد یافت و جهان و جهانیان را آلوده و گرفتار خواهد ساخت .

امام صادق علیه السلام – در یکی از زیارت های روز عاشورا – به عبداللّه بن سنان فرمودند : بگو :

أَللّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَکَ ضائِعَهٌ ، وَأَحْکامَکَ مُعَطَّلَهٌ ، وَعِتْرَهَ نَبِیِّکَ فِی الْأَرْضِ هائِمَهٌ . أَللّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ ، وَاقْمَعِ الْباطِلَ وَأَهْلَهُ ، وَمُنَّ عَلَیْنا بِالنَّجاهِ ، وَاهْدِنا إِلَی الْإیمانِ ، وَعَجِّلْ فَرَجَنا ، وَانْظِمْهُ بِفَرَجِ أَوْلِیائِکَ ، وَاجْعَلْهُمْ لَنا وُدّاً ، وَاجْعَلْنا لَهُمْ وَفْداً .(۲)

خداوندا ؛ سنّت تو ضایع شده و احکام تو جاری نمی گردد و عترت پیامبرت در زمین سرگردان می باشند .

خداوندا ؛ حقّ و اهل حقّ را یاری نموده و باطل و اهل آن را ریشه کن نما . و با نجات بر ما منّت گذار و ما را به سوی ایمان هدایت فرما و فرج ما را تعجیل نموده و با فرج اولیاء خودت سامان ده و آنان را برای

ما دوستِ نزدیکْ قرار ده و ما را بر آنان با شوکت وارد بگردان .

بنـابراین ، گشـایش و نجات ما در صورتی تحقّق یافته و نظم و سامان می یابـد که برای اولیاء خداونـد فرج و ظهور واقع شود . پس ظهور و پیاده شـدن حکومت عـدل خاندان وحی علیهم السـلام ، نجات بخش ما ، سامان دهنده وضع ما و وسـیله گشایش کار ما می باشد ؛ زیرا ممکن نیست جامعه بشـری در آسایش بوده و راه ها برای مردم گشوده باشد ، ولی آنان که گشایش ها و آسایش ها با نگاه کیمیا اثر آنان انجام می پذیرد ، در غیبت و ناراحتی به سر برند .

پس بایـد - همـان گونه که در این زیـارت آمـده است - از خداونـد مهربان بخواهیم که او زمان گشایش و رهایی ما را که با ظهور اولیاء خودش قرار داده برساند و به امور ما نظم و سامان دهد ، و ما را از یاوران آن بزرگواران که سرانجام سراسر جهان را از گرفتاریها رها ساخته و اوضاع آشفته آن را سر و سامان خواهند بخشید ، قرار دهد .

ما بایـد توجّه داشـته باشـیم که جهان اگرچه بر طبق اسـباب طبیعی سـیر می کند ؛ ولی این ، به آن معنی نیست که جریان تمام امور به دست اسـباب سپرده شـده و از ماورای طبیعت آثاری مشاهده نمی شود؛ بلکه عوامل غیبی دارای نقش بسـیار مهمّی در واقع شدن کارها می باشند و کاملاً مراقب اسباب ظاهری هستند .

اگرچه اکنـون در ظـاهر جهـان در دست عوامـل طـبیعی است و نقش عـالم غیب بر عمـوم مردم ناشـناخته بـاقی مانـده و به آن توجّهی ندارند ؛ ولی در

روزگـار ظهور که عصـر آشـکار شـدن عوامل واقعی جهان آفرینش است ، انسان ها با جهش به سوی شـناخت عوامل ماورای طبیعت، دلبسـتگی خود را به اسـباب و عوامل طبیعی کنار می نهند ، و از نقش و تأثیر عالم غیب در جهانِ هستی آگاه خواهند شد .

گرایش آنان در آن روزگار پرشـکوه به سوی عالم غیب نه تنها باعث پیشـرفت شـگفت انگیزشان در شـناخت امور معنوی می شود بلکه از جنبه های طبیعی نیز گام های فوق العاده ای برخواهند داشت که تمدن کنونی در برابر آن بسیار ناچیز است .

و با همه پیشـرفت هایی که در امور طبیعی خواهند داشت ، بر اثر معرفت ، شناخت و آگاهی آنان از حقایق جهان هستی ، هیچ گـاه جهـان را جهـان اسـباب و دنیـا را فقط دنیای ابزار مادّی نمی داننـد ، بلکه بر اثر فراگیرشـدن آشـنایی مردم با مقام نورانی حضـرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فـداه با دید دیگری به جهان می نگرند و با عنایات خداوند بزرگ ، آن حضـرت را امیر عالم هستی دانسته و ولایت آن حضرت را در همه امور طبیعی و غیر طبیعیِ عالم ، گسترده می بینند .

آشنایی با مقام امام زمان عجّل اللَّه تعالی فرجه

یکی از راه های مهمّ افزایشِ معرفت و آشـنایی با مقام رفیع حضـرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه ، شـناخت و آشـنایی با نقش وجود آن حضرت در جهانِ هستی و نظام عالم آفرینش می باشد .

اگر ما بدانیم که آن بزرگوار محور عالم می باشـند و بر اساس مقام خلیفهاللّهی ، آن حضـرت نه تنها جانشین خداوند در عالم مـا ؛ بلکه در سراسـر عالم هستی و همه کهکشان ها و سـحابی ها و حتّی حاکم بر ملائکه ای که حامل عرش الهی می باشـند ، هستند ؛

معرفت ما به شأن و مقام عظیم آن حضرت بیشتر می شود و مهر و علاقه و دوستی و محبّت ما به آن بزرگوار افزایش می یابد .

آن گاه متوجّه می شویم که چگونه تاکنون از امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف غافل بوده و از توجّه به ساحت مقدّس آن حضرت که امام حیّ و موجود می باشند ، غفلت ورزیده ایم !

ائمّه اطهار علیهم السلام که خلفاء الهی و جانشین خداوند در عالم خلقت و جهانِ هستی می باشند ، در میان کلمات و گفتار خود - برای نشان دادن عظمت مقام حضرت صاحب الأمر عجّل اللّه تعالی فرجه و توجّه مردم به نام و یاد آن بزرگوار - تجلیل های جالبی نموده اند .(۳)

به عنوان نمونه حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند :

یکون هذا الأمر فی أصغرنا سنّاً ، وأجملنا ذکراً ، ویُورِثُه اللّه علماً ، ولایَکِلُه إلی نفسه .(۴)

این امر (اصلاح جهان) توسّط کسی است که در میان ما ائمّه از نظر سنّ (در هنگام رسیدن به مقام امامت) از همه کوچکتر است و یادش از همه ما نیکوتر است و خداوند علم را به ارث به او می دهد و او را به خود وانمی گذارد .

یاد همه ائمّه طاهرین علیهم السلام جمیل و نیکو است ولی چرا یاد آن حضرت از یاد همه ائمّه اطهار علیهم السلام جمیلتر و نیکوتر است ؟! زیرا همه کوشش ها و جانفشانی هایی که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و ائمّه اطهار علیهم السلام نمودند ، به وسیله آن حضرت به نتیجه می رسد و دستاورد همه شهامت ها و شهادت های اهل بیت علیهم السلام با دستان پرقدرت آن بزرگوار به دست می آید .

نتیجه

رسالت حضـرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و امامت ائمّه اطهار علیهم السلام ، توسّط آن حضرت در میان امتّ ظاهر می شود ، پس یاد آن حضـرت و یاد ظهور آن بزرگوار ، یاد رسول خدا صـلی الله علیه وآله وسـلم و یاد همه ائمّه اطهار علیهم السلام است .

کسـی که به یاد آن حضـرت و به یاد عصـر حکومت حضرت ولیّ عصر عجّل اللّه تعالی فرجه باشد ، در یاد ثمره همه کوشش هایی است که آن بزرگواران انجام دادند . پس یاد آن حضرت ، یاد همه امامان معصوم علیهم السلام می باشد .

آری ؛ یاد اجملِ جمال جمیل آن بزرگوار ، یاد جمیل جمال جمیل همه امامان معصوم علیهم السلام می باشد .

آشنایی با عصر درخشان ظهور

بایـد متوجّه باشـیم همـان گونه که تـاکنون از یـاد حضـرت بقیّه اللّه الأـعظم ارواحنـا فـداه غفلت ورزیـده ایم از آشـنا شـدن با چگونگی عصـر رهایی نیز کوتاهی کرده ایم . ما باید توجّه داشـته باشـیم ، آشـنایی با عصـر درخشان ظهور و شـناخت ویژگی هـای شـگفت انگیز آن روزگـارِ پرشـکوه ، ارزش و اهمیّت دین را در نزد آشـنایان بـا عصـر ظهـور افزون نموده و معتقـدان به مکتب اهل بیت علیهم السـلام ، به خاطر آشنا شدن با دوران شکوهمند حکومت آسمانی حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه ، به درجات ایمان و اعتقاد خود می افزایند .

بنابراین آشـنا شـدن مردم با روزگار فرخنده ای که حکومت الهی بر سراسـر جهان فرمانروایی می کند ، آشـنا شدن با فرهنگِ علوم و معارف ارزشمند خاندان وحی علیهم السلام است .

شناخت عصر ظهور نسبی است

به این نکته توجّه داشته باشیم که دوران شکوهمند ظهور آنچنان باعظمت است که ما توانایی آن را نداریم که آن را آن گونه که سزاوار است ترسیم کنیم و آنچه در این کتاب نوشته ایم الفبایی ناتمام از عصر پرشکوه ظهور است .

کسـی که خود در غیبت زاده شـده و در آن به سـر برده و عظمت عصـر ظهور را ندیده و شـیرینی های آن عصـر پرحلاوت را نچشیده است ، چگونه می تواند روزگار پرشکوه ظهور را - آن گونه که واقع خواهد شد - ترسیم نماید ؟!

بنابراین ، همان گونه که شـناخت و معرفت ما از مقام امام عصـر ارواحنا فداه نسبی است ، آشـنایی با شـگفتی های عصر ظهور نیز نسبی است .

آری ؛ تا روزگاری که ما در عصر درخشان ظهور نباشیم و جریانات آن روزگار پرشکوه را با دیدگان خود نبینیم ،

نمی توانیم به گونه شایسته و کامل به توصیف و بیان چگونگی های آن زمان بپردازیم ؛ ولی با این همه ، به شرح نکته های مهمّی که از بیانات خاندان وحی علیهم السلام استفاده می شود ، می پردازیم ؛ تا قلب خود را با یاد آن روزگار خجسته ، صفا بخشیده و شاد نماییم .

همان گونه که گفتیم آگاهی ، معرفت و شناخت عصر ظهور - آن گونه که خواهد بود - برای ما ممکن نیست ؛ زیرا کسی که در زندان غیبت به سر برده و طعم و شیرینی ظهور را نچشیده و نورانیّت آن را ندیده ، چگونه می تواند با دیدگانی بسته ، روشنایی عصر ظهور نور را ببیند ؟ و چگونه می تواند نور و روشنایی و نیز حلاوت و شیرینی آن را برای دیگران تعریف کند ؟

بدیهی است تا وقتی که از زندان غیبت رهایی نیابیم و عصر ظهور را درک نکنیم ، نمی توانیم عظمت آن روزگار پرشکوه را - که علم و آگاهی ، عدالت و توانایی سراسر گیتی را فرا می گیرد - به گونه کامل دریابیم .

یقین داشته باشید تا کسی آن زمان شکوهمند را نبیند از شیرینی و جذّابیّت آن به گونه کامل و شایسته خبر نخواهد داشت .

اگر در این کتاب با مطالب شگفت انگیز و تازه رو به رو شدید ، با دیده انکار به آن ننگرید که آنچه در این کتاب است نمی از یمِ پهناور عصر ظهور است .

اگر از گزارشات ما درباره آن روزگار فرخنده شگفت زده شدید و قدرت ها و توانایی های مردمان عصر ظهور شما را به شگفتی واداشت ، بدانید آنچه را که بیان کرده ایم ترسیمی کوتاه

از سیمای واقعی عصر ظهور است ؛ زیرا ترسیم آن زمان به گونه کامل ، برای ما ممکن نیست . اندکی بردباری و شکیبایی را پیشه خود سازید و بدانید آنچه را درباره روزگار پرشکوه ظهور بیان کرده ایم به مقدار برداشت ما می باشد و گرنه »عنقا را بلند است آشیانه« !

گفتم همه ملکِ حسن سرمایه تست

خورشید فلک چو ذرّه در سایه تست

گفتا غلطی زمان شان نتوان یافت

از ما تو هر آنچه دیده ای پایه تست

برای اثبات این مطلب گفتار خود را با روایتی از شکافنده علوم اوّلین و آخرین ، حضرت امام باقر علیه السلام از کتاب »بحار الأنوار« زینت می بخشیم :

قلت لأبی جعفر علیه السلام : إنّما نصف (صاحب) هذا الأمر بالصفه الّتی لیس بها أحد من الناس .

فقال : لا واللَّه لایکون ذلک أبداً حتّی یکون هو الّذی یحتجّ علیکم بذلک و یدعوکم إلیه .

بیان : قوله »بالصفه الّتی لیس بها أحد« أی نصف دوله القائم وخروجه علی وجه لایشبه شیئاً من الدول ، فقال علیه السلام : لایمکنکم معرفته کما هی حتّی تروه ...(۵)

به امام باقر علیه السلام عرض کردم : ما (صاحب) حکومت الهی را به طوری توصیف می کنیم که هیچ یک از مردم دارای آن صفت نیستند .

حضرت فرمودند : نه به خدا سوگند ؛ این گونه که شما می گویید نیست ، تا آن که او خود به آن احتجاج نموده و شما را به سوی آن فرا خواند .

مرحوم علّامه مجلسی در توضیح این روایت می گوید : ما حکومت حضرت مهدی صلوات اللَّه علیه و قیام او را به گونه ای توصیف می کنیم که هیچ یک از دولت ها شبیه آن نیست .

امام

علیه السلام فرمودند : شناخت آن روزگار ، آن گونه که خواهد بود ، برای شما ممکن نیست تا این که آن دوران را ببینید .

بنابراین هر چند دارای اندیشه ای بس بالا و ارزنده درباره عصر ظهور باشیم ، باز هم آن دوران شکوهمند را آن گونه که واقع خواهد شد ، نمی توانیم بشناسیم و قدرت شناخت آن روزگار پیشرفته و تکامل یافته را نداریم .

آری ؛ آینده جهان آنچنان نورانی و درخشان است که دیدگان ما اکنون قدرت دیدن آن را ندارد ، و آنچنان بر افقی بلند قرار دارد که افق فکری ما از درک کامل آن عاجز است . با اینهمه ما همه باید با تمام وجود در فکر فرارسیدن آن روزگار نورانی باشیم ؛ زیرا که هر انسان پاک و فرهیخته در انتظار آن روز تابناک و فرخنده است .

ما باید با آنان گام برداریم و در راهی که آنان تلاش می کنند ما نیز کوشش کنیم ؛ زیرا حالت انتظار نه تنها در بردارنده بهترین نوع فکر و اندیشه است ؛ بلکه بهترین جهاد و کوشش ، و بافضیلت ترین کار و عمل است .

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

أفضل جهاد اُمّتی إنتظار الفرج . (۶)

برترین جهاد امّت من ، انتظار فرج است .

و امام جواد علیه السلام فرمودند :

أفضل أعمال شیعتنا ، إنتظار الفرج . (۷)

بافضیلت ترین کارهای شیعیان ما ، انتظار روز رهایی است .

این است ارزش روز رهایی از دیدگاه خاندان وحی علیهم السلام .

هدف از نگارش کتاب

هدف ما از نگارش این کتاب - که درباره مسأله ای بس بزرگ و باعظمت نگاشته شده - نه فقط برای آشنا شدنِ

نسبی مردان و زنان پیرو مکتب خاندان وحی علیهم السلام با بزرگترین مسأله حیاتی جهان است ، بلکه هدف از آن - علاوه بر آگاهی نسبی آنان - کار و تلاش برای فرا رسیدن آن روزگار فرخنده و اجرا شدن حکومت دولت کریمه خاندان رسالت می باشد .

بنابراین ، از هم اکنون که خواندن این کتاب را آغاز نموده اید تصمیم بگیرید نکات مهمّی را که در آن می یابید ، به خاطر بسپارید و درباره آن فکر کنید و با اراده قوی برای آشنا شدن دیگران با آن ها تلاش کنید ؛ زیرا علم و آگاهی اگر همراه با کار و فعّالیّت نباشد ، سازنده نیست .

بنابراین هدف از نگارش این کتاب نه تنها دانستنِ خوانندگان ، بلکه برانگیختن آنان برای آماده شدن و حرکت به سوی بزرگترین امر حیاتی جهان است که آثار عظیم آن نه تنها دنیای درون و برون انسان و نیز تمامی جهان را دربر می گیرد ، بلکه از عالمِ ما فراتر رفته و عوالم دیگری را نیز (۸) فرا می گیرد .

تذکّر لازم

بحث درباره عصر ظهور که دوران شکوفایی قدرت ها و توانایی های انسان و نظم و سامان یافتن جهان است ، آنچنان سرورآفرین و دلربا است که قلم تاب آرامش و باز ایستادن از حرکت ندارد ؛ به این جهت نویسنده به قلمفرسایی پرداخته و با مدد و کمکِ خاندان وحی علیهم السلام گفتار آن بزرگواران را درباره آن عصر درخشان به چند عنوان تقسیم نموده است :

۱ - گفتار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آینده جهان .

از آنجا که فرموده های امیرالمؤمنین حضرت علیّ بن ابی طالب علیه السلام فراوان و نکته های بسیار مهمّی در

آن وجود دارد ، نیاز به کتاب ، بلکه کتاب های مستقلّی دارد ؛ به این جهت گفتار آن بزرگوار در نوشته ای جداگانه گرد آمده است .

۲ - گفتار خاندان وحی علیهم السلام درباره جهان در آستانه ظهور و آغاز دولت کریمه حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف و چگونگی تسخیر جهان و نکته های جالبی درباره اصحاب و طلایه داران عصر ظهور ، که این روایات نیز در عنوان جداگانه ای در دست تألیف است .

۳ - فرموده های خاندان وحی علیهم السلام پیرامون دولت کریمه امام زمان ارواحنا فداه و حکومت جهانی آن حضرت (کتاب حاضر) .

این نوشته اگر از ثوابی برخوردار باشد آن را به »ملیکه« × دوسرا حضرت »نرجس« × خاتون علیها السلام اهداء نموده ، امیدوارم با توجّه آن بانوی بزرگوار ، قلب این ناچیز از زنگار گناه »صیقل« × داده شده تا بتواند با نوشتن این سطور مورد عنایت حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه قرار گرفته و در نتیجه این اثر ناقابل ، قلب های بی شماری از پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام را که در عصر غیبت همچون گله ای بی شبانند ، تحت تأثیر قرار داده و شور و شوق آنان را به آینده جهان و دولت کریمه امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه برانگیزد .

امیدوارم با فرارسیدن آن دوران پرشکوه که عصر حکومت »طاووس جنّت« است ، »ریحانه« × بهشت شادمان گشته و سراسر گیتی را سرور و شادی فرا گرفته و با طنین صوت عدالت در جهان ، »سوسن« × و سرو و سنبل لباس عزّت بپوشند تا همگان بدانند »بهترین کنیزانِ« × (۹) عالم اگرچه زمانی لباس اسارت

پوشیده انـد و یـا شایسـته ترین انسـان هـا از مقـام والا ـ و حقّ عظیم خود محروم گشـته انـد ، ولی آنان مهتران مردمان جهان و بزرگان زمین و زمان اند .

آری ؛ در آن زمـان که صـاحب امر و فرمـان و ولیّ زمین و زمـان ، قـدرت ولا ـیت خویش را بر خرد و کلان آشـکار نمایـد ، همگان خواهند دانست که زمین و هفت آسـمان بلکه از فرش تا عرش و... در تحت سـیطره قدرت شگفت انگیز خاندان وحی علیهم السلام است .

و اگر زمـانی رسن بر گردان آنـان افتـاده و توسن خلا ـفت را رهـا سـاخته انـد ، نه از بـاب عـدم قـدرت ، بلکه برای آنست که همگـان بداننـد که فرعون و هامـان را لیاقت ولایت نیست و جبت و طاغوت قـدرت خـدایی ندارنـد و اگر قارون گنجی عظیم نهفته دارد سرانجام از آن جدا می گردد و اگر شدّاد بهشتی در زمین بسازد پای در آن نخواهد گذارد .

آنان سـرانجام بر اثر سـرشت ناپاک خود دست از هستی کشـیده و پای در کام نیستی خواهند گذارد و زمین ، پاک از ناپاکان می شـود . در آن زمـان دیـو و ددی نخواهـد مانـد که داد و بی داد نموده و فریـاد برآورد و شـریر و شـروری نخواهـد بود که شرارت پیشه نموده ، شرم نورزد و حلقوم دیگران را بیافشارد .

در آن زمان ، حکومت از آنِ صالحان است و طالحان را از آن نصیبی نیست .

مرتضی مجتهدی سیستانی

(۱)

عدالت

عدالت ؛ آرمان پیامبران بزرگ

مسـأله عـدالت و پابرجـایی آن در میـان جـامعه بشـریّت ، آنچنان ضـروری و مهمّ است که خداونـد بزرگ بعثت همه پیامبرانِ مرسل و نازل کردن کتاب های آسمانی را به آنان برای اجرای عدالت در

میان امّت ها و ریشه کن شدن ظلم و ستم از میان آنان بوده است .

خداوند در سوره حدید می فرماید :

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَأَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَالْميزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... . (۱۰)

همانا ما رسولان خود را با ادلّه و معجزات فرستادیم و برای شان کتاب و میزان نازل نمودیم تا مردم به عدالت رفتار نمایند... .

بنابراین هدف از رسالت پیامبران مرسل و نازل شدن کتاب های آسمانی بر آنان ، اقامه عدل و داد در میان جامعه بوده است که متأسّفانه با کارشکنی های قابیلیان از همان ابتداء تاکنون و تا قبل از قیام و حکومت حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی فرجه ، عدل و داد بر جامعه بشریّت حکومت نکرده است .(۱۱)

عدالت در جامعه یا جامعه عادل ؟!

جالب توجّه است که در آیه شریفه ، هدف از رسالت پیامبران و فرستادن کتاب های آسمانی را تشکیل جامعه دادپرور قرار داده است که آنان خود به عدل و داد رفتار نمایند نه آنکه فقط حکومت الهی در میان آنان عدالت را اجرا نماید .

گسترده شدن بساط عدالت در میان مردم و گرایش امّت ها به عدل و داد ، آرمان پیامبران بزرگ الهی است که دولت الهی حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه به آن جامه عمل می پوشاند و با حکومت عادلانه آن حضرت در سراسر گیتی و در میان تمامی جوامع بشری ، آرزوی پیامبران خدا تحقّق یافته و رنج ها ، تلاش ها ، کوشش ها و زحمت هایی که آن بزرگواران در راه ایجاد حاکمیّت عدل و داد در میان مردم متحمّل شده اند ، به نتیجه می رسد .

در آن عصر شکوهمند ، پرونده ستمگران بسته خواهد شد و به حیات آنان خاتمه داده خواهد

شد .

در آن روزگار فرخنده ، پرچم های کفر و ضلالت سرنگون گشته و طومار زندگی آنان بسته خواهد شد .

در آن عصر رهایی ، همه مظلومان جهان از دست ستمگرانِ عالم نجات یافته و نظام زندگی انسان ها تغییر یافته و حیاتی تازه می یابند . و به این گونه آرمان های عالی پیامبران الهی و خاندان وحی علیهم السلام تحقّق یافته و پس از گذشت قرن ها در جهان عملی می شود . و به همین دلیل حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه موعود همه امّت ها هستند .

به این جهت در زیارت آن حضرت می خوانیم :

السّلام ... علی المهدیّ الّذی وعد اللّه عزّ وجلّ به الاُمم . (۱۲)

سلام بر مهدی که خداوند امّت ها را به ظهور و حکومت او وعده داده است.

عدالت در عصر ظهور

تحوّل عظیم جهانی در حکومت عدلِ حضرت صاحب الزمان عجّل اللّه تعالی فرجه آنچنان مهمّ و حیاتی است که نه تنها در سراسر جهان ستمگران و بدعت گزاران نابود شده و از میان برداشته می شوند ؛ بلکه آثار ظلم و بدعت هایی که آن ها مرتکب شده اند نیز از بین خواهد رفت .

این نکته ای است بسیار مهمّ و درک آن ، نیاز به فکر و اندیشه دارد . تاکنون ستمگران و بدعت گزاران چه نقشه های شومی را در جهان پیاده کرده اند؟! و چگونه کمبودهای اقتصادی و همچنین فقر معنوی و فکری را بر مردم تحمیل نموده اند ؟!

چه تحوّل بزرگی باید در جهان واقع شود تا به همه این جنایت ها پایان دهد و عدل و عدالت را جایگزین آن نماید؟!

در روزگار رهایی و عصر نجات ، جهان به چه صورتی خواهد بود که نه تنها از ستمگران بلکه از آثار ستم آنان

نیز نشانی نخواهد بود؟

ما برای ترسیم نمودن آن عصر تکامل و حیات ، نیازمندِ فکر و اندیشه ای پرتوان هستیم تا بتوانیم هاله هایی از نور و درخشندگی عصر ظهور را در ذهن خود ترسیم کنیم .

نکته ارزنده ای را که در اینجا طرح کرده ایم این است که در عصر حکومت عدل حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه ، حتّی آثار بدعت ها و ستمگری ها برچیده شده و نشانی از آن ها دیده نخواهد شد و این حقیقتی است که آن را از مکتب خاندان وحی علیهم السلام آموخته ایم .

حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند :

هذه الآیه : اَلَّذینَ إِنْ مَکَّنّاهُم ... (۱۳) نزلت فی المهدیّ وأصحابه ، یملکهم اللَّه مشارق الأرض ومغاربها ، ویظهر اللَّه بهم الدّین حتّی لایری أثر من الظلم والبدع .(۱۴)

این آیه شریفه : »کسانی که اگر قدرت و تمکّن به آن ها بدهیم ...« ، درباره حضرت مهدی و یاوران او نازل شده است .

خداوند آنان را مالک مشرق ها و مغرب های زمین قرار می دهد و به وسیله آنان دین را ظاهر می سازد تا این که اثری از ظلم و بدعت دیده نشود !

آیا تا آن زمانِ حیاتبخش را نبینیم ، می توانیم جهان را - آن گونه که خواهد بود - درک کنیم ؟

گسترش عدالت

همان گونه که می دانیم عصر شکوهمند ظهور ، عصری است سرشار از عدل و عدالت . و همان گونه که از گفتار خاندان وحی علیهم السلام نقل کردیم اثری از ظلم و ستم باقی نمی ماند و کمبودها ، کاستی ها و همه گونه فقر و نیاز که از سوی ستمگران بر مردمان جهان تحمیل شده است ، نه تنها برطرف می شود بلکه جبران می گردد

.

در سراسر جهان ، پرچم عدالت به اهتزاز درمی آید و همه مظلومان عالم از زیر یوغ زورگویان نجات می یابند. حکومت عدلِ حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه سایه رحمتِ عدالت را بر سر تمامی مردم در سراسرِ گیتی می گستراند .

نه تنها در دستگاه حکومت و نه تنها در بازار و خیابان و تجارتخانه ها بلکه در اندرون خانه ها و در هر گوشه ای از آن ها ، عدل و عدالت وجود دارد و نشانی از ظلم و زورگویی وجود نخواهد داشت .

عدالت همانند یک انرژی پرتوان همه جا حتّی در گوشه خانه ها گسترده می شود که تنها عصر ظهور و زمان حکومت حضرت مهدی عجّل اللَّه تعالی فرجه که دارای عدلِ فراگیر است از آن برخوردار می باشد . و همان گونه که سرما و گرما در تمام اطراف خانه و زوایای آن داخل می شود ، عدل و عدالت آن حضرت نیز با یک قدرت عظیم ناشناخته ، همه مکان ها را فرا می گیرد .

حضرت امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند :

... أما واللَّه لیدخلنّ علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحرُّ والقرُّ . (۱۵)

حتماً و قطعاً عدالت آن حضرت در میان خانه های آنان وارد می شود ، همان گونه که گرما و سرما وارد می شود .

حال ممکن است این پرسش در نظر آید که چگونه ممکن است عدالت همچون انرژی و حرارت که اتاقی را فرا می گیرد در سطح جهان جای گیرد و زور و ستم از صفحه گیتی رخت بربندد ؟ اگر مردمان عصر تکامل همچون مردمان عصر ما باشند ! آیا ممکن است عدالت بر همه جا حاکم شود و زور و تزویر زورگویان ، دیگران را

به زنجیر نکشد ؟!

در پاسخ باید گفت : تا وقتی که جامعه بشریّت به فطرت سالم و اوّلی خود باز نگشته و عقل و اندیشه او به تکامل نرسیده باشد ، ممکن نیست انسان ها به یکدیگر ظلم نکنند و عدالت را در سراسر جهان، جایگزین زور و ستم نمایند!

به این جهت ، حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه برای استقرار بخشیدن حکومت عدلِ جهانی یک تحوّل اساسی در وجود همه انسان ها به وجود می آورند که با ایجاد آن ، جامعه بشریّت به تکامل راه یافته و با تمامی وجود از زور و زورگویی متنفّر شده و به سوی عدل و عدالت روی می آورد .

این تحوّل اساسی در صورتی تحقّق می پذیرد که در ساختمان وجود انسان ها تکامل ایجاد شود تا آن ها بر اثر پدیدار شدن تکامل و به راه افتادن اندیشه ها و دیگر قدرت های روحی و عقلی ، نفسِ امّاره آن ها دگرگون شده و با رها شدن از هوای نفس و خواسته های نفسانی ، بر تکامل خود بیفزایند .

عدالت در حکومت واحد جهانی

همان گونه که گفتیم حکومت عدلِ الهی حضرت مهدی ارواحنا فداه جهانی است و بر سراسر گیتی حکومت می کند ؛ به گونه ای که در هیچ نقطه زمین حتّی در میان بیابان ها و کوهستان ها هیچ قدرتی غیر از قدرت حاکمه آن حضرت ، حکومت نمی کند و تمامی جهان در دولت شریفه آن بزرگوار سرشار از عدالت و برخوردار از دانش و بینش است .

در زیارت آن حضرت در سرداب مقدّس چنین می خوانیم :

... وَتَجْمَعَ بِهِ الْمَمالِكَ كُلَّها ، قَريبَها وَبَعيدَها ، عَزيزَها وَذَليلَها ، شَرْقَها وَغَرْبَها ، سَهْلَها وَجَبَلَها ، صَباها وَدُبُورَها ، شِمالَها وَجُنُوبَها ، بَرَّها وَبَحْرَها

، حُزُونَها وَوُعُورَها ، یَمْلَأها قِسْطاً وَعَدْلاً ، کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً .

... و تمام مملکت ها را به وسیله او یکی کنی ؛ نزدیک آن را و دور آن را ، باعزّت آن را و زیردست و ذلیل آن را ، شرق آن را و غرب آن را ، دشت آن را و کوه آن را ، چراگـاه هـای آن را و بیابان های آن را ، شـمال آن را و جنوب آن را ، خشـکی آن را و دریـای آن را ، زمیـن هـای درشـت و برآمـده آن را و راه هـای سـخت و دشـوار آن را . همـه را پر از عـدل و داد می گرداند همان طور که پر از ظلم و جور و ستم شده باشد . (۱۶)

بنـابراین آن حضـرت تمـامی حکـومت هـا را بـه یـک حکـومت عادلانه تبـدیل می نماینـد و همه دولت هـای جهـان را - چه برخوردار از قدرت باشند یا نباشند ، در شرق باشند یا در غرب و دارای هر گونه شرایطی از لحاظ قدرت و توانایی باشند - در تحت لوای حکومت عادلانه خود درمی آورند و با فتح و گشایش شرق و غرب عالم و تشکیل حکومت واحد جهانی ، به همه حکومت های جهان پایان می بخشند .

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

الأئمّه من بعـدی اثنا عشـر ؛ أوّلهم أنت یا علیّ ، وآخرهم القائم الّذی یفتح اللّه تعالی ذکره علی یدیه مشارق الأرض ومغاربها . (۱۷)

امامـان بعـد از من دوازده نفرنـد ؛ اوّل آنـان تویی یا علی و آخر آنان قائم است که خداونـد - یادش بزرگ باد - با دسـتان او مشرق ها و مغرب های زمین را فتح می کند .

با فتح

و گشایش همه نقاط جهان در سراسر گیتی ، حکومت عدل الهی بر همه جا حاکم می شود و کوچکترین نمونه ای از ظلم و ستم در سراسر عالم باقی نخواهد ماند . به این دلیل ، حکومت عدالت پرور آن حضرت ، امید و آرزوی همه ستمدیدگان و افراد دردآشنای جهان است ، و در انتظار فرا رسیدن تنها دولتی که می تواند عدالت را در سراسر عالم احیاء نماید ، می باشند . در زیارت آن حضرت می خوانیم :

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْمُؤَمَّلُ لِإِحْیاءِ الدَّوْلَهِ الشَّریفَهِ .(۱۸)

سلام بر تو ای آن که برای زنده ساختن دولت شریفه ، مؤمّل و آرزو برده شده هستی .

حضرت امام باقر علیه السلام درباره عصر درخشان ظهور و فرا رسیدن زمان حکومت آن بزرگوار می فرمایند :

یظهر کالشّهاب ، یتوقّد فی اللیله الظلماء ، فإن أدرکت زمانه قرّت عینک .(۱۹)

همچون شهاب که در شب تاریک شعله ور می شود ، ظاهر می شود ؛ اگر زمان او را درک کردی دیده ات روشن شود .

همان گونه که در شب بسیار تاریک ، اگر شهابی درخشنده ظاهر شود توجّه همگان را به سوی خود جذب می کند ، ظهور حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه نیز همان گونه است .

بر اثر فزونیِ گمراهی و تباهی ، تاریکی و تیرگی و غوطه ور شدن انسان های سراسر گیتی در حیرت و سرگشتگی ، ظهور آن بزرگوار آنچنان برای مردمان درخشندگی دارد که توجّه آنان را به سوی خود جذب می کند ، تا با پناه بردن به آن خود را از تاریکی و تیرگی نجات داده و به روشنایی و فروزندگی دست یابند .

در آن زمان است که دیدگان رمد دیده و چشمان انتظار کشیده

، جلا گرفته و روشن می شود . خستگی و بی حالی از آن ها گرفته شده و درخشندگی و فروزندگی در آن ها ایجاد می شود .

درخشش نور عالمگیر آن حضرت وقتی فرا می رسد که عالم همانند شب تاریک ، تیره و تار شده و اختلاف و جنجال مردمان را فرا گرفته و زلزله های شدید ، جنگ و خونریزی بسیاری از مردمان را در کام مرگ فرو برده است . وحشت و اضطراب بازماندگان را فرا گرفته و دلهره مردمان را آزار می دهد . درباره چنین روزگاری رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند :

إبشروا بالمهدی ، إبشروا بالمهدی ، إبشروا بالمهدی ، یخرج علی حین اختلاف من الناس وزلزال شدید ، یملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً ، یملأ قلوب عباده عباده ، ویسعهم عدله . (۲۰)

بشارت باد شما را به مهدی ، بشارت باد شما را به مهدی ، بشارت باد شما را به مهدی ، او خروج می کند در هنگامی که اختلاف و زلزله شدید مردم را فرا گرفته است. او زمین را از قسط و عدالت پر می کند همان گونه که از ظلم و جور انباشته شده باشد. قلوب بندگان خدا را سرشار از حالت عبادت و بندگی می کند و عدالتِ او همه آنان را فرا می گیرد .

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

یحلّ بأُمّتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلاطینهم لم یسمع بلاء أشدّ منه حتّی لایجد الرجل ملجأ، فیبعث اللّه رجلاً من عترتی أهل بیتی یملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً .

یحبّه ساکن الأرض وساکن السّماء ، وترسل السّماء قطرها ، وتخرج الأرض نباتها لاتمسک

فیها شیئاً...

یتمنّی الأحیاء الأموات ممّا صنع اللّه بأهل الأرض من خیره.(۲۱)

در آخرالزمـان به امّت من از سوی سـلاطین آن ها گرفتاری شدیـدی می رسـد که کسـی سـخت تر از آن را نشـنیده است ، به طوری که انسان پناهگاه و راه فرار از آن را نمی یابد .

پس خداونـد مردی از عترت و اهل بیت من را به سوی آنان می فرسـتد که زمین را پر از قسط و عـدالت می نماید همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد .

ساکنین زمین و آسـمان او را دوست دارند و آسمان باران خود را می بارد و زمین گیاهان خود را می رویاند و چیزی از آن را در خود نگه نمی دارد... .

)زنـدگی آنچنان خوشایند و سـرورآفرین است که(زندگان آرزو می کنند کاش مردگانشان بودند . این آرزو به خاطر خوبی هایی است که خداوند در آن عصر به مردم زمین می نماید .

امیـدواریم حکومت عـدالت پرور حضـرت مهـدی عجّل اللّه تعالی فرجه ، هرچه زودتر فرا رسـد و ما شاهد پابرجایی حکومت جهانی آن بزرگوار باشیم .

نمونه ای از عدالت

از ابتـدای تاریـخ تاکنون ثروتمنـدان و قدرتمنـدان از امکانات خود بهره جسـته اند و توده های مستضـعف و فقیرِ جهان پایمال چکمه های زور آنان بوده اند .

تاکنون ثروتمندان نه تنها فقط در مسایل دنیوی پیشـگام بوده اند و افراد ضـعیف نظاره گر آنان بوده اند ، بلکه حتّی در مسایل عبـادی که پول در آن دارای نقش و تـأثیر است نیز گاهی آنان پیشـقدم بوده و جایگاه های عبادی و معنوی را اشـغال نموده و می نمایند .

در عصر حکومت عدالت پرور امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه ، پول و ثروت چنین نقشی نخواهد داشت و امکانات بیشترِ عدّه ای ، باعث محرومیّت افراد دیگر نخواهد

شد .

عدالت در آن زمان با بهترین گونه ای که ممکن است برای همه انسانها بدون هیچ گونه امتیازی اجرا می شود .

روایتی که می آوریم ، نشانگر نمونه ای از آن عدالت جهانی است :

امام صادق علیه السلام فرمودند :

اوّل ما یُظهر القائم من العدل أن ینادی منادیه : أن یسلّم صاحب النافله لصاحب الفریضه الحجر الأسود والطّواف.(۲۲)

اوّلین عدالتی که (حضرت) قائم ظاهر می سازد ، این است که منادی آن حضرت ندا می دهد : افرادی که حجّ مستحبّی انجام می دهند ، حجرالأسود و محلّ طواف خانه خدا را در اختیار کسانی که حجّ بر آن ها واجب است ، قرار دهند .

اگر در این زمان گاهی ثروتمندان با هجوم بردن به بعضی از اماکن به گونه ای باعث افزایش قیمت ها می شوند که عدّه ای دیگر را محروم می سازند ، ولی در آن عصر درخشان نشانی از محرومیّت وجود نخواهد داشت و امکان شرکت در خانه خدا و سایر اماکن عبادی برای همگان خواهد بود . به این جهت شرکت مردم بسیار زیاد خواهد بود .

به این دلیل پیام حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه به همه زائران خانه خدا خواهد رسید که کسانی که اعمال واجب خود را انجام داده اند باعث محرومیّت و یا زحمت دیگران نشوند .

این اوّلین برنامه عدالتِ جهانی است که از ابتدای ظهورِ آن حضرت به آن عمل می شود .

عدالتِ فراگیر و همه جانبه

همان گونه که در روایات وارد شده ، در عصر ظهور ظلم و ستمگری از صحنه گیتی برچیده می شود و عدل و داد در سراسر جهان گسترده می شود . در آن روزگار نشانه ای از ظلم و جنگ و خونریزی باقی نمی ماند و جامعه بشریّت در پرتو حکومت

جهانی حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه در کمال راحتی و آرامش به سر می برد .

این حقیقتی است که از هزاران سال پیش ، وعده فرا رسیدن چنین روزی به مردم داده شده و جهان سرانجام شاهد چنین روزگار پرشکوهی خواهد بود .

در این مسأله هیچ گونه تردید و ابهامی وجود ندارد ؛ زیرا لازمه تکامل عقل ها ، بازگشت به فطرت اصیل انسانی و پاک شدن طینت ها است که این جریان در روزگار درخشنده ظهور محقّق می شود و چنین وضعیّتی را در جهان به وجود می آورد .

اجرای عدالت و لزوم تحوّل در حیوانات

نکته ای که در اینجا به ذهن می آید این است که وضع حیوانات در آن روزگار چگونه خواهد بود ؟

آیا درندگان می توانند انسان مظلومی را از پای درآورند و به زندگی او پایان بخشند ؟ اگر چنین است چگونه می گوییم در آن زمان ظلم و ستم جامعه بشریّت را تهدید نمی کند و نشانه ای از خونریزی باقی نمی ماند ؟

با توجّه به این حقیقت که عصر ظهور یوم اللّه است و روزگار حکومت الهی بر صحنه گیتی است ، چگونه ممکن است تحوّلی در حیوانات به وجود نیاید و درندگان همچنان به درندگی خود ادامه دهند ؟!

آری ؛ لازمه عدل جهانی که در عصر درخشان حکومت الهی حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه در جهان گسترده می شود ، امنیّت جهان و در امان بودن جهانیان از هر گونه شرّ و طغیان و ستمگری است .

امنیّت جهان در آن روزگار فرخنده - که در روایات بسیار بر آن تأکید شده است - در صورتی امکان پذیر است که خوی درندگیِ درندگان از آن ها گرفته شود و حیوانات موذی به گونه ای

دیگر زندگی نموده و در آن ها تحوّلی اساسی و دگرگون کننده ایجاد شود . و گرنه با این همه درندگی که در حیوانات غیر اهلی - در سراسر گیتی از اعماق دریاها گرفته تا فراز کوه های بلند - وجود دارد ، چگونه انسان ها و همچنین حیوانات ضعیف از شرّ آنان در امان خواهند بود ؟! مگر نه این است که در کلمات اهل بیت علیهم السلام درباره توصیفِ آن روزگار وارد شده است که امنیّت جهانی تمام نقاط جهان را فرا خواهد گرفت ؟!

رام شدن حیوانات

اکنون به بعضی از روایاتی که در این باره وارد شده توجّه کنید :

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بشارات فراوانی در رابطه با حکومت امام عصر ارواحنا فداه و ویژگی های آن حضرت و شگفتی های عصر ظهور بیان فرموده اند و از تحوّلات و دگرگونی های مهمّی که در آن زمان در جهان و جهانیان - و از آن جمله در حیوانات - واقع می شود ، خبر داده اند . آن حضرت در یکی از خطبه های خود چنین فرمودند :

... وتُنزع حُمَه کلّ دابّه حتّی یدخل الولید یده فی فم الحَنَش فلایضرّه ، وتلقی الولیده الأسد فلایضرّها ، ویکون فی الإبل کأنّه کلبها ، ویکون الذئب فی الغنم کأنّه کلبها ، وتملأ الأرض من الإسلام ، ویُسلب الکفّار ملکهم ، ولا یکون الملک إلاّ للّه وللإسلام ، وتکون الأرض کفاثور الفضّه تنبت نباتها کما کانت علی عهد آدم ؛ یجتمع النفر علی القِثّاء فتشبعهم ، ویجتمع النفر علی الرُّمّانه فتشبعهم ویکون الفرس بدُرَیْهمات .(۲۳)

... گزند هر جنبنده ای گرفته می شود ؛ به طوری که طفل کوچک دست خود را در دهان افعی می نماید و به

او ضـرر نمی رسانـد . و بچّه خردسـال با شـیر روبرو می شود و به او آسـیبی نمی رسانـد . و شـیر در میان شتران است که گویا سگ آن ها می باشد و گرگ در میان گوسـفندان است که گویا سگ آن هاست . و اسلام تمام زمین را فرا می گیرد و ملک کفّار از آنـان گرفته می شـود و حکومـتی جز برای خـدا و اسـلام نیست و زمین همچون خوانی از نقره است ، گیـاهش را می رویانـد همان گونه که در عصـر آدم می روییـد . چنـد نفر در خوردن یک خیار جمع می شوند و همه آنان را سـیر می کند و چند نفر در خوردن یک انار جمع می گردند و همه آنان را سیر می کند . و قیمت یک اسب به چند درهمِ اندک می باشد .

به نکته های مهمّی که در این روایت درباره تحوّلات جهان در عصر درخشان ظهور وجود دارد توجّه کنید :

۱ - درندگی از حیوانات درنده گرفته می شود .

۲ - حیوانات درنده و وحشی همچون شیر و گرگ ، اهلی شده و در میان شتران و گوسفندان راه می روند .

۳ - ثروت و همه اموال کفّار - آنان که به کفر خود باقی می مانند - از آنان گرفته می شود .

۴ - حکومتی جز برای خداوند وجود ندارد و فقط اسلام در آن زمان در جهان فرمانروایی می کند .

۵ - برکت در آن زمان آنچنان زیاد می شود که میوه ها چنـد برابر حالا شـده به گونه ای که یک دانه میوه ، ماننـد خیار و انار چند نفر را سیر می کند .

۶ - ارزانی فراگیر می شود به طوری که یک اسب به چند درهمِ اندک خرید و فروش می شود .

بنابراین ؛

حکومت جهانی اسلام ، برکت های شگفت آسمانی ، پیشرفت اقتصادی ، توسعه کشاورزی ، رام شدن درندگان و گزندگان و... از ارمغان های عصر درخشان ظهور است که در این روایت نوید آن را پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به جهانیان اعلام نموده اند .

رام شدن حیوانات وحشی و در امان بودن از درندگان ، از نعمت هایی است که در عصر رهایی واقع می شود . این دگرگونی و تحوّل در حیوانات ، بر اثر ظهور قدرت ولایت حضرت بقیّه اللّٰه الأعظم ارواحنا فداه و تصرّف آن بزرگوار در موجودات آن زمان است .

نه تنها رام شدن حیوانات ، بلکه برکت های زمینی و آسمانی که در آن زمان بر مردمان نازل می شود ، و همچنین هر گونه تحوّل ، تکامل و پیشرفت در زمینه های گوناگون ، بر اثر ظهور قدرت و ولایت آن بزرگوار می باشد .

زیرا همان گونه که می دانیم مقصود از مسأله ظهور ، تنها ظهورِ شخص آن بزرگوار از نظر مادّی و جسمانی نیست ؛ بلکه مقصود ، ظهور آن حضرت با به کار گرفتن قدرت ولایت و تصرّف در عالم می باشد . به همین دلیل با ظهور آن بزرگوار تصرّفات آن حضرت در عالمِ تکوین ظاهر می شود و بر اثر آن ، همه مردمان شاهد تحوّلات عجیب در سراسر جهان خواهند شد .

حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند :

ینتج اللّٰه تعالی فی هذه الاُمّه رجلاً منّی وأنا منه ، یسوق اللّٰه تعالی به برکات السّماوات والأرض ، فینزل السّماء قطرها ، ویخرج الأرض بذرها ، وتأمن وحوشها وسباعها ، ویملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً ، ویقتل حتّی یقول الجاهل :

لو كان هذا من ذرّيّه محمّد صلى الله عليه وآله وسلم لرحم .(۲۴)

خداوند در این امّت مردی را به دستاورد و نتیجه می رساند که از من است و من از اویم . خداوند به وسیله او برکت های آسمان ها و زمین را جاری می سازد .

پس آسمان بارانش را می بارد و زمین رویيدنی و بذرش را خارج می سازد ، حیوانات وحشی و درنده زمین امن – و رام – می شوند و زمین را سرشار از قسط و عدل می سازد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد . و می کشد تا آنجا که جاهل بگوید : اگر این از فرزندان محمّد صلى الله عليه وآله وسلم می بود هر آینه رحم می کرد .

در روایتی که نقل کردیم ، تعبیر جالب توجّهی از امام صادق علیه السلام نسبت به امام زمان ارواحنا فداه نقل شده ، در آن روایت امام صادق علیه السلام می فرمایند : رجلًا منّی وأنا منه ؛ مردی که از من است و من از اویم .

این تعبیر جالبی است که بیانگر تجلیل امام صادق علیه السلام از امام عصر ارواحنا فداه می باشد . و این همان تعبیری است که حضرت رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم درباره امام حسن و امام حسین علیهما السلام نموده اند .

نکته های دیگری که در این روایت وجود دارد عبارت است از :

۱ – نازل شدن برکت های آسمان و زمین .

۲ – فراوانی باران های نافع .

۳ – وسعت یافتن سبزه زارها و روییدن گیاهان و... که دلیل بر رشد اقتصادی و وسعت کشاورزی است .

۴ – رام شدن حیوانات وحشی و درنده .

۵ – سرشار شدن جهان از قسط

و عدالت .

۶ – کشته شدن دشمنان خاندان وحی علیهم السلام .

۷ – گفتار امام صادق علیه السلام در پایان روایت – ویقتل حتّی یقول الجاهل ... – دلیل است بر این که اعتراض کننده از مخالفین می باشد ؛ زیرا می گوید : اگر این شخص از نسل محمّد صلی الله علیه وآله وسلم می بود رحم می کرد . از این گفتار معلوم می شود که او معتقد به حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و رحیم بودن آن حضرت می باشد و به امامت امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه اعتقاد ندارد و به این جهت به رفتار آن بزرگوار اعتراض می نماید ، و این قرینه بر آن است که کشتار در میان آنان می باشد .

اکنون به اصل مطلب پرداخته ، و جریان رام شدن حیوانات وحشی را که در روایات خاندان وحی علیهم السلام به آن تصریح شده ، ادامه می دهیم :

بر اساس روایات ، در دستگاه گوارش حیواناتِ درنده ، تحوّلاتی ایجاد می شود که از گوشتخواری رویگردان می شوند و گیاهخوار می گردند .

با این بیان روشن می شود که خوی درندگی و خونریزی از درندگان گرفته می شود و آن ها با خوردن گیاهان، احتیاجات غذایی خود را برطرف می سازند.

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمایند :

تصطلح فی ملکه السباع .(۲۵)

(در حکومت حضرت مهدی علیه السلام ،) درندگان با یکدیگر در صلح و آرامش خواهند بود .

و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند :

اصطلحت السباع والبهائم .(۲۶)

درندگان و چهارپایان در صلح و آرامش خواهند بود .

این گونه مسائل از نظر افرادی که با روزگار کنونی قلب خود را پیوند زده اند و نمی توانند به برتر از آنچه وجود دارد نظاره

کنند ، مشکل و تحمّل آن سخت است ؛ ولی برای کسانی که می توانند به جهانِ آینده با دیدگانی آشنا به مسایل آینده جهان بنگرنـد ، آسان است ؛ زیرا می داننـد تحوّلات و دگرگونی های عجیبی که در زمین و زمان ایجاد می شود، در موجودات کره زمین تأثیرات شگفتی می گذارد و روزنه های پیشرفت و تکامل را به روی همه موجودات می گشاید .

بـا توجّه به این حقیقت ، چه بُعـدی دارد که انسـان هـا بر اثر تقویت اراده و قـدرت یـافتن در تلقین خواسـته هـای خود ، حتّی حیوانات را تحت تأثیر قرار دهند ؟!

همـان گونه که نگـاه پرقـدرت شـیخ بهایی و افرادی همچون او ، مس را به طلا تبـدیل می کنـد . در روزگارِ تکامل عقل ها ، انسان ها می توانند اراده خود را بر حیوانات که دارای شعور هستند القاء نمایند .

اگر ما ، مردم آن روزگار را همچون افراد این زمان بپنداریم ، پذیرش این واقعیّت ها مشکل است ؛ ولی همان گونه که گفتیم : آن روزگار ، روزگارِ تکامل عقل ها و زمانِ پرتوان شـدن قـدرت های انسانی است ؛ با توجّه به این بیان ، پـذیرش این گونه جریانات بسیار سهل و آسان می شود .

تصرّف در مغز و سیستم عصبی حیوانات

اکنون برای نزدیک شدن مطلب به برخی از اذهان، به نقل جریانی می پردازیم که دلیل بر امکان تصـرّف و تحوّل در حیوانات است ؛ تـا روشن شود برای اجرای عـدالتِ همه جانبه نیاز به دگرگونی در وجود حیوانات است و این کار به راحتی با تصـرّف در مغز و سیستم عصبی حیوانات انجام می گیرد .

البتّه باید توجّه داشته باشیم ما برای بیان تحوّلات شگفت انگیز عصر درخشان ظهور نیازی به نقل جریاناتی که در دوران

تاریک غیبت واقع شده ، نداریم و جریانی که می آوریم برای استدلال به آن ، بلکه برای نزدیک شدن مطلب به ذهن بعضی از افرادی است که شاید در دوران تاریک غیبت ، غاصبان حکومت الهی با زرق و برق های نمایشی خود ، در آنان تأثیر گذارده باشند .

با توجّه به نکته ای که گفتیم به این جریان توجّه کنید :

شخصی به نام »دل گادو« دست به نمایش دلهره انگیزی زد . ما خلاصه برنامه او را می آوریم : دژ بزرگ آهنی باز شد و گاو نر عظیم الجثّه ای از درون تاریکی به میان میدان جست ، و مستقیم به سوی »دل گادو« پیش آمد ، حسّاسترین نقطه بدن »دل گادو« را نشانه گرفته بود .

نفس در سینه ده ها هزار تماشاچی و عکّاس و خبرنگار حبس شده بود . چنان دلهره و ترس بر فضا سایه افکنده بود که گویی کسی را یارای خروج از این اقیانوس ترس آمیخته به سکوت نبود .

فقط صدای چهار نعل گاوی خشمگین که به سوی مردی در وسط میدان می دوید به گوش می رسید .

همه انتظار لحظه ای را می کشیدند که »دل گادو« روی شاخ های گاو نر به آسمان پرتاب شود یا شاخ های تیز سینه او را بشکافد .

با توجّه به این که «دل گادو» ، نه لباس گاوبازان را به تن داشت و نه شِنل قرمز آنان را و به جای شمشیر یک جعبه کوچک سیاه در دست داشت که یک فرستنده رادیویی بود و فقط چند دکمه روی آن نصب شده بود .

گاو با سرعت هر چه تمامتر تا ده قدمی «دل گادو» پیش آمد ، نفس ها در سینه ها حبس شده بود ، یک لحظه باقی

بود تا گاو «دل گادو» را از پا درآورد .

تمام چشم ها به یک نقطه دوخته شده بود ، هیچ کس نمی دانست چه خواهد شد .

»دل گادو« دکمه ای را فشار داد ، گاو روی دو دست چنان ترمز کرد که چند متر روی شن های میدان کشیده شد . در حالی که نگاهی به »دل گادو« انداخت بی اختیار برگشت و آهسته و مغموم و بی تفاوت به سوی جایگاه اوّلی خود بازگشت .

مردم هنوز می ترسیدند که اگر فریاد بزنند گاو خشمگین برگردد ولی دیگر گاو خشمگین نبود .

»دل گادو« با فرستنده خود از طریق یک سیم بسیار نازک که به مغز گاو وصل شده بود دستور بازگشت او را صادر کرده بود .

نه تنها با گسیل مقدار کمی الکتریسیته ، فرمان برگشت داده شده بود بلکه احساس عصبانیّت گاو را هم به بی تفاوتی و آرامش تبدیل کرده بود . گاو به انتهای میدان رسید مجدّداً همه دیدند که »دل گادو« با دکمه های جعبه ور می رود .

گاو ایستاد نگاهی به »دل گادو« انداخت و دوباره با خشمِ تمام سم های خود را به زمین کوفت و با سرعتی بیشتر به سوی او حرکت کرد . »دل گادو« خونسرد پشتش را به گاو کرد و به سوی آن طرف میدان به قدم زدن پرداخت ، فقط صدای پای گاو را می شنید ، درست در فاصله چند قدمی دکمه مخصوص را فشار داد ، در میان بهت و حیرت و ترس تماشاچیان ، گاو بیچاره دوباره ترمز کرد و راه برگشت را در پیش گرفت .

فریاد از جمعیّت برخاست ، ولی گاو همچنان خونسرد و آرام می رفت . آزمایش چندین بار تکرار شد و هر بار با قاطعیّت نشان

داده شد که با تحریک الکتریکی مغز گاو ، می توان اراده حیوان را دستکاری کرد و او را برخلاف میل و تصمیمش به کاری وادار نمود .(۲۷)

حیوان را با زدن یک آمپول بیهوش می کنند . پوست سر او را با چاقوی جرّاحی می برند و باز می کنند و استخوان جمجمه را با یک مته ظریف سوراخ می نمایند . سیم نازکی را از درون سوراخ تعبیه شده روانه مغز می سازند ، سر سیم را از پوست سر بیرون می گذارند ؛ قسمت جراحی شده را پانسمان می نمایند تا آثار زخم بکلّی خوب شود .

گیرنده کوچکی که با باطری کار می کند و روی طول موج معیّن امواج را دریافت می کند به سر سیم وصل می شود . کار این گیرنده این است که از طریق جاری کردن مقداری الکتریسیته به مغز حیوان ، مغز او را تحریک کند .

به این ترتیب انسان می تواند رفتار حیوان را به دلخواه خود با قدرت بیشتر از طبیعی تحت نظر و در اختیار داشته باشد .(۲۸)

در سال ۱۹۶۰ یک گروه پژوهشی طریقه ای را کشف کرد که به کمک آن می توان با ایجاد یک حوزه الکتریکی در خارج به تحریک مغز پرداخت و بدون فرو بردن الکترود در مغز ، تمام آثار و آزمایشات تحریک الکترونیکی را که تا به حال به دست آمده آسانتر و سهل تر انجام داد.(۲۹)

نیرویی برتر از قدرت الکتریکی

در عصر درخشان ظهور که دوران تکامل عقل و اراده است ، نه نیازی به چاقوی جرّاحی است و نه احتیاجی به فرو بردن الکترود در مغز ؛ زیرا در آن زمان نیرویی برتر از الکتریک جهان را فرا می گیرد و تشعشعات انوار ولایت در همه

اشیاء از جمله مغز حیوانات اثر گذارده و تحوّلی تعجّب آفرین در آنان به وجود می آورد .

اکنون درباره این تحوّل شگفت انگیز باهم به سخنان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم توجّه کنیم :

حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم درباره تحوّلاتی که در مغز و سیستم عصبی حیوانات در آن روزگار فرخنده به وجود می آید ، چنین می فرمایند :

یقول الرجل لغنمه ولدوابّه : اذهبوا فارعوا فی مکان کذا وکذا وتعالوا ساعه کذا وکذا ، وتمرّ الماشیه بین الزرعین لاتأکل منه سنبلةً ولاتکسر بظلفها عوداً ، والحیّات والعقارب ظاهره لاتؤذی أحداً ولایؤذیها أحد، والسبع علی أبواب الدور تستطعم لاتؤذی أحداً ... .(۳۰)

(در آن روزگار) مرد به گوسفند و چهارپایان خود می گوید : بروید و در فلان مکان چرا کنید و در فلان زمان بازگردید .

(در آن روزگار) حیوانات میان دو زراعت راه می روند و از خوشه گیاهی نمی خورند و شاخه های درختان را با شاخ های خود نمی شکنند ، مارها و عقرب ها آشکارند و به هیچ کس آزار نمی رسانند و کسی آن ها را اذیّت نمی کند . درندگان برای طلب خوراکی به درب خانه ها می آیند و احدی را آزار نمی دهند .

بر اساس روایاتی که در زمینه تکامل و پیشرفت در شعور حیوانات وارد شده است ، چهارپایان دارای قدرت درک دستورات مردمان می شوند و می توانند فرمان و خواسته های صاحبان خود را فهمیده و اطاعت نمایند .

به این جهت بدون آن که کسی در پی گوسفندان و سایر چهارپایان به راه افتد ، زمان و مکان چرا برای آنان تعیین می شود و آن ها بدون تخلّف طبق دستورات صادر شده از سوی صاحبان خود ، به چراگاه می روند و در

زمان تعیین شده بازمی گردند .

نه تنها سخن گفتن انسان با حیوانات ممکن است ، بلکه سخن گفتن حیوانات با امامان ، پیامبران و اولیای الهی موارد بسیاری دارد که در تاریخ و سیره آن بزرگواران درج گردیده است .

سخن گفتن گرگ با جناب ابوذرّ که بعثت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را به ابوذرّ خبر داد نمونه ای از آن ها است .

در روایتی که نقل کردیم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم سخن گفتن انسان با چهارپایان را بیان فرموده اند که آن از ویژگی های روزگار ظهور است همان گونه که در روایات دیگر به آن تصریح شده است .

از آنجا که حیوانات از قدرت عقل برخوردار نیستند ، در عصر درخشان ظهور در مغز و سیستم عصبی آن ها تصرّف می شود ؛ زیرا تصرّف در سیستم عصبی حیوانات و تغییر و تحوّل در آن ، می تواند در اعمال و رفتار حیوانات تغییرات مهمّی ایجاد کند . پس برای تغییر در رفتار حیوانات و دگرگون ساختن کارهای آنان باید در سیستم عصبی آن ها تصرّف نمود .

در جهان آفرینش ، حیوانات به گونه ای خلق شده اند که تغییر در سیستم عصبیِ آن ها ، سبب واکنش و انجام رفتارهای تازه در آن ها می شود . علّت و منشأ این تغییر و تحوّل را نظام آفرینشِ الهی در وجود آن ها قرار داده است .

یک پرسش جالب و یک پاسخ مهمّ

فعلیّت یافتن قدرت های عقلیِ انسان و افزایش نیروهای آن در عصر درخشان ظهور با دستان شفابخش حضرت مهدی ارواحنا فداه ، از مسایلی است که در روایات خاندان وحی علیهم السلام وارد شده و توضیحاتی درباره آن در این کتاب آمده است .

اکنون این سؤال پیش

می آیـد : تحوّلی که در حیوانات به وجود می آید و تصـرّف در سیسـتم عصبی آن ها و پیشـرفتی که در شـعور حیوانی آن ها انجـام می گیرد به چه صورت است ؟ درست است که انسـان هـا با دسـتان شـفابخش حضـرت بقیّه اللَّه ارواحنا فـداه به تکامل عقلی و افزایش قدرت های روحی دست می یابند ، ولی تحوّلی که در حیوانات ایجاد می شود چگونه انجام می شود ؟

در پاسخ به این سؤال می گوییم :

درست است که ویروس های شیطانی مغز انسان ها با دستان شفابخش امام عصر عجّل اللَّه تعالی فرجه نابود شده و قفل گنجینه های عقلی آنان گشوده شده و قدرت های نهفته آن شـکوفا گردیده و به کار گرفته می شود ؛ ولی باید به این نکته مهمّ توجّه داشـته باشـیم که تکامـل انسـان هـا در عصـر فرخنـده ظهـور و راه یـابی آن هـا به قـدرت هـای عظیم و شـگفت انگیز، عـوامل گوناگونی دارد که مردم به وسـیله حضرت بقیّه اللَّه الأعظم عجّل اللَّه تعالی فرجه به آن نایل می شوند که دستان شفابخش آن حضرت یکی از آن عوامل می باشد .

عوامل اساسـی دیگری نیز در آن عصر درخشان وجود خواهد داشت که نه تنها جامعه بشریّت ، بلکه سراسر گیتی را دگرگون ساخته و تحوّلی شگفت در همه موجودات جهان ایجاد می نماید .

نور حضرت بقیّه اللَّه ارواحنا فداه

یکی از عوامل مهمّ تحوّلات در آن عصر فرخنده ، تشعشع انوار تابناک حضرت بقیّه اللَّه الأعظم عجّل اللَّه تعالی فرجه می باشد که سراسر جهان را فرا می گیرد به گونه ای که جهان را از روشنایی خورشید بی نیاز می سازد .

همـان گونه که نور خورشـید در ذرّات جهـان دارای اثرات لازم ، مهمّ و حیـاتی است ، درخشـش نور تابان حضـرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه –

که نور اللّه هستند - در آن زمان شکوهمند ، تأثیر و تحوّل عظیمی در اعماق عالم هستی می گذارد و جهان خاکی را به عالم پاکی تبدیل می نماید. (۳۱)

دقّت در زندگی حیوانات

اکنون روشن شده است که نور و روشنایی روز در زندگانی بسیاری از حیوانات دارای اثر روشن و آشکار می باشد ، ما پس از بحثی فشرده درباره زندگی حیوانات به نقل نمونه ای از آن می پردازیم :

بررسی ، دقّت و جستجو در چگونگی ، پیدایش و زندگی میلیاردها حیوان و آشنا شدن با رازهای آفرینش انواع آن ها ، ایمان انسان را به قدرت عظیم آفریننده آن ها بیشتر می کند .

خداوند کریم همان گونه که آفرینش انسان ها و زمین را نشانه قدرت خود بیان فرموده ، خلقت جنبندگان را نیز نشانه توانایی خویش قرار داده است و می فرماید :

وَمِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَما بَثَّ فیهِما مِنْ دابَّهٍ .(۳۲)

و از نشانه های قدرت او آفرینش آسمان ها و زمین است و نیز موجوداتی که در آن ها خلق و منتشر فرموده و او هر گاه اراده فرماید قادر بر گرد آوردن آن ها در روز موعودِ قیامت است .

و همچنین می فرماید :

»وَفی خَلْقِکُمْ وَما یَبُثُّ مِنْ دابَّهٍ آیاتٌ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ« .(۳۳)

و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که در سراسر خلقت پراکنده اند ، نشانه هایی از قدرت آفریدگار برای آنان که یقین می ورزند .

و در سوره انعام درباره اجتماع آنان می فرماید :

«وَما مِنْ دابَّهٍ فِی الْأَرْضِ وَلا طائِرٍ یَطیرُ بِجَناحَیْهِ إِلّا اُمَمٌ أَمْثالُکُمْ ما فَرَّطْنا فِی الْکِتابِ مِنْ شَیْ ءٍ ثُمَّ إِلی رَبِّهِمْ یُحْشَرُونَ».(۳۴)

و هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند ، مگر آن که آن ها

هم امّت هایی مثل شما)انسان ها(هستند . ما ، در این کتاب از ذکر هیچ مطلبی فروگذار نکردیم ، سپس تمام مخلوقات به سوی پروردگارشان بازگردانده می شوند .

خداوند در این آیه شریفه ، گروه گروه بودن حیوانات را بیان فرموده است . دقّت در زندگی حیوانات ، ایمان و اعتقاد انسان را به وجود خالق و پروردگار قادر محکم می کند .

ما در اینجا نمونه کوچکی از زندگی گروهی حیوانات را نقل می کنیم که شاهد بر گروه گروه بودن آنان می باشد و نیز دلالت می کند که طولانی شدن روز و افزایش زمان تابش نور خورشید چگونه بر سیستم عصبی آن ها تأثیر می گذارد و آن ها را به واکنش عجیب وادار نموده و در زندگی آن ها تحوّل به وجود می آورد .

«میلیونها پرنده از انواع مختلف ، در آخر تابستان مهاجرت می کنند و زادگاهشان را به سوی مناطقی که در زمستان آب و هوای گرمتری دارد، ترک می کنند . این پرندگان ، بهار سال بعد به سرزمینی که در آن تولیدمثل می کردند ، بازمی گردند .

برخی از پرندگان مهاجر ، هر ساله بیش از ۳۲ هزار کیلومتر را می پیمایند . آن ها راه بازگشت به زادگاهشان را با دقّتی خارق العاده می یابند . برخی از این پرندگان ، تنها و برخی دیگر به طور دسته جمعی مهاجرت می کنند .

مهاجرت پرندگان ، با تغییر طول روز آغاز می شود . تغییر طول روز ، بر سیستم عصبی آن ها اثر می گذارد . هنگامی که روزها کوتاهتر می شوند ، پرندگان پیام عصبی خاصّی دریافت می کنند که موجب می شود به سوی مناطق گرمتر پرواز کنند . زمانی که طول روز تا حدّ معیّنی افزایش می یابد ، پیام دیگری

به مغزشان ارسال می شود که باعث بازگشت آن ها به زادگاهشان می شود .»(۳۵)

امیدواریم هر چه زودتر با طلوع نور جهانتاب حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه ، در سراسر جهان تحوّلی عظیم به وجود آید و اتم های وجود انسان ها ، حیوان ها ، نباتات و جمادات حرکتی نو را در مسیر ترقّی و پیشرفت آغاز نماید تا روزگاری که زمین و آنچه در او هست به صورتی برتر تبدیل گردد !

(۲)

قضاوت

بحثی درباره قضاوت

پس از نابودی و شکست لشکر منافقین و کفّار و نابودی ستمگران جهان و پابرجایی حکومت عدل الهی در سراسر جهان ، باید پرونده های ستمگران بررسی شود و در پهنه گیتی هر کس به کسی ظلم و ستم روا داشته است ، آن را برطرف نموده و جبران نماید .

زیرا برطرف ساختن ظلم و ستم در سراسر جهان ، تنها به نابود ساختن پادشاهان و حاکمانی که بر مردم و ملّت خود ظلم می نموده اند نیست ؛ بلکه همه ظالمان اگرچه فقط به یک تن ظلم نموده باشند ، باید به ستم آنان پایان داده شود تا همه مظلومین جهان از زیر یوغ ستمگران نجات یابند .

بدیهی است بسیاری از کسانی که به دیگران ظلم نموده اند ، خود را ظالم نمی دانند و حاضر نیستند ظلم و ستمی را که روا داشته اند ، بپذیرند . و این باعث اختلاف میان ستمگران و مظلومین می شود ؛ زیرا که ظالم ، کار خود را حق جلوه می دهد و مظلوم آن را ظلمی آشکار می بیند . و در واقع هر یک خود را مظلوم و دیگری را ظالم می شمرد .

در این گونه موارد در کاری که انجام داده شده هیچ یک

از دو طرف نزاع اختلافی ندارنـد ولی در این که آن کار ظالمانه بوده یا نه اختلاف دارنـد و در بعضـی از موارد ظلم کنندگان ظلمی را که انجام داده اند انکار می نمایند و نمی پذیرند که چنین کاری را انجام داده اند . اینها دو نمونه از مواردی است که سبب اختلاف میان دو نفر یا دو گروه می شود .

در این گونه موارد ، نیاز به قضاوت می باشـد تا با یک آگاهی وسـیع و علم فراگیر ، ظالم و مظلوم از یکـدیگر تشـخیص داده شونـد و حق مظلوم از ظالم گرفته شود . بـدیهی است در موارد بسـیاری هیـچ یک از دو طرف نمی تواننـد شاهد و گواهی که برای شهادت مورد پذیرش باشد ، بیاورند .

در این صورت بنا بر مسایل فقهی ، کار به یمین و سوگند کشیده می شود که ممکن است منکر با قسم دروغ و سوگند نابجا ، حقّ دیگری را پایمال نمایـد و ظالمانه آن را از دست او برباید ؛ همان گونه که ممکن است با اقامه بیّنه غیر واقعی حقّ صاحب حق پایمال گردد .

بدیهی است قضاوتی که سـرانجامش سوگند و قسم باشد ، نمی تواند در همه جا حقّ را به صاحب حق بدهد و سایه ظالم را از سر مظلوم کوتاه نماید .

اوج قضاوت در آغاز ظهور

همـان گونه که گفتیم آغـاز حکومت امام عصـر ارواحنا فـداه آغاز پاکسازی ها و رفع ظلم و سـتم هاست . به این جهت مسأله قضاوت در آغاز ظهور ، بسـیار اوج خواهد داشت تا با قضاوت صـحیح و عادلانه ، حقّ مظلومین از ستمگران گرفته شده و حقّ به حق دار برسد .

جالب توجّه است که در آن عصر شکوهمند –

طبق روایات وارده - قضاوت ها بر اساس واقعیّت ها خواهد بود و ظنّ و گمان در مسأله قضاوت ، در آن زمان ارزشی ندارد و کسانی که در آن روزگار از طرف حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه به عنوان قضاوت در میان مردم برگزیده می شوند ، از امدادهای غیبی برخوردار بوده و بر اثر تکامل عقل و تهذیب نفس ، هیچ گاه گرایش به قضاوت به نفع ظالم در آنان پیدا نمی شود .

آنان خود را در حضور خداوند متعال و در محضر حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه می بینند و به همین جهت حکم حق را همان گونه که لازم است صادر می نمایند . جالب توجّه است که در آن زمان بر اساس تکامل عقل ها مردم نیز آماده اجرای حکم عادلانه و پذیرای آن می باشند . و این لازمه حکومت عدل الهی حضرت ولیّ عصر عجّل اللَّه تعالی له الفرج می باشد .

در آن زمان قاضیان بر اساس برخورداری از دو خصلت : ۱ - خودسازی ۲ - امدادهای غیبی ، با اجرای حکم صحیح ، آتش فتنه را خاموش ساخته و با حکم عدل و داد ، به ظلم و بی داد افراد پایان می بخشند و به این گونه ، ظلم و ستم را ریشه کن ساخته و بنیان عدالت را استوار می سازند .

جالب توجّه است که یکی از موارد آشکار ظلم و ستم که در روزگار رهایی ریشه کن می شود ، قضاوت های ظالمانه ای است که قضاوت کنندگان بر اساس غرض های شخصی انجام می دهند .

بدیهی است اگر قاضی خودساخته نباشد و خود را در محضر خدا نبیند ، حکمی که صادر می نماید نه تنها درخت ظلم و ستم را

ریشه کن نمی سازد ؛ بلکه آن را آبیاری نموده و تنومند می سازد . داستانی را که می آوریم نمونه ای از آن هاست :

«مردی لاشه سگ خویش را در قبرستان مسلمین مدفون ساخت . مردمان برآغالیدند ، وی را بگرفتند سخت بکوفتند و نیمه جان به قاضی بردند .

قاضی به جهت سابقه عداوتی که با او داشت ، نشاندنِ آتش فتنه را به سوختن او فرمان داد . مرد الحاح کرد که : مرا سخنی مانده است ، اگر قاضی اجازت فرماید بگویم . قاضی رخصت داد .

گناهکار گفت : چون اجل سگ برسید امری عجیب پدید گشت . یعنی به ناگاه مُهر زبانِ حیوانِ صامت بشکست و مانند ما آدمیان به سخن درآمد ، مرا به نام خواند و وصیّت کرد که بدره ای زر از نیاکان به میراث دارم و در زیر فلان سنگ به صحرا نهفته ام . تا نفسی از من باقی است سبک بدآن جا شو ، سنگ بردار و مرده ریگ برگیر و آن گاه که وداعِ این دار فانی گویم جسد مرا به جوار صلحا به خاک سپار و یک نیمه از زر نزد یکی از قضات اسلام بَر، تا در تخفیف عقوبات من به امور حسبیّه صرف کند و مرا به دعاهای خیر یاد فرماید .

من چون خارقه سخن گفتن سگ بدیدم ، بر راستی گفته او اعتماد کردم . در ساعت بشتافتم و زر به نشان بیافتم و اکنون آن بدره بر جای است...

قاضی به طمع نیمه دیگر زر گفت : سبحان اللّه ! این حیوان بی شبهه از احفاد سگ اصحاب کهف بوده است و البتّه از دفن چون او شریف نسبی در

گورستان مسلمانان بر تو حرجی نیست . آن مرحوم دیگر بار چه گفت ؟»(۳۶)

آنچه را نقل کردیم یک داستان است که نشان دهنده قضاوت کسی است که خود را نساخته و در هنگام قضاوت خود را در محضر خدا نمی بیند و به خاطر گرفتن رشوه حکم می کند .

قضاوت بر اساس ظنّ و گمان

پس باید همان گونه که گفتیم یک آگاهی وسیع و علم فراگیر وجود داشته باشد که نگذارد ظلم و ستم با پوشش سوگندِ دروغ در جهان ادامه یابد .

در اینجا نیاز به امداد غیبی و نیروی معنوی احساس می شود که بتواند هر چیزی را که باعث ادامه ظلم و ستم می باشد - اگرچه بیّنه دروغین و یمینِ کاذب باشد - برطرف نموده و هر سدّی را که پشتوانه ظلم و ستم می باشد ، بشکند .

اگر آنچه ممکن است دستاویز ستمگران قرار گیرد از میان برداشته نشود ، چه فرقی میان دوران تیره غیبت و عصر درخشان ظهور خواهد بود ؟! و چگونه می توان آن روزگار را ، دوران حکومت عدل و عدالت و نابودی ستم و ستمگران دانست ؟!

قضاوت بر اساس ظنّ و گمان

علم و آگاهی و آمادگی مردم برای اجرای عدالت در آن زمان چنان افزایش می یابد که هیچ گاه حکمی بر اساس ظنّ و پندار و فهم شخصی افراد صادر نمی شود ؛ زیرا اطمینان نمودن به ظنّ و گمان با حکومت عادلانه سازگار نیست .

حکومت در صورتی حکومتِ عدل و داد است که بر اساس علمی که مطابق با واقع است ، رفتار نماید ؛ و گرنه چگونه می توان حکمی را بر مبنای ظنّ - که خلاف آن محتمل است - حکم واقعی و عادلانه دانست

بنـابراین ، در آن زمان چون حکومت کاملاً عادلانه است هر گونه قضاوتی در آن عصـر و دوران بر مبنای عـدالت می باشـد و اقتضای عدالت آن است که حکم ، مطابق با واقع و بر اساس علم و یقین باشد نه ظنّ و گمان .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند :

لیس من العدل ، القضاء علی الثّقه بالظّنّ .(۳۷)

حکم و قضاوت بر اساس اطمینان به ظنّ و گمان ، از عدالت نیست .

رشـد فکری و علمی در آن زمـان آنچنـان وسـیع و گسترده است که هیـچ گـاه قضـاوتی صـادر نمی شود مگر بر اساس علم و آگاهی ؛ زیرا این، لازمه حکومت عادلانه است .

از روایـات نیز اسـتفاده می شود که قضاوت بر اساس بیّنه و یمین ، در بعضـی از موارد نه تنها عـدالت را به ارمغان نمی آورد ، بلکه به وسـیله آن حقّ افراد پایمـال می گردد . برای روشن شـدن مطلب به این روایت توجّه کنیـد : رسول خـدا صـلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

إنّما أقضـی بینکم بالبیّنات والأیمان وبعضـکم أَلْحن بحجّته من بعض ، فأیّما رجل قطعت له من مال أخیه شیئاً یعلم أنّه لیس له ، فإنّما أقطع له قطعه من النّار .(۳۸)

همانا من میان شـما با بیّنه ها و سوگنـدها قضاوت می نمایم و بعضـی از شـما بیشتر از بعض دیگری قـدرت در اقامه دلیل خود دارد ،)به خاطر بیان بهتر به خوبی می تواند گفتار خود را مستدلّ نماید(.

پس هر کس که من از مال برادرش)بر اساس بیّنه و یمین(به او چیزی دادم که او خود می داند که آن مال او نیست ، من)در واقع(قطعه ای از آتش را

به او داده ام .

این روایت ظاهر است در این که بیّنه و یمین نمی تواند همیشه مطابق با واقع و حقیقت باشد . بنابراین در مواردی که این گونه نیست عدالت واقعی اجراء نشده و بر اساس حکم ظاهری عمل شده است .

فراست و زیرکی در قضاوت

قاضی باید حتّی در زمان غیبت امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه علاوه بر علم به مسایل قضایی و عدالت ، از فراست و زیرکی در قضاوت نیز برخوردار باشد تا بتواند به وسیله آن از بیّنه غیر واقعی و یمین کاذب جلوگیری کند و این حقیقتی است که متأسّفانه از زمان های دور رعایت نشده است . قاضی باید از قضاوت های حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درس بیاموزد و بداند که گاهی با زیرکی و فراست می تواند از واقعیّت جریان آگاه شود ، بدون این که نوبت به شاهد و سوگند برسد .

قاضی در صورتی از بیّنه و قسم می تواند کمک بگیرد که در بن بست قرار گرفته باشد و راهی برای به دست آوردن واقعیّت نداشته باشد .

قضات ، قضاوت را از امیرالمؤمنین علیه السلام بیاموزند

به همین جهت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شریح قاضی را که بدون تحقیق پس از سوگند منکرین به نفع آنان قضاوت نموده بود ، سرزنش کردند و فرمودند :

یا شریح ؛ هیهات ! هکذا تحکم فی مثل هذا ؟! (۳۹)

هیهات ای شریح ! در مثل این مورد ، این گونه حکم می کنی ؟!

این روایت را مرحوم علاّمه مجلسی در «بحار الأنوار جلد ۱۴» و با اندک تفاوتی در جلد ۴۰ نقل کرده است :

روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مسجد شدند ، دیدند نوجوانی گریه می کند و افرادی اطراف او بودند .

امیرالمؤمنین علیه السلام از حال او سؤال کردند . او گفت : شریح در جریانی به گونه ای قضاوت کرد که در آن به من انصاف نداد !

حضرت فرمودند : جریان تو چیست ؟

نوجوان گفت : این ها - و به افرادی که نزد او بودند اشاره کرد -

با پـدرم برای مسافرت از شـهر خارج شدنـد ، آن ها از مسافرت برگشـتند و پـدرم بازنگشت . از آنان از حال پـدرم پرسـیدم . گفتند : او مُرد . گفتم : مالی که همراه او بود چه شد ؟ گفتند : ما از مال او خبر نداریم .

شریـح به آن ها گفت : قسم یاد کنید که از ثروت او بی خبر هستید . آن ها سوگند یاد کردند و شـریح به من گفت از تعرّض به آن ها دست بردارم .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به قنبر فرمودند : مردم را جمع نما و شرطه الخمیس(۴۰) را حاضر کن .

آن گاه حضرت نشستند و آن چند را فرا خواندند و نوجوان با آنان بود .

سپس حضــرت از آنچـه گفتـه بـود سؤال کردنــد و او ادّعـای خـود را دوبـاره بیـان کرد و گریـه می نمـود و می گفـت : ای امیرالمؤمنین ؛ به خـدا سوگنـد من آن ها را درباره مرگ پـدرم متّهم می دانم ؛ چرا که قطعاً آنان حیله ورزیدند تا او را با خود از شهر خارج ساخته و در مال او طمع نمودند .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از آن ها سؤال کردند . آن ها همان گونه که به شریح گفته بودند بیان کردند : آن مرد فوت نمود و ما از ثروت او بی خبریم .

حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام به صورت های آنان نگاه کردند سـپس فرمودند : چه گمان می کنید ؟! آیا می پندارید من نمی دانم با پدر این جوان چه نمودید ؟ اگر این گونه باشد من دارای علمی اندک هستم !

سپس دستور فرمودند آن ها را در مسجد متفرّق نموده و هر یک را به طرف یکی از پایه های مسجد بردند .

سپس آن حضرت کاتب خود را که در آن روز عبیداللَّه بن ابی رافع بود فرا خواندند و به او فرمودند : بنشین.

سپس یکی از چند نفر را صدا زدند و فرمودند : مرا خبر ده و صدایت را بلند مکن : در چه تاریخی از منزل های خود خارج شدید و پدر این نوجوان با شما بود ؟

گفت : در فلان روز .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به ابن ابی رافع فرمودند : بنویس . سپس فرمودند : در چه ماهی بود ؟ او ماه فوت را تعیین کرد .

حضرت فرمود : بنویس . سپس فرمودند : در کدام سال ؟ او سال فوت را بیان کرد و عبیداللَّه بن ابی رافع نوشت .

فرمود : به چه مرضی فوت نمود ؟ او نام مرض را گفت .

فرمود : در چه مکانی مُرد ؟ او مکان فوت را معیّن کرد .

فرمود : چه کسی او را غسل داد و چه کسی او را کفن نمود ؟ گفت : فلانی .

فرمود : با چه چیزی او را کفن نمودید ؟ او کفن را تعیین کرد .

فرمود : چه کسی بر او نماز خواند ؟ گفت : فلانی .

فرمود : چه کسی او را وارد قبر ساخت ؟ او نام وی را بیان کرد و عبیداللَّه بن ابی رافع همه این ها را می نوشت . وقتی که اقرار او تا دفن کردن مرد تمام شد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تکبیر گفتند . تکبیری که اهل مسجد همه شنیدند . آن گاه دستور فرمودند : مرد را به جای خودش ببرید .

سپس یکی دیگر از افراد را فرا خواندند و نزدیک

خود نشاندنـد ، سـپس هر چه از فرد اوّل سؤال کرده بود از او سؤال نمود و جواب او به تمـام آن هـا مخالف با جواب فرد اوّل بود . و عبیـداللّٰه بن ابی رافع تمـام آن هـا را می نوشت . آن گـاه که از سؤال فـارغ شدنـد تکبیری گفتنـد که همه اهل مسـجد شنیدند .

سپس فرمودند : دو نفر را از مسجد خارج ساخته و به طرف زندان ببرند و در درب زندان نگه دارند .

سپس شـخص سوّم را فرا خواندنـد و آنچه از دو نفر سؤال نموده بودنـد ، از او سؤال کردنـد و او برخلاف آن دو پاسـخ داد و حرف هـای او را یـادداشت کردنـد . سـپس تکـبیر گفتنـد و دسـتور دادنـد او را بـه نزد دو رفیقش ببرنـد ، و فرد چهـارم را فرا خواندند .

او در گفتـار مضـطرب شـده به لکنت افتاد . حضـرت او را موعظه نموده و ترساندنـد . مرد اعتراف کرد که او و دوسـتانش آن شخص را کشته اند و مال او را گرفته و در فلان مکان در نزدیک کوفه دفن نموده اند .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دستور دادند او را به طرف زندان ببرند و یکی دیگر از آن ها را بیاورند و به او فرمودند : آیا گمـان می کنی که آن مرد خـودش مرده در حـالی که قطعـاً تـو او را کشـته ای ؟ رفتـار خود را درست بیـان کن و گرنه تو را سخت در قید و بند می نمایم ؛ زیرا حقیقت جریان شماها روشن شد .

در این هنگام او به کشتن آن شخص اعتراف کرد همان گونه که رفیقش اعتراف نموده بود سپس بقیّه را فرا خواندند

و آن ها نیز اعتراف به کشتن او نمودند و از آنچه کردند اظهار پشیمانی نمودند و همگی اعتراف به کشتن آن مرد و گرفتن اموال او کردند .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دستور دادند کسی با آن ها به مکانی که مال او را دفن نموده اند برود .

آن ها مال را درآورده و تسلیم نوجوان فرزند مقتول نمودند . سپس حضرت به نوجوان فرمودند : درباره اینها چه تصمیمی داری ؟ دانستی که آن ها با پدرت چه رفتاری کرده اند ؟

نوجوان گفت : می خواهم قضاوت میان من و آن ها نزد خداوند بزرگ باشد و در این دنیا از خون آن ها گذشتم .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حدّ قتل را بر آنان جاری نکرد و سخت آنان را عقوبت کرد .

شریح به آن حضرت گفت : یا امیرالمؤمنین ؛ چگونه این طور حکم کردید ؟!

حضرت به او فرمودند :

داود بر چند کودک که بازی می کردند عبور نمود ، آن ها یکی از کودکان را به نام »مات الدین«)دین مرده است(صدا می زدند و او به آن ها جواب می داد .

داود به آن ها نزدیک شد و به آن کودک گفت : اسم تو چیست ؟

گفت : اسمم »مات الدین« است .

داود به او فرمود : چه کسی تو را به این اسم نامیده است ؟

گفت : مادرم .

داود گفت : مادرت کجاست ؟

گفت : در منزل خود .

داود گفت : با من تا نزد مادرت بیا . پس با داود به نزدش رفت و به مادرش گفت : از خانه بیرون بیا .

او خارج شد و داود به او گفت : ای کنیز خدا ؛ اسم این فرزندت چیست ؟

زن گفت : اسمش

»مات الدین« است .

داود به آن زن گفت : چه کسی او را به این اسم نامیده است ؟!

زن گفت : پدرش .

داود گفت : چرا او را به این نام نامیده است ؟!

زن گفت : او برای مسافرتی که داشت از منزل خارج شد و عدّه ای با او بودند و من به این پسر حامله بودم . آن عدّه از سفر برگشتند ولی همسرم بازنگشت . از آن ها درباره او سؤال کردم . گفتند : او مُرد . از مال او از آنان سؤال کردم . آن ها گفتند : او مالی به جای نگذاشت .

گفتم : او شما را به سفارشی وصیّت نکرد ؟

گفتند : او گمان می کرد تو حامله هستی . گفت : فرزندت را چه دختر باشد و چه پسر »مات الدین« بگذار . پس فرزند را به آن نام که او وصیّت کرده نام گذاردم و خلاف آن را دوست ندارم .

داود گفت : آیا آن گروه را می شناسی ؟

زن گفت : آری .

داود گفت : نزد آنان برو و آنان را از منزل های شان خارج کن و بیاور .

آن ها چون نزد داود حاضر شدند در میان آنان این گونه حکومت کرد . پس خون آن مرد را بر آن ها ثابت کرد و مال را از آنان گرفت . سپس به زن فرمود : ای کنیز خدا ؛ فرزندت را »عاش الدین« (دین زنده است) نام بگذار .(۴۱)

از این روایت استفاده می شود که تکیه کردن شریح به سوگند منکرین کاری اشتباه بوده است و سوگند و یمین آنان ، سبب قضاوتِ ناحقِّ او شده است .

حضرت داود و حضرت سلیمان علیهما السلام

در عصر استقرار حکومت عدل الهی

، قضاوت با امـدادهای غیبی همراه خواهـد بود ؛ تا کسـی نتواند با بیّنه دروغین و یا سوگندی که واقعیّت ندارد ، چهره حقیقت به خود گرفته و به دیگری ظلم و ستم نماید .

بر این اساس حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه در قضاوت های خود نیاز به هیچ گونه شاهد و بیّنه ای ندارند و آن حضرت نیز همانند حضرت داود بر طبق علم خود عمل می نمایند .

قبل از آن که روایاتی را در این باره نقل کنیم ، به بیان نکته ای درباره حضرت داود و سلیمان علیهما السلام می پردازیم :

در میان پیامبران الهی ، برخی مانند حضرت داود و حضـرت سـلیمان علیهما السـلام دارای صفات ممتازی بودند . این حقیقتی است که قرآن کریم آن را بیان می کند . خداوند در سوره »نمل« درباره آن ها می فرماید :

وَلَقَدْ آتَيْنا داوُدَ وَسُلَيْمانَ عِلْماً وَقالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی فَضَّلَنا عَلی كَثيرٍ مِنْ عِبادِهِ الْمُؤْمِنينَ .(۴۲)

و هر آینه قطعاً داود و سـلیمان را دانشـی دادیم و آن دو گفتند : ستایش مخصوص خدایی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری داد .

و در سوره »انبیاء« درباره آن دو بزرگوار می فرماید :

وَكُلاًّ آتَيْناهُ حُكْماً وَعِلْماً .(۴۳)

و هر یک را حکم و علم دادیم .

و در سوره »ص« درباره حضرت داود علیه السلام می فرماید :

يا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناكَ خَليفَةً فِی الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ... .(۴۴)

ای داود ؛ ما تو را جانشین در زمین قرار دادیم ، پس میان مردم به حق حکم نما .

بر اساس تفضّل و عنایتی که خداوند به حضرت داود و حضرت سلیمان نموده ، از جریاناتی آگاه می شدند که دیگران از

آن اطّلاعی نداشتند . بر همین اساس ، قضاوت و حکومت آنان به گونه ای بوده که از ویژگی های خاصّی برخوردار بوده است . به این جهت آن بزرگواران در قضاوت های خود نیازی به بیّنه و شاهد نداشتند .

بحث روایی

بعضی معتقدند که قضاوت حضرت داود بر اساس واقع و بدون رجوع به بیّنه فقط در یک یا چند مورد واقع شده است .

با دقّت در این روایات استفاده می شود که قضاوت حضرت داود به مقتضای واقع - نه بر اساس بیّنه - محدود به یک مورد نبوده است ؛ زیرا آنچه که باعث اختلاف افراد و رجوع به حضرت داود شده یک چیز نبوده است . برای توضیح مطلب در این روایات دقّت کنید :

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

حضرت داود علیه السلام به خداوند عرض کرد : خداوندا ؛ حقّ را آن گونه که نزد تست به من بنمایان تا من به آن قضاوت نمایم .

خداوند به او وحی فرمود : تو طاقت چنین کاری را نداری !

حضرت داود اصرار نمود تا خداوند خواسته او را انجام داد .

مردی نزد او آمد که کمک می خواست و از مرد دیگری شکایت می کرد و می گفت : این شخص مال مرا گرفته است . خداوند جلیل به حضرت داود وحی نمود : فردی که خواستار کمک می باشد ، پدر دیگری را کشته و مال او را گرفته است .

حضرت داود امر کرد آن را که کمک می خواست کشتند و مال او را به فرد دیگر دادند .

مردم از این جریان شگفت زده شدند و آن را به یکدیگر می گفتند تا جریان به حضرت داود

رسید و از این کار گرفته خاطر شد .

پس از خداونـد خواست علم به حقایق امور را از او بگیرد و خداونـد چنین نمود و سـپس به او وحی کرد : میان مردم با بیّنه ها حکم نموده و علاوه بر آن از آنان بخواه که به نام من سوگند یاد کنند .(۴۵)

این روایت را علاّمه مجلسی از محمّد بن یحیی ، از احمد بن محمّد ، از حسین بن سعید ، از فضاله بن ایّوب ، از ابان بن عثمان ، از کسـی که به او خبر داده ، روایت نموده است و همـان طور که می بینیـد ابـان بن عثمـان سـند روایت را ناتمام نقل کرده ، گذشته از این ، او خود نزد برخی از بزرگان مانند علاّمه حلّی مورد قبول نیست .

در این روایت ، مورد اختلاف مال و ثروت بیان شـده است ، در روایت دیگر فرد شـکایت شده ادّعای شاکی را قبول داشـته و شاکی معتقـد بوده است که جوانی بـدون اجازه او وارد باغ او شده و درختان انگور او را خراب کرده و جوان نیز این شـکایت را قبول داشته . حضرت داود بر اساس حکم واقع به نفع جوان حکم می کند و باغ را به جوان تحویل می دهد... . (۴۶)

و در روایت دیگر که در آن تصـریح شـده حضـرت داود یک بار بر اساس حکم واقع قضاوت کرده است - نه بر اساس بیّنه - اختلاف درباره مالکیّت گاو بوده است و هر یک از دو نفر برای خود بیّنه اقامه نموده بودند... .(۴۷)

چگونگی قضاوت اهل بیت علیهم السلام و حضرت داود

در تعدادی از روایات از حکومت حضرت داود سخن به میان آمده است که

خـود دلیـل بر این است که در قضـاوت آن حضـرت خصوصـیّتی بوده است که آن بی نیـازی از اقـامه بیّنه است . این روایـات چگونگی قضاوت ائمّه اطهار علیهم السلام را نیز بیان نموده اند .

به این روایات توجّه کنید :

عن الساباطی قال: قلت لأبی عبداللّه علیه السلام: بما تحکمون إذا حکمتم؟

فقال : بحکم اللّه وحکم داود ، فإذا ورد علینا شی ء لیس عندنا تلقّانا به روح القدس ؟ (۴۸)

ساباطی می گوید : به امام صادق علیه السلام گفتم : آن گاه که قضاوت بنمایید به چه چیزی حکم می کنید ؟

حضـرت فرمودنـد : بـه حکم خداونـد و حکم داود ، هر گـاه چیزی به مـا برسـد که دربـاره آن ، چیزی در نزد مـا نباشـد روح القدس آن را به ما القاء می نماید .

به این روایت نیز توجّه کنید :

عن جعید الهمدانی (وکان جعید ممّن خرج مع الحسـین علیه السـلام بکربلا) قال : فقلت للحسـین علیه السـلام : جعلت فداک ؛ بأیّ شی ء تحکمون؟

قال : یا جعید ؛ نحکم بحکم آل داود ، فإذا عیینا عن شی ء تلقّانا به روح القدس ؟(۴۹)

جعیـد همـدانی(او از کسانی است که با امام حسـین علیه السـلام به کربلا رفت) می گوید : به امام حسـین علیه السـلام گفتم : فدایتان شوم ؛ به چه چیزی حکم می نمایید ؟

حضـرت فرمودنـد : ای جعیـد ؛ ما به حکم آل داود حکم می کنیم و هر گاه از چیزی ماندیم روح القدس آن را به ما القاء می نماید .

این روایت را مرحوم علاّمه مجلسی از جعید از امام سجّاد علیه السلام نیز نقل کرده است .(۵۰)

(تذکّر این نکته لازم است که این گونه پاسخ ها بستگی به ظرفیّت عمومی اهل

مجلسی است که روایت در آن عنوان شده است و گرنه روح القدس طفل ابجدخوان مکتب اهل بیت علیهم السلام می باشد ؛ همان گونه که امام حسن عسکری علیه السلام فرموده اند ، روح القدس از بوستانِ دست نخورده ما علم آموخته است.)

در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است :

عن حمران بن اعین قال : قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : أنبیاء أنتم ؟

قال : لا . قلت : فقد حدّثنی من لا أتّهم أنّک قلت : إنّکم أنبیاء ؟

قال : من هو أبوالخطّاب ؟ قال : قلت : نعم .

قال : کنت إذاً أهجر ؟ قال : قلت : بما تحکمون ؟

قال : نحکم بحکم آل داود ؟(۵۱)

حمران بن اعین می گوید : به امام صادق علیه السلام گفتم : شما پیامبران هستید ؟ فرمود : نه . گفتم : کسی که او را متّهم به دروغ نمی دانم به من گفت که شما فرمودید : شماها انبیاء هستید .

آن حضرت فرمود : کیست ، او ابوالخطّاب است ؟

گفتم : آری .

حضرت فرمودند : بنابراین من بیهوده می گویم ؟!

گفتم : شما به چه چیزی حکم می کنید ؟

فرمودند : به حکم آل داود حکم می کنیم .

امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند :

... أنّه إتّهم زوجته بغیره فنقر رأسها وأراد أن یلاعنها عندی . فقال لها : بینی وبینک مَن یحکم بحکم داود و آل داود ، ویعرف منطق الطیر ولایحتاج إلی شهود . فأخبرته أنّ الّذی ظنّ بها لم یکن کما ظنّ ، فانصرفا علی صلح .(۵۲)

او زوجه اش را متّهم ساخته بود که با دیگری دوست شده ، پس بر سر او کوبیده و می خواست

نزد من او را لعان نماید .

زوجه اش گفت : بین من و تو کسی حکم کند که به حکم داود و آل داود حکم می نماید و سخن پرندگان را می داند و احتیاج به شاهد ندارد . پس به او گفتم : آنچه را نسبت به همسرت گمان کرده ای آن گونه نیست . پس با حال صلح بر گشتند .

از این دسته از روایات استفاده می شود که ائمّه اطهار علیهم السلام – همانند حضرت داود – در قضاوت های خود نیازی به بیّنه نداشتند .

بنابراین از مجموع این روایات استفاده می شود : حضرت داود بر اساس علم خود عمل می کرد و به بیّنه رجوع نمی نمود . ائمّه اطهار علیهم السلام نیز گاهی این گونه قضاوت می نمودند . حضرت بقیّه اللَّه ارواحنا فداه نیز بر اساس علم خود قضاوت نموده و نیازی به بیّنه ندارند .

قضاوت های امام عصر عجّل اللَّه تعالی فرجه

اکنون روایاتی را نقل می کنیم که دلالت می کند امام عصر ارواحنا فداه برای قضاوت نیازی به بیّنه ندارند ، همان گونه که حضرت داود نیازی به بیّنه نداشت .

اکنون به این روایات توجّه کنید :

در نامه ای که حسن بن طریف به امام عسکری علیه السلام نوشته است درباره چگونگی قضاوت حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه سؤال کرده ، او می گوید :

إختلج فی صدری مسألتان ، وأردت الکتاب بهما إلی أبی محمّد علیه السلام ، فکتبت أسأله عن القائم علیه السلام بم یقضی ؟

فجاء الجواب : سألت عن القائم ، إذا قام یقضی بین النّاس بعلمه کقضاء داود علیه السلام ، ولایسأل البیّنه .(۵۳)

دو مسأله در سینه ام وارد شد و تصمیم گرفتم آن دو را به امام حسن عسکری علیه السلام بنویسم .

پس نامه نوشتم و از ایشان سؤال کردم : قائم به چه چیز قضاوت می کند ؟

جواب آمـد : از قائم سؤال کردی ، آن زمان که او قیام نمایـد ، بین مردم به علم خودش قضاوت می کند مانند قضاوت داود و شاهد نمی طلبد .

امام صادق علیه السلام در روایتی به ابوعبیده فرمودند :

یا أبا عبیده ؛ أنّه إذا قام قائم آل محمّد ، حکم بحکم داود وسلیمان ؛ لایسأل النّاس بیّنه .(۵۴)

ای اباعبیـده ؛ هر گاه قائم آل محمّـد)علیهم السـلام(قیام نمایـد به حکم داود و سـلیمان حکم می نمایـد و از مردم شاهد طلب نمی نماید .

ابان می گوید : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود :

لایذهب الدّنیا حتّی یخرج رجل منّی یحکم بحکومه آل داود لایسأل عن بیّنه ، یعطی کلّ نفس حکمها .(۵۵)

دنیا تمام نخواهـد شـد تا مردی از من به نوع حکومت آل داود حکومت نمایـد ، از بیّنه سؤال ننماید و به هر فردی حکم واقعی او را جاری نماید .

این روایت به این گونه نیز از ابان بن تغلب نقل شده است ؛ او می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند :

سیأتی فی مسـجدکم ثلاثمـائه وثلاثه عشـر رجلًا - یعنی مسـجد مکّه - یعلم أهل مکّه أنّه لم یلـد (هم) آبائهم ولا أجـدادهم ، علیهم السـیوف ، مکتوب علی کلّ سیف کلمه تفتح ألف کلمه ، فیبعث اللّه تبارک وتعالی ریحاً فتنادی بکلّ وادٍ : هذا المهدیّ یقضی بقضاء داود وسلیمان علیهما السلام لایرید علیه بیّنه.(۵۶)

در مسـجد شـما (مسجد مکّه) سیصد و سیزده مرد می آیند که مردم مکّه می دانند آنان از نسل آباء و اجداد اهل مکّه نیستند ، بر آنان

شمشیرهایی است که بر هر شمشیر کلمه ای نوشته شده که از آن هزار کلمه گشوده می شود . خداوند تبارک و تعالی بادی را برمی انگیزاند که در هر وادی ندا می دهد : این مهدی است که به قضاوت داود و سلیمان علیهما السلام قضاوت می نماید و بر آن بیّنه ای نمی طلبد .

همچنین حریز می گوید : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود :

لن تذهب الدنیا حتّی یخرج رجل منّا أهل البیت یحکم بحکم داود و آل داود ؛ لایسأل النّاس بیّنه .(۵۷)

دنیا تمام نخواهد شد تا مردی از ما اهل بیت خروج نموده ، به حکم داود و آل داود حکم کند و از مردم شاهد نخواهد .

عبداللّه بن عجلان روایت کرده است که حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه نه تنها در مقام حکومت نیازی به بیّنه ندارد ؛ بلکه در امور دیگر نیز آن حضرت از امور پنهانی آگاه می باشند و هر قومی را به آنچه در ضمیر خود پنهان کرده اند خبر می دهند :

امام صادق علیه السلام فرمودند :

إذا قام قائم آل محمّد علیهم السلام حکم بین الناس بحکم داود لایحتاج إلی بیّنه ، یلهمه اللّه تعالی فیحکم بعلمه ، ویخبر کلّ قوم بما استبطنوه ، ویعرف ولیّه من عدوّه بالتوسّم .

قال اللّه سبحانه : «إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمینَ × وَإِنَّها لَبِسَبیلٍ مُقیم»(۵۹). (۵۸)

زمانی که قائم آل محمّد علیهم السلام قیام نماید به حکم داود میان مردم حکومت می کند ، نیازی به بیّنه ندارد ، خداوند بزرگ به او الهام می نماید و او به علم خود حکم می کند و به هر قومی از آنچه در دل پنهان نموده اند خبر می دهد و دوست خود را

از دشمنش با توسّم می شناسند .

خداوند بزرگ می فرماید : »و در این عذاب هوشمندان را نشانه های بسیار است و اینها راهی برقرار برای عبرت است« .

روایت دیگری که نقل می کنیم صریح است که آن حضرت به حکم داود حکومت می کنند و از نیاز به بیّنه یا عدم نیاز به آن ، سخنی به میان نیامده است .

پیغمبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم در روایتی فرمودند :

... ویخرج اللّه من صلب الحسن علیه السلام قائمنا أهل البیت علیهم السلام یملأها قسطاً وعدلاً کما ملئت جوراً وظلماً ، له هیبه موسی وحکم داود وبهاء عیسی ، ثمّ تلا صلی الله علیه وآله وسلم : »ذرّیّه بعضها من بعض واللّه سمیع علیم«(۶۱). (۶۰)

... خداوند از صلب حسن ، قائم ما اهل بیت را خارج می سازد که زمین را سرشار از قسط و عدل می سازد همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد ، او دارای هیبت موسی و حکم داود و بهاء عیسی است .

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم این آیه را تلاوت فرمودند : »نسلی که بعضی از بعض دیگر فرا گرفته اند و خداوند شنوا و عالم است« .

در روایت دیگری که نقل می کنیم درباره چگونگی قضاوت حضرت داود چیزی نفرموده اند ولی در آن تصریح شده است که امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه در قضاوت خود در دو مورد مذکور در روایت از بیّنه سؤال نمی کنند .

امام صادق علیه السلام فرمودند :

دمان فی الإسلام حلال من اللّه عزّوجلّ لایقضی فیهما أحد بحکم اللّه حتّی یبعث اللّه عزّوجلّ القائم من أهل البیت علیهم السلام ، فیحکم فیهما بحکم اللّه عزّوجلّ

لایرید علی ذلک بیّنه : الزانی المحصن یرجمه ، ومانع الزکاه یضرب رقبته .(۶۲)

ریختن دو خون در اسلام از جانب خداوند مباح است که احدی درباره آن دو به دستور الهی حکم نمی کند تا خداوند جلیل قائم ما اهل بیت (علیهم السلام) را برانگیزاند ، پس در آن دو خون به حکم الهی حکم می کند و بر این کار بیّنه طلب نمی نماید :

۱ - زناکاری که همسر داشته باشد ، او را سنگسار می نماید . ۲ - کسی که زکات نپردازد ، گردن او را می زند .

روایاتی که نقل کردیم ، تصریح می کنند که حضرت مهدی عجّل اللّه تعالی فرجه در قضاوت نیازی به شاهد و بیّنه ندارند و با علم و آگاهی خود عمل می نمایند ؛ همان گونه که حضرت داود در قضاوت جویای گواه و بیّنه نمی شد .

مرحوم علاّمه مجلسی نیز همین عقیده را برگزیده و فرموده است :

ظاهر اخبار این است که هر گاه حضرت قائم علیه السلام ظاهر شوند به واقعیّتی که علم دارند حکم می نمایند نه به بیّنه . امّا امامان دیگر علیهم السلام به ظاهر حکم می نمودند و گاهی آنچه را از باطن او خبر داشتند به وسیله ای ظاهر می ساختند کما این که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این کار را در موارد زیادی انجام می دادند .

و شیخ مفید در کتاب »المسائل« فرموده است : امام علیه السلام می تواند به علم خودش حکم نماید همان گونه که می تواند به ظاهر گواهی ها حکم نماید و هر گاه بداند گواهی و شهادت با واقعیّتِ امری که درباره آن شهادت داده شد مخالف است حکم به بطلان شهادتِ شاهد می نماید و به

آنچه خداوند بزرگ او را عالم نموده است حکم می نماید .(۶۳)

قضاوت های یاوران امام زمان ارواحنا فداه در عصر ظهور

گسترش عدالت در جهان و ریشه کن شدن ظلم و ستم در سراسر گیتی ، در صورتی است که قضاوتِ قاضیان در عصر ظهور ، بر اساس حقیقت و واقعیّت باشد نه بر اساس ظاهر و این در صورتی تحقّق پذیر است که قاضی فراتر از بیّنه و یمین ، راهی برای یافتن حقیقت و درک واقعیّت داشته باشد .

از روایات روشن می شود در حکومت عدالت گستر حضرت بقّیه اللّه الأعظم ارواحنا فداه نه تنها آن بزرگوار نیازی به سؤال از شاهد و بیّنه ندارند ؛ بلکه کارگزینان آن حضرت نیز که در سراسر جهان مأمور به ریشه کن ساختن ظلم و ستم و استقرار عدل و انصاف می باشند ، از امدادهای غیبی برخوردار بوده و از اموری فراتر از بیّنه و یمین برخوردار می باشند و هیچ گاه گرفتار بیّنه دروغین و یمین کاذب نخواهند شد .

این حقیقتی است که در روایاتی که بیانگر چگونگی قضاوتِ قاضیان در عصر درخشان ظهور می باشد ، به آن تصریح شده است .

حضرت امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند :

إذا قام القائم بعث فی أقالیم الأرض فی کلّ إقلیم رجلاً ، یقول: عهدک فی کفّک ، فإذا ورد علیک أمر لاتفهمه ولاتعرف القضاء فیه، فانظر إلی کفّک ، واعمل بما فیها .

قال : ویبعث جنداً إلی القسطنطینیّه ، فإذا بلغوا الخلیج کتبوا علی أقدامهم شیئاً ومشوا علی الماء ، فإذا نظر إلیهم الرّوم یمشون علی الماء ، قالوا : هؤلاء أصحابه یمشون علی الماء ، فکیف هو؟

فعند ذلک یفتحون لهم أبواب المدینه ، فیدخلونها ، فیحکمون فیها ما یشاؤون .(۶۴)

آن

زمـان که قـائم قیام نمایـد در هر قسـمتی از قسـمت های زمین مردی را می فرسـتد و می فرمایـد : پیمان تو)آنچه را که وظیفه داری انجـام دهی(در کف دست توست . پس هر گـاه جریـانی برایت واقع شـد که آن را نفهمیـدی و نـدانستی که درباره آن چگونه قضاوت کنی ، به کف دستت نگاه کن و به آنچه در آن وجود دارد قضاوت نما .

امام صادق علیه السـلام فرمودند : و گروهی از ارتش را به سوی قسـطنطینیّه می فرسـتد ، آن گاه که آنان به خلیج می رسند بر قـدم هـای شان چیزی می نویسـند و به روی آب راه می رونـد . وقتی که اهل روم می بیننـد که آنان به روی آب راه می روند می گویند : اینان یاوران او هستند که به روی آب راه می روند ! پس او خود چگونه خواهد بود ؟!

در این هنگام راه های شـهر را به روی آنان می گشاینـد و آنان وارد شـهر می شونـد و در آنجا به آنچه می خواهنـد حکم می کنند .

گرچه برخی از مؤلّفین احتمـال معنـای دیگری دربـاره این خبر داده انـد که خلاـف ظـاهر روایت است ؛ زیرا ظاهر روایت این است که فردی را که حضـرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه برای حکومت به اقلیمی از گیتی می فرستند برخوردار از امدادهای غیبی است .

نه تنها او بلکه همه افرادی که ارتش او را تشـکیل می دهنـد و تحت فرماندهی او می باشـند نیز این چنین هسـتند ؛ همان گونه که در آخر روایت به گونه ای صـریح می فرماینـد : آنان – بـدون وسـیله ظاهری و تنها با نوشـتن چیزی بر قـدم های شان – به روی آب راه می روند .

با این بیان چرا ما امدادهای غیبی

را به چیزهایی همچون موبایل توجیه کنیم ؟!

جالب توجّه است که در روایتی تصریح شده است که قاضیان عصر درخشان ظهور از امدادهای غیبی برخوردارند و از فهمی فراتر از فهم و درک دیگران استفاده می کنند .

اکنون به این روایت توجّه کنید :

امام باقر علیه السلام می فرمایند :

... ثمّ يرجع إلى الكوفه فيبعث الثلاث مائه والبضعه عشر رجلًا إلى الآفاق كلّها فيمسح بين أكتافهم وعلى صدورهم ، فلايتعايون في قضاء...(۶۵)

... سپس به کوفه برمی گردد و سیصد و سیزده نفر مرد را به سوی آفاق و سراسر گیتی می فرستد . و میان شانه ها و سینه های آنان را دست می کشد که در نتیجه در امر قضاوت درنمی مانند .

از این روایت نکاتی استفاده می شود :

۱ - سیصد و سیزده تن یاوران امام عصر ارواحنا فداه حاکمان جهان می باشند و همه آفاقِ زمین و سراسر گیتی در دست یاوران حضرت مهدی عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف خواهد بود .

۲ - حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه - که ید اللّه هستند - با کشیدن دست بر شانه ها و سینه های آنان ، آن ها را از امداد غیبی برخوردار نموده به گونه ای که هیچ گاه در امر قضاوت و صدور حکم حق ، ناتوان نخواهند شد .

۳ - تمام سیصد و سیزده نفر افرادی که به عنوان حکومت و قضاوت به سراسر جهان اعزام می شوند مرد هستند ؛ همان گونه که در این روایت به آن تصریح شده است . (۶۶)

نکته های پایان بحث

اکنون به چند نکته توجّه کنید :

۱ - در روایات متعدّد تصریح شده است که امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه در قضاوت نیازی به بیّنه ندارند .

۲ - بر

فرض روایتی به ظاهر دلالت کند که آن حضرت در قضاوت نیاز به بیّنه دارند ، توان معارضه با روایات دیگر را ندارد .

۳ - بر فرض وجود روایت مخالف و توانِ معارضه آن با روایات دیگر باید به جمع میان روایات پرداخت و از طرح تعداد زیادی از روایات دست برداشت ؛ زیرا می توان روایت مخالف را - بر فرض وجود آن - بر ماه های اوّل ظهور که حکومت آن حضرت در سراسر عالم مستقرّ نشده حمل نماییم ؛ زیرا پس از استقرار حکومت و استقرار سیصد و سیزده نفر یاوران بزرگ امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه در سراسر زمین ، از امدادهای غیبی برخوردارند . بنابراین دچار بیّنه های دروغین نخواهند شد .

۴ - به آنان که می گویند حضرت داود فقط یک بار بر اساس واقع قضاوت کرده است می گوییم : آیا معقول است آن حضرت فقط یک بار بر اساس واقع قضاوت کرده باشد و قضاوت این چنین شهرت یافته باشد ؟

۵ - بر فرضی که حضرت داود فقط یک بار طبق علم واقعی عمل کرده و قضاوت او اینچنین شهرت یافته است ، تشبیه قضاوت امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه به قضاوت حضرت داود به خاطر همان گونه قضاوتی است که شهرت یافته است .

۶ - اگر بپذیریم حضرت داود یک بار طبق علم واقعی عمل کرده است ، در پاسخ به روایاتی که راجع به حضرت سلیمان و آل داود وارد شده که آنان نیز بدون سئوال از بیّنه قضاوت می کردند چه می گویند ؟!

۷ - همان گونه که از فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل کردیم

ممکن است قضاوت بر اساس بیّنه خلاف واقع باشد و به محکوم ظلم روا داشته شود ، آیا این با حکومت عدالت پرور حضرت بقیّه اللَّه الأعظم عجّل اللَّه تعالی فرجه چگونه سازگار است ؟

۸ - از همه این ها که بگذریم طبق روایتی که حضرت داود از خداوند خواست که بر اساس بیّنه عمل کند ، برای این بوده است که پیروان او آماده پذیرش حکم واقعی نبوده اند . و این بر اساس عدم تسلیم کامل آنان در برابر حضرت داود و عدم رضایت آن ها بر احکام باطنی بوده است ولی در عصر روزگار رهایی که مردم به تکامل عقلی رسیده و پذیرایی آنچه آن حضرت بفرمایند هستند ، نیازی برای دست برداشتن از قضاوت بر اساس واقع نیست .

(۳)

پیشرفت اقتصادی

پیشرفت اقتصادی در عصر ظهور

قبل از آن که به بیان پیشرفت اقتصادی در عصر ظهور بپردازیم ، نکته ای را درباره فقر و تنگدستی و رفتار ناهنجار ابرثروتمندان - که دلیل ناکامی پروژه های اقتصادی است - بیان می کنیم :

کمبود مالی و فقر اقتصادی ، اساس و ریشه بسیار مهمّی برای وقوع بسیاری از جنایت هایی است که در عصر غیبت در سراسر جهان واقع شده و می شود . این واقعیّتی است که پس از ریشه یابی بسیاری از قتل ها، خونریزی ها، دزدی ها و... روشن شده است .

کسانی که به عقیده خود با قتل ، خونریزی ، دزدی و جنایت های دیگر مبارزه می کنند و می خواهند آن ها را در جامعه ریشه کن کنند ، باید اساس و منشأ آن ها را - که فقر یکی از عوامل مهمّ آن است - از جامعه بزدایند تا قسمت مهمّی از جنایت هایی را که در جامعه واقع می شود نابود سازند ؛

زیرا همان گونه که گفتیم فقر و نیاز عامل بسیاری از جنایت ها است .

عـالم مهمّ دیگری که دارای نقش اساسـی در وقوع جنـایت ها می باشـد ، تکاثر و افزون طلبی است ، تأثیر این عامل ، از عامل اوّل بسـیار مهمّ‌تر و بیشـتر است ، زیرا اگر یـک فرد فقیر و مسـتمند دست به سـرقت یـک خـانه یـا کشـتن یـک فرد می زنـد ، قدرتمندان برای تکاثر اموال و به خاطر افزون طلبی ، مال و ثروت یک جامعه را غارت می کنند و ملّتی را به خاک و خون می کشانند .(۶۷)

بـدیهی است همان گونه که امکان خـدمت برای فرد ثروتمنـد یا قدرتمنـد ، بیشتر از یک فرد فقیر و ضـعیف می باشد ، امکان خیانت او نیز بیشتر از یک فرد فقیر و محتاج می باشد .

بنابراین فقرِ مسـتمندان و بیشتر از آن ، تکاثر و افزون طلبی ثروتمندان و قدرتمندان ، دو عامل بسـیار مهمّ برای وقوع جنایت ها و خیانت ها در دوران تیره غیبت می باشند و با فرا رسیدن عصر شکوهمند ظهور ، نه تنها این دو عامل بلکه همه عوامل جنایت ، نابود می شوند و عوامل نجات و سعادت ، جایگزین عوامل فساد و تباهی می گردند .

وظیفه مهمّ ثروتمنـدان و قدرتمنـدان کمـک به افراد فقیر و ضـعیف می باشـد تـا هم فقر اقتصـادی آنـان جبران شود و هم مانع طغیـان خودشـان گردد تـا در نتیجه ، دو عامـل مهمّ تبـاهی برطرف گردد ؛ امّـا متأسّـفانه این وظیفه بزرگ همچون بسـیاری از وظایف دیگر به دست فراموشـی سپرده شـده است ؛ ولی سـرانجام روزگاری فرا خواهد رسـید که اگر انسان بخواهد از کسـی دستگیری کند ، هر چه جستجو کند فقیری را

نجوید !

نکته ای که باید به آن توجّه شود این است که گفتیم : افزون طلبی و تکاثر ثروتمندان و قدرتمندانِ بزرگ عاملی بسیار مهمّتر از فقر در وقوع جنایات جهان است ؛ افزون طلبی و ثروت ، ثروتمندان را به سوی ثروت بیشتر فرا می خواند و قدرت و زورگویی ، قدرتمندان و زورگویان را به زورگویی بیشتر وا می دارد .

در واقع ثروتِ ابرثروتمندان ، هم به عنوان دوّمین عاملی که نام بردیم دارای نقش است و هم در عامل اوّل شرکت دارد ؛ زیرا عامل مهمّ وجود فقر در میان جامعه ، ثروتمندانی هستند که با نقشه های شوم خود برای هر چه بیشتر شدن سرمایه خویش به وسیله احتکار و یا افزایش قیمت ها ، باعث ایجاد فقر و یا افزایش فقر تنگدستان می شوند . این حقیقتی است که در کلمات خاندان وحی علیهم السلام به آن تکیه شده است .

توجّه کنید به زمین خوارانی که خود در کاخ ها و ویلاها زندگی می کنند و با نگه داشتن هکتارها زمین باعث افزایش نرخ زمین شده و در نتیجه مستمندان از خرید یک قطعه زمین کوچک ناتوان می مانند .

بنابراین بسیاری از ثروتمندان با انباشتن اموال ، هم باعث ایجاد فقر و یا افزایشِ آن می شوند - که مقدّمه و زمینه فساد برای بعضی از افرادِ نیازمند می شود - و هم تکاثر و افزون طلبی آنان باعث طغیان و رها شدنشان از مقیّدات شرعی و عقلی می گردد .

اکنون به این جریان توجّه کنید :

»خان مرو« یکی از اعیان و ثروتمندان تهران بود که مسجد و مدرسه ای در آن شهر ساخته و تاکنون به نام وی معروف است . گویند یکی از دوستان قدیم

وی چنـدین مـاه هر روز به درخت چناری که در مقابل خانه وی بود تکیه داده به انتظار بیرون آمـدنِ خان می ایسـتاد که شاید در وقت خروج از منزل نگاهش به او افتد و تلطّفی در حقّ او بکند . ولی خان ملتفت او نمی شد تا وقتی که خان از منصبی که داشت معزول و خانه نشین شد . آن دوست به دیدن وی رفت .

خان گله کرد که چرا در این مـدّت یاد ما نکردی و نزد ما نیامـدی . آن شـخص جریان آمـدن خود را نقل کرد . خان گفت : من در آن وقت چنار جلو منزل خود را با آن بزرگی و بلندی نمی دیدم تا چه رسد به تو که زیر آن ایستاده بودی ! (۶۸)

آری ؛ جهان قبل از ظهور امام عصـر ارواحنا فداه شاهد ثروتمندان زیادی است که پای از دایره انسانیّت بیرون نهاده و نتوانسـته اند با تقیّدات شرعی و عقلی ، طغیان خود را کنترل نموده و مهار نمایند .

بـا توجّه به این نکته این سؤال پیش می آیـد که در عصـر درخشـان ظهور - که در سراسـر جهـان همه افراد ، بی نیـاز و دارای ثروت می باشـند - چگونه ثروت هـای بی کران باعث طغیانِ آنان نمی گردد ؟ و به عبارت دیگر اگر ممکن است ثروت های کلان دارای این همه آثار شوم باشد ، چرا در عصر فرخنده ظهور مردم جهان از ثروتِ سرشار برخوردار می شوند ؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت : ثروتی که از راه حلال باشد هیچ گاه شوم نیست ، بلکه ممکن است وسیله خیرات باشد ولی این ثروتمندان هستند که از ثروت خود سوء استفاده می نمایند

. اگر ثروت خود بذاته دارای آثار شوم می بود ، باید همه ثروتمندان این گونه می بودند و حال آن که این گونه نیست و بعضی از افراد ثروتمند - اگرچه در این زمان اندکند - خدمت های شایانِ تقدیر به جامعه نموده اند و باعث دستگیری و نجات بسیاری از افراد گشته اند و مورد مدح خاندان وحی علیهم السلام قرار گرفته اند . و این دلیل بر نقص فکری و کوتاهی اندیشه ثروتمندانی است که در تلاش افزایش ثروت و اندوختن و به جای گذاردنِ آن برای وارثان خود هستند و گرنه اصل ثروت همچون حربه ای است که هم انسان می تواند با آن دشمن را از سر راه خود دور کند و هم می تواند با آن خون افراد بی گناه را به زمین بریزد .

علاوه بر این ، در عصر درخشان ظهور بر اثر تکامل معنوی انسان ها و رشد فکری و عقلی آنان و بر اثر سعادتی که آنان را فرا می گیرد ، از طغیان و هلاکت در امان می باشند .

در آن عصر فرخنده و در آن روزگار شکوهمند ، توسعه ، افزایش و فزونی هست ، امّا افزون طلبی و انباشتن وجود ندارد . ثروت ، نعمت و امکانات وجود دارد ؛ امّا هلاکت ، طغیان و تجاوز از مرز دین وجود ندارد.

در آن زمان ثروت های سرشاری که در دنیا وجود دارد ، چه ثروت های فراوان و انبوهی که در زیر زمین وجود دارد و چه آن ها که بر روی زمین می باشد ، گردآوری شده و به نزد آن حضرت جمع می گردد .

آیا می دانید در اعماق زمین چه گنجینه های بسیار مهمّی از سنگ های قیمتی ، طلا ، نقره و

سایر اشیاء قیمتی وجود دارد ؟ آیا می دانید زمین کوه هایی از طلا را در خود پنهان ساخته است ؟ آیا می دانید پادشاهان و ثروتمندان قدیم ثروت های بی کران خود را در زیر زمین پنهان می نمودند ؟! آیا می دانید زلزله های سهمگین ، سرمایه های عظیمی را با صاحبان خود در دل خاک فرو برده است ؟ و آیا...

در عصر ظهور ، که عصر آگاهی و آشکار شدن امور پنهانی است ، همه ثروتهایی که در زمین پنهان است ، آشکار می گردد و مردمان عصر ظهور از آن برخوردار می شوند .

قدرت کنترل

جالب توجّه است که آنچه گفتیم - یعنی هم توسعه و فزونی ثروت برای همگان در عصر ناشناخته ظهور و هم سعادتمند بودن و عدم طغیان و تجاوزِ مردم آن روزگار - در گفتار خاندان وحی علیهم السلام به آن تصریح شده است .

روایتی که می آوریم شاهد گفتار ما می باشد : حضرت باقر العلوم علیه السلام فرمودند :

یقاتلون واللّه حتّی یوحّد اللّه ولایشرک به شی ء وحتّی یخرج العجوز الضعیفه من المشرق ترید المغرب ولاینهاها أحد ، ویخرج اللّه من الأرض بذرها ، وینزل من السّماء قطرها ، ویخرج الناس خراجهم علی رقابهم إلی المهدیّ ، ویوسّع اللّه علی شیعتنا ، ولولا ما یدرکهم من السعاده لبغوا .(۹۶)

می جنگند به خدا سوگند ، تا)همه(خداوند را یکتا بدانند و چیزی را شریک او ندانند و تا این که پیرزن ضعیفی از مشرق به قصد مغرب خارج شود و هیچ کس او را از این کار باز ندارد .

و خداوند از زمین بذرش را خارج نموده و از آسمان باران را و مردم خراج های خود را از اموال خود خارج

ساخته و به سوی مهـدی می برند و خداوند بر شـیعیان ما توسـعه می دهد و اگر نبود که سـعادت آنان را فرا می گرفت ، حتماً طغیان می نمودند .

ثروت و فقر همـان گونه که ممکن است منشـأ سـعادت انسـان واقع شود ، ممکن است عامـل جنـایت و خیـانت نیز قرار گیرد ، یعنی هـم فقر و هم دارایی ، دارای نقش اساسـی در افزایش جنایـات می باشـند ؛ همـان گـونه که ممکن است وسـیله سـعادت انسان باشند .

طمع برای به دست آوردن و حرص برای تکـاثر و افزودن ، چنین رونـدی را به بـار می آورد . ریشه این جریـان به خاطر نبودن قدرت کنترل در دوران تیره غیبت است .

آشـنا نبودن جامعه از مقام ولایت و توجّه نداشـتن انسان به مرتبه عظیم خاندان وحی علیهم السـلام ، سعادت را از دست او می رباید و او را از مقام ولایت که ضامن کنترل توان ها و قدرت هاست دور می سازد .

امّا در روزگار ناشـناخته ظهور که جامعه بشریّت در پناه دژ محکم ولایت قرار دارد و ابر رحمت الهی بر همه مردم جهان سایه می افکند ، آنان را با قدرت ولایت الهیّه حضرت مهدی ارواحنا فداه حفظ و حراست نموده و کنترل می نماید .

به دلیـل این سـعادت بزرگ - که طعم آن را هنوز نچشـیده ایم - در عصـر درخشان و فرخنـده ظهور ، هر مقـدار ثروت و مال مردم افزایش یافته و زیاد شود ، باعث طغیان و تجاوز آنان نمی گردد .

آری ؛ بر اثر سـایه افکنـدن نیروی ولایت بر تمامی مردم جهان ، همه نیروها ، توان ها و امکانات را تحت پوشـش و حفظ خود قرار داده و آن ها را کنترل

نموده و مهار می نماید تا از تندروی و طغیان باز مانند .

این همـان سـعادت و نیکبختی است که امـام باقر علیه السـلام در پایان روایت به آن تصـریح فرمودنـد : »ولولا ما یـدرکهم من السعاده ، لبغوا« .

آری ؛ قدرت کنترل و مهار از ویژگی های عصر ظهور برای همگان است ، و هر چه مال و ثروت ، قدرت و توانایی ، نشاط و زیبایی و... افزایش یابد ، نور سعادت و نیکبختی در آن عصر درخشان که بر اثر ظهور ولایت درخشش یافته است ، همگان را مهـار کرده به گونه ای که همراه بـا میزان عقـل ، به زنـدگی سـرشار از نعمت که چشم روزگار تا آن زمان هرگزماننـد آن را ندیده و نخواهد دید ، ادامه می دهند .

به این روایت بسیار جالب از امام صادق علیه السلام(۷۰) توجّه کنید :

تواصـلوا وتبـارّوا وتراحموا ، فوالّـذی فلق الحبّه وبرأ النسـمه لیأتینّ علیکم وقت لایجـد أحـدکم لـدیناره ودرهمه موضـعاً ، یعنی لایجد عند ظهور القائم علیه السلام موضعاً یصرفه فیه ، لإستغناء النّاس جمیعاً بفضل اللّه وفضل ولیّه .

فقلت : وأنّی یکون ذلک؟

فقـال : عنـد فقـدکم إمـامکم فلاـتزالون کـذلک حتّی یطلع علیکم کمـا تطلع الشّـمس ، آیس مـا تکونون ، فإیّـاکم والشکّ والإرتیاب ، وانفوا عن أنفسکم الشکوک ، وقد حذّرتکم فاحذروا ، أسأل اللّه توفیقکم وإرشادکم .(۷۱)

باهم در ارتباط باشـید و به یکدیگر نیکویی کنید و باهم مهربانی نمایید ، سوگند به کسـی که دانه را شکافته و روح می دمد ، حتماً زمانی بر شما فرا می رسد که احدی از شما جایی برای مصرف دینار و درهم خود نداشته باشد ، یعنی در زمان

ظهور حضرت قائم علیه السلام جایی نمی یابد که پول خود را در آن مورد خرج کند ، زیرا به فضل خداوند و ولیّ او تمامی مردم بی نیاز خواهند بود .

گفتم : این چه زمانی خواهد بود ؟!

حضرت فرمودند : آن زمان که شما امامتان را نیابید ، پس همین گونه خواهید بود تا زمانی بر شما طالع شود همان گونه که خورشید طلوع می کند ، این در زمانی خواهد بود که از هر زمان به ظهور آن حضرت بیشتر ناامید باشید .

پس بپرهیزید از این که شک کنید یا خود را به شک بیندازید ، شکّ ها را از خودتان دور کنید ، به راستی من شما را برحذر نمودم پس برحذر باشید . از خداوند توفیق شما و ارشاد شما را خواهانم .

در این روایت نکته های بسیار جالبی درباره پاکسازیِ دل از یأس و شکّ وجود دارد ، که تشریح آن ها نیاز به بحث گسترده دارد .

آن قسمت از روایت که اکنون مورد استدلال ما است ، گفتار امام صادق علیه السلام پیرامون عصر درخشان ظهور است که آن حضرت درباره آن روزگار فرخنده می فرماید : در آن زمان به خاطر بی نیاز بودن تمامی مردمان ، فرد نیازمندی یافت نمی شود تا ثروتمندان از مال خود به او کمک کنند .

بیش از ۸۰۰ میلیون گرسنه در جهان

اکنون عصر شکوهمند ظهور را - که همه مردم در آن زمان از نعمت های فراوان برخوردارند به گونه ای که در سراسر گیتی گرسنه ای پیدا نمی شود - با دوران تیره ما بسنجید که صدها میلیون گرسنه در سراسر جهان پراکنده اند و کسی برای نجاتِ آنان گامی مؤثّر برنمی دارد .

به این گزارش توجّه کنید :

«رئیس بانک جهانی

: یک میلیارد نفر در جهان ، قشر غنی دنیا را تشکیل می دهند که ۸۰٪ درآمد جهان را به خود اختصاص می دهند . این در حالی است که بقیّه جمعیّت جهان که ۵ میلیارد نفر هستند باید فقط با ۲۰٪ درآمد در جهان ، گذران عمر کنند .

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) : شمار گرسنگان جهان با ۱۸ میلیون افزایش به ۸۴۲ میلیون گرسنه رسیده است .

پاریس؛ روزانه »ونت مینوت« چهارشنبه ۱۶ اکتبر ۲۰۰۲ (یعنی ۸۱/۷/۲۴) : در هر ۴ ثانیه یک نفر در جهان بر اثر گرسنگی، جان خود را از دست می دهند.

۸۴۰ میلیون نفر در جهان، از سوء تغذیه رنج می برند و ۷۹۹ میلیون نفر آنان در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند .

در ۳۰ کشور جهان ، حالت فوق العاده اعلام شده است و تنها در آفریقا ۶۷ میلیون نفر ، به کمک اضطراری نیازمند هستند . ۱۹۴ میلیون نفر از جمعیت کشورهای آفریقایی ، از تغذیه مناسبی برخوردار نیستند . در قارّه آسیا ۲۰٪ (۴۹۶میلیون نفر) از گرسنگی رنج می برند .

فائو (سازمان خواربار کشاورزی سازمان ملل متحد) : روزانه ۲۴ هزار نفر در جهان در اثر گرسنگی می میرند. سالانه ۶ میلیون کودک کمتر از ۵ سال بر اثر گرسنگی می میرند .»(۷۲)

بدیهی است این همه گرسنگی ، تنگدستی ، بیکاری(۷۳) و... دلیل بر نقص مدیریّت کشورهای جهان است . اگر سیاستمداران می توانستند عوامل کمبودها را شناسایی کرده و در زدودن آن ها اقدام نمایند ، این همه انسان گرسنه در جهان وجود نداشت .

یکی از علّت های گرسنگی ، افزایش قیمت ها است . برای مبارزه با گرسنگی باید از بالا رفتن نرخ ها

جلوگیری کنند ؛ ولی متأسّفانه در این باره ، برنامه ای کارساز عملی نمی شود .

اکنون توجّه شما را به این آمار که درباره افزایش قیمت در ایران ، منتشر شده جلب می کنیم :

سال ۵۷ ۶۲ ۶۷ ۸۲

جمعیّت کشور(نفر) ۳۵۰۰۰۰۰۰ ۴۰۰۰۰۰۰۰ ۴۶۰۰۰۰۰۰ ۶۸۰۰۰۰۰۰

افزایش نرخها :

اقلام یونجه جو سبوس کنجاله شیرخام گوساله نر زنده گاو ماده زنده

سال

۵۷ ۸ ۷ ۳ ۹ ۲۸ ۲۱۰ ۱۵۰

۸۲ ۱۲۰۰ ۱۲۰۰ ۶۲۰ ۱۸۰ ۲۰۰۰ ۱۴۰۰۰ ۱۰۰۰۰

مقدار افزایش ۱۵۰برابر ۱۷۲برابر ۲۰۶برابر ۲۰۶برابر ۷۲برابر ۶۷ برابر ۶۷برابر

۸۳ ۱۶۰۰ ۱۵۵۰ درصد افزایش ۸۳ به ۸۲ - یونجه و جو ۳۳٪ (۷۴)

این نمونه ای کوچک از چند قلم جنس در یک گوشه از جهان است ، همان گونه که مشاهده کردید در مدّت ۲۵ سال ، جمعیّت ایران نزدیک به دو برابر افزایش یافته است و افزایش برخی از نرخها به ۲۰۰ برابر رسیده است با توجّه به این نکته که رشد جمعیّت ، دلیلی برای افزایش نرخ ها نیست مخصوصاً با این همه تفاوت !(۷۵)

افزایش نرخ ها فقط در ایران نیست ؛ بلکه در کشورهای دیگر نیز گرانی ، افراد ضعیف را از پای درمی آورد و بالا- رفتن نرخها حتّی در کشورهایی مانند آمریکا ، ژاپن و... که خود را پیشرفته می دانند وجود دارد .(۷۶)

افزایش ناگهانی نرخ ها دلیل بر این است که سیاست اقتصادی آنان قدرت بر کنترل و مهار کردن قیمت ها و به وجود آوردن تعادل را ندارد .

ابرثروتمندان نه تنها از افزایش نرخ ها غمی به دل راه نمی دهند ؛ بلکه آن ها خود طرّاح اصلی این گونه اقتصادِ بیمار می باشند تا با افزایش قیمت ها ، سرمایه های کلان خود را چند برابر نمایند ؛ زیرا «دزد ، بازار آشفته

می خواهد« .

در این میان توده های ضعیف پایمال زرمندانِ زورمند می شوند و کاش با این همه تزویر آن ها را نمی پذیرفتند ! پس زر و زور و تزویر از آنِ دزدان بازار آشفته اقتصاد جهان است و گرسنگی از آنِ بیش از ۸۰۰ میلیون گرسنه در جهان ! و فقر و تنگدستی از آنِ نیمی از مردمان دنیا !

به این گزارش توجّه کنید :

«صندوق بین الملل پول : بیش از ۳ میلیارد نفر در جهان با کمتر از یک دلار در روز ، زندگی می کنند . خبر دیگری حاکی است که یک میلیارد نیز ، کمتر از یک دلار در روز ، درآمد دارند . نیمی از مردم جهان زیر خطّ فقر زندگی می کنند . سه میلیارد انسان هم کمتر از ۳ دلار در روز درآمد دارند .

سازمان ملل : در دهه گذشته ، ۵۴ کشور جهان ، فقیرتر شده اند . از میان ۴/۶ میلیارد انسان ساکن در کشورهای در حال توسعه ، حدود ۸۰۰ میلیون نفر از غذای کافی که لازمه یک زندگی سالم ، فعّال و طبیعی است برخوردار نیستند .»(۷۷)

اینها نمونه ای از وضع غمبار مردمان جهان است که برای اندک آشنایی با شرایط عصر تاریک غیبت نقل کردیم و همان بهتر که دم از ادامه سخن فرو بندیم ؛ زیرا که «طوطی ز زبان خویش در بند افتاد» و با بیان غم ها ، غمی بر غم ها نیفزاییم .

پس یاد غم ها را رها ساخته و به توصیف آینده ای که در آن نشانی از زور و تزویر وجود ندارد همان گونه که نیاز و نیازمندی در آن زمان نیست ، می پردازیم .

روزگاری که سرشار بودن نعمت ها

و فراوان بودن ثروت هـا و امکانـات ، همه نیازمنـدان جهان را بی نیاز می سازد . در آن زمان از گرسـنگی بیش از ۸۰۰ میلیون گرسنه نشانی نیست و پروژه های ناتوان اقتصادی ، جامعه را به سوی ناتوانی نمی کشاند .

در آن زمـان از فقر و تنگـدستی خـبری نیسـت و غم به خـانه ای راه نمی یابـد . در آن زمـان حکـومت الهی حضـرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنـا فـداه ، جهـان را همچون بهشت برین می سـازد و بسـاط نشـاط و شادمـانی را در سراسـر عالم می گسترانـد و فراوانی نعمت ها جایگزین کمبودها و گرانی ها می شود .

جهان سرشار از نعمت و ثروت

اکنون که سـخن از سـرشار بودن نعمت و ثروت در آن زمانِ بی مثال به میان آمد ، روایتی را از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در این باره نقل می کنیم :

تنعّم اُمّتی فی زمن المهدیّ نعمه لم ینعموا مثلها قطّ ، ترسل السّـماء علیهم مدراراً ، ولاتدع الأرض شـیئاً من النّبات إلّا أخرجته ، والمال کدوس ، یقوم الرجل یقول : یا مهدی أعطنی ، فیقول : خذ .(۷۸)

امّت من در زمان مهدی به آنچنان نعمتی می رسند که هرگز مانند آن دارای نعمت نبوده اند . آسمان بر آنان می بارد و زمین هر چه از گیاهان دارد خارج می سازد و ثروت فراوان است . شخصی می ایستد و به مهدی می گوید : به من عطا کن و او می گوید : بگیر .

واضـح است که در روزگـار رهـایی همه مکـاتب جهان از گمراهی رهایی یافته و با جهانی شـدن دین اسـلام همه مردمان آن زمان از امّت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم به شمار می آیند . به این جهت آن حضرت از مردمان آن

زمان به «اُمّتی» یعنی «امّت من» تعبیر فرموده اند .

امّت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که همه مردمان جهان در آن روزگار فرخنده می باشند دارای دو ویژگی همگانی و عمومی هستند که تا آن زمان بی سابقه است .

این دو ویژگی که همه از آن برخوردار هستند ، سبب گشوده شدن درب های آسمانی شده و برکات الهی را از زمین و آسمان برای آنان و همه موجودات در سراسر گیتی به ارمغان می آورد . این دو ویژگی عبارتند از : ۱ - ایمان ۲ - تقوا .

در آن روزگار ، این دو خصلت عظیم معنوی اختصاص به گروه خاصّی ندارد و همگان از آن بهره مند خواهند بود ، به خاطر همگانی شدن این دو خصلت ، غضب الهی از جهان برداشته شده و آنچنان سبب گشوده شدن نعمت های الهی می شود که واقعاً شگفت انگیز و بهت آور است.

برای اثبات این مطلب به قرآن و سنّت روی می آوریم :

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

ولینزلنّ البرکه من السّماء إلی الأرض حتّی أنّ الشجره لتقصف بما یرید اللّه فیها من الثمره ، ولتأ کلنّ ثمره الشتاء فی الصیف وثمره الصیف فی الشتاء ، وذلک قوله تعالی : «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ وَلكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ »(۷۹) . (۸۰)

حتماً برکت از آسمان به زمین نازل می شود تا آنجا که از درخت ، هر میوه ای که خدا اراده کند می روید و حتماً میوه تابستان را در زمستان و میوه زمستان را در تابستان می خورید و این معنای گفتار خداوند است : »و اگر اهل قریه ها ایمان می آوردند و باتقوا بودند حتماً بر آنان برکات

را از آسمان و زمین می گشودیم و لکن تکذیب نمودند ، پس ما به آنچه انجام دادند ، آنان را مؤاخذه کردیم« .

در این آیه و روایت ، نکته های جالبی وجود دارد که برخی از آن ها را بیان می کنیم :

۱ – فاء تفریعیّه در جمله «فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ» دلالت می کند که تکذیب حقایق الهی و باور نکردن دستورات رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و ردّ کردن آن ، سبب مؤاخذه مردم شده و عمل آنان ، برکات آسمان و زمین را به روی مردم می بندد و نکبت و بدبختی به سوی آنان رو می آورد .

به این جهت باید درک کنیم که سرچشمه همه جنایت ها و کشتارها ، کمبودها و نابسامانی ها ، در اثر روی گرداندن مردم از سفارشات رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و ایمان نیاوردن به آن ها و در نتیجه نداشتن تقوا می باشد .

اگر مردم از اوّل پیامبران الهی را تکذیب نمی نمودند و ایمان می آوردند و بر اساس ایمان ، تقوا را پیشه خود می ساختند ، هیچ گاه در گرداب بلا و گرفتاری ، گرفتار و مبتلا نمی شدند .

برکت در عصر ظهور

۲ – در عصر ظهور بر اثر ایمان و تقوا ، برکات الهی از زمین و آسمان بر آنان وارد می شود ؛ به گونه ای که از هر درخت هر نوع میوه ای که خدا اراده کند چیده می شود و همچنین میوه ها – بر اثر یکسان شدن هوا در همه فصل ها – مخصوص یک فصل نیست ، میوه تابستان در زمستان هم بر درختان وجود دارد و میوه زمستان در تابستان نیز بر درختان هست .

مسأله برکت ، حقیقت بزرگی است که

جهان در عصر ظهور بر اثر وجود آن ، چهره ای دیگر به خود خواهد گرفت و بر اثر وجود برکت و نازل شدن آن بر مردمان عصر ظهور ، گرفتاری های دوران تاریک غیبت برطرف می شود(۸۱) و گشایش و فراوانی سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت .

به این گونه – همان طور که گفتیم – جهان چهره ای دیگر به خود می گیرد و در آن عصرِ گشایش و شکوفایی ، شکوفه های قدرت و توانگری سراسر زمین را پر می کند و نشانی از فقر و تنگدستی باقی نخواهد ماند .

در آن عصرِ همایون ، ضعف ، ناتوانی و شکستگی ، شکست خواهند خورد و قدرت ، توانایی و خجستگی جایگزین آن ها خواهند شد .

در آن عصر فرخنده ، خنده بر لبان همه نقش خواهد بست و قلب ها سرشار از شادی و شادمانی خواهد بود .

برکت توسّط ملائکه ایجادگر به وجود می آید . از نظر دید مادّی مثلاً گندم فقط به وسیله بذر و آب و خاک به وجود می آید ولی از دیدگاه کسی که با امور غیر محسوس آشنایی دارد ، ایجاد اشیاء منحصر به وسایل عادّی و طبیعی نیست ، بلکه از راه های غیر طبیعی نیز محصول طبیعی ایجاد می شود .

درست است که خداوند کارها را بر اساس وسایل و اسباب قرار داده است ؛ ولی این امر نباید ما را به گونه ای مشغول به وسایل و اسباب نماید که مسبّب الأسباب را فراموش کنیم و گمان کنیم اسبابی که خداوند برای امور ایجاد نموده منحصر به امور مادّی و آنچه ما از آن آگاهی داریم ، می باشد .

۳ – در عصر رهایی ، مردم از گمراهی

دست برداشته و هدایت می یابند و این دلیل بر جهانی شدن اسلامِ راستین و گرایش و ایمان مردم به حکومت جهانی حضرت بقیّه اللَّه الأعظم عجّل اللَّه تعالی فرجه می باشد.

در آن عصر فرخنده برخلاف این عصر تلخ و ناکامی ، همه مردم جهان به دستورات رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و آیین اسلام ایمان می آورند و بر اساس اعتقاد به خدا تقوا را پیشه می کنند .

بدیهی است دستورات رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جز پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام و قرآن کریم چیز دیگری نیست و اجر رسالت آن بزرگوار جز مودّتِ ذوی القربی نمی باشد .

خداوند در قرآن کریم می فرماید :

«قُلْ لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى» .(۸۲)

بگو بر رسالت خود پاداشی از شما نمی خواهم مگر مودّت ذوی القربی را.

در عصر رهایی بر اثر تکامل عقلی مردمان جهان ، گفتار رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را می پذیرند و مودّتِ خاندان وحی علیهم السلام را دارا می شوند . مقصود از مودّت اهل بیت علیهم السلام ، محبّتی است که باعث تقرّب انسان به آنان شود .

المودّه ؛ قرابه مستفاده .(۸۳)

از مودّت ؛ قرب و نزدیک بودن حاصل می شود .

بنابراین روایت ، ایمان و تقوای عمومی جامعه که با گرایش به خاندان وحی علیهم السلام و دارا شدن مودّت آنان جلوه گر می شود ، راز گشوده شدن درهای آسمانی و نزول برکات الهی است . پس اگر از اوّل بعثت مردمان گفتار پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را می پذیرفتند و دست از مقام ولایت خاندان وحی علیهم السلام برنمی داشتند ، تیرگی ها و تاریکی هایی که جهان را به ظلمت و

تباهی کشیده است پیش نمی آمد و خداوند کریم از عطای نعمت ها و برکات آسمانی دریغ نمی ورزید .

ولی متأسّفانه ، دست ستمگران از آستین جهالت بیرون آمد و سقیفه درخت افسانه خلافت را غرس کرده و بارور ساخت ، و در نتیجه آتش اختلاف و ظلم و ستم شعله ور شد و همچنان ادامه خواهد داشت تا دست الهی امام عصر ارواحنا فداه از آستین عدالت بیرون آید و عنصرهای ظلمت را با درختِ افسانه خلافت به آتش کشد و زمین را از کران تا کران سرشار از عدالت و رحمت نماید .

بشارت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم درباره آینده درخشان جهان

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم که از همان زمان آگاه از جریانات آینده بودند و مردم را به شعله ور شدن آتش فتنه و فساد آگاه ساخته و تداوم آن را تا ظهور حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه خبر داده اند ؛ همان گونه که وضع سامان یافته اقتصاد جهان و فراوانی نعمت ها را در آن زمان پرشکوه بیان کرده اند .

در این جا نمونه ای از بشارت های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را در رابطه با ظهور منتقم آل محمّد علیهم السلام و توسعه اقتصادی در آن زمان را ، نقل می نماییم :

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

اُبشّرکم بالمهدیّ یبعث فی اُمّتی علی اختلاف من الناس وزلازل ، فیملأُ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً ، یرضی به ساکن السّماء ، یقسّم المال صحاحاً .

قلنا : وما الصحاح ؟

قال : بالسویّه بین النّاس ، فیملأ اللَّه قلوب اُمّه محمّد غنی ، ویسعهم عدله حتّی یأمر منادیاً فینادی : مَن

له فی مالٍ حاجه ؟

قال : فلایقوم من الناس إلاّ رجل ، فیقول : أنا ، فیقول له : ائت السادن – یعنی الخازن – فقل له : إنّ المهـدی یأمرک أن یعطینی مالاً .

فیقول له : اُحث – یعنی خُذْ – حتّی إذا جعله فی حجره وأبرزه]ندم[فیقول : کنت أجشع اُمّه محمّد نفساً أو عجز عنّی ما وسعهم ؟

قال : فیردّه فلایقبل منه ، فیُقال له : إنّا لانأخذ شیئاً أعطیناه. (۸۴)

بشارت می دهم شـما را به مهدی که در میان امّت من برانگیخته می شود به هنگامی که مردم در اختلاف با یکدیگر هسـتند و زلزله ها به وقوع می پیوندنـد . پس زمین را سـرشار از قسط و عـدل می نمایـد همان گونه که از ظلم و جور پر شـده باشد . به این کار ، ساکن آسمان راضی می شود . مال را به گونه صحاح تقسیم می نماید .

گفتیم : صحاح یعنی چه ؟

فرمود : میان مردم مساوی تقسـیم می نماید . پس خداوند قلب های امّت رسول خدا صـلی الله علیه وآله وسـلم را سرشار از بی نیازی می نماید و عدالت او همه آن را فرا می گیرد ، تا آنجا که به منادی دسـتور می دهد و او ندا می دهد : چه کسی به مال احتیاج دارد ؟

پس از میان مردم برنمی خیزد مگر یک نفر و می گویـد : من احتیاج دارم ، به او می گوید : نزد سادن)یعنی خزینه دار(برو و بگو : مهدی امر می کند که به من مالی بدهی . پس خزینه دار می گوید : بگیر ؛ تا مال را در لباس خود قرار می دهد پشیمان می شود و می گوید : نفس من حریصترین امّت رسول خدا

صلی الله علیه وآله وسلم بود و آیا عاجز گردید از من آنچه به مردم وسعت بخشید!

امام صادق علیه السلام فرمودند : آن مرد مال را به خزینه دار رد می کند ولی از او قبول نمی کند و می گوید : ما چیزی را که دادیم پس نمی گیریم .

در این روایت اختلاف ، زلزله ها ، ظلم و جورِ فراگیر در سراسر زمین ، نیاز و فقر از نشانه های ظهور امام عصر ارواحنا فداه شمرده شده اند که پس از قیام آن حضرت به تمامی آن ها خاتمه داده خواهد شد و سراسر گیتی سرشار از عدالت شده و همه مردم بی نیاز خواهند شد .

در روایتی دیگر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند :

یحثی المال حثیاً لایعدّه عدّاً ، یملأ الأرض عدلاً کما ملئت جوراً وظلماً .(۸۵)

مال را (به سوی مردم) می ریزد ریختنی ! آن را نمی شمارد . زمین را سرشار از عدالت می سازد همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد .

جهان سرشار از شادی و سرور

و نیز آن بزرگوار درباره آن روزگار حیاتبخش که جهان سرشار از شادی و سرور است ، می فرمایند :

یرضی عنه ساکن السّماء وساکن الأرض ، ولاتدع السّماء من قَطْرها شیئاً إلاّ صبّته ، ولا الأرض من نباتها شیئاً إلاّ أخرجته حتّی تتمنّی الأحیاء الأموات .(۸۶)

ساکن آسمان و ساکن زمین از او راضی می باشند و آسمان چیزی از باران وانمی گذارد مگر آن که می ریزد آن را و زمین چیزی از گیاه خود را وانمی گذارد مگر آن که آن را خارج می سازد تا آنجا که زندگان آرزو می کنند مردگان زنده بودند .

بنابراین ، خرسندی و خوشحالی ویژه مردمان کره زمین نیست بلکه ساکنین آسمان نیز از

آن حضرت راضی و خوشنود می باشند و این خود دلیل بر آن است که حکومت آن بزرگوار به تمام معنای کلمه حکومت جهانی است به گونه ای که آن حکومت عدل الهی ، رضایت همه افراد را در آسمان و زمین جلب می نماید .

جالب توجّه است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در روایتی دیگر خوشنودی و خوشحالیِ فراگیر عصر ظهور را مخصوص انسان ها نمی دانند بلکه می فرمایند : شادی و فرح حتّی حیوانات را در آن زمانِ شادکامی شامل می شود .

آن بزرگوار می فرمایند :

هو رجل من ولد الحسین علیه السلام کأنّه من رجال شنسوه ، علیه عباءتان قطوانیّتان إسمه إسمی ، فعند ذلک تفرح الطیور فی أوکارها ، والحیتان فی بحارها ، وتمدّ الأنهار ، وتفیض العیون ، وتنبت الأرض ضعف أکلها ، ثمّ یسیر مقدّمته جبرئیل ، وساقته إسرافیل فیملأ الأرض عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً .(۸۷)

او مردی از فرزندان حسین علیه السلام است گویا از مردان شنسوه می باشد . بر او دو عبایی که از پنبه بافته شده می باشد . اسم او اسم من است ، پس در این هنگام پرندگان در آشیانه های خود و ماهیان در دریا شاد می شوند ، نهرها کشیده می شود و چشمه ها جاری می گردد و زمین دوچندان گیاه و میوه می رویاند ، سپس جبرائیل در مقدّمه (لشکر) آن حضرت و اسرافیل در میانه آن سیر می کنند ، پس زمین را از عدل و قسط پر می کنند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد .

آری ؛ ارتش پرتوانی که جبرائیل و اسرافیل - که از حاملین عرش الهی هستند - در آن لشکر می باشند ، ویژه نجات

توده مردمِ زمین نیست ، بلکه بساط شادی را برای موجوداتِ دیگر نیز می گسترد . حقّ مردم را از غاصبانِ حقوق می گیرد و قرض مقروضان را هر چه باشد از کوه تا کاه می پردازد .

مفضّل به امام صادق علیه السلام عرض نمود :

یا مولای ؛ من مات من شیعتکم وعلیه دین لإخوانه ولأضداده کیف یکون ؟

قال الصادق علیه السلام : اوّل ما یبتدئ المهدی علیه السلام أن ینادی فی جمیع العالم : ألا من له عند أحد من شیعتنا دین فلیذکره حتّی یردّ الثومه والخردله فضلاً عن القناطیر المقنطره من الذّهب والفضّه والأملاک فیوفّیه إیّاه .(۸۸)

ای مولای من ؛ کسی از شیعیان شما بمیرد و به برادران دینی و به مخالفین خود قرض داشته باشد ، چه می شود ؟

امام صادق علیه السلام فرمودند : اوّل کاری که مهدی علیه السلام شروع می کند این است که منادی در تمام عالم ندا می کند :

آگاه باشید هر کس یکی از شیعیان ما به او قرضی دارد آن را بگوید . تا آنجا که سیر و خردل را به صاحبش رد می کند تا چه رسد به مال های بسیار از طلا و نقره و زمین ها که آن ها را به مالکش می دهد .

شرمساری

تاکنون از عصر ظهور با عناوین گوناگونی یاد کردیم : عصر حیات و زندگی ، روزگار رهایی ، عصر درخشان ظهور ، روزگار شکوهمند ظهور ، روزگار فرخنده ظهور ، عصر نور ، عصر تکامل جهان ، عصر نجات و...

اکنون باید ببینیم ما برای فرارسیدن آن روزگار پرشکوه چه کاری انجام داده ایم و چه گامی در راه نزدیک شدنِ حکومت عدل جهانی برداشته ایم ، در این راه چه

قدر ثروت خود را خرج کرده و از مال خود گذشته ایم ؟

آیا همان گونه که برای سامان بخشیدن به زندگی خود و فرزندانمان تلاش و تکاپو می کنیم و در فکر آینده آن ها هستیم ، درباره آینده جهان و وظیفه ای که در این باره بر عهده داریم تلاش می کنیم ؟

آیا ممکن است کسی منتظر ظهور باشد و در این راه هیچ گامی برندارد ؟! آیا این همه تلاش های گسترده برای انباشتن ثروت های روزافزون و جمع آوری اموالِ کلان و بی تفاوت بودن به وظیفه انسانی و دینی خود برای نجات جهان ، با مسأله انتظار سازگار است ؟!

آیا صحیح است کسی که – نه تنها معتقد به ظهور بلکه – منتظر ظهور است همه روزه از صبح تا شام برای پیشرفت مادّی خود بکوشد و وظیفه شرعی خویش را رها سازد ؟

شرم و سرافکندگی برخی از ثروتمندان آن گاه به اوج خود می رسد که در عصر ظهور مورد سرزنش امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه واقع شوند و آن حضرت مردم را به خاطر دنیاپرستی و حمله به سوی جمع آوری مال و ثروت دنیا توبیخ نمایند .

حضرت باقرالعلوم علیه السلام در یک روایت تکان دهنده می فرمایند :

یجمع إلیه أموال الدنیا من بطن الأرض وظهرها ، فیقول للنّاس : تعالوا إلی ما قطعتم فیه الأرحام ، وسفکتم فیه الدّماء الحرام ، ورکبتم فیه ما حرّم اللّه عزّ وجلّ ، فیعطی شیئاً لم یعطه أحد کان قبله ، ویملأ الأرض عدلاً وقسطاً ونوراً کما ملئت ظلماً وجوراً وشرّاً .(۸۹)

ثروت های دنیا به سوی او جمع می گردد ؛ ثروت های زیرزمینی و ثروت های روی زمین ، آن گاه به مردمان می گوید : بیایید به

سوی آنچه به خاطر آن قطع رحم نمودید و خون های حرام را ریختید و مرتکب آنچه که خداوند عزّ وجلّ حرام کرده بود شدید .

پس به اندازه ای ثروت عطا می کند که احدی قبل از او به دیگری عطا نکرده ، و زمین را سرشار از عدالت و قسط و نور می نماید همان گونه که پر از ظلم و جور و شرّ شده باشد .

آری ؛ آن زمان ، زمان شرمساری و سرافکندگی است ؛ شرمساری و سرافکندگی برای کسانی که امکانات مادّی برای آنان فراهم بود و در راه نجات انسانها و رفع گرفتاری های مردمان گامی برنداشتند و شرمسارتر از آنان ، کسانی خواهند بود که نه تنها از اموال خود دریغ ورزیده ، بلکه مال امام زمان ارواحنا فداه را نیز نگه داشته و از صرف آن در اموری که مورد رضایت آن حضرت می باشد خودداری می کنند . آیا این گونه افراد نباید در رفتار و کردار خود تجدید نظر نمایند ؟!

(۴)

برطرف شدن بیماری ها

برطرف شدن بیماری ها

در روزگاری که جهان سرشار از شادی و خرسندی است و بساط شادمانی در سراسر گیتی همچون بهشت برین گسترده است ، افراد گرفتار ، زمینگیر و نابینا چگونه می توانند شریک شادی دیگران باشند ؟!

چگونه ممکن است تابش نور ولایت ، همه جا و همه افراد را فرا گیرد ، ولی بر بیماران ، گرفتاران و... نتابد؟! و آنان همچنان در غم و اندوه و ناراحتی به سر برند ؟!

برای شرکت همه افراد جهان در شادمانی جهانی ، و فراگیر شدن بساط شادی در سراسر گیتی ، با قدرت ولایت اهل بیت علیهم السلام گرفتاری از همگان رخت برمی بندد و

بیماری و گرفتاری هیچ انسانی را نمی آزارد ! زیرا لازمه حکومتی که در آن فقط خداوند حکومت می کند و همه جهانیان در پناه قدرت ولایت می باشند و از شیطان و شیطان پرستانِ ستمگر نشانی نیست ، این است که همگان در راحتی و آسایش باشند .

اکنون سزاوار است به همه آنانی که سایه شوم یأس و نااُمیدی وجود آن ها را فرا گرفته ، این بشارت بزرگ را از گفتار خاندان وحی علیهم السلام نقل کنیم ، تا با گفتار سرورآفرینِ آن بزرگواران اُمید و انتظار سراسر وجودشان را فرا گیرد و وسوسه های شیطان فریبگر از افکار و اندیشه هایشان زدوده شده و بذر اُمید در اعماق قلبشان ریشه کند .

اکنون به این بشارت آسمانی توجّه کنید : حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند :

من أدرک قائم أهل بیتی من ذی عاهه برأ ، ومن ذی ضعف قوی.(۹۰)

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند و مریض باشد سالم می شود ، و کسی که دارای ضعف و ناتوانی است قوی می گردد .

در توضیح روایت می گوییم : در عصر درخشان ظهور ، نه تنها افرادی که دارای مرض های جسمی هستند شفا می یابند ، بلکه بیماری های روحی و کمبودهای روانیِ همه افراد نیز برطرف می شود . زیرا توانا شدن همه افراد ضعیف - که حضرت باقر العلوم علیه السلام وعده آن را داده اند - به بیماران جسمی اختصاص ندارد ؛ بلکه هر گونه ناتوانی از قبیل ضعف در تصمیم گیری و اراده ، پستی همّت ، ناتوانی در تمرکز فکر و هر گونه سستی و کمبود ، در روزگار رهایی برطرف می شود ، و نه تنها ضعف و بیماری از میان

می رود ؛ بلکه قدرت و سلامتی جایگزین آن ها می گردد .

بنابراین از کلام آن بزرگوار – که می فرمایند : »ومن ذی ضعف قوی« ؛ یعنی »هر کس دارای ضعف باشد قوی می گردد« – دو نکته اساسی و مهمّ استفاده می شود :

۱ – معنای این فرمایش ، مطلق است و اختصاص به ضعف و کمبودهای جسمی ندارد . از نظر روانی نیز هر کس دارای ضعف باشد ، کمبود او هم برطرف خواهد شد .

قابل توجّه است که بسیاری از بیماری های جسمی بر اثر کمبودهای روانی است ، که در عصر درخشان ظهور بر اثر برطرف شدن ضعف های روانی ، کمبودهای جسمی نیز خود به خود برطرف می شود .

بازگشت نیرو و قوّت

۲ – نکته دیگری که از این روایت استفاده می شود و پسندیده است که مورد توجّه قرار گیرد ، این است که در این روایت نه تنها بشارتِ برطرف شدن ضعفها و بیماری های همه مردم ، وارد شده بلکه به جایگزین شدن قدرت و صحّت به جای ضعف و بیماری تصریح شده است .

زیرا حضرت فرموده اند : »ومن ذی ضعف قوی« ؛ »هر کس دارای ضعف باشد قوی می گردد« . بنابراین در سطح جهان نه تنها افراد ضعیف و ناتوان وجود نخواهند داشت بلکه همه مردمان از قدرت ، قوّت و توانایی برخوردار خواهند بود .

به این مطلب در روایتی که امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام ، از امام سجّاد علیه السلام نقل نموده اند تصریح شده است ، آن حضرت فرمودند :

إذا قام القائم أذهب اللَّه عن کلّ مؤمن العاهه ، وردّ إلیه قوّته.(۹۱)

هر گاه قائم قیام نماید ، خداوند مرض را از هر فرد

مؤمن می برد و توانایی او را به سویش برمی گرداند .

بـا توجّه به این حقیقت که در عصـر درخشان ظهور ، همه مردمان جهان دارای ایمان و مؤمن خواهنـد بود ، این مطلب واضـح می شود که در آن زمان ، هیچ فرد مریضـی وجود نخواهد داشت ، بلکه قوّت و قدرتی را که قبلاً داشته است به او برمی گردد .

آیـا اکنون که افراد ضـعیف ، ناتوان و مریض سراسـر جهان را پر نموده انـد ، سـزاوار نیست برای برطرف شـدن همه ضـعفها و بیماریها دست به دعا برداشته و برای فرا رسیدن روزگار رهایی از همه گرفتاریها دعا نمایند ؟

آیا مردم نبایـد بداننـد که روزگاری بس سـرورآفرین فرا می رسد که در آن روزگار در سراسـر گیتی حتّی یک فردِ گرفتار و بیمار وجود نخواهد داشت ؟!

آیا مردم نباید بدانند پس از گذشت میلیاردها سال از خلقت زمین و پس از گذشت هزاران سال از آفرینش بشـر ، هنوز هدف خداوند از آفرینش انسان در جهان تحقّق نیافته است ؟!

آیا گمان می کنند خداوند ، جهان را برای همین وضع اسف انگیزی که دارد ، خلق کرده است ؟

آیـا بـا تـوجّه به علم و قـدرت عظیم الهی ، وجود این همه افراد ضـعیف ، نـاتوان ، معلول ، مریض و نـاقص الخلقه دلیـل بر آن نیست که هنوز نظم جهان در سایه حکومت عدل الهی سامان نیافته است ؟!

مگر نمی دانند خداوند به برکت وجود خاندان وحی علیهم السـلام سـرانجام همه گرفتاران را در سراسر گیتی از غم و اندوه و گرفتاری نجات می بخشد ؟!

آری ؛ در آن روزگار که تشعشع انوار تابناکِ ولایت سراسر جهان را فرا گیرد ، خداوند بزرگ به

برکت درخشش انوار درخشنده خاندان وحی علیهم السلام ، انسان ها را از هر گونه گرفتاری رهایی می بخشد ؛ به گونه ای که در سراسر عالم هیچ فردی گرفتار نخواهد بود .

اکنون به فرمایش امام حسین علیه السلام توجّه کنید :

... ولایبقی علی وجه الأرض أعمی ولا مقعد ولا مبتلی إلّا کشف اللّه عنه بلاؤه بنا أهل البیت علیهم السلام .(۹۲)

سرانجام در عصر ظهور هیچ فرد نابینا(۹۳) و زمینگیر و مبتلا باقی نمی مانـد مگر آن که خداوند به وسیله ما اهل بیت بلا را از او برطرف می نماید .

از این کلام استفاده می کنیم که در آن روزگار پرشکوه ، هیچ گونه گرفتاری برای مردم آن عصر وجود نـدارد ، و در آن زمـان غم ها و انـدوه ها پایان می یابـد و هر گونه مرض ، ناراحتی و بلا از همگان برطرف می شود و شادی و سرور ، سراسر جهـان را فرا می گیرد و ایـن بر اثر قـدرت ولایـت اهـل بیـت عصـمت علیهم السـلام است که در آن روز به خـواست خـداوند مهربان در سراسر عالم حکومت می کند .

قابـل توجّه است که : «از زمـان بقراط ، پزشک معروف یونانی پزشکان تا امروز با تحقیق در بیماریهای گوناگون توانسـته اند چهـل هزار بیمـاری را که ممکن است انسـان به آن مبتلاـ شود ثبت کننـد و علاـئم آن ها را مشـخص نماینـد و اگر دارو برای درمان دارد آن دارو را بگویند .»(۹۴)

آماری که نقل کردیم مربوط به ده ها سال پیش است که با افزایش گناهان ، بیماری های جدیـد به آن ها افزوده شـده است ؛ زیرا همان گونه که در روایات وارد شده افزایش گناهان سبب ایجاد بیماری های جدید می شود .

ناتوانی علم از ریشه کن ساختن بیماری ها

کشورهای بزرگ

، بـا همه ادّعـایی که در زمینه پیشـرفت علم و تمـدّن دارنـد نه تنها از ریشه کن ساختن همه بیماری ها ، بلکه از کاسـتن آن ها ناتوانند .

علاوه بر گناهان ، کمبودهای علمی ، ضعف در مدیریّت ، فقر اقتصادی ، نبود وسایل بهداشتی و آلودگی هوا (۹۵) ، نقص در داروها و درمان ها در سطح جهان ، جامعه بشریّت را به هزاران بیماری گرفتار ساخته است!(۹۶)

اکنون میلیون ها نفر در بستر بیماری رنـج می برنـد و کشورهایی که دم از پیشـرفت علم و تمدّن می زنند ، نمی توانند میکرب های اصـلی و عوامل مهمّ بیماری ها را ریشه کن سازنـد ؛ مگر نه این است که »بیمار ، تیمار می خواهد« چرا با این همه ادّعای علم و تمدّن و پیشـرفت در بهداشت و... هنوز درمان دردها را نیافته اند ؟ مگر نه این است که هر دردی را درمانی بلکه درمان ها است و به قول سنایی :

درد در عالم ار فراوان است

هر یکی را هزار درمان است

آنان که ادّعای رهبری جهان را دارنـد و خود را پیشـگام جهانیان می داننـد ، برای هر درد یکی از هزار - نه هزار ! - درمان را بیاورند و گرنه به قول صائب : «دکّان بی متاع چرا وا کند کسی !» .

این هـا همه ، ارمغـان های ! دوران تاریک غیبت و دور بودن جهانیان از حکومت عـدل جهانی حضـرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی فرجه که شاهد آفرینش و آگاه از اتم های هر موجودند ، می باشد .

اگر آن پیشوای مقتـدر و آگـاه بر مردم حکومت می نمود این گونه نـادانی و نـاتوانی را بر جهانیان سایه نمی افکنـد ؛ زیرا که عصر ظهور عصر ظاهر ساختن همه عوامل ارزنده

، سازنده و مثبت و دوران از بین بردن همه عوامل رکود ، شکست دهنده و منفی در تمام ابعاد زندگی است.

آری ؛ در عصری که دستور خداوند بر همه حاکم باشد و دولت الهی بر جهانیان حکومت کند ، نشانی از جهل ، نادانی و ناتوانی نخواهد بود ؛ زیرا همه عوامل مخرّب و منفی آشکار شده و از میان برداشته می شود . ولی در دوران غیبت که حقّ و ناحقّ به هم آمیخته است و تشخیص عوامل مثبت و منفی امکان پذیر نیست و به همین جهت ، عامل اصلی بسیاری از بیماری ها همچنان ناشناخته باقی مانده است .(۹۷)

ما در اینجا نمونه ای از آن را بیان می کنیم :

بیماری کاهش اسپرمِ مردان که ممکن است بر اثر تلفن همراه باشد ، هنوز درست شناخته نشده است .

«دانشمندان مجارستانی می گویند : حمل تلفن همراه بر قدرت باروری مردان تأثیر منفی بسیار زیادی می گذارد . پژوهشگران دانشگاه »زگد« در مجارستان می گویند : پرتوهای منتشر شده از این تلفن ها می تواند تعداد اسپرم ها را در مردان تا یک سوّم کاهش دهد .

نتایج این تحقیق که روی ۳۰۰ مرد انجام شده است در اجلاس انجمن جنین شناسی و تولیدمثل انسانی اروپا در برلین ارائه شد .

این تحقیق اوّلین مطالعه ای است که در آن چگونگی تأثیر پرتوهای الکترومغناطیس تلفن های همراه روی اسپرم مردان مورد بررسی قرار می گیرد .

این مطالعه نشان داد مردانی که تلفن آن ها در تمام طول روز در حالت آماده است ، تعداد اسپرم های آن ها به میزان یک سوّم سایر مردان بود . حتّی نحوه حرکت اسپرم های باقی مانده نیز غیر عادّی بود که این امر امکان بارورسازی تخمک را کاهش می دهد .

این

یافته ها بیانگر آن است که تلفن های همراه بر قدرت باروری و اسپرم مردان تأثیر منفی می گذارد .

پروفسور «هانس ایورس» رئیس پیشین انجمن تولیدمثل انسانی اروپا اظهار داشت :

در این تحقیق عوامل دیگری که می توانـد بر قـدرت باروری مردان تأثیر بگذارد مورد توجّه قرار نگرفته است . به همین خاطر باید تحقیقات دقیقی در مورد آثار تلفن همراه بر اسپرم انجام شود .»(۹۸)

و طبق بعضی از گزارش ها صنعت روز ، عامل بسیاری از بیماری ها می باشد :

۱ – در گزارشی آمده است: این ترس وجود دارد که اشعّه های الکترومغناطیسی که از گوشی ها فرستاده می شود ، به سلامت انسان ضـربه بزنند . به خصوص ادّعاهایی وجود دارد که این اشـعّه ها می توانند بر سـلّول های بدن ، مغز یا سیسـتم دفاعی بدن تأثیر بگذارند و خطر پیشرفت بیماری هایی مانند سرطان یا آلزایمر را افزایش دهند .

آخرین تحقیقات آزمایشگاهی اروپایی می گوید ، امواج رادیویی گوشی ها به طور دایم وارد DNA انسان و حیوان می شوند و تغییراتی در این سلّول ها ایجاد می کنند .

این تغییرات می توانـد به عنوان علّت احتمـالی سـرطان در نظر گرفته شود ، ولی بیشتر از این جلو نرفته و درباره این که آیا این تغییرات سلولی به بیماری خاصّی می رسد یا نه ، اظهارنظری نکرده است .

تحقیقات دیگر هم تغییرات بیولوژیکی مشابه را نشان می دهد ، ولی دوباره بدون هیچ مدرکی درباره آسـیب زدن به سـلامت انسان به هر حال آزمایش روی موش ها نشان داده است اشـعّه های تلفن همراه می توانند اثر زیان آوری بر سـلامت این موش ها داشته باشند . ولی روشن نیست آیا این یافته ها می توانند به طور مستقیم به انسان ها هم ارتباط پیدا کنند یا نه؟

مطالعات دانشمندان فنلاندی

در سال ۲۰۰۲ نشان داد این امواج الکترومغناطیسی بر بافت مغزی انسان تأثیر می گذارند ، ولی آن ها گفتند به تحقیقات بیشتری نیاز است تا معلوم شود این امواج بر آدمهای زنده هم چنین اثری دارد یا نه .

عدّه ای از دانشمندان سوئدی هم در سال ۲۰۰۲ ادّعا کردند حلقه ارتباطی بین گوشی های تلفن همراه آنالوگ و تومورهای مغزی پیدا کرده اند . تحقیقات آن ها نشان می دهد استفاده کنندگان از گوشی های نسل اوّل تلفن همراه ۳۰ درصد بیش از کسانی که از این گوشی ها استفاده نمی کنند در خطر تومورهای پیشرفته هستند . با این حال این یافته ها خیلی بحث انگیز بودند و هیچ مطالعه مشابهی هم درباره تأثیرات تلفن های GSM مدرن وجود نداشت .

همچنین گزارش هایی وجود دارد که نشان می دهد افرادی پس از استفاده از گوشی های تلفن همراه ، دچار سردرد ، خستگی یا از دست دادن تمرکز شده اند .(۹۹)

۲ – امواج رادیویی که از تلفن های همراه ساطع می شوند ، به سلول های بدن و محتوای DNA انسانی آسیب می رسانند . قرار گرفتن در معرض امواج الکترومغناطیس ، به مدّت طولانی موجب می شود تا DNA سلّول ها به میزان قابل توجّهی آسیب ببیند که دیگر قابل ترمیم نیست .

این آسیب همچنین در سلول های نسل دوم نیز دیده می شود و وجود جهش در DNA خطر ابتلا به سرطان را در بردارد . به همین دلیل دانشمندان قویّاً توصیه می کنند که کودکان فقط در مواقع ضروری می توانند از تلفن همراه استفاده کنند ؛ چون در کودکان آسیب سلّولی بیش از بزرگسالان نمایان است .

البتّه شرکت های تولیدکننده تلفن همراه هنوز ادّعا می کنند که هیچ تأثیر شناخته شده ای از این تلفن ها در سلول های بدن پیدا نشده است

. این در حالی است که ۱/۵ میلیارد نفر در سراسر دنیا از تلفن های همراه استفاده می کنند .(۱۰۰)

با این که سال ها از اختراع تلفن همراه می گذرد ، ولی هنوز آثار آن در روان و اعصاب افراد ، برای بسیاری از پژوهشگران ناشناخته باقی مانده است ؛ ولی در روزگاری که همگان از آبشخور دانش مکتبِ وحی سیراب می شوند ، هیچ نکته نامفهومی وجود نخواهد داشت. در آن زمان نه تنها منشأ و علّت بیماری های گوناگون شناخته خواهد شد ، بلکه همه عواملِ بیماری زا ریشه کن می گردد .

آیا نباید همگان خواستار فرا رسیدن چنین روزگارِ شکوهمندی که سرشار از سلامتی و توانایی است باشند ؟

(۵)

تکامل عقل ها

تکامل عقل ها

ساختار وجود انسان بسیار شگفت انگیز و مهمّ است ، به گونه ای که اگر انسان خود را بشناسد می تواند کارهایی بسیار مهمّ و خارق العاده انجام دهد . و چنانچه از توانایی ها و قدرت های نهفته در وجود خویش آگاهی نداشته باشد ، با سپری نمودن عمر خویش سرمایه بسیار عظیمی را از دست می دهد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در میان گفتارهای هدایتگر خود ، بارها انسان ها را به این حقیقت رهنمون ساخته اند و به جامعه بشریّت هشدار داده اند مبادا گمان کنند موجودی کوچک و عنصری کم ارزش می باشند ؛ بلکه باید بدانند که جهانی از شگفتی ها در وجود انسان نهفته است .

متأسّفانه جامعه آن روز - که لیاقت رهبری آن حضرت را نداشت - در این باره خاستگاهی نداشت و آن گاه که امیر عالم هستی از همگان می خواستند که نه تنها از شگفتی های زمین بلکه درباره آسمان ها از من سؤال کنید تا به شما پاسخ دهم ، در میان انبوه جمعیّت تنها یک نفر

برخاست و پرسید : تعداد موهای سر من چند تاست ! و تاریخ ثبت نکرده است که در میان انبوه جمعیّت کسی او را در برابر این سؤالِ بی شرمانه سرزنش کرده باشد .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انسان ها را از قدرت شگفت مغز آگاه ساخته و از نیروهای نهفته آن که انسان ها باید آن را بیدار ساخته و به کار اندازند خبر دادند ؛ ولی – جز اصحاب خاصّ آن حضرت – کسی درباره قدرت های ناشناخته مغز و چگونگی راه اندازی قدرت های خاموش آن چیزی نیاموخت .

از آن روزگار ، قرن ها گذشته ولی هنوز بسیاری از مردم از قدرت های عجیب مغز آگاهی ندارند . و آن ها که درک کردند : «بسیاری از قدرت های مغز ، خاموش و نهفته باقی مانده است» راهی برای راه اندازی آن نیافتند .

لزوم تحوّل در وجود انسان

حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه در جهانبانی ، جهانداری و نظم و سامان بخشیدن به جهان و جهانیان ، از قدرت های فوق العاده معنوی یعنی از مقام عظیم ولایت خویش استفاده نموده و به این گونه ، برای تغییر جهان و تکامل بخشیدن به جهانیان در مردمانِ عالم تحوّل ایجاد می نمایند .

چگونه انسان ها می توانند پذیرای اسرار عظیم خلقت شده و به مقام عظیم ولایت شناخت پیدا نمایند ، در حالی که ابعاد وسیعی از مغز انسان ها به کار نیفتاده و فعّال نشده و هنوز اندیشه ها آلوده و قلب ها تیره است ؟!

به همین دلیل قبل از آن که حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی فرجه اندیشه های بزرگ و حقایق و معارف الهی را به مردمان ارائه دهند ، نیاز به تغییر و تحوّل در ساختار وجود انسان و دگرگون ساختن

ساختمانِ مغز بشر می باشد .

این تحوّل ، یک نیاز واقعی برای آماده شـدن بشـر جهت پـذیرش اندیشه های بزرگ و پیشـرفت های عجیب در مسایل دین و دانش می باشد .

این تغییر در تار و پود بشر ، یک ضرورت است ؛ یک ضرورتِ واقعی برای افزایشِ توان و ظرفیّت انسان در درک و فهم علوم و معـارفِ عالی اهل بیت علیهم السـلام است که در جهانیان بایـد ایجاد شود . تحوّل در جهانیان همراه تبـدیل و دگرگونی در جهان نیز خواهد بود .

این تبدیل در سیسـتم طبیعی زمین و دگرگونی های اساسـی در جهان و جهانیان ، شـرط تکامل و اوجِ فرهنگ در آینده جهان است .

همان گونه که برای درک سـخنان پدر و مادر و همسـخن شدن با آنان ، کودکان شـیرخوار باید رشد کنند تا این آمادگی در آنان ایجاد شود .

و همان گونه که برای کار و کوشش و شرکت در تلاش ها و فعّالیّت های اجتماعی ، خردسالان باید به سنین جوانی برسند .

و همان گونه که تا بعضـی از غرایز در انسان به کار نیفتـد برخی از امور را درک نمی کند ؛ همین گونه ، تا قدرت های عظیم نهفته در مغز و قلب انسان به کار نیفتـد ، درک امور پیشـرفته و فهم معارف عالی برای او امکان نـدارد . به این دلیل، باید برای درک آن ها در جهان و جهانیان تحوّل ، تغییر و تبدیل ایجاد گردد .

آیـا بـا کودکی که هنوز راه رفتن را نیـاموخته ، و از خطر چاه و چاله خبر نـدارد ، می توان درباره عظمت و سـختی سیاه چاله ها(۱۰۱) سخن گفت؟!

آیا برای کودکی که فرقی میان کوه و کاه نمی گذارد ، می توان

درباره وسعت جهان و کوآزرها (۱۰۲) مطلبی را بیان کرد ؟!

امام عصر علیه السلام و تکامل عقل ها

آیا برای خردسالی که از تعداد انگشتان خود خبر ندارد ، می توان درباره وسعت فضا و شماره سحابی ها سخنی به میان آورد ؟!

بدیهی است کودک برای درک این گونه مطالب ، نیاز به رشد دارد تا پس از آمادگی برای درک و پذیرش این گونه امور ، آن ها را به او تعلیم دهند .

به همین دلیل انسان ها برای درک و پذیرش مسایل بسیار عظیم و مهمّ ، نیاز به حیات قلبی و به کار افتادن سلّول های مغزی دارند تا با حیات قلب و تکامل عقل ، توانایی درک امور مهمّ را پیدا نموده و آن ها را از جان و دل بپذیرند .

امام عصر ارواحنا فداه و تکامل عقل ها

آیا چه کسی می تواند در ساختار وجود انسان ها تحوّل ایجاد کند ؟ آیا چه قدرتی توانایی دارد که نیروهای عظیم نهفته در مغز انسان ها را بکار انداخته و به حرکت درآورد تا همه به راحتی بتوانند دارای فضیلت های اخلاقی و عامل به دستورات الهی گردند ؟

آیا کسی جز یگانه مصلح جهان می تواند در وجود همه انسان ها قدرت و انرژی بدمد و با یک جهش اجتماعی ، همگان را با افکار و اندیشه های بزرگ و قدرتهای عظیمِ ناشناخته و نهفته در وجود انسان ها آشنا سازد؟!

در روایتی در این باره ، شکافنده همه علوم و دانشها حضرت باقرالعلوم علیه السلام از راز تکامل جهان پرده برداشته و آن را بر اثر دستان پرتوان حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه می دانند . آن حضرت می فرمایند :

إذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد ، فجمع به عقولهم ، وأکمل به

أخلاقهم .(۱۰۳)

هر گاه قائم ما قیام نمایـد ، دست خود را بر سر بنـدگان خـدا می گـذارد و به این وسـیله خردهای آنان را جمع و متمرکز می سازد و اخلاق آنان را تکمیل می نماید .

در این روایت نکته هـای نـاب، مهمّ و سربسـته ای وجود دارد که بـدیهی است بـا بطون هفتادگـانه ای که هر یـک از کلمـات خاندان وحی علیهم السلام دارند ، کسی نمی تواند به بیان همه رمزهای گفتار آن بزرگواران بپردازد.

زیـد زرّاد گفتـاری را از امام صادق علیه السـلام روایت نموده است که در آن نیز به نکته های مهمّی از معارف خانـدان وحی علیهم السلام اشاره شده است :

قلت لأبی عبداللّه علیه السلام : نخشی أن لانکون مؤمنین .

قال : ولم ذاک ؟ فقلت : وذلک أنّا لانجـد فینا من یکون أخوه عنـده آثر من درهمه ودیناره ، ونجـد الدینار والدرهم آثر عندنا من أخ قد جمع بیننا وبینه موالاه أمیرالمؤمنین علیه السلام .

قال : کلّا إنّکم مؤمنون ،ولکن لاتکملون إیمانکم حتّی یخرج قائمنا ، فعندها یجمع اللّه أحلامکم ، فتکونون مؤمنین کاملین ولو لم یکن فی الأرض مؤمنون کاملون ، إذاً لرفعنا اللّه إلیه وأنکرتم الأرض وأنکرتم السّماء ...(۱۰۴)

به امام صادق علیه السلام گفتم : می ترسیم که ما مؤمن نباشیم .

فرمودند : برای چه ؟

گفتم : برای این که ما در میان خود کسی را نمی یابیم که برادرش نزد او برگزیده تر از درهم و دینارش باشد و درهم و دینار)پول(را نزدمان برگزیده تر می یابیم از برادری که دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام بین ما و او را جمع کرده است .

حضرت فرمودند : هرگز ! شماها حتماً مؤمن هستید ولی شما ایمانتان را کامل نمی کنید

تـا قائم ما خروج نمایـد ، پس در آن هنگام خداونـد عقل های شـما را جمع می کنـد ، پس مؤمنین کامل می شویـد و اگر در زمین افراد مؤمنِ کامل نبودند ، خداوند ما را از میان شما می برد و شما زمین و آسمان را منکر می شدید ...

از این روایت نکته های زیادی استفاده می شود که برخی از آن ها را بیان می کنیم :

۱ - تا حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه قیام نفرمایند ، مردم نوعاً دارای ایمانِ کامل نیستند .

۲ - برای پول و ثروت ، بیشتر از برادران دینی خود ارزش قائل می باشند .

۳ - در زمان حکومت امام عصر ارواحنا فداه عقلها متمرکز و کامل می شود .

۴ - در نیتجه کامل شدن عقلِ مردم ، ایمان آن ها نیز کامل می شود .

۵ - قبل از ظهور افرادی هر چند بسیار اندک وجود دارند که دارای ایمان کامل می باشند .

۶ - وجود آنان در زمین باعث بودن اهل بیت علیهم السلام در زمین می باشد .

۷ - اگر اهل بیت علیهم السلام در زمین نباشند ، مردم دارای همین مقدار از ایمان نیز نخواهند بود .

۸ - نکته دیگری نیز از روایت اسـتفاده می شود که در عصـر درخشـان ظهور بر اثر تکامـل یـافتن عقـل هـا ، آن چنـان صـفا و صمیمیّت و یکرنگی در میـان مردمـان ایجـاد می شود که ایمـان را بر مـال و ثروت مقـدّم می دارنـد و آن گونه باهم رفتار می کنند که گویا در مال و ثروت با یکدیگر شریک هستند .

جهان سرشار از یکرنگی و اتّحاد

مرحوم علّامه مجلسی در «بحار الأنوار» روایتی نقل کرده است که به حضرت باقر العلوم علیه السلام گفته شد :

إنّ أصحابنا بالکوفه جماعه کثیره فلو

أمرتهم لأطاعوك واتّبعوك .

فقال : يجی ء أحدهم إلی كيس أخيه فيأخذ منه حاجته ؟! فقال : لا .

قال : فهم بدمائهم أبخل .

ثمّ قال : إنّ النّاس فی هدنه نناكحهم ونوارثهم ونقيم عليهم الحدود ونؤدّی أماناتهم حتّی إذا قام القائم جاءت المزامله ويأتی الرجل إلی كيس أخيه فيأخذ حاجته لايمنعه .(١٠۵)

اصحاب و ياران ما در كوفه بسيارند ، اگر آنان را امر كنيد از شما اطاعت می نمايند و به پيروی شما برمی خيزند .

امام باقر عليه السلام فرمودند : آيا كسی از آن ها از جيب برادر خود به قدر نيازش برمی دارد ؟ گفتم : نه .

حضرت فرمودند : (آنان كه نسبت به مال خود بخيل هستند) به خون خود بخيل تر می باشند .

آن گاه امام باقر عليه السلام فرمودند : اكنون مردم در آشتی می باشند ؛ با آن ها نكاح می كنيم و از هم ارث می بريم و بر آنان حدّ جاری می سازيم و امانات آنان را به آن ها می دهيم تا زمانی كه قائم قيام نمايد (در آن وقت) رفاقت صادقانه ميان مردم ايجاد می شود و مرد به سوی جيب برادر خود می رود و به اندازه ای كه لازم دارد برمی دارد و صاحب پول او را از اين كار باز نمی دارد .

تكميل عقل ها آنچنان صفا و صميميّت در جامعه ايجاد می كند كه همگان بر اثر برخوردار بودن از آن به دوستی ، يگانگی و اتّحاد دست می يابند . زندگی اجتماعی در آن عصر آنچنان آكنده از مهر و محبّت است كه همه ، ثروت خود را از آن ديگران و اموال آنان را همچون ثروت خود می دانند و از آن استفاده می كنند. و اين بر اثر حاكم بودن حكومت الهی

و عادلانه امام عصر ارواحنا فداه در جهان می باشد که قدرت استفاده از همه قدرت های مغزی را به جهان بشریّت عنایت می کند . و انسان ها به خاطر بهره مند شدن از عقلِ تکامل یافته ، به جهانی از صفا و صمیمیّت، یگانگی و محبّت راه می یابند .

اینک به روایتی که می آوریم توجّه کنید : امام باقر علیه السلام به سعید بن حسن فرمودند :

أیجی ء أحدکم إلی أخیه فیدخل یده فی کیسه ، فیأخذ حاجته فلایدفعه؟ فقلت : ما أعرف ذلک فینا .

فقال ابوجعفر علیه السلام : فلا شی ء إذاً .

قلت : فالهلاک إذاً، فقال : إنّ القوم لم یعطوا أحلامهم بعد.(۱۰۶)

آیا یکی از شما در جیب برادر دینی خود دست می کند و به قدر نیاز خویش بردارد و صاحب پول او را منع نکند ؟

در پاسخ گفتم : من چنین چیزی در میان خودمان ندیده ام .

امام علیه السلام فرمودند : بنابراین چیزی وجود ندارد .

گفتم : پس هلاکت گریبانگیر ما خواهد شد ؟

امام علیه السلام این احتمال را نفی نمودند و فرمودند : هنوز به مردم خردهای آنان عطا نشده است .

بر اساس این روایت ، تا زمانی که جامعه از این گونه خصلت های عالی انسانی برخوردار نباشد ، از عقلِ تکامل یافته بهره مند نیست و به فرمایش حضرت باقر العلوم علیه السلام هنوز عقل های آن ها به آنان داده نشده است .

گویی که استفاده از تمامی نیروهای عقلی برای جامعه میسّر نیست و همچون دفینه های طلا که آن ها را در میان خاک ها پنهان می کنند ، مردم قدرت های مغزی خویش را با خود به خاک می برند .

ولی آن زمان که عقل انسان ها تکامل یابد ، نه تنها بخل بلکه

همه صفات رذیله از وجود آنـان ریشه کن می شود و طبیعت هـای زشت و ناپسـند نابود می گردنـد و همگان از ویژگی های عالی انسانی برخوردار می شوند . این ، لازمه عقلِ تکامل یافته است .

غلبه بر طبیعت های سوء و ناپسند در عصر ظهور

بر اثر تکامل عقل

اولیاء خـدا و یاوران خاصّ خاندان وحی علیهم السـلام که به درجه کمال رسـیده اند ، بر اثر اعمال و برنامه ها و توسّـلاتی که انجام داده اند ، بر طبیعت های ناپسندی که قبل از وصول به کمال در آنان وجود داشته است غالب شده ، و طبایع سوء خود را مقهور قوای عقلانی خویش قرار می دهند .

این یـک موضوع طبیعی است که عقلی که کامـل شـد نه تنهـا بر اعمـال و کردار سوء ، بلکه بر طبایع سوء نیز غالب می شود . همان طور که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند :

والعقل الکامل قاهر الطبع السوء .(۱۰۷)

عقلِ کامل ، بر طبیعت بد چیره می شود .

بنابراین عاقلِ کامل بر کلیّه بـدی های خود حتّی آنهایی که ذاتی او هسـتند قاهر و غالب شده و آن ها را مقهور و مغلوب قوای عقلی خود می سازد .

نکته جـالبی که از این فرمایش حضـرت مولی امیرالمؤمنین علیه السـلام به دست می آوریم این است که کمّلین از اولیاء اللّه و صاحبـان عقـل کامـل ، ممکن است قبـل از رسـیدن به مقامـات عـالیه و نیـل به درجات مهمّ دارای طبع سوء باشـند و این خود بشارتی است برای کسانی که خود را دارای طبیعت بد می دانند که نا اُمید نباشند و با دعا و کوشش خود را به کمال برسانند ، حتّی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در همین روایت برنامه عملی کسانی را که می خواهند

به کمال برسند نشان داده اند و به عنوان یک وظیفه فرموده اند :

وعلی العاقل أن یحصی علی نفسه مساویها فی الدین والرأی والأخلاق والأدب فیجمع ذلک فی صدره أو فی کتاب ویعمل فی إزالتها. (۱۰۷)

وظیفه عاقل است که همه بدی های نفس خود در دین و رأی و اخلاق و ادب را شماره نموده و آنان را در حافظه خود یا در نوشته ای جمع آوری کرده و برای از بین بردن آن ها کار کند .

یادداشت اشتباهات و سعی در برطرف ساختن آن ها - که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به همه خردمندان دستور فرموده اند - برنامه بسیار جالبی است که اگر بر طبق آن عمل کنید ، شما را به مقامات عالیه رسانده و راه طولانی معنویّت را نزدیک می سازد ، چون بر اثر این کار تجربیّات شما زیاد می شود و کسی که تجربه او زیاد ، عقلش زیاد می شود و کسی که عقلش زیاد شد راه صد ساله را به زودی می پیماید .

افزایش عقل بر اثر تجربه ، نکته ای است که حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلاه والسلام در ابتدای همین روایت به آن تصریح می فرمایند :

العقل عقلان ؛ عقل الطبع وعقل التجربه ، وکلاهما یؤدّی إلی المنفعه .(۱۰۸)

عقل دو گونه است : عقل طبیعی و عقل تجربی و هر دوی آن ها انسان را به منفعت می رساند .

بنابراین ، علاوه بر عقلی که ذاتی و فطری افراد است ، عقل تجربی نیز وجود دارد که در اثر تجربیّات در انسان ایجاد شده و افزوده می شود و همان طور که حضرت علی علیه السلام فرمودند هر دو قسم از عقل چه ذاتی و چه تجربی ، منجرّ به منافع می شود .

آنچه

از مجموع مطالب استفاده می شود ، از این قرار است :

۱ – عقل دو گونه است : ذاتی و تجربی .

۲ – همان گونه که عقل ذاتی انسان را به منافع و خوبی ها می رساند ، عقل کسبی و تجربی نیز اینچنین است .

۳ – بر عاقل واجب است بدی های اخلاقی و دینی خود را یادداشت کرده و در نابودی آن ها بکوشد .

۴ – انسان نباید به خاطر اشتباهاتی که از او در گذشته سر زده ، از نیل به مقامات عالیه مأیوس باشد ؛ بلکه باید با درسی که از فرمایش حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می آموزد ، امیدوار به آینده خود باشد و برای رسیدن به آینده عالی کار و کوشش کند .

۵ – همه اولیاء اللّه و یاوران خاصّ خاندان وحی علیهم السلام از اوّل دارای ذات بزرگ و طبایع حسنه نبوده اند بلکه آن را با زحمت به دست آورده اند .

۶ – عاقل کامل یا اولیاء اللّه ، طبایع سوء خود را مقهورِ قوای عقلی خود ساخته اند .

۷ – هر کس عقلِ کامل داشته باشد دارای مقامات عالیه است ؛ زیرا کسی که دارای عقل کامل و طبیعت سالم باشد ، با عالم ملکوت ارتباط پیدا کرده و ملکوتی می شود .

چنین کسانی شرح صدر پیدا کرده اند و دارای نور الهی شده اند و به وسیله همین نور الهی است که حقایق را می بینند . خداوند می فرماید :

«أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ اُولئِكَ فى ضَلالٍ مُبينٍ» .(۱۰۹)

آیا فردی که خدا قلب او را به روی دین اسلام گشوده و او دارای نور از پروردگارش

می باشد (همانند کسی است که بر اثر کفر ورزیدن از نعمت هدایت بی بهره مانده؟) . پس وای بر آن سخت دلانی که کلام الهی در دل های آن ها اثر ندارد ، این افراد در گمراهی علنی و قطعی هستند .

آری ؛ افرادی که به کمال عقل راه یافته اند کسانی هستند که چشم قلب شان بینا شده است و از کوری دل - که بدترین کوری ها است - نجات یافته اند .

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

شرّ العمی عمی القلب .(۱۱۰)

بدترین کوری ، کوری قلب است .

ارتباط با عالم غیب

بدیهی است وقتی کسی از کور دلی نجات یافت و قلبش روشن شد ، انوار درخشان را واضح می بیند و دلش به سوی آن ها کشیده می شود . این چنین قلبی ، چشم و گوش باطنیش گشوده می شود . این چنین قلبی به نور حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء منوّر خواهد بود . و همچنان که جناب »هالو«(۱۱۱) به مجرّد شنیدن صدای آن بزرگوار فهمید آن بزرگوار از کدام گوشه دنیا او را صدا می زنند و خود را به محضر آن بزرگوار رساند ؛ آنان هم با چشم قلب آن حضرت را می بینند .

حضرت امام سجّاد علیه السلام در یک روایت طولانی فرمودند :

ألا إنّ للعبد أربع أعین : عینان یبصر بهما أمر دینه ودنیاه ، وعینان یبصر بهما أمر آخرته ، فإذا أراد اللّه بعبد خیراً فتح له العینین اللّتین فی قلبه ، فأبصر بهما الغیب وأمر آخرته ، وإذا أراد به غیر ذلک ترک القلب بما فیه.(۱۱۲)

آگاه باشید که برای بنده چهار چشم می باشد : دو چشم که با آن ها امر دین و دنیای خود را

می بینـد و دو چشم که با آن ها امر آخرتش را می نگرد . و هر گاه خداونـد برای بنده ای خیر بخواهد ، دو چشم او را که در قلب او هسـتند باز می کنـد ، پس به وسـیله آن ها غیب و امر آخرت خود را می بیند و اگر به بنده اش غیر این را اراده نماید ، قلبش را همان گونه که هست رها می کند .

مظهر اتمّ غیب

یکی از موارد غیب - بلکه مهمّ ترین مورد آن - وجود مقدّس حضـرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی له الفرج می باشند که تعدادی اندک از مؤمنین به چشم باطن آن حضرت را می بینند .

در قرآن مجیـد هم از آن بزرگـوار در آیه شـریفه «اَلَّذینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ»(۱۱۳) تعـبیر به غیب شـده است ؛ همـان طور که در تفاسیری که از اهل بیت عصمت علیهم السلام وارد شده ، به این موضوع تصریح شده است .

از اطلاق روایتِ گذشته و انضمام آن با آیه شریفه قرآن به دست می آوریم : کسانی که خداوند چشم باطنی آنان را باز کرده است ، حتماً در زمان غیبت می تواننـد با حضـرت ولیّ عصـر عجّل اللّه تعالی له الفرج ارتباط داشـته و آن بزرگوار را که مظهر اتمّ غیب هستند اگرچه با چشم دل ، ببینند .

جریان های مهمّی از مرحوم سیّد بحرالعلوم

مرحوم سـیّد بحرالعلوم نمونه شاخصـی از این گونه افراد است . آن بزرگوار بر اثر گشوده شـدن دیدگان قلبش ، اموری را می دید که دیگران از دیدن آن ها ناتوانند . برای نتیجه گیری از بحث ، به بیان شرح حالی کوتاه از آن بزرگوار می پردازیم :

مرحوم محدّث نوری در کتاب «دار السـلام» از مرحوم شـیخ تقی ملاّ کتاب که از شاگردان مرحوم آیه اللّه سیّد بحرالعلوم بوده حکایت نموده که در یکی از مسافرت ها در خدمت سیّد اعلی اللّه مقامه بودم و قافله ای که سیّد و من با آن ها بودیم در وقت منزل نمودن در طرفی منزل می کردنـد و مردی که تنهـا بـا قافله سـیر می کرد در طرفی دیگر منزل می نمود . یک بار در میان راه سیّد او را دیده و به او اشاره

فرموده و او را به سوی خود طلبید .

چون به سیّد مرحوم نزدیک شد دست آن مرحوم را بوسید ، آن گاه سیّد حال افراد زیادی از زنان و مردان را یکایک سؤال فرمودند و آن مرد جواب می داد که همگی سالم هستند .

چون آن مرد رفت ، ما از سیّد پرسیدیم که از لباس و هیئت این مرد معلوم بود که اهل عراق نیست .

سیّد فرمود : بلی او اهل یمن است .

گفتیم : شما که به یمن تشریف نبرده اید چگونه اسم آن گروه را که از حال آن ها سؤال فرمودید می دانید و مرد و زن آن ها را می شناسید .

سیّد در جواب تأمّلی فرموده گفت : سبحان اللّه ؛ چه جای تعجّب است اگر از تمامی روی زمین وجب به وجب از من سؤال کنند ، همه را می دانم و می شناسم.

محدّث نوری رحمه الله می گوید : مؤیّد این فرمایش آن بزرگوار این است که آنچه در نجف اشرف امکنه متبرّک که تعمیر نموده اند ؛ مثل مسجد کوفه ، مسجد حنّانه ، قبر کمیل بن زیاد رحمه الله ، محلّ خانه حضرت امیر علیه السلام و قبر شریف هود و صالح همه این ها را مرحوم سیّد بحرالعلوم وجب به وجب تعیین کرده و تعمیر نموده اند و گرنه از آن زمان ها تا زمان ایشان اثری از آن آثار باقی نبوده است .

همه علماء زمان آن مرحوم ، فرموده های آن جناب را مورد امتثال قرار داده و پذیرفتند و کسی از ایشان ایرادی ننموده است .

اینک محلّ سابق قبر هود و صالح در وادی السلام باقی است که سیّد فرموده اند اینجا قبر آن ها نیست ، پس بقعه آن

خراب و آثـار خرابی اش در برابر دیـد پیر و جـوان است . پس از آن ، محـلّ دیگری را تعیین فرمـوده که اکنون مزار ایشـان و مطاف مردمان است .(۱۱۴)

در کتاب «تاریخ کوفه» می نویسـد : علاّمه بزرگ ، حجّه الحقّ ، سیّد محمّـد مهـدی نجفی ، مشـهور به بحرالعلوم قـدس سـره دارای آثـار جـاودانی است . از جمله آن هـا مقام های مقـدّس مسـجد کوفه است که همچنان از دوران های گذشـته نزد مردم ناشـناخته بود و جز کسانی که دارای بصـیرت در دین بودند و تعدادشان هم اندک بود ، کسـی آن ها را نمی شناخت . از این رو ، سیّد رحمه الله تعیین این مقامات مقدّس را به عهده گرفت و نشانه ها و محراب هایی در آن ها ساخت و ستونی سنگی در محراب النبیّ صـلی الله علیه وآله وسـلم برای تعیین قبله قرار داد و این شاخصـی است که امروز به نـام «رخـامه» معروف است .(۱۱۵)

از جمله آثـار سیّد این است که در مسـجد سـهله جایگـاهی برای حضـرت مهـدی عجّل اللّه فرجه وجود داشت ولی نزد مردم شناخته شـده نبوده و سـیّد بحرالعلوم رحمه الله دسـتور داد گنبـدی روی آن مکان بسازند تا آن جایگاه شـکوهمند را مشـخّص کند . البتّه این کار شگفت نیست ؛ چرا که وی به این امر دانا و آگاه بوده است .(۱۱۶)

علاّمه بزرگ شـیخ عراقَین (کوفه و بصـره) شـیخ عبدالحسـین تهرانی قـدس سـره هنگامی که به قصـد زیارت عتبات عالیات به عراق آمـد و اقـدام به بازسـازی آن هـا کرد ، در گوشه هـای مسـجد کوفه به جسـتجوی آرامگاه مختار پرداخت ، تا آن را نیز بازسازی کند و تنها این نشانه در دست

بود که آرامگاه مختار در صحن مسلم بن عقیل علیه السلام چسبیده به مسجد جامع قرار دارد و بالای دکّه بزرگی جلوِ حرم هانی بن عروه رضی الله عنه واقع است ، لذا آن را حفر کردند و نشانه های حمام در آن پدید آمد و مشخّص شد که آنجا آرامگاه مختار نیست و اثر آن از بین رفت ولی هنوز شیخ در جستجوی آن بود که علاّمه بزرگ سیّد رضا ، فرزند آیه اللَّه بحر العلوم طباطبایی رحمه الله به او گفت : هر گاه پدرش از گوشه شرقی کنار دیوار جلوی مسجد کوفه عبور می کرد (محلّی که اکنون زیارتگاه مختار است) می گفت : برای مختار ، سوره فاتحه بخوانیم و می خواند . شیخ دستور داد آن محل را کندند و سنگی آشکار شد که بر روی آن نوشته شده بود : «این قبر مختار بن ابی عبیده ثقفی است» و مشخّص شد که آرامگاه مختار آنجاست .(۱۱۸) (۱۱۷)

نشانه

در میان فرموده های خاندان وحی علیهم السلام نکته های مهمّی درباره عصر درخشان ظهور وجود دارد که برخی از مردم ، قدرت درک و تحمّل آن ها را ندارند ؛ همان گونه که مطالبی درباره مسائل دیگر فرموده اند که همگان آمادگی پذیرش آن ها را ندارند و به این دلیل خاندان وحی علیهم السلام به اصحاب سرّ خود فرموده اند آن گونه مطالب را از نااهلان بپوشند .

علاوه بر نکته های اسرارآمیز ، مطالب مهمّ دیگری را فرموده اند که مردم می توانند آن ها را با توجّه به وجود خارجی نظیر آن جریانات ، پذیرا شوند .

به این جهت خداوند بزرگ برای اتمام حجّت خویش و نزدیک شدن آن حقایق به اذهان مردم

، جریانـاتی هماننـد آن ها را در خارج واقع می سازد تا با توجّه به آن ها ، آنچه را که اهل بیت عصـمت علیهم السـلام فرموده اند به فهم مردم نزدیک سازد .

مردمی که گرفتار تیرگی های عصر غیبت هستند و نور و روشنایی روزگار درخشان ظهور را ندیده اند ، چگونه می توانند آن روزگار شکوهمند را در ذهن خود ترسیم نمایند ؟

مردمی که در اسـارتِ دوران غیبت به سـر می برنـد و آزادی های عصـر نجات را ندیـده انـد ، چگونه می تواننـد قـدرت های پیشرفته مردمان عصر ظهور را باور نمایند ؟

سیاسـتمدارانِ کوتاه انـدیش جهانی که خود را همه کاره کره زمین می دانند ، چگونه می توانند دگرگون شدن تمدّن پوشالی خویش را به دست مردان ناشناخته باور نمایند ؟

آیـا خداونـد برای کژانـدیشانی که تـا چیزی را با چشم سـر نبیننـد نمی تواننـد آن را بپذیرنـد ، چگونه حجّت خود را بر آن ها کامل می نماید ؟

یک فرد عادّی با مغزی شگفت انگیز !

با مراجعه به صـفحات بزرگ تاریخ جهان ، پاسخ به این پرسـش ها بسیار آسان است . امدادهای غیبی و جریانات خارق العاده و بسیار شگفت انگیزی که در طول تاریخ واقع شده ، پاسخِ گویا و محکمی به همه کژاندیشان است به گونه ای که آنان را از وجود عالمِ غیب آگاه نموده و می نماید .

از آنجا که ماجراهای شـگفت انگیز و حیرت آور که ستمگران تاریخ را حیرت زده ساخته ، بسیار است و نیاز به نوشتاری ویژه دارد ، به اصل بحث که تکامل عقل انسان ها در عصر شکوهمند ظهور است ، بازمی گردیم .

در این باره می گوییم : چگونه انسان با مغز محدودی که دارد ، می تواند از قدرت های شگفت انگیز برخوردار شود ؟

قبل از آن که به پاسخ این سؤال بپردازیم ، جریان شگفت انگیز مردی

را نقل می کنیم که بر اثر تحوّلی که در مغز او ایجاد شده بود ، صاحب قدرت های عجیب و ناشناخته شده بود .

ناگفته نماند ما نیازی به نقل این گونه جریانات نداریم ، ولی برای نزدیک ساختن مطلب به ذهن کسانی که شیفته این گونه جریانات می باشند ، آن را نقل می کنیم و سپس به نتیجه گیری از آن می پردازیم :

«پتر – هورکوس» اهل هلند را «عجیب ترین مرد جهان» یا «انسان – رادار» لقب داده اند . زیرا او به جز پنج حسّی که همه انسان ها دارند حسّی دیگر یعنی یک حسّ ششم نیز دارد . او افکار اشخاص را می خواند و به آن ها می گوید که به چه چیزی فکر می کنند . برای «پتر – هورکس» اشیاء ، محلّ ها و مکان ها و بی زبان ترین و جامدترین موجودات جهان نیز حرف می زنند و «پتر» به وسیله حسّ ششم خود ، حوادث گذشته و وقایع زندگی اشخاص را کشف می کند و از آینده جهان و آینده اشخاص اخبار حیرت انگیزی می دهد که همیشه و بدون استثناء درست از آب درمی آید .

این حقیقت را همه پزشکان و روانشناسان که «پتر ــ هورکوس» را مورد امتحان قرار داده اند تصدیق می کنند . تا حال ، پلیس ۱۶ کشور مختلف از روی ناچاری ، در حوادث جنایی بغرنج و پیچیده از او کمک خواسته اند و هم اکنون «پتر – هورکوس» کارت رسمی «پلیس بین المللی» دارد .

او این قدرت را چگونه به دست آورد ؟

امّا آنچه در زندگی «پتر» عجیبتر از همه است ، این است که او این حسّ ششم (رادار) را با خود از شکم مادر نیاورده است . او تا سی و دو سالگی یک آدم معمولی مثل همه آدم ها بود

و پنج حسّ بیشتر نداشت . امّا در یکی از روزهای سال ۱۹۴۳ وقتی که آشیانه هواپیمایی را تعمیر می کرد ، از ارتفاع ده متری به زمین سقوط کرد و بیهوش شد .

خودش می گوید : در عرض سه چهار ثانیه قبل از اینکه زمین بخورم ، همه زندگیم به خاطرم آمد حتّی به یادم آمد که یک بار سگی پای مرا گاز گرفته بود . در آن لحظات دلهره آور چند ثانیه پیش از این که نقش بر زمین شوم ، بین زمین و آسمان فقط به یک چیز می اندیشیدم «دلم نمی خواست بمیرم !» . وقتی چهار روز بعد از سقوط ، بر روی تخت بیمارستان به هوش آمد ، سرش به شدّت درد می کرد ، به طوری که از شدّت درد فریادهایی جگر خراش می کشید .

پرستار به او گفت که هنگام سقوط ، جمجمه اش به سختی شکسته است . «پتر» این خبر پریشان کننده را شنید ، بی آن که بتواند پاسخ بدهد . او خیلی خسته بود و خود را در حالت عجیبی می دید .

وقتی پرستار از اتاق بیرون رفت ، «پتر» در همان حالِ بیماری به طرف مریضی که در کنار او خوابیده بود برگشت و در این لحظه بود که حادثه ای معجزه آسا به وقوع پیوست .

حالت «إلهام» به «پتر» دست داد . او تا آن وقت هرگز این بیمار همسایه را ندیده بود و هرگز کلمه ای هم با او حرف نزده بود .

اما در یک لحظه احساس کرد که همه گذشته و آینده این بیمار را می داند . این الهام آن قدر عجیب و ناگهانی بود که «پتر» نتوانست از اظهار آنچه به

ذهنش الهام شده بود خودداری کند و گفت : شما آدم حق شناسی نیستید !

بیمار رو برگرداند و با خشم گفت : بله ! شما از کجا این مطلب را می دانید؟

«پتر» گفت: برای این که پـدر شـما یـک هفته پیش مرده و یـک سـاعت گران قیمت برای شـما یادگار گذاشـته بود ، امّا شـما یادگاری عزیزتان را بلافاصله فروختید !

بیمـار همسـایه بـا حیرت پرسـید : شـما از کجـا این مطلب را می دانیـد ؟ امّا خود او نیز نمی دانست چطور ناگهان درباره بیمار ناشـناس این همه اطلاعات به مغزش رسـیده است . از آن روز به بعد بیمار همسایه ، «پتر» را یک شیطان ، یک شبح ، و یا جنّ و پری می دانست و از او می ترسید . بدین ترتیب «پتر» برای نخستین بار به نیروی عجیب خود پی برد و این نیروی پیش بینی ، زندگی او را ناگهان عوض کرد .

یک موج ناشناخته در مغز او تحوّل ایجاد کرد

خودش می گویـد : نمی دانم چه شـد ! امّـا همین قـدر می دانم که موجی ناشـناس مثل یک صاعقه مغز مرا پاک کرد و افکار دیگری را در آن قرار داد ! بعضـی وقتهـا فکر می کردم که دیوانه شـده ام . گـاهی نیز از صـمیم قلب آرزو می کردم که واقعاً دیوانه بشوم و از دست این حسّ ششم نجات یابم ، زیرا همه کسانی که وارد اتاق من می شدند در یک لحظه من همه گذشته آن ها را از صورت شان می فهمیدم و همه آرزوها و غم های شان را درک می کردم .

در یـک لحظه در قلبم می گفتم : این دزد است ! این یکی امروز زنش را کتـک زده است ! آن یکی ... ! امّـا این آگـاهی مرا رنج می داد

نمی خواستم اسرار خصوصی مردم را بدانم امّا چاره ای نداشتم . مغز من بی آن که خودم بخواهم یا کلمه ای از مردم بپرسم ، آن ها را به من معرّفی می کرد .

چهار یا پنج روز بعد از به هوش آمدن ، «پتر» بیماری را دید که می خواست از بیمارستان مرخص شود . «پتر» در حالی که دست او را می فشرد و خداحافظی می کرد ناگهان فهمید این مرد بر خلاف ادّعاهایش هلندی نیست و انگلیسی است و یک جاسوس «انتلیجنت سرویس» است که به وسیله چتر نجات در هلند فرود آمده است تا به نفع انگلیسی ها نزد آنهایی که هلند را اشغال کرده بودند جاسوسی کند .

«پتر» در عین حال در همان لحظه فهمید که «گشتاپو» (سرویس ضد جاسوسی آلمانی ها) به هویّت واقعی این جاسوس انگلیسی پی برده است و به زودی این بیچاره را دستگیر خواهد کرد و خواهد کشت .

او در مغز خود حتّی محل توقّف آینده این جاسوس را در کوچه «کالور» به نظر آورد و خواست حقیقت را به جاسوس انگلیسی بگوید امّا او عجله کرد و بیرون رفت .

«پتر» ماجرا را به دکتر بیمارستان گفت که به هر قیمتی است باید این جاسوس را از ماجرا آگاه کرد .

دو روز بعد مأمورین آلمانی ، افسر جاسوس انگلیسی را درست در همان کوچه «کالور» تعقیب کردند و کشتند . پیش بینی «پتر» نه تنها به نفع او تمام نشد بلکه باعث شد که پارتیزان های هلندی به او مظنون شده و بگویند : تو که قبلاً می دانستی گشتاپو، جاسوس انگلیس را تعقیب می کند ، لابد خودت جاسوس گشتاپو هستی ! این ظن و گمان چندان بالا گرفت

که دو روز بعد دو نفر به بیمارستان آمدند تا او را بکشند . قرار بود آن ها با متکّا و بالش او را خفه کنند امّا حسّ ششم «پتر» باز به کمک او آمد و وی را از مرگ نجات داد .

سخن گفتن به زبان دیگر

یکی از این مأمورین قتل ، یک اسپانیایی بود و هنگامی که این مرد بالش را روی دهان و بینی او می فشرد ، «پتر» به زبان اسپانیایی - زبانی که تا آن لحظه حتّی یکی کلمه آن را نمی دانست فریاد کشید : کومو - آبودرو - دار - لاموئرنه !

مرد اسپانیایی بالش را کنار کشید و گفت : حیرت انگیز است ! این مرد به من می گوید : تو از کشتن من می ترسی ! و درست در همین لحظه من به این مسأله فکر می کردم» .

مدّتی در سکوت گذشت و سرانجام پارتیزان اسپانیایی دست او را فشرد و گفت : حالا من حرف های شما را باور می کنم ، امّا نباید مرا ملامت کنید ، آخر چطور ممکن است چنین نیروی عجیبی را قبول کرد ؟

با این همه در همان لحظات «پتر» که داستانش وی را در همه بیمارستان مشهور کرده بود احساس می کرد که به زودی یک انسان استثنایی خواهد شد ، حالا او دیگر از این حسّ ششم نمی ترسد بلکه می خواهد به کمک این حسّ زندگی خود را تأمین کند . وقتی به خانواده اش برگشت ، اعضای خانواده تقریباً او را نشناختند و مادرش گفت : پسرم متفکّر شده است ! خود «پتر» می گوید : نمی توانید شکنجه ای را که من کشیده ام و همین حالا هم می کشم دریابید .

وقتی همسایه ای به من تملّق می گفت :

من در مغز او می خوانـدم که دروغ می گویـد ، فهمیـدم که حتّی مـادرم ، برادرم و خواهرانم خیلی چیزهـا را از من مخفی می کنند ، دیگر کسی نمی توانست به من دروغ بگوید و همین امر که من دروغ آدم ها را کشف می کردم ، مرا رنج می داد .

نیرویی ناشناخته آگاهی ها را در مغز او وارد می کرد

آیا این حسّ شـشم هدیه ای بود یا شـکنجه ای ؟ نمی دانم ، فقط می دانم که کسی دیگر ، نیرویی دیگر این اطّلاعات ذهنی و این پیش بینی ها را که در مغز من است ، جا می دهد . دریافتم که من بیش از همه آدم ها باید به خداوند نزدیک بشوم ؛ زیرا خداوند هم بین میلیاردها انسان ، فقط مرا از این حسّ عجیب برخوردار کرده است .(۱۱۹) تصمیم گرفتم که از این حسّ رادار به نفع آدم ها استفاده کنم .

باید زندگی تازه ای تشکیل می دادم . دیگر ممکن نبود به کار سابقم برگردم ، زیرا با دریافت حسّ تازه ، حسّ دقت معمولی را از دست داده بودم .

هیـچ وقت بیش از ده یـا پـانزده دقیقه نمی توانسـتم دربـاره یک موضوع واحـد فکر کنم ؛ زیرا مغزم هر لحظه از هزاران مطلب درباره هزاران چیز پر می شـد همین که خود را مجبور می کردم که فقط به یک موضوع مثلاً به کوبیـدن یک میـخ فکر کنم ، ناگهان صورتم سرخ می شد ، نفسم بند می آمد و صندلی ها زیر پایم می لرزید .

سخن گفتن با بی زبانی

هر تـازه واردی که وارد اتـاق می شـد ، مغز من دربـاره او به کـار می افتـاد و گذشـته و آینـده اش را به من می گفت . نه تنها چهره اشـخاص ، بلکه اشـیایی که مورد استفاده اش بودند ، مثل کیف ، مجلّه ، روزنامه ، عکس و دستمال ، او را به من معرّفی می کردند .

حتّی در صـحرای خلوت نیز راحت نبودم . سـنگ ها و درختان داستان شان را با من باز می گفتند . برای رهایی از این شکنجه تنها راه حل این بود که در یک اتاق خالی و خلوت و

بدون هیچ شیئی بنشینم و هرگز بیرون نروم ، امّا یک مرد ۳۴ ساله مثل من نمی توانست مثل راهبه ها زندگی کند . فقط یک راه داشتم . باید راهی انتخاب می کردم که با استفاده از همین حسّ ششم ، زندگیم را تأمین کنم ، حالا که این حسّ یک دقیقه مرا راحت نمی گذاشت مجبور بودم که از اوامر او اطاعت کنم ! از این تاریخ زندگی «پتر» با همین حسّ ششم رادار ارتباط دارد .

نخست در دهات و جشن های ملّی ، حسّ ششم خود را به مردم ثابت کردم و مثلاً یک یا دو ساعت ، شرح حال و گذشته همه کسانی را که در سالن نمایش نشسته بودند به آن ها می گفتم .

برنامه رادار

او به زودی در هلند و فرانسه و تمام اروپا مشهور شد . امروز «پتر» تبعه آمریکاست و یک برنامه عجیب تلویزیونی به اسم «رادار» دارد .

در همین برنامه او در اتاق تلویزیون می نشیند و آن گاه تماشاچیان از فاصله صدها کیلومتر به وسیله تلفن از او سؤال می کنند و او بی آن که این اشخاص را ببیند و بشناسد از فاصله صد کیلومتری به همه سؤالات آن ها پاسخ می دهد و شرح حال و آینده شان را به آن ها باز می گوید . خودش می گوید . هدف واقعی من کمک به کسانی است که به من احتیاج دارند ؛ مثلاً می خواهم مردم را در کارهایشان کمک کنم و یا بچّه های گمشده را پیدا کنم .

«پتر» صدها کودک گمشده را پیدا کرده . صدها پلیس را از قصد دزدی گانگسترها آگاه کرده و صدها معدن را کشف کرده است . مخصوصاً صدها بار پلیس را برای

شناختن جانیان و قاتلین کمک کرده است . امّا تنها موردی که وی از قدت حسّ ششم خود استفاده نمی کند ، منافع شخصی و قمار است ؛ زیرا اگر او بخواهد قمار کند همه ثروت دنیا را از دست همه کس می قاپد .

خودش می گوید : خوب می دانم که خداوند حسّ ششم را برای کمک به مردم به من عطا کرده است ، نه برای اندوختن ثروت!

یک روز پلیس هلند بعد از یک آتش سوزی در شهر «ونیسکوتن» از «پتر» خواست که عامل این حریق را معرّفی کند ؛ زیرا پلیس بعد از چهار ماه تحقیق ، دیگر عاجز شده بود .

او بلافاصله بعد از سؤال گفت : من زنی را می بینم که یک دستکش خود را در محلّ آتش سوزی جا گذاشته است ؛ مثل این که این زن با تریاک و موادّ مخدّر نیز رابطه ای دارد !

مأمورین پلیس تا آن وقت دستکشی در محلّ آتش سوزی ندیده بودند ، امّا وقتی دوباره به آن محلّ رفتند دستکش را پیدا کردند . این دستکش از یکی از مغازه های پاریس خریداری شده بود و پیدا کردن صاحب آن خیلی مشکل بود . امّا مرد رادار وقتی دستکش را نگاه کرد ، مشخّصات دیگر آن زن را نیز یافت و گفت که او شوهر ندارد و تریاکی است .

وقتی از روی اطّلاعات «پتر» زن را دستگیر کردند ، او اعتراف کرد که تریاکی است و ویلاـ را برای تریاکخانه ، اجاره کرده است . همچنین پلیس توانست به کمک «پتر» ، یک سازمان بزرگ قاچاق مواد مخدّر را به دام اندازد . در این ماجرا پلیس بین المللی رسماً از

او تشکّر کرد .

ما همه دارای حسّ ششم هستیم ! پروفسور «پوهاریش» بزرگترین استاد روانشناس آمریکا یک سال است که در مورد «پتر» مطالعه می کند . او اعلام کرد که در حسّ پیش بینی و حسّ ششم «پتر» که مثل دستگاه رادار از دور همه چیز را تشخیص می دهد شکی نیست ؛ امّا از نظر علمی هنوز نمی توان این مسأله را توجیه کرد ، همین قدر می دانیم که حسّ ششم «پتر» از پنج حسّ دیگر او حسّاستر است و وقتی او مریض و خسته و عصبانی است ، حسّ ششم او زودتر از سایر حواسّ ضعیف می شود .

در طول تاریخ دو سه پیشگوی دیگر نیز همین حسّ را داشته اند امّا «پتر» تنها کسی است که این حسّ را نه به طور مادرزادی بلکه در سن ۳۲ سالگی ، بعد از یک تصادف به دست آورده است .

او خود می گوید : به نظر من همه آدم ها کم و بیش حسّ ششم دارند ، برای شما هم گاهی اتّفاق می افتد که حادثه ای را قبلاً پیش بینی کنید ؛ مثلاً وارد دهکده ای می شوید و به خاطر می آورید که گویی این دهکده را یک بار دیگر نیز دیده اید . به نظر من حسّ ششم نیز در مغز آدم ، مثل پنج حسّ دیگر نقطه مخصوصی دارد و در مورد من تصادف و سقوط ، این نکته را برجسته تر کرده و حسّ خفته ششم را بیدار نموده است .(۱۲۰)

بنابر این گزارش ، «پتر» در اثر سقوط و ضربه مغزی قدرت های خفته او بیدار شد و توانایی هایی را به دست آورد که دیگران از آن ها برخوردار نیستند . ولی در روزگار فرخنده ظهور

که جهـان سـرشار از الطاف و نعمت های الهی می شود ، انسان ها با تکامل عقل قـدرت های نهفته و نیروهای خفته خود را به دست می آوردند .

آزادی عقل

در صورتی انسان به قدرت های نهفته در وجود خود دست می یابد و به تکامل عقلی می رسد که عقل او از اسارت آزاد شود . این آزادی ، یکی از بزرگترین آزادی هایی است که عصر تکامل بخش ظهور آن را برای انسان ها به ارمغان می آورد .

با آزاد شـدن عقل و خرد از بنـدهایی که قـدرت های شـیطانی و نفسانی او را به زنجیر کشـیده است ، نیروهای عقل از اسارت رها گشته و انسان به راحتی می تواند قدرت های عقلی خویش را به کار بندد .

عقل هر انسانی قدرت ها و نیروهایی دارد که آن ها همچون یک سپاه در فرمان عقل می باشند . در فرموده های خاندان وحی علیهم السـلام که آگاه از همه ابعاد وجود بشـر هسـتند ، به این گفتار تصـریح شده و حضـرت امام صادق علیه السـلام در یک روایت بسیار باعظمت همه افراد سپاه عقل و خرد را بیان نموده اند (۱۲۱) .

در آن روایت هفتـاد صـفتِ عـالی و برجسـته به عنوان »ارتش عقـل« بیان شـده است و در برابر آن هفتاد صـفت رذیله نیز برای جهل - که مقصود از آن نفس است - بیان شده است (۱۲۲) .

دوران تیره غیبـت ، عصـر جولانـن لشـکر نفس است و عمـوم افراد - به جز گروهی انـدک - در دست سـپاه نفس گرفتارنـد و همواره به سوی آنچه نفس از آنان می خواهد بسیج می شوند ؛ امّا در روزگار فرخنده ظهور با تکامل یافتن عقل ، نفس انسان ها نیز پاک شده و در فرمانِ عقل

و خرد قرار می گیرد .

تکامل عقلی انسان ها به معنای کامل شدن قدرت سپاه عقل در انسان می باشد و ارتش و لشکر عقل این گونه به تکامل رسیده . بنابراین علم ، قدرت ، فهم ، اراده در انسان ها کامل می گردد و لشکر نفس مانند عجز ، ضعف ، کسالت ، جهل و... شکست می خورند .

بازگشت به فطرت سالم

بدیهی است با فروپاشی لشکر نفس و تکامل یافتن قدرت های هفتادگانه عقل ، انسان ها حیاتی تازه می یابند و هر انسانی به فطرت اصیل خویش باز می گردد . یافتن فطرت اوّلیّه ، به معنای دارا شدن قدرت هایی است که انسان بر اثر اعتیاد به آثار جهل و پیروی از نفس و شیطان ، نتوانسته است آن قدرت ها را بکار انداخته و از آن ها استفاده نماید .

ما اگر بخواهیم روایت بسیار مهمّی را که درباره لشکریان عقل و جهل در کتاب شریف اصول کافی نقل شده بیاوریم و به ترجمه و تشریح آن بپردازیم بسیار به طول می انجامد ، به این جهت از نقل آن خودداری نموده و به بیان این مطالب اکتفا می کنیم :

با یک بررسی و دقّت در روایت یاد شده و توجّه به هفتاد لشکر از لشکریان عقل و هفتاد لشکر از لشکریان جهل)نفس(به این نتیجه می رسیم که اینک جامعه بشریّت در گرداب هوا و هوس غرق بوده و گرفتار لشکر نفس بوده و از لشکر عقل - به جز مقداری بس اندک - بهره ای ندارد .

با توجّه به روایت یاد شده کسی دارای عقل کامل است که از لشکر عقل به گونه کامل برخوردار بوده و لشکرِ جهل را شکست داده و نابود کرده باشد .

قیام

شکوهمند حضرت مهدی عجّل اللّه تعالی له الفرج برای حیات بخشیدن به لشکریان عقل و تکامل آن ها در میان افراد جامعه بشریّت می باشد .

بدیهی است با تکامل لشکریان عقل ، لشکریان جهل (نفس) نابود شده و از آن ها اثری باقی نخواهد ماند .

با نابودی لشکر جهل (نفس) و تکامل نیروهای عقل ، تحوّلات شگفتی در جامعه بشریّت ایجاد خواهد شد که بسیار جالب و شگفت انگیز است . بر اساس این تحوّل شگرف ، صحنه گیتی عوض گردیده و زشتی ها و بدی ها جای خود را به نیکویی ها و خوبی ها خواهند داد .

بدیهی است با تکامل جامعه بشریّت و جایگزین شدن خوبی ها به جای بدی ها در صحنه گیتی تحوّلی شگفت انگیز به وجود می آید و موجودات دیگر نیز - همان گونه که در روایات متعدّد ذکر شده است - در مسیر تکامل قرار گرفته و به سوی تکامل روی می آورند .

آیا قبل از ظهور مردم جهان به تکامل عقلی می رسند ؟

بعضی معتقدند باید مردم جهان رشد عقلی و تکامل فکری پیدا نمایند تا ظهور حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه محقّق شود و تا چنین تکاملی حاصل نشود ظهور محقّق نمی شود!

آیا این عقیده صحیح است؟

جواب : گرچه در صورت رشد و تکامل عقلی مردم جهان ، زمینه ظهور و حکومت حضرت مهدی ارواحنا فداه محقّق می شود ؛ ولی باید توجّه داشته باشیم که ظهور آن بزرگوار بستگی به رشد و تکامل تمامی مردم جهان ندارد و بررسی روایات فراوانی که در زمینه ظهور حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه وارد شده است بطلان عقیده مذکور واضح می شود.

اگر ظهور آن حضرت پس از رشد عقلی مردم جهان واقع می شود ، پس باید روایات بسیاری که در زمینه جنگ های امام عصر ارواحنا فداه

و یـاوران آن بزرگوار وجود دارد ، همه را کنار بگـذاریم ! وجود افراد مخالف و جنگ و ستیز آنان با امام عصـر ارواحنا فـداه دلیل بر عـدم رشد فکری و تکامل عقلی آنان است . پس چگونه می توان ادّعا کرد که همه مردم قبل از ظهور به تکامل عقلی دست می یابند تا برای پذیرش حکومت امام عصر ارواحنا فداه آمادگی پیدا کنند !

علاوه بر این ، روایـات بر این مطلب دلالـت دارنـد که مردمِ قبل از ظهور دارای رشـد فکری و تکامل عقلی مردمِ عصـر ظهور نیستند .

همان گونه که از دیـدگاه روایات تکمیل مراحل نهایی علم و دانش بسـتگی به ظهور آن حضـرت دارد ، تکامل عقلی و رشـد فکری جامعه نیز به ظهور آن بزرگوار بستگی دارد .

قدرت و عظمت مغز

اکنون به بحث درباره قدرت عظیم مغز پرداخته و می گوییم : هنوز انسان ها نتوانسـته اند مغز خود را به کارآیی کامل برسانند .

بسـیاری از نویسـندگان ، به عجز و ناتوانی خود و عدم اسـتفاده از نیروی پرقدرت مغز آدمی اعتراف نموده اند . در اینجا نمونه ای از گفتار آن ها را می آوریم :

... مغز مـا معمولاً ـ بخش نـاچیزی از قـدرتش را به کـار می گیرد . بنابراین ، در حالی که قـدرت و اعتبار عظیمی در اختیار هر شخص قرار دارد . افسوس که فقط گاهگاهی از این اعتبار بهره می گیریم...(۱۲۳)

شاید سـخن درست آن باشد که بگوییم : انسان با همه درخشـندگی اسـتعدادهایش ، در طی عمر خویش ، چیزی بیش از یک میلیاردیم نیروی مغزش را به کار نمی گیرد .(۱۲۴)

تردیدی نیست که ما هنوز نمی دانیم در عرصه پهناور مغزمان – این کیهان نهفته در وجود آدمی –

به هنگام خلاّقیّت ، تفکّر و کار چه می گذرد . با این حال ، روشهای تجربی در کنار پژوهش ها و آزمایش های به عمل آمده ، اطّلاعـات بسـیاری در خصوص ساختمـان مغز آدمی و رونـدهای تفکّر در اختیارمان قرار داده است، مقایسات بی شـماری را میسّر ساخته و دست کم به تشخیص راه هایی برای کنترل پاره ای از عملیّات ذهنی کمک کرده است .(۱۲۵)

این مطلب روشـنگر قدرت فکر در وجود انسان و عدم استفاده کامل از نیروی بزرگ آن است که گریبانگیر انسان در عصر ما می باشد .

در روزگاری که دست الاهی بر سـر مردم جهان سایه افکنـد و دست قدرتمنـد ولیّ اللّه الأعظم ارواحنا فـداه بر سـر انسان های زجر کشـیده دوران غیبت نوازش دهـد ، در آن روز است که نیروهای پنهان و نهفته در مغز انسان ها تجلّی و ظهور می یابـد و انسان به تکامل عقلی دست خواهد یافت .

«پرده هـای مغز که پناهگـاه افکـار و خاطرات و تمام فعّالیّت های فکری و عقیـده و مرام و قیود و پابست های انسانی است ، از عوامل اصلی سلّول های ریز - که تعداد آن ها از ۱۰ تا ۱۳ میلیارد متجاوز است - تشکیل یافته است .

هر کدام از آن ها در نوع خود شبیه رگ های برگ درخت هستند و پیام های الکتریکی را به یکدیگر انتقال می دهند .

فکر و خاطرات انسان ، عمل جالب این عوامل است که مدام با یکدیگر در ارتباط هستند .

تجربه عملی ثابت کرده که نابغه ترین فرد بشر فقط یک مقدار کوچکی از این ذخایر را مصرف نموده است .»(۱۲۶)

مغز انسان از چهارده میلیارد سلول عصبی تشکیل می شود . اگر باز در نظر بگیریم که هر سلول دارای پنج هزار

ارتباط با سلول های دیگر است و می توانـد در انواع حالت های میان سلولی نیز قرار گیرد ، تعداد بالقوّه حالت ها و درجات آزادی سلول هـای مغز از مرزهـای تصوّر آدمی فراتر می رود . می توان گفت که هر انسان اعمّ از نابغه یا عادّی ، چیزی بیش از یک میلیاردیم ظرفیّت مغز خویش را در دوران زندگیش به کار نمی گیرد .

اگر فقط یـک میلیاردیم توانایی و ظرفیّت کلّی مغز ، اعمّ از مغز یک نابغه یا مغز یک انسان عادّی به کار گرفته شود ، تفاوتی که بین آن ها دیده می شود یک تفاوت کیفی خواهد بود نه کمّی .(۱۲۷)

اکنون که دانستید همه افراد فقط مقدار اندکی از مغز خود را می توانند به کار گیرند ، به این گزارش توجّه کنید :

«امروزه مغز یک کامپیوتر که در واقع هسته مرکزی آن است با یک میلیون واحد اطلاعاتی کار می کند . در زبان کامپیوتر به آن ها «بایت» می گوینـد . مغز انسان درست شبیه این دستگاه کار می کنـد . واحـدهای مولکولی حافظه و سوئیچ های عصبی اطّلاعـات را ذخیره سـازی و آمـاده می کننـد . بچّه ای که در گهواره است نیز این عمـل را انجام می دهـد حتّی اگر ناآگاهانه باشد . در سراسر زندگی ما اطّلاعات را ذخیره می کنیم تا این که بتوانیم در روزی که به آن احتیاج داریم از آن ها بهره ببریم . تنها به ندرت اتفاق می افتد که بپذیریم که مغز ما با ذخیره دانش اش قابل اطمینان نیست .

هسته مرکزی یـک کامپیوتر با نوع متفاوت دیگری از اوامر کار می کنـد . مغز انسان با بیش از ۱۵ میلیارد کلیـد و سوئیچ کار می کند در حالی که کامپیوترهای مدرن بزرگ تنها ۱۰

میلیون دارنـد . عناصـر بیشتری را می توان با اتّصالات بین کلیـدی ذخیره نمود . پس چرا می توان به یک کامپیوتر خیلی بیشتر از مغز انسان اطمینان کرد ؟ زیرا نُه دهم مغزها همواره خالی است در حالی که یک کامپیوتر همواره تمام واحـدهای اطّلاعاتی اش را در اختیار دارد .»(۱۲۸)

شایـد نتوانیـد باور کنید که مغز دارای ۱۵ میلیارد کلیـد باشـد . شایـد نتوانیـد باور کنید که مغز انسان تمام رویداد ، جریانات و آنچه بر انسان می گذرد از اوّل عمر تا آخرین لحظه زندگی ، همه را بایگانی نموده و ذخیره می سازد .

مغز هر انسانی هر چه را که گفته یا شنیده است ، یا کاری را که دیده ، یا انجام داده است و... در خود جای داده است .(۱۲۹)

و هر انسـانی در آخرین لحظه هـای زنـدگی آنچه را که انجـام داده یـا... هماننـد نواری سـریع برای او جلوه گر می شود . این حقیقتی است که خانـدان وحی علیهم السـلام که شاهـد بر خلقت ما بوده انـد ، به ما آموخته اند. و به همین دلیل ما هیچ گونه شکّ و تردیدی در قدرت های ناشـناخته مغز ، و شکوفا شدن این توانایی ها در روزگار شکوهمند ظهور نداریم و آنچه را که آن بزرگواران فرموده اند بدون کم و کاست پذیرا هستیم .

حافظه های خارق العاده دلیل بر قدرت عظیم مغز است

به خاطر فراگیری مسائل اعتقادی از آبشـخور وحی ، ما هیـچ گونه نیازی به گفته های دیگران و اسـتدلال به جریاناتی که واقع شـده نـداریم ؛ ولی برای آن کـه مطلب خـود را برای همه ثـابت کنیم حتّی برای برخی از افرادی که برای پـذیرش حقـایق در جستجوی اموری هستند که با حواسّ ظاهری خود آن را درک کنند ؛

به این جهت ، توجّه این گونه افراد را به وجود کسانی که دارای حافظه خارق العاده می باشند ، جلب می کنیم تا بدانند در مغز انسان قدرتی بسیار بزرگ نهاده شده است(۱۳۰) :

شخصی به نام »اگائون« تمام ۲۵۰۰ کتابی را که در طول عمرش خوانده بود حفظ کرد . حیرت انگیزتر از آن این است که وی بدون لحظه ای درنگ ، می توانست هر بخشی از این کتاب ها را از بر بخواند.(۱۳۱)

تا همین اواخر، رسانه های گروهی بسیاری از کشورها گزارش هایی درباره حافظه استثنائی یکتادور حسین قدری پخش می کردند که می تواند سؤالات مربوط به تاریخ ها و وقایع و شخصیّت های تاریخی آن وقایع را بی درنگ پاسخ دهد . حافظه استثنایی «حسین قدری» تاریخ های تولّد و وفات بسیاری از بزرگان تاریخی را در خود جای داده است . آنچه خارق العاده به نظر می رسد این است که او یک تقویم اختصاصی به روش تقویم اسلامی (هجری قمری) برای خود تدوین کرده است . این تقویم دارای دو بخش است .

یک بخشی به صورت دوره های ۱۰۰ ساله مرتّب شده است و روزهای هفته و تاریخ ها را از سال ۱۹۰۱ تا سال ۲۰۰۰ ، از جمله تمام حوادث به یاد ماندنی را ماه به ماه در آن جمع کرده است . بخش بعدی از سال ۱۵۰۱ آغاز می شود و تا سال ۲۰۷۰ می انجامد . این بخش بر حسب روز ، روزهای هفته ، ماهها و تاریخ های تولّد و مرگ شخصیّت های برجسته مرتّب شده است . علاوه بر دو بخش یاد شده ، یک دوره اضافی نیز وجود دارد که از نخستین سال دوره مسیحیّت آغاز می شود و بر حسب روز و ماه ، پیشاپیش

تا سال ۳۰۰۰ محاسبه می گردد!(۱۳۲)

از رایج ترین مسائلی که مخصوصاً به اعجوبه های ریاضی داده می شود مسأله ای است بر اساس محاسبات تقویمی این اعجوبه ها در ذهن خود قرن ها و هزارها را طی می کنند و در مسیر خویش صدها رابطه بغرنج (یک هفته مرکّب از ۷ روز ، یک روز مرکّب از ۲۴ ساعت ، یک ساعت مرکّب از ۶۰ دقیقه و الی آخر) را کشف می کنند . اینان به فاصله چند ثانیه می توانند صدها عملیّات را انجام دهند و در پایان اعلام دارند که روز اوّل ژانویه سال ۱۸۸۰ میلادی ، جمعه بوده است .

تمامی این محاسبات با توجّه کامل به سال ها ، کبیسه ، تغییر تقویم در سال ۱۵۸۲ میلادی و پیچیدگی هایی از این قبیل انجام می شود . مثلاً اینان می توانند بگویند از مرگ »نرون« امپراطور روم تا سقوط قسطنطنیّه چند ثانیه گذشته است؟

یک بار دو شمارشگر سریع به نام های «ایناودی» و «داگیر» در یک گفتگوی خصوصی ، خودشان را با مبادله سؤال هایی از این قبیل سرگرم کرده بودند ؛ روز سیزدهم اکتبر سال ۲۸۴۴۴۴ چه روزی از روزهای هفته خواهد بود؟(۱۳۳)

وجود این گونه افراد استثنایی در کشورهای خارج برای اثبات قدرت شگفت انگیز مغز انسان و عجز انسانِ کنونی از رسیدن به تمدّنِ پیشرفته در روزگار ظلمانی غیبت است !

برخی از مسائلی که این اعجوبه های ریاضی در ظرف چند ثانیه حل می کنند ، به گفته ریاضیدان ها به چندین ماه وقت برای محاسبه به روش عادّی نیاز دارد که پس از آن نیز مدّت زمانی طولانی برای وارسی و تأیید نتایج به روش معمولی با کامپیوتر ضرورت خواهد داشت .

رابطه مغز با قدرت های فوق طبیعت

به راستی این اعجوبه های ریاضی از چه

روش هـایی بهره می گیرنـد ؟ آیا این «اسـتعداد» خاصّ در سالهای کودکی در ایشان رشـد یافته یا در سالهای نوجوانی ، یا در طی یک عمر تمرین کسب شده و تکامل پیدا کرده است؟

کوشـش هایی در جهت تبیین این توانایی به عنوان محصول حافظه ای اغراق آمیز که روان شـناسان آن را حدّتِ حافظه نامیده انـد به عمـل آمـده است . تردیـدی نیست که در این مورد خـاصّ ، ما با جلوه ای از یک حافظه حقیقتاً قوی روبرو هستیم و در عین حال نمی توانیم ماهیّت این پدیده را به اتّکای حافظه صرف تبیین کنیم .(۱۳۴)

جـالب تـوجّه اینجـاست که بسـیاری از اعجوبه هـای ریاضـی هیـچ تصوّری از چگونگی انجـام دادن محاسـبات در مغز خویش ندارند .

آن ها می گویند : «ما می شماریم ، همین و بس ، چگونگی اش را فقط خدای می داند . پاسخ هایی از این قبیل ، به هیچ وجه مایه حیرت نیسـتند . برخی از این گونه شمارشگران ، اشخاصی تماماً بی سواد بوده اند ... روانشناسان و ریاضیدانان ، همیشه با علاقه ای زاید الوصف به این گونه افراد با اسـتعداد نگریسـته و کوشیده اند رمز نهفته ظرفیّت ها وتوانایی های ایشان را کشف کنند !»(۱۳۵)

عـدّه ای پـا را فراتر نهاده و نه تنها درباره شـناخت راز و رمز نهفته در این گونه افراد ، بلکه درباره راه تکامل عقل سـخن گفته اند .

تکامل عقل از نظر علم روز

بحث درباره تکامل عقل ، لزوم و کیفیّت آن ، اکنون فکر و اندیشه بسـیاری از دانشمندان غرب را به خود مشغول ساخته است . آن ها با اعتقادی که نسبت به پیشـرفت علم دارند ، معتقدند روزی فرا خواهد رسـید که عقل انسان ها تریلیون ها بار قوی تر از اکنون گردد .

یکی از آنان به نام »کرزویل« می گوید

: شما در مغز فقط حدود ۱۰۰ تریلیون اتّصال می توانید برقرار کنید . این ممکن است عدد بزرگی به نظر برسد ، ولی روش ذخیره اطّلاعات در مغزها ناکار است . کسی که در یک زمینه دانش استاد است ، فقط حدود ۱۰۰ هزار قطعه از آن را می تواند به یاد بیاورد .(۱۳۶)

«تا پایان قرن ۲۱ ، هوش غیربیولوژیکی تریلیون ها تریلیون بار قوی تر از هوش انسانی خواهد بود .» (۱۳۷)

نکته ای که باید درباره آن دقّت شود ، این است که آن ها بر اثر آشنا نبودن با حقایق جهان هستی و دور بودن از مکتب خاندان وحی علیهم السلام ، اگرچه راهیابی به تکامل عقلی را می پذیرند امّا از کیفیّت و چگونگی آن آگاهی ندارند و به همین جهت ، در توجیه آن دچار اشتباه های فراوانی می شوند :

«خیلی ها فکر می کنند مغز باید الگوی هوش مصنوعی قرار بگیرد» و برخی مانند «کرزویل» سخن از ادغام مغز با سیستم های هوشمندِ الکترونیک برای افزایش کارآیی آن می زند و می گوید : «رایانه هایی ریزی که توی خون ما بالا و پایین می روند و شعور ما را زیاد می کنند» .(۱۳۸)

دور بودن این گونه افراد از مکتب حیاتبخش خاندان وحی علیهم السلام باعث شده که آنان به همه چیز حتّی به مسأله بسیار مهمّ تکامل عقل نیز با دید مادّی بنگرند و گمان کنند با رایانه های ریز ، خیالات و افکار خود را می توانند تکامل بخشند !

تکامل عقلی و اراده

تاکنون از قدرت و توانایی مغز آگاه شدیم و درک کردیم که بشر تاحال از بخش عظیمی از قدرت وجود خویش بی بهره بوده است . اکنون بحثی را درباره تکامل عقل و قدرت اراده آغاز می کنیم

:

از نشانه ها و آثار تکامل عقل انسان ها ، قوی شـدن اراده آنان می باشد ؛ زیرا همان گونه که در حدیث جنود عقل نقل شده ، اراده از سپاه و ارتش عقل است که با تکامل آن ، اراده نیز قدرت پیدا کرده و نیرومند می شود . بدیهی است که با فعّال شدن اراده و به کار افتادن قدرتِ آن ، یک تحوّل اساسی و حیاتی در انسان ایجاد می شود .

اگر قدرت اراده کامل شود انسان می تواند کارهای خارق العاده و شـگفت انگیز انجام دهد ؛ زیرا در صورتی که قدرت اراده به حدّ نهـایی برسـد ایجـادگر ، انتقـال دهنـده ، آگاهی بخش و... می شود ، یعنی انسان می توانـد حالت یا خصوصـیّتی را در فردی یا در چیزی ایجاد کنـد و یا بیشتر نمایـد یا برطرف کند ، یا چیزی را از جایی بیاورد و یا به جای دیگر منتقل نماید ، یا با اعمال اراده از چیزی که اطّلاع ندارد ، آگاه شود و...

همان گونه که گفتیم اراده یکی از شـعبه های قدرت عقل است و با تکامل عقل قدرت های عقلی نیز به تکامل رسیده و فعّال می شوند . بنابراین در عصر درخشان ظهور بر اثر تکامل عقل انسان ها ، اراده آنان نیز قدرت گرفته و پرتوان می شود .

پس در عصر رهایی که عقل انسان ها از قید و بند شیطان و نفس رها می گردد ، جنود و لشکریان عقل نیز از ضعف و ناتوانی رها گشته و قدرت های نهفته آن ها ظاهر شده و فعّال می شوند .

در دوران تیره و تار غیبت بسیاری از انسانها به آرزوها و خواسته های خود دست نیافته و جهان را ترک گفته اند ؛ گویی

که برای آنـان خواسـتن ، توانسـتن نبوده است . امّـا در عصـر نور و روشـنایيِ ظهور ، برای مردم آن روزگـارِ فرخنـده خواسـتن توانسـتن است؛ به گونه ای که اگر بخواهنـد از شـی ء مجهولی آگاه شونـد پرده ها بر کنار رفته و با اراده ای که می نماینـد از آنچه که می خواهند آگاه می گردند .

این هـا حقایقی است که خانـدان وحی علیهم السـلام به ما آموخته انـد و ما با جان و دل پـذیرای گفتار شـیرین آن بزرگواران هستیم ، تا إن شاء اللَّه در عصـر درخشان ظهور این واقعیّت ها را با تمام وجود لمس کنیم . بنابراین در عصرِ تکامل ، اوّل اراده انجام می گیرد و در پی آن آگاهی تحقّق می پذیرد .

برای این که این گفتار مسـتند به فرموده های خانـدان وحی علیهم السـلام باشـد به این روایت که از حضـرت امام حسـین علیه السلام نقل شده است توجّه کنید :

إنّ اللَّه لیهب لشـیعتنا کرامه لا ـیخفی علیهم شـی ء فی الأ ـرض ومـا کـان فیهـا حتّی أنّ الرجـل منهم یریـد أن یعلم علم أهل بیته فیخبرهم بعلم ما یعملون .(۱۳۹)

قطعاً خداوند بر شیعیان ما(۱۴۰) کرامتی می بخشـد که بر آنان چیزی در زمین و آنچه در آن است مخفی نمی ماند تا آنجا که مردی از آنـان می خواهـد از حـال اهـل خانه خود آگاه شود ، پس (آگاه شـده و) به آنان خبر می دهـد که از آنچه انجام می دهند باخبر است .

اگر آن زمـان پرشـکوه را ان شـاء اللَّه درک کنیـم ، همه این حقیقت هـا را خـواهیم دیـد و در این دوران تیره از آنجـا که این مطالب را از خاندان وحی علیهم السلام فرا گرفته ایم ، بدون هیچ گونه شکّ و تردید پذیرا

هستیم و چون می دانیم برای آن بزرگواران ، گذشته و حال و آینده فرقی نداشته و آگاه از همه جریانات می باشند ، همچون کسی که این جریانات را با چشم خود دیده باشد ، از خاندان وحی علیهم السلام می پذیریم و این عهد و پیمانی است که از عالم ذرّ با آنان بسته ایم و وظیفه داریم به آن همچنان پای بند بوده و باشیم .

از همه این ها گذشته ، باید بدانیم در دوران تاریک غیبت ، افرادی استثنایی بوده اند که اراده آنان برای آگاه شدن از چیزی ، آگاهی را به دنبال داشته است . این گونه افراد کسانی بوده اند که در عصر غیبت و تاریکی به روشنایی و نور رسیده اند .

ما در این بحث نمونه های جالبی از جریانات مرحوم سیّد بحرالعلوم را نقل کردیم تا اگر پذیرش این گونه جریاناتِ عصر ظهور ، برای برخی از افراد سنگین است ، فکر و ذهن آنان برای پذیرش این حقایق آماده و مهیّا گردد .

(۶)

تکامل معنوی

تکامل معنوی

جذب شدن به علوم طبیعی و غوطه ور شدن در مسایل مادّی ، انسان را از درک امور معنوی ، امدادهای غیبی و توجّه به حقایق ارزنده عالم غیب باز می دارد . به این جهت کسانی که جذب امور طبیعی شده و در دام امور مادّی گرفتار گشته اند ، از فکر و اندیشه درباره امور معنوی غفلت می ورزند .

بسیاری از افراد نیز بر اثر همنشینی با افرادی که پایبند جهان مادّی گشته اند ، از آنان رنگ گرفته و تحت تأثیر افکار و عقاید اشتباه آنان قرار گرفته اند و بر اثر دور بودن از حقایق عالم هستی ، از امورِ معنوی و امدادهای غیبیِ

شگفت انگیز خاندان وحی علیهم السلام آگاهی ندارند .

برای روشن شدن این حقایق و پیدا نمودن ایمان و اعتقاد به امور معنوی و امدادهای جهان ناشناخته غیب ، باید از شیفته بودن به عالم مادّه دست برداشت ؛ زیرا کسی که عینک مادیّت را بر دیدگان خود نهاده ، چگونه می تواند جهان شگفت انگیز فراتر از مادّه را بنگرد ؟ آیا کسی که با عینک رنگی به اطراف خود می نگرد ، می تواند آن ها را با رنگ واقعی خود ببیند ؟

آیا کسی که مادیّت را همچون دیواری بر دور خود کشیده است ، می تواند جهانِ خارج از حصارِ خود را مشاهده کند ؟ آیا کسی که در مکانی سربسته خود را زندانی نموده ، می تواند نظاره گر شادمانی ها و شادابی های خارج از آن محیط باشد ؟

مردمی که در عصر غیبت زاده شده و در آن به سر برده و با تیرگی ها و تاریکی های آن ساخته اند ، همچون کسانی می باشند که در مکانی زندانی شده و هیچ راهی برای فرار از زندان پیدا نکرده اند ؛ بلکه حال مردم عصر غیبت که با ظلمت آن ساخته اند ، از افرادی که در زندان هستند بسیار بدتر است .

زیرا زندانیان می دانند که در زندان هستند و همواره در آرزوی نجات از آن به سر می برند و در فکر یافتن راه رهایی از بند اسارت می باشند . امّا متأسّفانه مردمان عصر غیبت ، چون در زمان غیبت زاده شده و بزرگ شده اند ، از ماوراء زمان غیبت آگاهی ندارند . چون نه آنان خود طعم عصر ظهور را چشیده اند و نه کسی آنان را از آن دوران پرشکوه و پر حلاوت آگاه ساخته است .

به

این جهت به سختی ها و تاریکی های زندان غیبت ساخته و در اندیشه نجات و رهایی از شکنجه های دوران وحشت زای غیبت نبوده و نیستند .

بدیهی است ما و همه زندانیان زندان غیبت با غفلتِ خویش از روزگار درخشان عصر ظهور ، زمان اسارت خود را در زندان غیبت تمدید می کنیم .

پس زندان غیبتی که در آن گرفتاریم همان غفلت ما است که از آن دست برنداشته ایم .

گرفتار شدنِ جامعه در بند اسارت غیبت و غفلت به خاطر فراموش کردن عموم افراد جامعه از بُعد معنوی خود می باشد .

بُعد مادّی و معنوی انسان

همان گونه که می دانید انسان از دو بُعد روحی و جسمی ترکیب شده است و به این جهت نباید فقط به بُعد مادّی و جنبه های دنیوی و جسمانی خویش توجّه داشته باشد ؛ بلکه باید به بُعد معنوی خود نیز کاملًا توجّه داشته باشد و گرنه توجّه به یک بُعد و فراموش کردن بُعد دیگر ، غفلت و فراموشی از بُعد مهمّ وجود خود که همان بُعد معنوی است ، می باشد .

عموم انسان ها در عصر غیبت از بُعد معنوی خویش آن گونه که باید بهره نبرده اند ، ولی در عصر ظهور که روزگار تکامل شخصیّت انسان ها است ، جامعه بشریّت در هر دو بُعد مادّی و معنوی به تکامل می رسد و در فضایی سرشار از نور دانش و بینش به انجام برنامه های حیاتبخش می پردازد .

در آن روزگار قوّه نظری و عملی انسان ها از پلیدی ها پاک شده به گونه ای که در افکار و رفتار خویش پیرو مکتب خاندان وحی علیهم السلام می باشند و بر این اساس وجود خویش را فروزان از نور دانش و بینش می سازند .

و به همین

جهت ، احساسات و ادراکات انسان در آن روزگار پرشکوه ، پاک از پلیدی ها شده و مکاشفات شیطانی آنان را به دام اشتباهات نمی اندازد .

بنابراین ؛ خوشا به حال آنان که آن زمان را درک می کنند و همان گونه که در عصر ظهور فرمانبردار آن بزرگوار می باشند در عصر غیبت نیز از آن حضرت پیروی می نمایند .

این حقیقتی است که در کلمات اهل بیت علیهم السلام به آن تصریح شده است .

روایاتی که بیانگر این حقیقت و روشنگر چگونگی عصر نورانی ظهور است ، دارای نکته های مهمّی می باشد که انسان را با وظیفه خود در زمان غیبت آشنا می سازد و برنامه عملی آنان را در دوران تیره قبل از ظهور بیان می نماید و هم بیانگر حالت شادمانی و سرور پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام می باشد .

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل می نمایند :

طوبی لمن أدرک قائم أهل بیتی وهو مقتد به قبل قیامه ، یتولّی ولیّه ویتبرّأ من عدوّه ، ویتولّی الأئمّه الهادیه من قبله ، اُؤلئک رفقائی وذوو ودّی ومودّتی ، وأکرم اُمّتی علیّ .(۱۴۱)

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک نماید در حالی که قبل از قیام او از او پیروی نموده ، دوست او را دوست می دارد و از دشمنش بیزاری می جوید . و ولایت امامانِ هدایت گر قبل از او را دارا می باشد . آن ها رفقای من و صاحب محبّت و مودّت من می باشند و برای من گرامی ترین امّت من هستند .

بنابراین ، میزان درک و فهم و مقدار شناخت انسان باید تا حدّی باشد که بتواند دوستان آن حضرت را

از کسانی که ادّعای دوستی می کنند و نان را به نرخ روز می خورند تشخیص دهد ، و قاطعان طریق را به عنوان دوستان امام زمان ارواحنا فداه و نوکران آن حضرت جایگزین ننماید .

روایتی را که نقل کردیم گرچه درباره عصر درخشان ظهور است ، ولی تکالیف بسیار مهمّی از وظیفه ها و برنامه های عملی عصر غیبت را نیز بیان نموده که متأسّفانه نه آن ها را از تکالیف عصر غیبت شمرده اند و نه به آن ها درست توجّه می شود .

وظیفه مردم

کسی در زمان ظهور سرفراز است که در عصر تیره غیبت به آن وظایف عمل نموده باشد . ما چند وظیفه از آن ها را در اینجا بیان می کنیم:

۱ – وظیفه مردم در عصر غیبت این است که از دستورات و خواسته های حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه آگاه باشند و آن ها را انجام دهند . دوستی با امام زمان ارواحنا فداه و منتظر ظهور آن حضرت بودن و درک ظهور آن حضرت در صورتی تکمیل می شود و بارور می گردد که انسان در عصر غیبت ، تابع و فرمانبردار امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه باشد .

۲ – وظیفه ما در عصر غیبت این است که دوستان و شیفتگان حضرت امام عصر ارواحنا فداه را دوست داشته باشیم .

۳ – دوست داشتن آنان مبتنی بر شناخت آنان است ؛ زیرا تا انسان نداند که دوستان آن حضرت چگونه کسانی هستند ، نمی تواند آن ها را دوست داشته باشد .

۴ – ما باید از دشمنان امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه متنفّر بوده و تبرّی بجوییم .

۵ – تبرّی و تنفّر از دشمنان امام زمان ارواحنا فداه متوقّف بر شناخت

آنان است ، پس باید بدانند آن ها چگونه کسانی هستند تا از آنان بیزار باشد .

علاوه بر وظایفی که شمردیم فرد منتظر وظیفه دارد در صورت درک ظهور آن بزرگوار کاملاً فرمانبردار آن حضرت بوده و فرموده های آن بزرگوار را اطاعت کند .

حضرت امام صادق علیه السلام این حقیقت را به ابا بصیر این گونه بیان فرموده اند :

یا أبا بصیر ؛ طوبی لمحبّی قائمنا ، المنتظرین لظهوره فی غیبته والمطیعین له فی ظهوره ، اولیائه اولیاء اللّه لا خوف علیهم ولا هم یحزنون .(۱۴۲)

ای ابابصیر ؛ خوشا به حال دوستداران قائم ما که در زمان غیبت او منتظر ظهورش می باشند و در زمان ظهور او فرمانبردار او هستند . اولیاء او اولیاء خدا هستند ؛ نه حزنی بر آنان هست و نه آنان محزون می گردند .

بنابراین روایت ، اولیای خداوند و اولیای امام زمان ارواحنا فداه کسانی هستند که علاوه بر دوستی و انتظار آن حضرت ، در صورت درک ظهور مطیع و فرمانبردار آن حضرت باشند . و از گروهی نباشند که در ابتدای ظهور از لشکر آن حضرت جدا می شوند و به صف دشمن می پیوندند .

این گونه افراد ، در واقع در انتظار ظهور آن حضرت نبوده اند ، بلکه در انتظار رسیدن خودشان به مقامات و... بوده اند و وقتی که می بینند اهداف شان نقش برآب شده و از دارا بودن مقام خبری نیست از امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه کناره گیری می کنند .

دعوت عمومی برای گام برداشتن به سوی تکامل

از برنامه های مهمّی که حضرت ولیّ عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف برای عموم مردم انجام می دهند ، دعوت همگانی آنان به سوی آیین اسلام است . این دعوت یک فراخوانی

عمومی است ؛ به گونه ای که مردمان سراسر جهان را – پیرو هر دین و مکتبی که باشند – به سوی اسلام فراخوانده و از همگان می خواهند از راه باطل دست برداشته و به سوی دین خدا که اسلامِ راستین و تشیّع است ، بشتابند .

از آنجا که این فراخوانی و دعوت ، همراه با جریاناتی است که برای همه مردم جهان تازگی دارد و معجزاتی را دربردارد که تمام ابرقدرت های جهان را شکست می دهد ، در قلب مردمان جای می گیرد و مردم گروه گروه به سوی آیین اسلام روی می آورند .

خداوند بزرگ در این باره در قرآن کریم می فرماید:

«إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ × وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فى دينِ اللَّهِ أَفْواجاً» .(۱۴۳)

آن زمان که یاری خدا و پیروزی فرا رسد و ببینی که مردمان گروه گروه وارد دین خدا می شوند .

بنابراین در آن زمان ، مردمان به صورت گروهی – نه تک تک – به اسلام ایمان می آورند و دسته دسته و گروه گروه به سوی دین اسلام می شتابند .

روی آوردن مردمانِ جهان به اسلام و گرایش عمومی به دین خدا ، پس از دعوت حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه از مردم برای پذیرش اسلام است و آن بر اثر جریانات شگفت انگیزی است که آنان از ابتدای ظهور از آن حضرت و از یاوران آن بزرگوار می بینند . به این جهت حقّانیّت آنان برای مردم واضح می شود و به این جهت گروه گروه به سوی دین خدا روی می آورند .

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

إذا قام القائم عليه السلام دعا النّاس إلى الإسلام جديداً ، وهداهم إلى أمر قد دثر وضلّ عنه الجمهور ، وإنّما

سمّی القائم مهدیّاً ، لأنّه یهدی إلی أمر مضلول عنه ، وسمّی القائم لقیامه بالحقّ .(۱۴۴)

هر گاه قائم ما قیام کنـد ، مردم را دوباره به اسـلام دعوت می نماید و آنان را به سوی امری که کهنه شده و عمده مردم از آن گمراه شده اند ، هدایت و راهنمایی می نماید .

و همانا قائم به نام »مهـدی« نامگذاری شده ؛ زیرا او به سوی امرِ گمشده هدایت می شود و به نام »قائم« نامیده شده ؛ زیرا او به حق قیام می کند .

از این روایت اسـتفاده می شود که حضـرت ولیّ عصـر عجّـل اللّه تعـالی فرجه پس از قیـام ، مردم را با یک دعوت و فراخوانی جدید به سوی اسلام می خوانند و همچنین آنان را به امری که کهنه شده و از آن گمراه شده اند ، هدایت می کنند .

در این روایت سـخنی از کشـتار و خونریزی در میان نیست ، بلکه پس از قیام ، فراخوانی به اسـلام و هدایت و راهنمایی شروع می شود .

بـدیهی است دعوت انسـان ها به اسـلام و راهنمایی آنان به راه حقّ نیاز به برهان و دلیل دارد و این همان برنامه ای است که - طبق روایات - حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه آن را انجام می دهند .

نتیجه و پیامـد این گونه دعوت که همراه بـا برهان و دلیل ، اعجاز و جمع بودن همه عوامل ارشاد مردم است ، ایمان و هـدایت گروهی و دسته جمعی آنان به سوی اسلام می باشد .

در آن هنگام است که قرآن مجید طراوت و شادابی خود را باز می یابد و آیین اسلام پس از فرسودگی ، طراوت و حیات تازه پیدا می کند .

در زیارت امام حسن عسکری

علیه السلام وارد شده است :

السّلام علیک یا أبا الإمام المنتظر ، الظاهره للعاقل حجّته ، والثّابته فی الیقین معرفته ، والمحتجب عن أعین الظّالمین ، والمغیّب عن دوله الفاسقین ، والمعید ربّنا به الإسلام جدیداً بعد الإنطماس ، والقرآن غضّاً بعد الإندراس .(۱۴۵)

سلام بر شما ای پدر امام منتظر که برای شخص خردمند حجّت و برهان او ظاهر است و معرفت به او در گنجینه یقین ثابت است ، آن امامی که از دیدگان ظالمین در حجاب است ، و از دولت فاسقین پنهان و غایب است و خداوند به وسیله او اسلام را پس از تغییر ، دوباره حیات تازه می دهد و قرآن را پس از اندراس طراوت می بخشد.

کلمه «انطماس» در لغت به معنای «نابود شدن» نیز آمده است . مقصود امام حسن عسکری علیه السلام در این روایت هر یک از دو معنی باشد ، دلیل بر دگرگونی در چهره اسلام در زمان غیبت می باشد که با قیام امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه ، اسلام دوباره ارزش و اصالت خود را بازمی یابد . در هر نقطه ای از کشورهایی که به نام اسلام شهرت یافته ، احکام دین عمل نشود ، اگرچه به ظاهر نام اسلام وجود داشته باشد تا وقتی که دستورات آن پیاده نشود ، گویا اسلام در آن مناطق محو و نابود شده است .

امر عظیم

آنچه را که حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی فرجه برای جهانیان ظاهر می سازند ، گاهی در روایات به عنوان امر عظیم و گاهی به عنوان امر جدید مطرح شده است .

ابی سعید خراسانی می گوید : به امام صادق علیه السلام عرض کردم

:

المهديّ والقائم واحد ؟ فقال : نعم . فقلت : لأيّ شـی ء سـمّی المهدی ؟ قال : لأنّه یهدی إلی کلّ أمر خفی ، وسـمّی القائم لأنّه یقوم بعد ما یموت ، إنّه یقوم بأمر عظیم .(۱۴۶)

مهدی و قائم یک نفر می باشد ؟ فرمود : آری .

گفتم : برای چه ایشان »مهدی« نامیده شده است ؟

فرمود : برای این که به هر چیزی که مخفی باشد ، هدایت می شود . و »قائم« نامیده شده ؛ زیرا که او بعد آن که)نامش(مرده باشد قیام می کند. قطعاً او به امری عظیم قیام می نماید .

همان گونه که دیدید ، در این روایت تصریح شده است که حضرت قائم ارواحنا فداه برای امر عظیم و بزرگی قیام می نمایند .

عظمت و بزرگی کاری که آن حضرت برای برپایی آن قیام می کننـد ، آنچنان بزرگ است که آن بزرگوار را به خاطر قیامی که برای آن نموده اند ، «قائم» می نامند .

آیا این امر عظیم که قیام امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف برای آن است ، همان برنامه هایی است که به وسیله رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و ائمّه اطهار علیهم السلام برای مردمان عنوان شده ، و سپس به خاطر غصب مقام خلافت ، و ظهور بدعت و مرور زمان به دست فراموشی سپرده شده است ؟ یا علاوه بر آن ، امور بزرگ دیگری را که خانـدان وحی علیهم السلام برای مردم بیان نفرمودند ، توسّط حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه بیان شده و برای عموم مردم آشکار می شود ؟!

قبل از پاسخ به این پرسش به روایتی که از امام صادق علیه السلام

نقل شده است ، توجّه کنید . آن حضرت فرمودند :

إذا قام القائم علیه السلام جاء بأمر جدید کما دعی رسول اللّه صلی الله علیه وآله وسلم فی بدو الإسلام إلی أمر جدید .(۱۴۷)

هرگاه قائم علیه السلام قیام نماید ، امر تازه و جدیدی را می آورد ؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در صدر اسلام مردم را به سوی امر جدید فرا خواند .

امام صادق علیه السلام در این روایت آنچه را که حضرت ولیّ عصر عجّل اللّه تعالی فرجه می آورند ، تشبیه نموده اند به آنچه را که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در ابتدای ظهور اسلام آوردند .

این روایت اگر صریح نباشد در این که امر تازه و بیان نشده ای را حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه می آورند ، حداقلّ در این باره ظهور دارد .

ممکن است بعضی به تشبیهی که امام صادق علیه السلام در این روایت نموده اند توجّه نکنند و صراحت روایت و یا حتّی ظهور آن را نیز نپذیرند و بگویند چون بسیاری از دستورات اسلام به مردمان جهان نرسیده است ، پس از بیان آن ها ، برای آنان تازگی دارد و به این جهت از آن ها به عنوان »امر جدید« یاد شده است .

در پاسخ آن ها می گوییم : اگر ما مماشات نموده و از صراحت و یا ظهور این روایت دست برداریم ، نکته دیگری را عنوان می کنیم و آن این است که آیا رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نفرمودند :

إنّا معاشر الأنبیاء نکلّم النّاس علی قدر عقولهم .(۱۴۸)

ما گروه پیامبران ، با مردم به قدر عقل های آنان سخن می گوییم .

با توجّه به

این روایت و همچنین بـا توجّه به تکامـل عقـل انسان ها در عصـر درخشان ظهور ، متوجّه می شویم که حضـرت بقیّه اللّه عجّل اللّه تعالی فرجه به خاطر رشـد عقلی مردم ، مطالب تازه ای را برای آنان بیان می کنند که سایر خاندان وحی علیهم السـلام آن ها را شاید فقط برای خواصّ اصحاب خود بیان می نمودند .

بنابراین مشـکلی وجود نـدارد که آن حضـرت با امر جدید ، دسـتورات تازه و نکته های نو و مهمّی را برای مردم بیان کنند که جامعه مردم از آن هیچ گونه آگاهی نداشته اند .

البتّه باید توجّه داشـته باشیم که هر امر جدید و دستور تازه در راستای آیین حیاتبخش اسلام می باشد ، نه این که دین جدیدی توسّط حضرت ولیّ عصر عجّل اللّه تعالی فرجه بر مردم ارائه شود .

امر عظیم چیست ؟

اکنون این سـئوال مطرح می شود که آیـا امر جدیـد که در این روایت به آن تصـریح شـده همان امر عظیم است که در روایت قبلی ذکر شـده بود ؛ اگر مقصود از هر دو (امر جدیـد و امر عظیم) یک چیز است ، آیا آن امر جدیـد و امر عظیم که حضـرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه به آن قیام می فرمایند چیست ؟

بدیهی است که فقط آگاهانِ از اسرار از پاسخ این سئوال آگاهی دارند و در روایات اهل بیت علیهم السلام در این باره چیزی جز اشارات یا نکته های سربسته پیدا نمی کنیم .

معنی و تفسیر آن هـا را کسـی جز خواصّ ی که با بطون کلمات اهل بیت علیهم السـلام آشـنایی دارنـد و از کنایات و اشارات سخنان آنان نکته های بزرگ و عظیم می آموزند ، نمی داند .

آنان کسانی هستند که از رموزاتِ کلمات

خاندان وحی علیهم السلام نکته های ناگفته می یابند .

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند :

حدیث تدریه خیر من ألف ترویه ، ولایکون الرجل منکم فقیهاً حتّی یعرف معاریض کلامنا ، وإنّ الکلمه من کلامنا لتنصرف علی سبعین وجهاً لنا من جمیعها المخرج .(۱۴۹)

یک روایت را که معنای آن را بفهمید بهتر از هزار روایت است که آن را نقل کنید . هیچ مردی از شما فقیه نیست تا کنایه های گفتار ما را بشناسد .

به راستی که هر یک کلمه از کلام ما به هفتاد معنی برمی گردد که برای ما از تمامی آن ها راه خروج)و تکمیل معنی(وجود دارد .

در مکتب اهل بیت علیهم السلام این گونه افراد را یعنی کسانی که قدرت درک و فهم معانی گوناگون کلمات آن بزرگواران را دارند ، فقیه می گویند . پس کسی فقیه است که معاریض گفتار آنان را بفهمد .

به خاطر سنگینی امر عظیم ممکن است عنان قلم به بحث های دیگر کشیده شود ، به این جهت عنان قلم را در بنانِ ضعیف محکم کرده و به بیان مطالب قبل باز می گردیم .

از آنجا که توضیح و بیان آن امر عظیم از عهده نویسنده این سطور خارج است ، قبل از آنکه پاسخ اجمالی آن را بیان کنیم به ذکر این نکته روح افزا می پردازیم :

خوشا به حال انسان هایی که ندای ملکوتی حضرت بقیّه اللّه الأعظم از کنار خانه خدا را لبّیک گفته و به پیروی و اطاعت از دستورات آن امام مهربان قیام می نمایند .

خوشا به حال آن کسانی که عصر درخشان ظهور را درک می کنند و از هر دین خرابی دست برداشته و در تحت لوای

حضرت مهدی عجّل اللّه تعالی له الفرج شاهد حکومتِ عدل الهی آن بزرگوار خواهند بود .

مردم آن عصر و زمان در سایه حکومت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ، با ساختار وجودی برتر ، حیات قلب و تکامل عقل بر فراز آسمان عالی معارفِ بلند صعود می نمایند و با رسیدن به رمز و راز خلقت از امر عظیم آگاه می شوند .

مردم آن زمان درک خواهند کرد که هر کدام معدنی گرانبها همچون معدن های طلا ، نقره ، الماس... (۱۵۰) بوده اند ، ولی در عصر غیبت کسی آنان را از عظمت وجودشان آگاه نساخته است !

مردم آن دوران خواهند فهمید خداوند بزرگی که با خلقت انسان خود را احسن الخالقین نامیده است چه قدرت ها و توانایی های بزرگی را در وجود آن ها نفهته است . ولی در زمان تاریک غیبت در تاریکی به سر برده و از انوار تابناکی که از سوی خاندان وحی علیهم السلام بر قلب آنان که حرم اللّه است تابیده ، بی خبر مانده اند !

مردم آن زمان که دستان شفابخش حضرت مهدی ارواحنا فداه عقل و خرد آن ها را کامل کرده و به قلب آنان حیات معنوی می بخشد ، نظاره گر عالم ملکوت خواهند بود .

اکنون برای اینکه پرسشی که درباره امر عظیم عنوان کردیم بی پاسخ نماند ، می گوییم : امر عظیم نکته مهمّی در باب ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشد و در عصر ظهور آن امر عظیم آشکار می شود .

شناخت رمز ولایت و راز بزرگ اهل بیت علیهم السلام در دوران تیره غیبت برای مردمان امکان ندارد ؛ زیرا در عصر تاریک غیبت ، میزان درک و فهم و حدّ عقل و درایت

انسان ها محدود است و توانایی درک و شناخت مسایل عظیم ولایت را ندارد ، به این جهت معرفتِ کامل مسایل عظیم ولایی و درک امور مهمّ مربوط به خاندان وحی امکان ندارد ، تا روزگاری که حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه ظهور نموده و با دستان شفابخش خود عقل انسان ها را تکمیل نموده و مغز بشر قدرت پذیرش مسایل بزرگ معنوی را پیدا نماید .

در آن زمان که عقل ها تکامل یافته و خردها از آشفتگی نجات یابد ، حضرت ولیّ عصر عجّل اللّه تعالی له الفرج نکته های بلند معارف را برای مردم بیان می فرمایند و قرآن درستی آن را گواهی می دهد .

این گفتار از جناب محمّد بن عمرو بن الحسن روایت شده است :

... إنّ أمر آل محمّد (علیهم السلام) امر جسیم مقنّع لایستطاع ذکره ، ولو قد قام قائمنا لتکلّم به وصدّقه القرآن .(۱۵۱)

... امر اهل بیت علیهم السلام امری است عظیم و در پرده نهان شده ! امکان ذکر آن وجود ندارد و هر گاه قائم ما قیام نماید آن را بیان می کند و قرآن آن حضرت را تصدیق می نماید .

با این بیان روشن است که امر ولایت - که مسأله ای است بسیار باعظمت - امکان ندارد در روزگار تیره غیبت ، رازهای آن برای عموم مردم بیان شود ، مگر آن زمان که ستمگران که باعث ایجاد تیرگی ها و تاریکی ها هستند و مانع تکامل همگانند از میان برداشته شوند و با ظهور و عنایت امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه عقل و درک انسان ها تکمیل شود . در آن هنگام خداوند بزرگ اجازه خواهد داد که امام زمان ارواحنا فداه حقّ

را ظاهر نمایند .

بدیهی است آن زمان که حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی له الفرج لب به سخن بگشایند ، حقّ و حقیقت آشکار شده و شکّ و تردیدی برای مردم باقی نخواهد ماند .

آن بزرگوار در یکی از نامه های خود این گونه فرموده اند :

إذا أذن اللّه لنا فی القول ظهر الحقّ ، واضمحلّ الباطل ، وانحسر عنکم .(۱۵۲)

آن زمان که خداوند اذنِ گفتن به ما دهد ، حق ظاهر می شود و باطل نابود گردیده و آشکار می گردد .

معارف الهی

خانـدان وحی علیهم السلام در روایاتی که از تیرگی ها و تاریکی های دوران غیبت سخن به میان آورده و عصر درخشان ظهور را در آن ها ترسیم نموده اند، مردمان عصر ظهورِ نور را افرادی رستگار و سعادتمند معرّفی کرده و آنان را انسان هایی رهایی یافته از هلاکت ، توصیف نموده اند و فرموده اند : خوشا به حال کسی که آن زمان را ببیند .

امام صادق علیه السلام درباره حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه می فرمایند :

هو المفرّج للکرب عن شیعته بعد ضنک شدید وبلاء طویل وجور ، فطوبی لمن أدرک ذلک الزمان .(۱۵۳)

او گشایش دهنده هر سختی از شیعه خود می باشد (و این) بعد از سختی شدید و بلای طولانی و ستم است . پس خوشا به حال کسی که آن زمان را درک نماید .

آری ؛ خوشا به حال کسی که آن زمان را ببیند .

روزگار تکامل جهانی که هدف از آفرینش جهان فرا رسیدن آن عصر نورانی می باشد ، عصری است که مردم خداوند را به شایستگی عبادت می کنند . آنان بر اثر شکست نفس ، نابودی شیطان و تکامل عقل خداوند را بندگی می نمایند و به

مقام نورانی خاندان وحی علیهم السلام معرفت پیدا می کنند .

خداوند می فرماید :

«وَما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلّا لِيَعْبُدُونِ»(۱۵۴) .

من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای این که عبادت کنند .

در روایات عبادت و بندگی را به معرفت و آشنایی تفسیر فرموده اند .

بنابراین با فرا رسیدن آن روزگارِ سرشار از علم و معرفت ، پس از گذشت قرنهای طولانی ، هدف خلقت و راز آفرینش تازه عملی می شود .

در آن عصرِ بی نظیر ، همه انسانهای جهان در راه تکامل قرار گرفته و بر اثر لمس دستان شفابخش منجی عالم بشریّت ، همه بندگان الهی به تکامل عقلی رسیده و از وسوسه های نفسانی و افکار شیطانی رهایی یافته و در نتیجه به مقام معرفت نایل می شوند .

مردم عصر ظهور از زبان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم

در آن زمان مردم خداوند را به یکتایی بندگی کرده و از مقام نورانیّت اهل بیت علیهم السلام آگاه شده و معرفت پیدا می کنند و به این جهت از سیرتی پاک و سیمایی نورافشان برخوردار خواهند بود .

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم مردم عصر ظهور را همچون مشک عطرآگین و همچون ماه نورانی معرّفی می کنند .

در یک روایت طولانی حضرت امام جواد علیه السلام از پدران شان علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم جریان خروج منتقم آل محمّد صلوات اللّٰه علیهم اجمعین را نقل کرده اند . در آن روایت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به اُبیّ بن کعب می فرمایند :

... یخرج وجبرئیل عن یمنته ومیکائیل عن یسرته ، وسوف تذکرون ما أقول لکم ولو بعد حین وأُفوّض أمری إلی اللّٰه عزّ وجلّ .

یا اُبیّ ؛ طوبی لمن لقیه ، وطوبی لمن أحبّه ،

وطوبی لمن قـال به ، ینجّیهم من الهلکه . وبالإقرار بـاللّه وبرسوله وبجمیع الأئمّه ، یفتـح اللّه لهم الجنّه ، مثلهم فی الأرض کمثل المسک الّذی یسطع ریحه فلایتغیّر أبداً ، ومثلهم فی السّماء کمثل القمر المنیر الّذی لایطفأ نوره أبداً .(۱۵۵)

(حضـرت مهـدی عجّل اللّه تعـالی فرجه) خـارج می شود در حـالی که جبرئیل در طرف راست او و میکائیل در طرف چپ او است و آنچه را که برای شـما بیـان می کنم به یاد خواهیـد آورد اگرچه پس از گـذشت زمانی باشـد و امر خود را به خـداوند عزیز و جلیل واگذار می نمایم .

ای اُبیّ ؛ خوشا به حال کسـی که با او ملاقات کند و خوشا به حال کسی که او را دوست داشته باشد و خوشا به حال کسی که به او معتقد باشد ، او آنان را از هلاکت نجات می بخشد .

و به خـاطر اقرار به خداونـد و به رسول او و به همه امامـان ، خداونـد بهشت را به روی آنـان می گشایـد . مثَل آنـان در زمین همچون مشـک است که بویش پخش می شود و تغییر نمی کنـد و مثَل آنان در آسـمان همچون ماهِ نورافشان است که نورش هرگز خاموش نمی گردد .

چهره های همچون ماه نورانیِ مردمان عصر ظهور ، جلوه ای ملکوتی به آنان بخشـیده و انوار تابناک معارف الهی که در سینه دارند ، سیمای آنان را درخشان می سازد . آنان نظاره گران عالم ملکوت هستند و نظاره بر آن عالم چقدر زیباست !

امام جواد علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت به جناب الیاسِ پیغمبر (۱۵۶) فرمودند :

فوددت أنّ عینیک تکون مع مهدیّ هذه الاُمّه ،

والملائکه بسیوف آل داود بین السماء والأرض ، تعذّب أرواح الکفره من الأموات ، وتلحق بهم أرواح أشباههم من الأحیاء ، ثمّ أخرج سیفاً ، ثمّ قال : ها ! إنّ هذا منها .(۱۵۷)

بسیار دوست دارم که چشمان تو نظاره گر مهدی این امّت باشد ، که ملائکه با شمشیرهای آل داود در میان آسمان و زمین ارواح کافرانی را که از دنیا رفته اند عذاب می دهند و کفّار زنده را به آنان محلق می کنند .

آن گاه امام صادق علیه السلام شمشیری را بیرون آوردند و فرمودند : ها ! این یکی از آن ها است !

چقدر زیباست نظاره بر ملائکه ای که با شمشیرهای خون آشام کافران را راهی دوزخ می سازند .

حکومت در جهان مرئی و نامرئی

مسأله علم امام علیه السلام یکی از ارکان اعتقادی ما در باب معارف خاندان وحی علیهم السلام است ، و از نظر ما بر اساس دلالت بسیاری از روایات ، علم ائمّه اطهار علیهم السلام ، از مطالب مهمّ و جالب مباحث اعتقادی می باشد .

در زیارت امام عصر ارواحنا فداه می خوانیم :

قد آتاکم اللّه یا آل یاسین خلافته ، وعِلْم مجاری أمره فیما قضاه ودبّره ورتّبه وأراده فی ملکوته .(۱۵۸)

ای آل یاسین ؛ خداوند مقام جانشینی خود را به شما داده است ، و به مجاری امر خود در ملکوت خود نسبت به آنچه حکم می کند و تدبیر و تنظیم می نماید و اراده می کند ، به شما علم و آگاهی داده است .

پس از بیان این مقدّمه باید توجّه داشته باشیم که عصر درخشان ظهور ، عصر حکومت و پیاده شدن علم و آگاهی است . در آن روزگار بسیار باعظمت، حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی

فرجه الشریف بر اساس علم و دانش خویش عدالت را در سراسر عالم اجراء نموده و جهان مرئی و نامرئی را حیات تازه می بخشند .

با استفاده از بعضی از روایاتی که درباره شگفتی های عصر ظهور وارد شده است ، حضرت امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف نه تنها به تکمیل و پاکسازی عالم مرئی می پردازند بلکه جهان نامرئی را نیز از وجود موجودات پلید پاک می سازند .

با این بیان روشن می شود که قیام آن بزرگوار تنها جنبه ظاهری ندارد ، بلکه علاوه بر عالم ظاهر و مرئی به تکمیل عالم نامرئی نیز می پردازند و موجودات عالم غیر مرئی نیز در پرتو حکومت الهی آن بزرگوار قرار می گیرند .

پس قیام آن حضرت ، یک قیام همه جانبه ، فراگیر و کامل است که همه ابعاد جهان را فرا می گیرد و عالم مرئی و عالم نامرئی را به تکامل می رساند .

بنابراین نمی توان گفت : قیام آن حضرت ، فقط انقلاب از نظر مادّه و ظاهر می باشد و فقط شامل جهانِ آشکار و مرئی می شود ، بلکه باید بدانیم موجودات نامرئی – مانند اجنّه و شیاطین – نیز در پرتو حکومت آن حضرت قرار خواهند گرفت و آن ها نیز پاکسازی شده و یا به تکامل می رسند .

عالم ملک و عالم ملکوت

با نیروهای باطنی و حواسّ درونی باید به عالم غیب و عالم ملکوت راه یافت . عصر ظهور ، عصر تکامل عالم ملک و همچنین راه یابی به عالم عظیمِ ملکوت است .

با این که در عصر غیبت نیز انسان می تواند کلیدهای ورود به عالم غیب را در اختیار بگیرد و قدرت های درونی او می تواند آدمی را به سوی عالم ملکوت

برساند ، ولی افرادی اندک در عصر غیبت به عالم عظیم ملکوت راه می یابند ، در حالی که آشنایی با عالم ملکوت در عصر ظهور یک مسأله عمومی می باشد و به صورت یک جریان عادّی برای مردمان آن روزگار پرشکوه درمی آید .

کسانی که به صورت مادرزادی بعضی از حواسّ ظاهری را فاقد هستند – مثلاً از اوّل توّلد قدرت دیدن یا شنیدن نداشته اند – نمی توانند دیدنی ها و شنیدنی ها را آن گونه که هست درک کنند و اگر منکر آن ها شوند ، دلیل بر نقص و عجز خود آنان است نه آن که گواه بر نبودن دیدنیها و شنیدنیها باشد .

به همین گونه کسانی که منکر عالم ملکوت می باشند این خود دلیل بر نقص و عجز آنان در درک عالم پهناور ملکوت می باشد ، نه دلیل بر عدم وجود آن . و همان گونه که اگر اعجاز رخ داده و بر اثر معجزه ای فرد نابینا قدرت دیدن پیدا کند ، کم کم دیدنی ها برای او به صورت عادّی جلوه گر می شوند و با جهانِ دیدنی ها و عالم مُلک آشنا شده و به صورت عادّی و طبیعی برخورد می کند . در روزگار پرشکوه ظهور نیز بر اثر به کار افتادن حواسّ باطنی و قدرت های درونی نه تنها مردم عصر ظهور با عالم عظیم ملکوت آشنا شده و آن را می بینند ، بلکه این حالت برای آنان عادّی شده و به آن اُنس می گیرند . دیدن ملائکه ، همنشینی با آنان و سیر با ملائکه از اموری است که در روایات اهل بیت علیهم السلام به آن تصریح شده است .

مردمان آن روزگار فرخنده درخواهند یافت که چگونه به عالم

ملـك و به جهـان مادیّات دل بسـته بودنـد؟! و چگونه از عالم عظیم ملکوت غافل بوده انـد؟! و سالهایی از عمر خود را سپری نمودنـد و بـا وجود حضـرت مهـدی ارواحنا فـداه در این عالم - گرچه زمان غیبت بوده - چرا نتوانسـتند قـدرت های درونی و حواسّ باطنی خود را شکوفا سازند ؟!

حسـرت و تأسّف آنان آن گاه افزایش می یابد که به درگذشت بسیاری از عزیزان و نزدیکان خود توجّه می کنند و درک می کننـد که بسـیاری از آنان را در دوران تیره غیبت از دست داده انـد و بدون این که آنان چیزی از جلوه های بزرگ عالم عظیم ملکوت را ببیننـد ، قـدم در خاک نهاده اند و همچون افراد نابینایی که نابینا به دنیا آمده و نابینا دنیا را ترک کرده اند ، عزیزان آنان نیز ، راه به عالم ملکوت نیافته و جهان را وداع کرده و در زیر خاک نهان گشته اند .

به این جهت آرزو می کنند که ای کاش آنان نیز زنده بودند و در روزگار فرخنده ظهور - که عصـر تکامل قدرت های عظیم انسانی است - به تکامل دست یافته و از تماشای عالم بزرگ ملکوت بهره مند می شدند و در کنار هم به سر می بردند .

این حقیقتی است که بارها ائمّه اطهار علیهم السـلام آن را بیان نموده انـد تا همگان از این حقیقت آگاهی یابنـد . ولی افسوس که عالم مادّه آنچنان ما را به عالم ملک پیونـد زده و با آن مأنوس ساخته است که از حقایق بزرگ عالم هستی غافل مانده ایم .

راه یابی به عالم ملکوت یا از ویژگی های عصر ظهور

همان گونه که گفتیم در عصر ظهور همه مردمان جهان ، پاک اندیش و دارای شرافت و صلاحیّت می باشند . در آن

دوران شکوهمند همه مردان و زنان جهان صالح و صالحه هستند ؛ زیرا زمانی که حکومت از آنِ صالحان باشد ، همگان را به سوی صلاح رهنمون می شوند و آنان را به اعمال صالح عامل می گردانند . خداوند بزرگ در قرآن کریم در این باره فرموده است :

«إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ» .(۱۵۹)

همانا زمین را بندگانِ صالح من به ارث می برند .

یکی از ویژگی های مهمّ دولت کریمه امام زمان عجّل اللّٰه تعالی له الفرج شایستگی، صلاحیّت و صالح بودن جامعه بشریّت در آن روزگار فرخنده است ؛ زیرا پس از نابودی عوامل فساد و تباهی و ایجاد وسیله های هدایت و سداد ، راهی برای فساد باقی نمی ماند و مردمان جهان به خاطر تحوّل اساسی که در وجود آنان ایجاد می شود ، از گمراهی و تباهی دور شده و به سوی رشد و تعالی روی می آورند . دور شدن آنان از فساد و روی آوردن آنان به صلاحیّت و سداد ، سبب می شود که جامعه جهانی آن روزگار را همه افراد صالح تشکیل دهند و همگان به سوی اعمال پسندیده و دارای صلاحیّت رو آورند .

در این صورت درهای عالم ملکوت به سوی جامعه بشری گشوده می شود و انسان ها نظاره گر جهان نامرئی ملکوت شده و به آن راه می یابند ؛ زیرا این ، لازمه عمل صالح و شایسته است .

بدیهی است عمل صالح در ساختار وجود انسان تحوّل و دگرگونی ایجاد می کند و درهای بسته را به سوی او می گشاید .

در صحیفه نجات حضرت ادریس آمده است :

وبالعمل الصالح ینال ملکوت السّماء .(۱۶۰)

به وسیله عمل صالح ، انسان به ملکوت آسمان راه می یابد .

آنچه تاکنون دنیا به

آن راه یـافته است ، نقطه ای بسـیار کوچـک از آسـمان و فضـا می باشـد . تازه آن هم به جنبه مادّی آن راه یافته است نه جنبه ملکوتی آن . ولی در عصر ظهور چون عمل صالح همگانی می شود و کارهای زشت ریشه کن می شود ، انسان ها به ملکوت آسمان و فضا راه می یابند .

پس در آن زمان فرخنده جامعه جهانی ، جامعه ای راه یافته و ملکوتی است که از ویژگی های بسـیار عظیمِ مناسب با آن عصرِ پیشرفته ، برخوردار است .

امیـدواریم خداوند بزرگ هرچه زودتر آن روزگارِ رهایی را برساند ، و جامعه بشـریّت را در دولت کریمه امام زمان عجّل اللَّه تعالی فرجه به نهایی ترین درجه کمال و تمدّن برساند .

در دولت الهی حضـرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنـا فـداه شـگفتی های جهان آفرینش برای انسان ها ظاهر می شود و همگان می تواننـد چیزهایی را که ندیـده انـد ببیننـد ؛ زیرا در آن زمان دیـدگان همه پاک است و به همین جهت می توانند شـگفتی های جهان را ببینند .

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

غضّوا أبصارکم ، ترون العجایب .(۱۶۱)

چشمان خود را (از حرام و دلبستگی های دنیا) ببندید ، عجایب جهان را می بینید !

زیرا شگفتی های عالم وجود ، بیشتر در عالم غیب و نهان قرار دارد ، گرچه جهان مرئیِ ما نیز عجایب فراوانی را دربردارد ولی در مقایسه با واقعیّت های جهانِ ناپیدا ، اندک است .

برای دیـدن شـگفتی های عالم آفرینش و مسایل عجیب جهانِ پیدا و ناپیدا باید دیدگان را نه تنها از حرام بلکه از آنچه وسـیله دلبستگی انسان می شود ، فرو بست .

اگر کسی بتواند دیده خود را از هر چه سبب دلبستگی می شود فرو بندد و

به مظاهر فریبنده دنیا چشم نـدوزد ، دلش از آلودگی ها پاک می شود و می توانـد نظاره گر عجایب خلقت و شـگفتی های جهان آفرینش شود .

در این باره رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چنین فرموده اند :

لولا أنّ الشیاطین یحومون علی قلوب بنی آدم ، لنظروا إلی الملکوت.(۱۶۲)

اگر شیطان ها اطراف دل های بشر را فرا نمی گرفتند ، آنان به عالم ملکوت نظاره می کردند .

بنابراین در روزگاری که ابلیس و شیاطین نابود شـده و از وسوسه های گمراه کننده آنان اثری نیست ، قلب انسانها را نورانیّت و صفا فرا گرفته و می توانند به عالم نورانی ملکوت نظاره کنند و با دیدن آن بر صفا و نورانیّت خود بیفزایند .

نکته مهمّ یا احساس حضور !

اکنون به این نکته مهمّ توجّه کنیـد : در عصـر ظهور در عـالم ملـک و ملکوت چه وجودی از حضـرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فـداه ملکوتی تر است ؟ پس در آن زمـان در هر کجای گیتی که باشـند می تواننـد نظاره گر حضـرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه و خود را در حضور آن بزرگوار ببینند . برای روشن شدن احساس حضور به روایت بسـیار جالب ابوبصـیر درباره احساس حضور رجوع کنید .(۱۶۳)

باید توجّه داشته باشیم در دوران غیبت دو عامل مهمّ مانع احساس حضور و نظاره گر شدن و راه یابی انسان ها به عالم ملکوت می باشـند . آن دو یکی شـیطان و دیگری نفس امّاره است ؛ که در عصـر درخشان ظهور شیطان نابود شده و نفس امّاره انسان ها تحوّل می یابد و به مراحل عالی می رسد .

به همین جهت در عصر ظهور ، مانعی برای راه یابی به عالم ملکوت در برابر جامعه صالح آن دوران وجود ندارد . ولی در این دوران ، شیطان با

نیرنگ های خود نفس امّاره انسان را می فریبد و با کمک نفس ، مانع جذب شدن او به سوی عالم ملکوت می شود و پر و بال او را بسته و در عالم ملک زمین گیر می سازد .

بر این اساس، جامعه دوران غیبت نه تنها نمی تواند نظاره گر عالم شگفت انگیز ملکوت باشد ، بلکه گاهی افرادی به انکار آن می پردازند ! به این جهت جامعه ما وظیفه دارد تفاوت های دو عصر را بجوید تا شاید راه نجات را بیابد .

سخنی با غیرتمندان

درباره تفاوت های موجود بین دوران تاریک غیبت و عصر درخشان ظهور ، نکته های اساسی فراوانی وجود دارد که ویژگی های عصر ظهور ، آن زمان را از دوران غیبت در نهایت برتری قرار می دهد اگر چه متأسّفانه جامعه ما از آن ویژگی ها و برتری ها کمتر آگاهی دارد و به همین جهت از آشنایی با باب بسیار بزرگی از معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام محروم است .

هر شیعه غیرتمند باید اموری را که سبب توقّف و زمین گیر شدن او شده است ، بشناسد و نیز از عوامل رشد و تعالی خود آگاه باشد .

هر شیعه غیرتمند باید بداند چرا پر و بالش بسته شده ؟ چگونه می تواند آن ها را بگشاید ؟ و چه عواملی پر و بال او را بسته است ؟

طرح این سئوال ها از این جهت است که جامعه ما اگر پاسخ این سئوال ها را بداند با دانستن و به کار بستن آن ها زمینه ساز دولت کریمه امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود .

ای جوانان غیرتمند شیعه ! ای پسران و دختران پاک طینتِ پیرو مکتب وحی ! و ای تمامی مردان و زنانی که صدها و هزاران بار به خاطر

غصب خلافت و خانه نشینی امیر عالم هستی اشک ماتم ریخته اید و از سکوت مسلمانان آن زمان حسرت خورده اید ! آیا سزاوار است همچون آنان آرام گرفته و همانند آنان بی تفاوت باشید ؟ مگر غصب مقام اهل بیت علیهم السلام چند قرن باید تداوم یابد ؟ آیا دوازده قرن غیبت و غربت حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه کافی نیست ؟!

چرا قرن ها از مظلومیّت اهل بیت علیهم السلام می گذرد و شیعیان همچنان از این امر مهمّ در غفلت هستند ؟ چه چیزی باعث بی تفاوتی آنان شده است ؟ و چرا ...

در پاسخ به این پرسش ها می گوییم : شکسته باد دستان ناشناخته ای که قرن ها جهان را با نقشه های شوم خویش از اصل دین غافل نموده تا در نتیجه مردم باب شهر علم و ولایت را به دست فراموشی سپارند . و بریده باد دستان مرموزی که از آستین آمریکا ، انگلیس و... درآمد و با تبلیس ابلیس به تدلیس امّت پرداخت و آنان را در طول قرون و اعصار از اصل و رئیسِ مکتب غافل و دور ساخت . گرچه امّت هم علاوه بر قصور تقصیر نیز دارد .

اکنون با امید به شرکت در شکستن و بریدن دستان مرموز ناشناخته ، به اصل مطلب بازمی گردیم و به بیان یکی از ویژگی های حکومت عدالت گستر حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه می پردازیم :

عصر ظهور ، عصر اطمینان و آرامش

ویژگی ها، برتری ها ، امتیازهای عصر درخشان ظهور نسبت به عصر غیبت بسیار است ، به گونه ای که ما در این کتاب تنها درباره چند نمونه از آن ها مطالبی را عنوان نموده ایم . یکی از آن ویژگی ها که در ارتباط با بحث ما می باشد این است که آن دوران

شکوهمند عصر آرامش است .

عصر نجات و آسایش از شک و دلهره است ، عصر رهایی از افسردگی و فرسودگی دل از افکار سیاه و ویرانگر است ؛ زیرا در آن روزگار با نابودی شیطان ، تحوّل نفس و تکامل عقل انسان ها ، خدا و امام زمان ارواحنا فداه را در خاطره ها یاد می کنند و این خود باعث آرامش آن ها می شود . زیرا یاد خداوند آسایش دهنده و آرام بخش است .

خداوند در قرآن کریم می فرماید :

«أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنّ الْقُلُوب» .(۱۶۴)

آگاه باش با یاد خداوند دل ها آرامش می یابند .

یاد خداوند هم برای انسان یقین آور است و هم بر یقین او می افزاید . و بر اثر یقین در انسان حالت آرامش و آسودگی خاطر ایجاد می شود یعنی قلب آرام می گیرد و برای شک و تردید و دلهره جایی باقی نمی ماند . به این گونه انسان بر نفس خود مسلّط می شود و می تواند او را کنترل نموده و مهار نماید و از خطر وسوسه شیطان نیز در امان می ماند .

زیرا وسوسه شیطان در صورتی تأثیر می کند که بتواند انسان را به کاری تحریک کند و کسی که در آرامش است وسوسه در او اثر نمی گذارد مگر آن که آرامش خود را از دست بدهد .

بنابراین انسانی که قلبش آرامش یافته تا وقتی که این حالت را حفظ کند بر نفس و شیطان غالب و پیروز است و می تواند حضور را احساس کند ، همان گونه که حالت حضور می تواند به انسان آرامش بخشیده و او را از گناه بازدارد .

اکنون به این روایت توجّه کنید : از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سئوال شد : برای فرو بستن چشم

از چه راهی می توان کمک گرفت ؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ فرمودند :

بالخمود تحت السلطان المطّلع علی سرّک .(۱۶۵)

با آرام گرفتن در حضور سلطانی که از سرّ تو آگاه است .

اگر انسان بداند که خداوند و جانشینان او از ظاهر و باطن او آگاهند و در هر لحظه در حضور آنان است و از این حقیقت غفلت نورزد ، ناخودآگاه دیدگانش از آنچه مایه دلبستگی و نگاه او می شود بسته می شود .

به این جهت برخی از اولیاء خدا ، برای دل بریدن از اغیار و راه یافتن به مقام قرب معنوی ، حالت حضور را مراعات می کردند و خود را در محضر امام عصر ارواحنا فداه می دیدند .

هر چه حالت حضور افزوده شود و انسان خود را بیشتر در محضر خدا و امام زمان ارواحنا فداه ببیند ، آسان تر و بهتر می تواند از آنچه مورد رضایت آنان نیست ، دست بردارد ؛ بلکه حالت حضور ، کم کم حالات ارزنده را بدون تحمیل و تحمّل و ناخودآگاه برای آنان ایجاد می کند .

زیرا حالت حضور یک عامل بسیار مؤثّر و قوی برای کشیده شدن انسان به سوی خوبی ها و اعمال شایسته و صالح می باشد .

عصر ظهور ، عصر حضور

با دقّت در روایتی که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردیم ، متوجّه می شویم : آرام گرفتن در حضور شخص مقتدری که آگاه از باطن و سرّ انسان است ، سبب می شود که بتواند دیدگان خود را از حرام ببندد ؛ آن هم در عصر غیبت که عصر هجوم شیاطین و تحریکات نفسانی است . در چنین دورانی ، انسان می تواند مالک دیدگان خود باشد و آن ها را کنترل کند .

بنابراین در

عصر رهایی که انسان از شرّ شیطان رجیم و نفس امّاره نجات یافته است به راحتی می توانـد در آرامش کامل قرار گیرد . و همان گونه که گفتیم با پاک شدن دل و آرامش قلب انسان می توانـد نظاره گر عالم ملکوت باشد و به این گونه ، حالت حضور را احساس نماید .

از آنجا که درباره حالت حضور و قدرت های معنوی انسان در عصر ظهور سخن و معنای حضور همچون معنای ظهور به خوبی واضح نشده است ، سزاوار درباره این جریان بسیار حیاتی و ارزنده بیشتر سخن بگوییم .

به این جهت قبل از آن که روایتی را در این باره نقل کنیم می گوییم :

در زمان ظهور ، توانایی های انسان در اوج خود قرار می گیرد ؛ بطوری که دارای شخصیّتی تازه و جدید می شود و از امکانات و قدرت های فوق العاده برخوردار می گردد .

انسان در عصر پیشرفته ظهور نه تنها در مسائل مهمّ روحی و قدرت های عقلی ، پیشرفت های شگفت انگیز می کند ، بلکه از نظر قدرت های جسمی نیز چنان تکامل می یابد که صفحات جدیدی از تاریخ در صحنه جهان گشوده می شود ؛ زیرا تاریخ ، اجتماعی را به یاد ندارد که همچون اجتماع پیشرفته و تکامل یافته عصر ظهور به صحنه گیتی پا گذارده باشد.

انسان عصر ظهور ، به رهبری و امامت حضرت بقیّةاللّه ارواحنا فداه همه قدرت هایی را که در وجود خویش دارد ظاهر می سازد و جهان را سرشار از طراوت ، تازگی و قدرت های نهفته خویش می سازد . همان گونه که در آن روزگار ، زمین همه گنج های خود را آشکار می سازد و آنچه در اعماق زمین وجود دارد هویدا می شود ؛ در آن زمان

همه قدرت ها و توانایی هایی که در اعماق وجود انسان ها نهفته است ، آشکار می شود و بهره برداری و استفاده از قدرت های خارق العاده ای که در وجود انسان قرار دارد ، به راحتی انجام می گیرد .

انسان ها اگرچه از نظر مادّی دارای جسمی کوچک هستند ولی جهانی از اسرار و قدرت های ناشناخته را در خود پنهان نموده اند که در روزگار پرشکوه ظهور آن ها را آشکار می کنند و به این وسیله ، صحنه گیتی چهره ای دیگر به خود می گیرد .

در عصر درخشان ظهور ، تحوّلات و دگرگونی های گوناگونی صحنه گیتی را فرا می گیرد که ما اکنون با راهیابی از کلمات خاندان وحی علیهم السلام گوشه هایی از آن را می توانیم درک کنیم .

(۷)

تکامل علم و فرهنگ

عصر ظهور یا عصر تکامل علم و فرهنگ

دنیا در آرزوی پیشرفت های سریع و دست یافتن به رازهای بزرگ علم و دانش می باشد و در انتظار روزگاری بسر می برد که تحوّلی عظیم ، چهره جهان را فروغی دیگر بخشد و صحنه گیتی را به بهشت برین همانند نماید .

این آرزو در صورتی تحقّق می پذیرد که ندای حیاتبخش مصلح جهان در سراسر گیتی طنین افکن شود و یکایک مردم جهان در یک لحظه هر یک به زبان خود آوای جانبخش حضرت مهدی ارواحنا فداه را بشنوند .

در آن زمان ، تحوّل بزرگ جهان آغاز می شود و حضرت ولیّ عصر عجّل اللّه تعالی فرجه قیام می کنند و به همراه انسان هایی پاک با استفاده از نیروهای خارق العاده و شگفت انگیز و با همیاری قدرت های نامرئی و غیبی نبرد سرنوشت ساز جهان را آغاز می کنند و در مدّتی کوتاه سراسر گیتی را از وجود ستمگران عالم پاک می سازند . و به این گونه ، تکامل نهایی بشر آغاز می شود .

در حکومت الهی خاندان وحی

علیهم السلام آنچنان علم و دانش در سراسر جهان گسترده می شود و جامعه انسانی به تعالی و تکامل راه می یابد که برتر و بالاتر از اندیشه ما است .

تکامل نهایی نیروهای عقل در روزگار پرشکوه ظهور ، تمدّن عظیمی را به وجود می آورد که اکنون از قدرت درک ما خارج است .

چگونه ما می توانیم عظمت حکومت جاودانه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را در ذهن خود ترسیم کنیم ؟

پیشرفت های کامپیوتری و امکان ارتباطات جهانی به وسیله کامپیوتر می تواند این حقیقت را به ذهن ها نزدیک کند و باورِ انسان های پویا را بر این اعتقاد دینی تحکیم نماید ؛ زیرا شگفتی هایی که کامپیوتر به ما عرضه می کند و تسهیلاتی که در برنامه های علمی جهان ارائه می دهد ، تا سال هایی نه چندان دور ، برتر از باور ما بود .

این گونه پیشرفت ها ، این حقیقت را ثابت می کند که انسان می تواند بر اساس تعالی و تکامل به رازهای ناشناخته و عظیمی راه یابد که اکنون فوق تصوّر و اندیشه اوست .

به این دلیل ما در آرزو و انتظار روزگاری هستیم که بر اساس راهنمایی های امام عصر ارواحنا فداه ، انسان ها بتوانند از همه قدرت ها و امکانات ذهن خویش استفاده کنند ، و در بهشت برینِ ظهور - همچون بهشت آخرت - اراده خود را پربار نمایند و تنها نیکی ها و نیکویی ها را بخواهند و فقط آن ها را بجویند .

پیشرفت علم و دانش در آینده از نظر خاندان وحی علیهم السلام

اکنون روایتی را که در مدارک متعدّد نقل شده و گواه بر گسترش علم و دانش در سراسر جهان و در میان همه مردمان و در همه رشته های گوناگون است ، نقل می کنیم : امام صادق علیه السلام فرمودند:

العلم

سبعه وعشرون حرفاً ، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان ، فلم يعرف النّاس حتّی الیوم غیر الحرفین ، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسه والعشرین حرفاً فبثّها فی النّاس ، وضمّ إلیها الحرفین ، حتّی یبثّها سبعه وعشرین حرفاً .(۱۶۶)

علم بیست و هفت حرف است ، پس همه آنچه را که هر یک از پیامبران آوردند دو حرف است و تا امروز مردم غیر از آن دو حرف را نمی شناسند و آن گاه که قائم ما قیام نماید ، بیست و پنج حرف دیگر را خارج ساخته و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را به آن ها می افزاید تا تمام بیست و هفت حرفِ علم را در میان مردم منتشر نماید .

نکته های مهمّ روایت

در این روایت ، نکته های شایان توجّهی وجود دارد که از آینده ای بسیار درخشان و جهانی سرشار از علم و دانش ، حکایت می کند . اکنون توجّه شما را به بعضی از نکته ها جلب می نماییم :

۱ – در کلام امام صادق علیه السلام که می فرماید : »فبثّها فی النّاس« ، دلیل بر یک مطلب بسیار مهمّ است و آن فراگیر شدن ، عمومی بودن و منتشر شدن علم در میان همه افراد جامعه است)به دلیل الف و لام در کلمه النّاس(. بنابراین در آن زمان همه مردم به ارتقاء علمی و فرهنگی راه می یابند و علم و دانش مخصوص عدّه ای خاصّ و اندک از مردم جامعه نیست . پس در آن عصر درخشان همه مردمان جهان از نعمت علم و دانش بهره مند خواهند بود .

۲ – قبل از قیام حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه علم و دانش

در میان همه مردم جامعه وجود ندارد بلکه اختصاص به گروهی اندک دارد و آنان نیز به همه علوم راه نمی یابند بلکه به برخی از علوم راه می یابند .

۳ – علم و دانش در عصر تکامل نه همچون علم و دانش در این زمان است ؛ زیرا علم و دانش در آن زمان ، بسیار گسترده و توسعه یافته است . در آن زمان افراد جامعه از انواع علم و دانش برخوردار خواهند بود .

کلمه »العلم« به دلیل »الف و لام« آن یعنی جنس علم و مجموعه آنچه که دانش شمرده می شود ، مجموعه همه آن ها در گذشته و حال تا قبل از قیام و پس از ظهور ، بیست و هفت حرف است .

از عصر پیامبران تا پایان عصر غیبت هر چه دانشِ بشر پیشرفت کند ، به دو حرف از آن راه می یابد و در عصر ظهور بیست و پنج حرف دیگر علوم به آن ضمیمه می شود(۱۶۷) و یک فرهنگ عظیم و تکامل یافته و بسیار درخشان در میان همه افراد جامعه به وجود می آید .

آنچه در زمان پیامبران مرسل و تا زمان امام صادق علیه السلام و تا قبل از قیام امام عصر ارواحنا فداه بوده و خواهد بود دو حرف از علم است .

با توجّه به همه پیشرفتی که علم از زمان پیامبران مرسل و تا زمان امام صادق علیه السلام نمود و با توجّه به همه علومی که امام صادق علیه السلام در صنعت و شیمی و غیر آن ، آن را برای جابر و دیگران از اصحاب خاصّ خود بیان کردند و آنچه پس از آن حضرت تا قیام امام

زمان ارواحنا فداه پیشرفت نموده ، امام صادق علیه السلام همه را دو حرف می دانند . این نکته وقتی جلوه خواهد کرد که از علومی که امام صادق علیه السلام ظاهر نموده اند و هنوز مورد تعجّب دانشمندان است ، اطّلاع داشته باشیم .

۴ - در آن روزگار، مردم درک خواهند نمود که علم یعنی چه؟ و دانشمندان چه کسانی هستند ؟ زیرا علم و دانش در آن زمان از آبشخور وحی سرچشمه می گیرد و با عنایت حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه به مردم ارائه می شود .

در آن زمان علم و دانشِ واقعی و صحیح در میان مردم منتشر می شود ، نه علوم بی پایه ای که بر اساس فرضیّه و تئوری به خورد دانش آموزان داده می شود .

۵ - در آن زمان از علم دروغین خبری نیست و از فریبکاری دانشمندان، ملّت ها به گمراهی کشیده نمی شوند . در آن زمان علم و دانش وسیله راهنمایی مردم است و کسی همچون »ارشمیدس« نمی تواند هزار و ششصد سال مردم را گمراه کند .

در آن زمان از کتاب های کلاسیکِ وقت گیر که استعمارگران برای کشورهای ضعیف برنامه ریزی کرده اند ، و از علم های دیکته شده و دانش های دستور داده شده خبری نیست ، از نمره های دلاری و از مدارک سفارشی اثری وجود ندارد .

در آن زمان همه مردمان جهان دانشمندند و همه دانشمندان واقعاً دارای علم و دانش و فرهنگِ پیشرفته هستند نه آن که با مدارک غیر واقعی در زمره دانشمندان به حساب آیند .

۶ - مجموعه همه علوم تکامل یافته و در میان مردم منتشر می شود . یعنی هر رشته از رشته های علم در مرحله بالا و نهایی خود در میان جامعه

رواج می یابد و مردم از آن بهره می برند .

همان گونه که در عصر درخشان ظهور ، جامعه از نظر اقتصادی ، کشاورزی ، امنیّتی و... پیشرفته است و مردم از نعمت وجود آن ها کاملاً برخوردار می باشند ، از نظر علم و دانش نیز کاملاً بهره مند شده و احساس کمبودِ علمی برای آنان وجود ندارد .

تحلیل روایت

نکته ای که در روایت وجود دارد این است که علم و دانش از زمان پیامبران تا عصر معصومین علیهم السلام و تا قبل از فرارسیدن روزگار ظهور یکسان بوده و در تمام این زمان ها ، علم از دو جزء فراتر نرفته و نخواهد رفت .

زیرا بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام : ۱ - همه علومی که پیامبران آوردند دو حرف است، ۲ - تا زمان امام صادق علیه السلام مردم غیر از آن دو حرف را نمی شناسند، ۳ - زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید ، بیست و پنج حرف دیگر را خارج ساخته و با دو حرف دیگر در میان مردم منتشر می سازد .

از آنجا که علم و دانش در زمان امام صادق علیه السلام و تا قبل از ظهور حضرت ، بسیار گسترده تر از زمان انبیاء بوده است ، باید از ظاهر روایت دست برداشته و بگوییم مقصود امام علیه السلام چیز دیگری بوده است که راوی آن را واضح بیان نکرده است ؛ زیرا بدیهی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و ائمّه اطهار علیهم السلام علوم و معارف فراوانی را بیان نموده اند که قبل از ایشان هیچ یک از پیامبران به بیان آن ها نپرداخته اند .

آیا آنچه را که رسول

خدا صلی الله علیه وآله وسلم و اوصیاء آن حضرت آوردند ، همان علوم و معارفی بوده است که پیامبران گذشته آورده اند و خاندان وحی علیهم السلام در آن ها تحوّل ایجاد نکرده و چیزی بر آن علوم نیفزوده اند ؟! اگر این چنین است پس مزیّت و برتری اسلام بر ادیان دیگر به چیست ؟

بدیهی است کسی نمی تواند معتقد باشد که علم و دانش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم همان دانش پیامبرانِ قبل از ایشان است .

بنابراین باید بگوییم نکته ای در مقصود امام علیه السلام از این روایت وجود دارد که برای به دست آوردن آن ، نیاز به تدبّر و فکر می باشد .

زیرا از ظاهر روایت یک نوع رکود استفاده می شود ؛ یعنی زمان پیامبران مرسل تا زمان ائمّه اطهار علیهم السلام و از آن زمان تا عصر قبل از قیام امام عصر ارواحنا فداه یک همسانی و همگونی وجود داشته و وجود خواهد داشت و با قیام آن حضرت این رکود شکسته می شود .

حال اگر مقصود از همسان بودنِ عصر پیامبران مرسل و عصر ائمّه اطهار علیهم السلام تا زمان قبل از قیام امام عصر ارواحنا فداه ، همسان بودن و یکنواخت بودن از نظر علم باشد ، یقیناً این یک اشتباه واضح است ؛ زیرا بسیاری از علوم را امام صادق علیه السلام - که این روایت از آن حضرت است - و همچنین سایر ائمّه اطهار علیهم السلام بیان فرموده اند و از زبان پیامبران مرسل نقل نشده است .

بنابراین نمی توانیم بگوییم : مقصود از یکنواخت بودن ، یکنواخت بودن از نظر مقدارِ علم است - با توجّه به افزایش پیوسته

علم - ولی می توانیم بگوییم : راه عمومی فراگیری علم - یعنی استفاده از حسّ باصره و سامعه - همان گونه یکنواخت باقی مانده است .

نقطه مشترک از عصر پیامبران تاکنون

با دقّت ، توجّه و بررسی در علوم و معارفی که از ابتدای خلقت به وسیله انبیاء الهی آورده شد و چگونگی تعلیم آن ها و همچنین علوم و معارف خاندان وحی علیهم السلام تاکنون با همه پیشرفتی که تا حال در آن ها شده ، همه آن ها در یک نقطه مشترک هستند که هیچ گونه افزایش و تغییری در آن ها به وجود نیامده است .

زیرا همه علوم و معارفی که انبیاء الهی به مردم تعلیم داده اند و همچنین هر چه را که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و خاندان وحی علیهم السلام و بعد از آن ها دانشمندان به عموم مردم تعلیم داده و آموخته اند ، دارای یکی از دو حالت بوده است . و آن این است که عموم مردمی که از مکتب آنان بهره می برند ، نحوه بهره گیری آنان یا سمعی بوده است و یا بصری ؛ یعنی همه کسانی که از پیامبران الهی گرفته تاکنون علمی آموخته اند ، علوم آنان را یا از روی کتاب ونوشته ای خوانده اند و یا از آنان و یا دیگران شنیده اند .

توجّه داشته باشید راه های دیگری برای فراگیری علم وجود داشته و دارد که عموم مردم توانایی استفاده از آن را ندارند و گاهی افرادی از آن طریق استفاده نموده و می نمایند .

پس راه کسب علم و دانش با همه افزایشی که از زمان انبیاء الهی تاکنون در آن ها ایجاد شده ، با استفاده از چشم و یا گوش بوده است .

بنابراین ، مقصود از

دو جزء ممکن است این باشد که راه فراگیر شدن علم تاکنون از دو طریق بوده و تا قبل از قیام آن حضرت نیز چنین خواهد بود که آموختن دانش از راه خواندن و گوش دادن است . یعنی فراگیری علوم از راه سمعی و بصری .

همه مردم علم و دانش خود را عموماً از این دو راه به دست آورده و می آورند ولی با تکامل عقلها راه های دیگری برای تحصیل علم به وجود خواهد آمد که غیر از دو طریق مذکور است . مانند فراگیری علم از راه القاء در قلب توسّط ملائکه ، که نه سمعی است و نه بصری و در بعضی از روایات به آن تصریح شده است .

اگر این توجیه را بپذیریم از پیشرفت و توسعه بسیار عجیب علم و دانش در آن زمان ، آگاه خواهیم شد ؛ زیرا طبق معنایی که برای روایت عنوان کردیم راه های عمومی فراگیری علوم تقریباً سیزده برابر خواهد شد ، نه اینکه مجموعه علوم سیزده برابر شود .

اگر پیشرفتی که علم تاکنون نموده در عصر ظهور سیزده برابر شود با توجّه به تکامل عقلی انسانها ، پیشرفت اندکی خواهد بود .

در روایت دلیل ها و حداقل قرینه هایی وجود دارد که از آن ها معلوم می شود مقصود امام صادق علیه السلام از بیست و هفت حرف علم ، بیست و هفت قسمتِ علم نیست بلکه معنای دیگری را مورد توجّه قرار داده اند ؛ زیرا می فرمایند : علم از زمان پیامبران مرسل تا زمان خود حضرت و قیام حضرت دو حرف است ؛ اگر مقصود آن حضرت از دو حرف بودن ، دو جزء بودن علم باشد

بایـد هیـچ گونه پیشـرفتی برای علوم از زمان پیامبران مرسل تا قبل از قیام امام زمان ارواحنا فـداه نشـده باشد و از همان زمان تا عصـر قیام حضرت ، مردم از دو جزء علم بهره مند باشند و پیشرفت علم توقّف نموده و راکد بماند . و بدیهی است که از زمان پیامبران مرسل تاکنون و تا عصـر ظهور ، علم صـدها برابر پیشـرفت نموده و دانش انسانها در مسایل دین و غیر آن صـدها برابر شده است ، نه آن که به حال خود در همان دو جزء باقی مانده باشد . بنابراین مقصود ، راه فراگیری علوم است .

آنچه بـدیهی است از زمـان پیـامبران مرسـل تـا عصـر ظهور ، آنچه که راه فراگیری علم برای عموم انسان ها - نه اولیاء الهی - بوده و هست غیر از راه سـمع و بصـری چیز دیگری نبوده است . از خوانـدن کتاب و نوشـته ، یا اسـتفاده از درس ، سـخنرانی و همچنین بهره گیری از ضـبط ، رادیـو ، کـامپیوتر و همه وسایـل دیگری که ممکن است وسـیله پیشـرفت علم باشـد از دو طریقِ سمعی و بصری خارج نیستند .

اگر امـام صـادق علیه السـلام در آن زمان می فرمودنـد راه های فراگیری علوم بیست و هفت جزء می باشـد ، آیا چنـد نفر می توانستند آن را بپذیرند و حتّی آیا در این زمان چند نفر می توانند کاملاً پذیرای این مطلب باشند؟!

نکته جالب دیگری که سزاوار است دقّت شود ، این است که در این روایت در بیشتر مدارکی که آن را نقل کرده اند تعبیر به حرفاً و حرفین شده است . و حرف و حروف خود وسیله آموختن علم و

دانش می باشند و ممکن است که مقصود امام علیه السلام از تعبیر نمودن به حرف و... وسیله آموختن علم باشد نه اینکه مقصود از حروف و حرفین معنایی باشد که ابتداءً به ذهن ما می رسد .

همان گونه که دو لفظ کلمه و کلمات ، گاهی در آیات و روایات به معنایی به کار برده شده که غیر از آنچیزی است که ابتداءً به ذهن ما وارد می شود و آن عبارت از حروف و الفاظی است که با زبان به آن تکلّم می شود . پس اگر درباره رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت آن حضرت و همچنین حضرت عیسی تعبیر به «کلمه اللَّه» شده است، مقصود از کلمه ، حروف و الفاظ نیست .

اگر ما به وسیله کلمه و کلمات اراده خود را ظاهر می کنیم و کلمه و کلام مظهر اراده ما می باشند ، «کلمه اللَّه» نیز آن چیزی است که اراده خداوند به واسطه او در خارج ظاهر و واقع می شود . به این جهت درباره اهل بیت علیهم السلام تعبیر به کلمات اللَّه« شده است .(۱۶۸)

حروف نیز اگرچه معنای اوّلی آن ها چیزی است که الفاظ را تشکیل می دهند ولی در واقع وسیله آموختن علم و آگاهی به دیگران می باشند .

حضرت امام هادی علیه السلام درباره این آیه شریفه : «وَلَوْ أَنَّما فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَهٍ أَقْلامٌ وَالْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَهُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکیمٌ» (۱۶۹) فرمودند :

نحن الکلمات الّتی لاتدرک فضائلنا ولاتستقصی .(۱۷۰)

ما کلمات خداوند هستیم که فضیلت های ما درک نمی شود و پایان ندارد .

بنابراین توضیح ، بیست و هفت حرفِ علم ، یعنی

بیست و هفت وسیله آموختن علم و بدست آوردن دانش . اگر انسان تا قبل از ظهور از دو وسیله و دو طریق – چشم و گوش – علم و دانش را به دست آورده و می آورد ، در عصر ظهور بیست و هفت طریق و راه فراگیری علم به روی او گشوده می شود .

راه های دیگری برای فراگیری علم و دانش

۱ – حسّ بویایی یا شامّه

حسّ بویایی یا شامّه یکی دیگری از حواسّی است که در صورت تکامل آن انسان می تواند به وسیله آن آگاهی های فراوانی را از افراد به دست آورد .

برخی از افراد غیر از حسّ سامعه و باصره ، می توانند از طریق حسّ شامّه بسیاری از مطالب را درک نموده و بر آگاهی خود بیفزایند .

اگر توجّه کرده باشید در روایات وارد شده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند :

تعطّروا بالإستغفار لاتفضحكم روائح الذنوب .(۱۷۱)

با استغفار ، خود را خوشبو سازید تا بوی گناهان شما را رسوا نسازد.

برخی از افراد از بوی نفَس افراد می تواننـد اعمـالی را که او انجـام داده است آگاه شونـد . به این جهت حضـرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند : استغفار کنید تا دیگران از اعمال زشتی که شما انجام داده اید آگاه نشوند .

۲ – حسّ لامسه

می دانیم که اطراف بـدن انسـان را هاله احاطه کرده است. از رنگ و چگونگی هاله می توان پی به اعمال و رفتار و شخصـیّت طرف آگاه شد .

کسانی که هاله افراد را می بیننـد و انواع و اقسام آن را می شناسـند ، می تواننـد از شخصـیّت طرف آگاه شده و بدانند چگونه فردی می باشد .

هـاله ای که در اطراف بـدن انسـان است در دست هـا تمرکز بیشتری دارد . به این جهت بعضـی از افراد با دست دادن و لمس نمودن می تواننـد افکار طرف را بخواننـد و از حالات او باخبر شوند . بنابراین حسّ لامسه نیز می تواند در کسب آگاهی افراد نقش مؤثّر داشته باشد .

بعضـی از افراد با در دست گرفتن لباس یا چیزی که متعلّق به فرد خاصّـی است ، می توانند از حالات و روحیّات او خبر داده و بگویند که

او چگونه آدمی می باشد . جریانات زیادی در این باره در کتاب ها نوشته شده است .

۳ – حسّ ذائقه

حسّ ذائقه نیز در کسب آگـاهی می توانـد دارای نقش و تأثیر باشـد . در جریاناتی که از اولیای خـدا نقل شـده است تصـریح شده که آنان با خوردن نان و غذا ، از حالات کسی که آن را پخته است آگاه شده و خبر داده اند .

بنـابراین بـا قـدرت گرفتن حواسّ پنجگـانه و بـدست آوردن حیات واقعی نه تنها چشم و گوش را بلکه سایر حواسّ پنجگانه را می توان از راه هـای فراگیری علم و دانش قرار دهیم ؛ همان گونه که حواسّ باطنی نیز می توانـد راه فراگیری علم برای انسان باشد .

۴ – آموختن علوم از راه فراحسّی

نکته بسیار جالبی که سزاوار است در آن دقّت شود این است که فراگیری علم و دانش از راه سـمع و بصـر ، اسـتفاده از قوای حسّـی انسـان است و آن دو از حواسّ پنـج گـانه ظاهری انسان می باشـند . با توجّه به مسأله تکامل در عصـر درخشان ظهور و حیات قلب ها و کامل شدن خردها ، به دست آوردن علم و دانش از راه های فراحسّی بسیار خواهد بود .

با تأمّل و اندیشیدن در آنچه گفتیم بسیار بدیهی و واضح است که حیات دل و تکامل عقل راه را برای فراگرفتن علم و دانش بـاز می کنـد . بنابراین راه فراگیری علم و دانش در آن زمان که عموم مردم از حیات قلب و تکامل عقل و خرد برخوردارنـد ، در انحصار دیـدن و شـنیدن نیست ، بلکه با قـدرت های فراحسّـی که در آن زمان انسان ها به آن دست می یابند ، به راحتی بر علم و دانش خود می افزایند .

»مشاهده فؤادی« که بر اثر »حیات قلب« به دست می آید ، نمونه ای از راه های فراگیری علم و

دانش با استفاده از قدرت فراحسّی است .

در عصـر درخشان ظهور که عصـر دانش و بینش است ، انسان بر اثر حیات قلب ، به این قدرتِ فراحسّی دست یافته و به وسیله آن بینشِ قلب به دانش و فرهنگ خود می افزایند .

در روزگـار شـکوهمند ظهور ، انسـان هـا نه تنهـا به وسـیله چشم و بصـر ، بلکه از طریق قلب و بصـیرت نیز به فراگیری علوم و معارف می پردازند . با گشوده شدن راه های حسّـِی دیگر و باز شدن راه های فراحسّـِی در روزگار درخشان ظهور ، ثابت می شود که راه فراگیری علم و دانش در انحصار چشم و گوش نیست .

نکته جالب توجّه دیگر ، عمومی شـدن و بثّ در میان همه مردم است که راه های فراگیری هماننـد القاء ، راه آن برای همه باز خواهد شد و همه از آن استفاده می کنند ؛ همان گونه که در روایت وارد شده است .

الآن هر دانشـمندی با تخصّص و مهارتی که در رشته خود دارد ، در درک علوم دیگر ناتوان است ؛ زیرا راه علم فقط سمعی و بصری است و این محدودیّت آور است ؛ هم برای فراگیر شدن علم در میان همه و هم برای دانشمندان .

با توجّه به پاک شـدن و تهـذیب نفس مردم ، مرگ شـیطان و تکمیل عقل ها بـدیهی است که راه های فراگیری علوم عمومی خواهد شد و مردم می توانند از غیر راه سمع و بصر تحصیل علم نمایند .

تحوّلات شگفت در عصر ظهور

خـدا می داند بر اثر پیشـرفت علم و دانش و تکامل عقل و خرد ، چه تحوّلات عظیم و گسترده ای در جهان رخ خواهد داد ! و چه اسرار و رازهایی از جهان آفرینش

و عالم خلقت آشکار خواهد شد !

در دوران تیره غیبت ، گاهی یک اختراع کوچک آثاری مهمّ و تحوّلی عجیب در افکار و اندیشه های مردم عصر غیبت ایجاد کرده است . به عنوان نمونه : اختراع تلسکوپ و دوربین های قوی چقدر در دید انسان ها تأثیر گذارد ؟ و چگونه بر آگاهی بشر نسبت به وسعت فضای وسیع و جوّ پهناور آسمان افزود ؟ و چگونه پندارهای دانشمندان و فلاسفه را درباره کیفیّت زمین و ستارگان درهم ریخت ؟! به همین صورت اختراعاتی که بر اثر تکامل علم و تمدّن در روزگار پرشکوه ظهور رخ خواهد داد ، آگاهی انسان ها را نسبت به عالم هستی و اسرار جهان آفرینش آنچنان افزایش می دهد که ما در دوران تیره غیبت توانایی تصوّر آن را نداریم و نمی دانیم در آن زمان چه چیزهایی اختراع خواهد شد و آثار شگفت آن ها تا چه حدّ خواهد بود ؟

هنوز دانشمندان عصر غیبت درباره مسأله »ضدّ مادّه« »گذشتن از مرز زمان« و مسأله »راه یابی به عالم غیب« گامی برنداشته و مشکلی را حلّ نکرده اند .

آیا می دانید با حل شدن این رازها و فاش شدن اسرار آن ها چه تحوّلات عجیب و گسترده ای در عالم آفرینش رخ می دهد ؟! آیا ما با آگاهی های بسیار اندک عصر غیبت ، می توانیم از عظمت آن ها آگاه شویم؟!

دانش خاندان وحی علیهم السلام

بنا بر مبانی اعتقادی مکتب خاندان وحی علیهم السلام ، انبیاء الهی در هر عصر و زمانی که باشند ، علم و دانش آن ها فوق مردمان آن عصر و زمان است ؛ به طوری که هیچ یک از علماء و دانشمندان توان مقابله با آنان را ندارند و در بحث و

مناظره مغلوب آنان می باشند .

علم ائمّه اطهار علیهم السـلام نیز برتر از دانش دانشـمندان همه اعصار است به گونه ای که علم و دانش هیچ یک از بزرگترین دانشمندان را نمی توان با علم و آگاهی آنان مقایسه نماییم .

برتری علم ائمّه اطهـار علیهم السـلام و انبیاء الهی بر دیگران به این جهت است که علم آنان اکتسابی نیست و با تحصـیل آن را به دست نیاورده اند ، بلکه دانش آن بزرگواران لدنّی است و از جانب خداوند مهربان به آنان عطا شده است .

بنابراین آن بزرگواران از علم مخزون و دانش پنهان الهی برخوردارند و آگاهی آنان برتر از علم دیگران می باشد .

گرچه روایات در زمینه علم ائمّه اطهار علیهم السـلام و حد و مرز آن متفاوت است و بحث درباره آن ها و بررسی و تحلیل آن هـا بسـیار به طـول می انجامـد ، می توان گفت : منشأ اختلاـف روایـات در این بـاره ، اختلاـف مخـاطبین امامـان شـیعه از نظر اختلاف ظرفیّت و آمادگی پذیرش آنان بوده است .

مـا می گوییم : علم حضـرت بقیّه اللّه الأـعظم ارواحنا فـداه برتر از علم همه مردمان جهان است و آن بزرگوار دارای همه علوم می باشند .

در زیارت آن حضرت می خوانیم :

أنّک حائز کلّ علم .(۱۷۲)

شما دارای هر علمی هستید .

و در زیارت ندبه می خوانیم :

قد آتاکم اللّه یا آل یاسین خلافته، وعِلْم مجاری أمره فیما قضاه ودبّره ورتّبه وأراده فی ملکوته...(۱۷۳)

ای آل یاسـین؛ خداوند مقام جانشـینی خود را به شما داده است و به مجاری امر خود در ملکوت خود نسبت به آنچه حکم می کند و تدبیر و تنظیم می نماید و اراده می کند ، به شما علم و آگاهی داده است.

با

این بیـان که در این توقیع شـریف آمـده است روشن می شود که نه تنهـا عالـم ملك بلکه عالـم ملکوت نیز ، در حیطه علم اهل بیـت علیهم السـلام قرار دارد . و بر اسـاس اسـتفاده از برخی روایـاتی که دربـاره شـگفتی هـای عصـر ظهـور وارد شـده است ، حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه به تکمیل عالم ملکوت نیز می پردازند .

بنـابراین ، قیـام آن بزرگوار تنهـا جنبه مُلکی نـدارد ، بلکه علاـوه بر عـالم ظـاهر ، به تکمیل عالم باطن و نامرئی می پردازنـد و موجودات عالم غیر مرئی نیز در پرتو حکومت الهی آن بزرگوار قرار می گیرند .

مسـأله علم امام علیه السـلام از مسایل بسـیار جالب در باب معارف اهل بیت علیهم السـلام است . و درباره حـدود و چگونگی آن، بحث هایی مطرح شده که طرح و بررسی آن ها مناسب با موضوع این کتاب نیست .

بنابراین هر امامی در هر عصـر و زمانی که باشد اعلم همه اهل آن زمان است و همه دانشمندان آن عصر در هر رشته از علوم و صنایع باید مشـکلات خود را به وسـیله امام عصـر خویش برطرف نمایند ؛ زیرا لازمه مقام امامت و رهبری الهیِ امام این اسـت کـه در هر علـم و دانشـی سـرآمد و برتر از همه مردم باشـد و این خـود یکی از فضایـل امـام است . و اگر چنین نباشـد تقـدیم مفضول بر فاضل لازم می آید .

با این بیان روشن شـد که علم و تمـدّن تا قبل از ظهور هرچه قدر پیشـرفت کند، علم امام علیه السـلام مافوق آن است . روایتی که می آوریم بر مطلب ما صراحت دارد . حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند

:

إنّ الأنبياء والأئمّه علیهم السلام یوفّقهم اللّه ویؤتیهم من مخزون علمه وحكمته ما لایؤتیه غیرهم ، فیكون علمهم فوق علم أهل زمانهم فی قوله عزّ وجلّ : «أَفَمَنْ یَهْدی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لایَهِدّی إِلّا أَنْ یُهْدی فَما لَكُمْ كَیْفَ تَحْكُمُونَ»(۱۷۵). (۱۷۴)

قطعاً خداونـد به انبیاء و امامان علیهم السلام توفیق عنایت می كند و از علم ها و حكمت های ذخیره شده خود به آنان ، آن اندازه می دهد كه به غیر آنان عنایت نكرده است ، به این جهت علم آنان برتر از علم اهل هر زمان خواهد بود .

در این آیه دلالت بر این حقیقت وجود دارد : »آیا كسی كه مردم را به سوی حق هدایت می كند سزاوارتر است كه هدایت شود یا كسی كه به راه حق هدایت نمی شود مگر كسی او را راهنمایی نماید ، چیست برای شما ؟ چگونه حكم می كنید ؟

بنابراین ، علوم در همه قسمت ها هر چه پیشرفت كند ، علم امام علیه السلام آنچنان وسیع و پهناور است كه همه آن ها را در بر دارد و می تواند همچون دریایی كه قطرات باران را در خود جای می دهد ، همه علوم و صنایع واقعی را در پهنه علوم خود ناپدید كند ؛ علاوه بر آن كه قطره باران خود از دریا برخواسته است .

همان گونه كه در روایات وارد شده در عصر درخشان ظهور ، برهان و استدلال در جهان فراگیر شده و انسان ها در سراسر گیتی با منطق و استدلال از علم و دانش صحیح برخوردار می شوند . و یاوران حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه با بیان و گفتار ، مخالفان را رام نموده و به سوی

حقیقت رهنمون می شوند .

آن حضرت نیز با گفتار خویش مردمان را به سوی مکتب خاندان وحی علیهم السلام هدایت نموده و جهان را سرشار از دانش و بینش جدید می نمایند و به این وسیله حق را ظاهر ساخته و باطل را نابود نموده و هر گونه شکّ و تردید را از قلب انسان ها پاک می سازند .

این حقیقتی است که آن بزرگوار به آن تصریح نموده و در توقیعات خویش آن را بیان فرموده اند .

حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه در اوّلین ساعت ولادت فرمودند :

زعمت الظلمه أنّ حجّه اللَّه داحضه، ولو اُذن لنا فی الکلام لزال الشکّ.(۱۷۶)

ستمگران گمان کرده انـد که حجّت خداوند باطل گردیده و اگر برای ما اذن در گفتار داده شود ، شک ها برطرف می گردد .

بـدیهی است بـا برطرف شـدن شـکّ ، قلب سـرشار از ایمان و یقین می شود و با پرشـدن قلب از یقین ، اکسـیری بسـیار مهمّ و حیاتی که دگرگون کننده و تکامل بخش شخصیّت انسان ها است ، در اختیار همه افراد قرار می گیرد .

راهنمایی های امام عصر ارواحنا فداه در فراگیری علوم

برای آشنا شدن با عصر درخشان ظهور ، عصر نور و روشنایی ، عصر دانش و بینش ، عصر تلاش و کوشش ، عصر همه خوبی ها و برازندگی ها نگاهی به صـحنه گیتی می افکنیم و با شگفتی هایی که در جهان آفرینش وجود دارد ، پی به عظمت هستی بخشِ جهان و جانشینان او که گواه آفرینشِ همه موجودات می باشند ، می بریم . اکنون به این پرسش ها توجّه کنید :

آیـا در جهان بر فراز قلّه های کوه های سر به فلک کشـیده تا صـحراهای پهناور و تا ژرف ترین نقطه های درّه های عمیق ؛ از سطح آب دریاهای بی کران تا عمیق ترین اقیانوس های جهان ؛

چه موجودات عجیبی زندگی می کنند؟! و چه حیوانات شگفت آفرینی وجود دارند ؟!

آیا شناخت رازهای جهان خلقت ممکن است ؟!

آیا چگونه می توان از اسرار آفرینش اینهمه موجودات آگاه شد ؟!

آیا جز شاهدان خلقت کسی می تواند از اینهمه آگاهی برخوردار باشد ؟

آیا در این روزگار کسی جز حضرت بقیّه اللّه الأعظم امام زمان ارواحنا فداه توانایی دارد هر پرسشی را پاسخ دهد ؟!

آری ؛ در عصر شکوهمند ظهور ، امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه جهان را با برهان و دلیل سرشار از علم و آگاهی خواهند نمود و در سراسر گیتی مردمان جهان را از علم و آگاهی ، دانش و بینش به همراه برهان و دلیل برخوردار می سازند .

امام حسن مجتبی علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره این مطلبِ مهمّ می فرمایند:

یملأ الأرض عدلاً وقسطاً وبرهاناً .(۱۷۷)

(آن حضرت) جهان را سرشار عدالت ، قسط و برهان می نماید .

در آن روزگار ، مردمان جهان راه صد ساله را یک شبه می پیمایند و نکته هایی را که در طول یک عمر نمی توان آموخت در میان چند کلمه می یابند!

برای این که اشاره ای به گسترش علم و دانش در عصر آگاهی و بینش داشته باشیم سؤالی را عنوان می کنیم :

اگر شخصی بخواهد در بحثی بسیار وسیع ، گسترده و پردامنه به تحقیق بپردازد و از تمامی نکته های آن درست آگاه شود ، و از نعمت وجودِ استادی کاردان در آن رشته محروم باشد و از کتاب و نوشته و موادّی که از آن ها می توان در آموختن آن رشته کمک گرفت ، بی بهره باشد چه سالیان طولانی و درازی را باید به تحقیق و جستجو و کاوش بپردازد و چه مقدار

باید به تجربه های ناکام دست یازد تا شاید سرانجام به مقداری از آنچه می خواسته است دست یابد ؟!

ولی همین فرد اگر از وجود استادی دانا و ماهر برخوردار باشد که از همه زوایای بحثی را که این فرد در جستجوی آنست به خوبی آگاه باشد ، می تواند در مدّتی کوتاه به آنچه می خواسته است راه یابد و از آنچه در جستجوی آن بوده است آگاه شود .

به بیان دیگر علم و دانش را می توان به دو گونه فرا گرفت :

۱ – آموختن از استادی که از آن علم بهره مند است و در آن رشته آگاهی دارد .

۲ – اگر استاد یا کتاب و... در آن زمینه وجود ندارد ، نیاز به جستجو و بررسی وجود دارد و باید با تلاش و پشتکار به تحقیق و تجربه پرداخته شود ، تا در صورت امکان نتیجه مطلوب بدست آید .

بدیهی است تفاوت فراوانی در فراگیری علم و دانش از راه بررسی و از راه آموزش وجود دارد که ما در اینجا دو فرق بسیار مهمّ را بیان می کنیم :

۱ – سرعت فراگیری علوم در صورت استفاده از استاد آگاه ، بدون آنکه نیازی به بررسی های وقت گیر و طولانی داشته باشیم .

۲ – نتیجه قطعی از علم و دانش در صورتی که از استاد آگاه بیاموزیم بدون آنکه به بررسی های وقت کش و بی نتیجه گرفتار شویم .

تأثیر حضور امام علیه السلام در فراگیری علم

انسان های عصر ظهور نیازی به بررسی های وقت کش و بی نتیجه ندارند ؛ زیرا به فرموده حضرت امام مجتبی علیه السلام جهان در آن روزگار ، سرشار از علم و دانش همراه با دلیل و برهان است .

آری ؛ اگر مردم بهره مند از نعمت

حضور و ظهور امام علیه السلام در میان جامعه باشند ، با سرعت هرچه بیشتر می توانند به منابع عظیم علمی راه یابند و علم برهانی را همراه با علم لدنّی از آبشخور وحی فرا گیرند و به نتیجه قطعی برسند .

اکنون برای این که مطلب کاملاً روشن شود درباره فراوانی انواع حیوان ها سخن گفته و سپس با نقل روایت جالبی به نتیجه گیری می پردازیم :

همان گونه که گفتیم بر فراز کوه ها ، در دامن صحراها و در اعماق دریاها موجودات بسیار فراوان و عجیبی وجود دارند ، روش زندگی آن ها خصوصیّات و ویژگی های آن ها و چگونگی تکثیر ازدیاد آن ها و شناخت آن ها ، بر اثر کثرت انواع آن ها برای ما ممکن نیست .

تاکنون در دنیای ما فقط ۸۶۰۰۰ نوع پرنده زندگی می کنند (۱۷۸) و در میان حشرات فقط در حدود ۴۰۰ هزار گونه پروانه در دنیا شناخته شده که در حدود ۱۵۰ هزار گونه آن در ایران موجود است .(۱۷۹)

با توجّه به فراوان بودن انواع حیوان ها اگر فردی به عنوان مثال در علم حیوان شناسی بخواهد بداند تکثیر نسل میلیون ها نوع حیوانی که در جهان زندگی می کنند چگونه است؟ کدام یک از آن ها تخم گذاری می کنند و کدام یک زایمان دارند ؟ به میلیون ها سال تحقیق و بررسی نیاز دارد .

علاوه بر این ، چگونه می تواند از وضع میلیون ها حیوانی که در اعماق دریاها یا در دامن صحراها و یا بر فراز کوه ها زندگی می کنند آشنا شود ؟! ولی همین فرد اگر این مطلب را نه از راه تحقیق و بررسی و تجربه ؛ بلکه از راه آموختن از کسی که آگاه از اسرار خلقت و شاهد بر

آفرینش موجودات است بیاموزد ، با فرا گرفتن یک قانون عمومی می تواند راه غیر ممکنِ چند میلیون ساله را در یکی دو دقیقه بپیماید .

اکنون برای روشن شدن این حقیقت به نقل این روایت می پردازیم :

در مجموعه مرحوم حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا از مجالس امیر کمال الدین حسین فنایی نقل نموده که حضرت صادق علیه السلام از امّ جابر پرسید :

در چه کاری ؟

عرض کرد : می خواهم تحقیق کنم که از چرنده و پرنده کدامیک تخم گذاری می کنند و کدامیک بچّه می آورند ؟

فرمود : احتیاج به این مقدار فکر نیست ، بنویس : گوش هر حیوانی که مرتفع و برجسته است بچّه می آورد و گوش هر کدام که به سر چسبیده است تخم می نهد ، ذلک تقدیر العزیز العلیم .

«باز» با آن که چرنده است و گوش او منخفض و به سر او چسبیده ، تخم می نهد و «سنگ پشت» که چرنده است چون بدین گونه است تخم می نهد و گوش خفّاش چون مرتفع است و به سر او چسبیده نیست ، بچّه می آورد .(۱۸۰)

بنابر این قانون عمومی ، پرنده بودن حیوان دلیل بر آن نیست که چون پرنده است تخم گذاری کند . و همچنین چرنده بودن حیوان دلیل بر آن نیست که زایمان می کند ؛ زیرا ممکن است در حالی که پستاندار است تکثیر نسل او از راه تخم گذاری باشد نه زائیدن .

«یکی از حیوانات بسیار عجیب ، حیوانی است که چون همانند اردک نوک دارد به نوک اردکی معروف شده این حیوان با این که پستاندار است ولی همانند پرندگان تخم گذاری می کند . به این گزارش توجّه کنید :

نوک اردکی ممکن است عجیب ترین حیوانات نباشد

ولی محقّقاً یک حیوان عجیب است . این حیوان یک پستاندار است و شبیه تمام پستانداران پوست دارد و به بچّه هایش شیر می دهد ولی دارای منقاری مانند اردک و نیز پنجه هایی پره دار است و عجیب تر این که مانند پرندگان تخم می گذارد . نوک اردکی در حدود ۵۰ سانتی متر طول دارد و در استرالیا زندگی می کند .

نوک اردکی شناگر بسیار سریعی است . این حیوان موقع شنا کردن انتهای منقارش را بیرون آب قرار می دهد و در همان حال تنفّس می کند . نوک اردکی در کنار رودخانه زندگی می کند . حیوان مادّه در آنجا تخم می گذارد و به بچّه هایش شیر می دهد .»(۱۸۱)

ما در بحث های گذشته یکی از ویژگی های مهمّ عصر ظهور را که پخش شدن علم و دانش در میان همه افراد جامعه می باشد بیان کردیم و از مطالبی که در اینجا به توضیح آن ها پرداختیم دو ویژگی بسیار مهمّ دیگرِ عصر درخشان ظهور را روشن ساختیم :

۱ – سرعت فراگیری علوم بدون نیاز به بررسی ها و جستجوهای وقت گیر .

۲ – بدست آمدن نتیجه قطعی از آموزش بدون گرفتار شدن به بررسی های بی حاصل و بی نتیجه .

بدیهی است این دو ویژگی عصر ظهور چه آثار مهمّی را در پیشرفت علم و تمدّن واقعی برای جامعه بشریّت به ارمغان می آورد .(۱۸۲)

اختراعات عصر ظهور

گفتیم از ویژگی های عصر ظهور ، سرعت در فراگیری علم و دانش است که در آن روزگارِ شکوهمند مردم می توانند به راحتی به منابع عظیم علمی راه یابند .

در آن زمان هدایت ها و راهنمایی های حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه عامل سرعت در فراگیری علوم می باشد . و جز آن ، عامل مهمّ دیگری در رشد یادگیری دانش وجود دارد

که آن نیز بر اثر وجود نعمت حضرت امام عصر عجّل اللَّه تعالی فرجه می باشد . و آن عبارت است از تکامل عقل ها و رشد اندیشه ها که مردم در دولت کریمه حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه از رشد عقلی و فکری برخوردار خواهند شد .

در بحث تکامل عقل و رهایی قدرت های ناشناخته مغز به این نکته تصریح کردیم که یکی از بزرگ ترین آزادی هایی که عصر تکامل بخش ظهور آن را برای انسان ها به ارمغان می آورد ، آزادی عقل و رهایی آن از زنجیر اسارت است .

در آن عصر شکوهمند سپاه نفس در اسارت نیروهای عقل درآمده و روزگار حاکم شدن عقل بر نفس فرا می رسد . و در اثر رهایی قدرت های عقل و بکار افتادن نیروهای ناشناخته مغز ، انسان ها به بزرگ اندیشی دست می یابند و افکار کوچک و کودکانه را رها می سازند .

به این دلیل است که ما معتقدیم : بزرگ اندیشی از خصلت ها و ویژگی های عصر ظهور برای افراد جامعه است .

بدیهی است وقتی که جامعه بشریّت به بزرگ اندیشی دست یافته و افکار و اندیشه های بزرگ را در سر بپروراند ، چه تحوّل عجیب و شگفت آفرین نه تنها در معارف دینی، بلکه در تکنولوژی ، صنعت و فنّاوری نیز ایجاد می شود .

در دوران تیره غیبت میلیون ها نفر در راه بدست آوردن نکته های تازه و رسیدن به اختراعات جدید کوشش می کنند که تصمیم افراد محدودی از آن ها کارساز می شود ؛ ولی در عصر تکاملِ عقل که اراده انسان ها به عالی ترین درجه کمال راه می یابد ، فکر مردم عصر ظهور مؤثّر واقع می شود و به زودی می توانند به آنچه در راه آن تلاش می کنند دست یابند .

درسی از دعای بعد از زیارت «آل یس» در این باره

در

زیارت «آل یس» - که از زیارات بسیار مهمّ امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه می باشد و همچنین در دعای پس از آن - یک دوره بزرگ از معارف و مسائل اعتقادی گنجانده شده است . و علاوه بر آن نکته های بسیار مهمّی درباره قدرت های عظیم انسان های تکامل یافته وجود دارد و هر کس آن زیارت و دعای پس از آن را می خواند ، از خداوند بزرگ می خواهد که او را به آن مراحلِ بس بلند برساند ؛ اگرچه ممکن است خوانندگان آن، توجّه به عظمت و اهمیّت آنچه می خوانند نداشته باشند .

در اینجا نمونه ای از آن ها را که در ارتباط با بحث ما است بیان می کنیم :

در ضمن دعایی که پس از زیارت »آل یس« می خوانیم به پیشگاه خداوند عرض می کنیم :

وفکری نور النیّات ، وعزمی نور العلم .(۱۸۳)

و فکرم را نور تصمیم ها و اراده ام را نور علم عنایت فرما .

ممکن است صدها و یا هزاران بار تا به حال این دعا را خوانده باشیم ولی تاکنون هیچگونه توجّهی به عظمتِ درخواست خود نکرده باشیم .

درسی که از این دعا می آموزیم این است : کسی دارای فکر روشن است و اندیشه اش از تاریکی رها یافته که قدرت بر تصمیم گیری داشته باشد و نفس وی باعث شکست اراده او نباشد . و کسی دارای عزم و اراده است که نور علم و دانش در او تابیده باشد و وجودش با نور علم و آگاهی عجین شده باشد .

عصر ظهور ، که روزگار بارور شدن خواسته های بلند انسانی است و زمان تکامل مقام عالی بشر است ، افکارِ روشن و اراده های نورانی در انسان ها پرورش یافته و

تکامل می یابند .

در آن روزگـار پرشـکوه در افکـار و انـدیشه ها ، نور و قـدرت تصـمیم گیری پدیـدار می شود و در عزم و اراده مردم ، نور و تواناییِ فراگیری علم و دانش ایجاد می گردد .

در آن زمان ، انسان ها از خمودی ، عدم توانایی بر تفکّر و سستی عزم و اراده رها می شوند و به سوی علم و آگاهی روی می آورنـد و بـدیهی است با حیاتِ فکر و انـدیشه و آزاد شدن اراده ، چه علم و فرهنگ پیشـرفته و گسترده ای در جامعه به وجود خواهد آمد .

حکومت جهانی برای همگان

در اینجا مطلبی را بیان می کنیم که بسیار جالب توجّه شیفتگان عصر شکوهمند ظهور خواهد بود . و آن این است که برداشت افراد از جهـانی بـودن حکـومت حضـرت بقیّه اللّه ارواحنـا فـداه این است که در سراسـر جهـان حکومـتی غیر از حکـومت آن بزرگوار نخواهد بود و حکومت آن حضـرت در سراسر گیتی به عنوان حکومت واحد جهانی خواهد بود . ولی باید بگوییم نه تنها هیـچ گونه قـدرتی در برابر حکومت جهانی حضـرت ولیّ عصـر ارواحنا فداه وجود ندارد و فقط حکومت واحد امام زمان عجّل اللّه تعـالی فرجه بر سراسـر جهـان حکومت می کنـد بلکه علاـوه بر آن ، آنچه را که حکومت حضـرت بقیّه اللّه الأـعظم ارواحنا فداه برای جهانیان به ارمغان می آورد ، از بُعد مادّی و معنوی و پیشرفت های شگفت آور علم و تمدّن و دانش و بینش ، سراسـر جهـان را فرا می گیرد ، و از بزرگ ترین شـهرهای جهـان تـا دورافتـاده ترین نقـاط گیـتی از این نعمت بهره منـد می گردند ، علم و عدالت و... سراسر جهان را فرا می گیرد و کمبود و محرومیّت در

هر نقطه از زمین ریشه کن می گردد .

در آن زمان شکوهمند از وابستگان و آقازادگان خبری نیست و رفاه و آرامش از آنِ همگان است و ثروت میان همه مردمان جهان به گونه مساوی تقسیم می گردد .

مسأله فراگیری و همگانی شدن ، و بهره مند شدن عموم افراد جامعه از امکاناتِ موجود و فراگیر شدن خوبی ها در میان تمام مردم جهان ، از ویژگی های عصر ظهور است و برای بیشتر روشن شدن این مسأله بسیار مهمّ ، یعنی عمومیّت و فراگیر شدن امکانات در میان تمام اقشار و بهره مند گشتن همه مردم از آن ها به توضیح آن می پردازیم :

همان گونه که می دانید در دوران تیره غیبت در تمام کشورهای جهان ، همه مردم از مال و ثروت ، فرهنگ و دانش ، قدرت ها و امکانات ظاهری برخوردار نیستند ، بلکه در میان هر کشور و در بین هر دسته از مردم جهان ، گروهی اندک از مال و ثروت و قدرت برخوردار بوده و هستند و بیشتر مردم از کمبود و یا نبود آن رنج می برند .

تبعیضات نژادی و فاصله های طبقاتی در سراسر جهان وجود دارد . امکانات و بهره وری ها از آنِ گروهی خاصّ و رنج ها و کمبودها از آنِ بیشتر مردم است ، ولی دنیا در عصر شکوهمند ظهور اینگونه نخواهد بود .

در آن زمان، تبعیضات نژادی برداشته می شود و فاصله های طبقاتی شکسته می شود ، علم و دانش فراگیر می شود ، ثروت های طبیعی میان تمامی افراد جامعه به گونه مساوی تقسیم می گردد . عدالت و تقوا همه اقشار جهان را فرا می گیرد و همه مردمان جهان دارای عدالت و پرهیزکاری می شوند .

از آنچه تاکنون گفتیم چنین

نتیجه می گیریم : در حکومت جهانی امام عصر عجّل اللّه تعالی له الفرج دانش ها و بینش ها، خوبی ها و نیکویی ها از آنِ همه مردم جهان است و مورد بهره برداری و استفاده همه جهانیان خواهد بود . جهان در آن روزگار همچون عصر تیره غیبت نیست که گروهی از مردم از پیشرفته ترین وسایل صنعتی بهره مند باشند و افراد دیگر از ضروری ترین وسایل مقدّماتی زندگی محروم باشند .

بنابراین علم و دانش بسیار پیشرفته عصر ظهور ، هر وسیله تازه و جدیدی را برای مردم به ارمغان بیاورد ، جایگزین وسیله های قبل از ظهور می گردد و در تمام نقاط جهان مورد استفاده همه جهانیان قرار می گیرد و وسیله های قبلی در تمام نقاط جهان از کار افتاده و همه مردم از صنعت های پیشرفته عصر ظهور استفاده خواهند نمود .

و بر فرضی که نمونه ای از صنایع بتوانند در آن زمان ویژگی خود را حفظ کنند ، بدیهی است در عصر درخشان ظهور از آن ها نیز بهره برداری می شود ؛ زیرا آن زمان ، عصر همه خوبی ها برای همه ملّت های جهان است .

بنابراین ما صنعت جدید را به طور کلّی محکوم نمی دانیم ، ولی آن را مناسب با عصر تیره غیبت می دانیم ، نه روزگار پیشرفته عصر ظهور .

آنچه تاکنون گفتیم دیدگاه کسانی است که بر اثر آگاهی از گفتار خاندان وحی علیهم السلام عصر ظهو را ، عصر تکامل عقل و عصر روشن شدن رازها می دانند

ممکن است در برابر آن ها افرادی باشند که در لاکی که برای خود ساخته اند فرو رفته و اختراعات جهان را کامل بدانند . این گونه افراد – نه اکنون بلکه در زمان های گذشته نیز وجود داشته اند –

افرادی بوده اند که در بیش از یک قرن و نیم پیش گمان می کرده اند بشر به تمام آنچه ممکن است اختراع شود دست یافته و به پایان راه رسیده است و افراد دیگری افکاری شبیه اینان داشته اند . در اینجا شما را با نمونه ای از این افکار آشنا می کنیم :

در سال ۱۸۶۵ مدیر دفتر ثبت پروانه های اختراعات آمریکا استعفا می دهد و اعلام می کند : «چرا باید ماند ، دیگر چیزی برای اختراع کردن وجود ندارد» .

کارشناسانی که ناپلئون سوّم به آن ها مأموریّت داده بود ، به همین اندازه فاقد روشن بینی ، «به طور علمی» ثابت می کنند که دینامی که زنوب گرام در شُرف ابداع کردن است ، هرگز کار نخواهد کرد .

ستاره شناس آمریکایی نیوکومب بر مبنای ریاضی ثابت می کند که پرواز آنچه از «هوا سنگین تر است» غیر ممکن است . هنگام نخستین پرواز برادران رایت ، او که حاضر نیست خطای خود را بپذیرد ، پافشاری می کند : «هواپیما هیچ گونه کاربرد جالب توجّهی نخواهد داشت».

در این هنگام انستیتوی بسیار باصلاحیّت اسمیسونیان ، پرفسور لانگلی را از کار برکنار می کند ؛ زیرا او جرئت کرده بود پیشنهاد کند ماشین های پرواز کننده ای که با موتورهای انفجاری کار می کنند ، مورد مطالعه قرار گیرند .

در سال ۱۸۸۷ مارسلین برتولو، عالم بزرگ شیمی رفتار کلیّه ناباوران متّکی به اطمینان خاطر را چنین خلاصه می کند : »از این پس جهان بدون راز است« .(۱۸۴)

آنان که عصر ظهور را دارای پیشرفت فوق العاده و بیشتر از حال نمی دانند مانند این گونه افراد فکر می کنند .

آنچه آوردیم نمونه ای از بافته های کسانی است ك می پنداشتند جهان از نظر علم و صنعت به مرحله نهایی

رسیده و به آخرین قلّه پیشرفت و تکامل رسیده است .

آری ؛ این توهّمات در قرن های گذشته وجود داشته و الآن نیز گروهی به آن گرفتارند ، و ممکن است عدّه ای به این پندار باطل ، گرایش داشته باشند .

ظهور یا نقطه آغاز

بدیهی است اگر ما بگوییم ابتدای ظهور نقطه آغاز تکامل است برای این گونه افراد باور کردن آن سخت است . چرا آنان نمی توانند بپذیرند که آغاز ظهور گام نخستین پیشرفت است ؟

ما برای روشن شدن پاسخ این سؤال به تشریح مطلب می پردازیم و برخی از علل پیدایش این گونه پندارهای غیر صحیح را بیان می کنیم تا خوانندگان محترم بدانند که چرا برخی از افراد نمی دانند نقطه آغاز تکامل و گام نخستین پیشرفت با ظهور حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی فرجه شروع می شود ؟!

چرا آنان جهان کنونی را آن قدر پیشرفته می دانند که حاضر نیستند دنیایی برتر از آن را در ذهن خود ترسیم نموده و بپذیرند ؟

ما در اینجا به بیان دو نکته کوتاه می پردازیم و آنگاه به تفصیل سخن می گوییم :

۱ - این افراد ، جهان کنونی را با جهانِ گذشته مقایسه می کنند ، به این جهت این عصر را بسیار پیشرفته می دانند .

۲ - این گونه افراد از آینده جهان هیچ گونه اطّلاع و آگاهی ندارند و بر این اساس می پندارند : »دیگر چیزی برای اختراع کردن وجود ندارد« ! و یا »از این پس جهان بدون راز است« !

دین یعنی حیات و تمدّنِ پیشرفته و صحیح

از آنجا که بسیاری از مردم جهان با برنامه های حیاتی ، زندگی ساز و همه جانبه دین آگاهی ندارند و نمی دانند مکتب وحی ، تمامی ابعاد جامعه را در نظر گرفته و از همه نیازهای مردم آگاه است ، از این جهت دین را به معنای یک دسته از دستوراتی که کاری به تمدّن و صنعت ندارد ، می دانند .

برخی از این گونه افراد پیرو مکتب های ساختگی و استعماری می باشند و یا

تابع ادیان تحریف شده هستند . به این جهت »دین« را جز آنچه خود می پندارند ، نمی دانند .

گروه دیگر که پیرو مکتب وحی می باشند ، اگر چنین اعتقادی داشته باشند بر اثر نداشتن آگاهی کامل از برنامه های دین است ؛ زیرا دینداری به معنای دور بودن از صنعت و تمدّنِ صحیح نیست بلکه تمدّن و صنعت باید در سایه دین و در پوشش دین باشد . پس دین و دینداری به معنای نفی تمدّن و صنعت نمی باشد ، بلکه آن ها باید در راستای دین و در مسیر دینداری باشند .

نه تنها در آینده بلکه تاریخ در زمان های گذشته نیز دورانهای پرشکوهی را به یاد دارد که تمدّن بزرگ دینی ، مردم را در پوشش خود قرار داده بود و در آن زمان آنچنان مردم از علم و صنعتِ پیشرفته برخوردار بوده اند که هنوز تمدّن عصر ما از آوردنِ همانند آن عاجز است .

نه تنها در میان صفحات تاریخ، بلکه در برخی مکان ها آثار این گونه تمدّن های پیشرفته وجود دارد که هنوز بشر در درک آنهمه عظمت ، ضعیف و ناتوان است .

نمونه ای از آن را برای شما بیان می کنیم تا به خوبی آشکار شود که دین هیچ گاه با پیشرفت و تمدّن ، مخالف نبوده و نیست ، بلکه حکومت مذهبی باید خود آورنده تمدّن صحیح باشد .

آیا چه چیزهایی درباره حکومت دینی حضرت سلیمان می دانید ؟ آیا از معبدی که حضرت سلیمان ساخته بود و هنوز آثار آن موجود و ناشناخته باقی مانده است ، آگاهی دارید ؟!

اکنون برای اطّلاع بیشتر ، این جریان را بخوانید :

حدود دو قرن پیش بود که «بنیامین فرانکلین» برقگیر را

اختراع کرد و این حقیقت مسلّمی است که نمی توان آن را انکـار کرد ، بـا این حـال این امر نیز محرز و مسلّم است که قریب ۳۰۰۰ سال پیش معبد سـلیمان مجهّز به ۲۴ برقگیر بود . معبـد مزبور هرگز دچار برق زدگی نشـد و «فرانسوا آراگو» در قرن ۱۸ در این باره چنین توضیح داده است :

«سقف معبد به سبک ایتالیائی ساخته شده و با چوب سدر توفال کوبی شده و با ورقه ضخیم مطلّائی روی آن را پوشانیده و از این سر تا آن سر بام را میله های آهنی یا پولادین نوک تیز و طلائی کار گذاشته بودند .

مردم می گفتند این تجهیزات بر روی بام «۲۴ میله نوک تیز» صرفاً به این علّت بود که پرندگان بر روی آن ننشینند .

نمای ساختمان با الوارِ مزیّن به طلا تزیین شده بود . در جلوی معبد نیز حوضی بود که با لوله کشی از آب زلال لبریز می شد . ما در این محلّ به آثار و شواهـدی برخورده ایم که نشان می دهـد این برقگیرها ، از خاصیّت هـدایت کننـده بسـیار نیرومندی برخوردار بوده اند و جالب این که ما هنوز نتوانسته ایم از یک چنین امکانات و تجهیزاتی بهره مند شویم .

بـدیهی است که معبـد بیت المقـدس که از هزاران سال پیش دست نخورده باقی مانده ، می تواند به عنوان نمونه کامل برقگیر قرون گذشته مورد استناد قرار گیرد .

حال این سؤال پیش می آید که حضـرت سلیمان و آرشیتکت او از راز برقگیر آگاه شده و به خواصّ آن پی برده بودند ، پس چرا این راز را به دیگران نسپردند و از آن با کسی سخنی به میان نیاوردند ؟ اکنون ما از دانش پژوهانی که

می خواهند در ورای علم و دانش گام بردارند و مجهولات بسیاری را به معلومات تبدیل نمایند ، سؤال می کنیم که این مسأله را بگشایند و پاسخ صحیح آن را معلوم سازند .(۱۸۵)

همان گونه که توجّه کردید آن ها خود اعتراف کرده اند که : ما هنوز نتوانسته ایم از یک چنین امکانات و تجهیزاتی بهره مند شویم .

این یک نمونه کوچک از پیشرفت علم و صنعت در زمان حضرت سلیمان می باشد و دلیل بر این است که دین و حکومت الهی به معنای نفی صنعت و تکنولوژی نیست ، بلکه خود پدیدآورنده آنست .

نمونه های دیگری از قدرت های عظیمی که هنوز تمدّن بشری از داشتن آن ها عاجز است ، وجود داشته که در حکومت حضرت سلیمان از آن ها استفاده می شده و در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام به آن ها تصریح شده است.

اکنون دنیا با همه ادّعایی که درباره پیشرفت در زمینه قدرت علم و اراده و توانایی دارد ، هنوز نمی تواند یک خودکار را بدون استفاده از وسایل فیزیکی از نقطه ای به نقطه دیگر جهان منتقل کند . ولی شاگرد حضرت سلیمان در یک چشم به هم زدن قدرت انتقال تخت باعظمت بلقیس را داشت و آن را عملی ساخت .

این دلیل واضحی است که انسان برای دست یافتن به قدرت های بزرگ نیاز به داشتن قدرت های فرامادّه دارد و تا به آن قدرت دست نیابد در اسارت مادّه یعنی زمان و مکان خواهد بود و دستیابی به قدرت های عظیمِ فرامادّه و رسیدن به برتری ها جز با پیمودن راه دین ممکن نیست .

بنابراین دین نه تنها مانع پیشرفت علم و دانش نیست بلکه خود پدید آورنده پیشرفته ترین تکنولوژی صحیح و

صنایع سالم خواهد بود .

جهان در حکومت الاهی حضرت بقیّه اللَّه الأعظم عجّل اللَّه تعالی فرجه شاهد چنین پیشرفت های مهمّ خواهد بود . در آن زمان نه تنها انسان ها در اوج مسایل معنوی خواهند بود بلکه دارای عظیم ترین صنعت های پیشرفته و تکنولوژی صحیح خواهند بود .

ما باید با تمامی وجود از خداوند متعال فرارسیدن هرچه زودتر آن روزگار پرشکوه را بخواهیم و خود را برای بودن در آن عصر بسیار باعظمت آماده سازیم .

ما باید بدانیم آفرینش انسان به خاطر قتل ها و کشتارها ، ظلم ها ، جنایت ها و تشکیل حکومت های جبّار خودکامه نبوده است ؛ بلکه برای تشکیل و استقرار حکومت الاهی که انسان ها را زیر پوشش دستورات حیاتبخش خود قرار دهد بوده است ؛ ولی تاکنون ستمکاران مانع آن بوده اند .

از خداوند می خواهیم با برطرف نمودن همه موانع ظهور ، حکومت حضرت بقیّه اللَّه الأعظم ارواحنا فداه را برساند و ما را از خدمتگزاران حضرتش قرار دهد .

به دست آوردن تکنولوژی صحیح و پیشرفته فقط در سایه دین ممکن است

اکنون به تشریح یک نکته بسیار مهمّ و حیاتی می پردازیم که یقیناً خوانندگان محترم با توجّه به این نکته ، دیدگاه دیگری درباره برنامه های پیشرفته دین خواهند داشت و از افقی برتر و والاتر به مسایل حیاتی دین خواهند نگریست .

برای بیان این نکته ، مقدّمه کوتاهی را بیان می کنیم و آن این است که توجّه داریم انسان یک موجود مادّی محض نیست ، به دلیل این که انسان دارای روح نیز می باشد . ولی آیا انسان فقط مرکّب از جسم و روح است ؟ یا از روح و نفس و جسم ؟ و یا از روح و عقل و نفس و جسم ترکیب شده و

یا ...؟

این سؤال بسیار مهمّی است که وجود انسان از چه چیزهایی تشکیل شده است . از زمان های گذشته پیروان ادیان درباره آن بحث نموده و طبق فهم خود آنچه را که درک نموده اند ، بیان کرده اند . هر یک از این نظریّه ها طرفدارانی دارند و هر کدام از کسانی که در این باره به بحث پرداخته اند ، برای اثبات عقیده خویش به مطالبی استدلال نموده اند .

ما اکنون نیازی نداریم که ثابت کنیم انسان جدای از روح و جسم ، مستقلاًّ دارای عقل و نفس است یا آن دو تابع روح و جسم می باشند یا از آن دو ایجاد شده اند ؟ زیرا بنا بر هر کدام از این عقیده ها ، روح دارای وجود مستقلّ است نه تابع جسم انسان .

وقتی که بر اثر پیروی از مکتب خاندان وحی علیهم السلام آموختیم که روح دارای وجود مستقلّ است و برخلاف برخی از مکاتب مادّی - که می پندارند روح تابع جسم است - روح را دارای استقلال و منشأ آثار دانستیم ، باید در پیرامون آن ها و درباره قدرت های روح به فکر و اندیشه بپردازیم .

نقص اختراعات کنونی

در نتیجه بحث و بررسی درباره آثار و نیروهای روح به این نکته مهمّ پی می بریم که آنچه را دنیای کنونی به عنوان صنعت و تکنولوژی به مردم عرضه کرده است ، اختراعاتی بوده است که روح انسان را در اسارت جسم و محتاجِ آن قرار داده است و هیچ گونه نشانی از قدرت های روحی که در آن ها جسم انسان تابع روح باشد وجود ندارد .

این یک کمبود و نقص بزرگ برای تکنولوژی موجود است که متأسّفانه دانشمندانِ عصر غیبت درباره

آن به برنامه درستی دست نیافته اند .

توجّه داشته باشید : ما که می گوییم تکنولوژی عصر غیبت دارای نقص و کمبود است به این دلیل است که وسایل تندرو این زمان را با گاری و کالسکه مقایسه نکرده ایم ، ما می گوییم قدرت های فراوانی را که خداوند در نهاد انسانِ والا قرار داده است و خود را به خاطر آفرینش او »احسن الخالقین« می داند و می گوید : »تَبارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقین«(۱۸۶) ، با توجّه به عظمت چنین موجودی آنچه را که انسان از یک بُعد وجود خویش استفاده کرده و بُعد دیگر را به دست فراموشی سپرده ، اندک و دارای کمبود است .

ما می گوئیم انسان به دلیل آنکه دارای روح است ، نباید همیشه روح را تابع جسم قرار دهد بلکه انسان باید بیاموزد که می تواند با توجّه به بُعد دیگرِ خویش ، جسم را تابع روح قرار دهد و به این وسیله خود را از قید مادّه و از مرز زمان رها کند ؛ ولی تمامی صنایع و اختراعات در عصر غیبت گرفتار و پای بست تقیّدات مادّی است .

به این جهت می گوییم تکنولوژی در عصر غیبت تک بُعدی است و از تکاملی که باید دارای آن باشد ، برخوردار نیست .

ما می گوییم در عصر درخشان ظهور که از نظر تمام ابعاد وجود ، به قدرت و تکامل می رسد ، به قدرت های بسیار عظیم فرامادّه دست می یابد و بر اثر آن نه تنها در تکنولوژی و صنعت مادّی دارای پیشرفت گسترده می شود ، بلکه از قدرت های برتر نیز بهره مند می گردد .

اکنون برای آنکه گفتار خود را با سخنان حیاتبخش خاندان وحی علیهم السلام محکم کنیم ، روایتی

را نقـل می کنیم که برخی به آن روایت برای صـنعت هـای پیشـرفته عصـر ظهور ، اسـتدلال نموده انـد . اکنون به اصل روایت توجّه کنید :

ابن مسکان می گوید : از امام صادق علیه السلام شنیدم که آن حضرت می فرمود :

إنّ المؤمن فی زمان القائم وهو بالمشـرق لیری أخاه الّـذی فی المغرب ، وکـذا الّـذی فی المغرب یری أخاه الّـذی فی المشـرق. (۱۸۷)

قطعاً شـخص مؤمن در زمان قائم در حالی که در مشـرق است حتماً برادر خودش را که در مغرب است می بینـد . و همین طور آن کس که در مغرب است برادر خودش را که در مشرق می باشد می بیند .

تحلیل قدرت یابی در عصر ظهور

نکته بسـیار جـالبی که از این روایت اسـتفاده می شـود این است که در عصـر ظهـور تحـوّلی شـگفت انگیز و فوق العـاده برای بشـریّت به وجود می آیـد که بر اثر آن انسـان می توانـد دوسـتان خود را در دورترین نقطه های گیتی ببینـد و با وجود صـدها کیلومتر فاصله به خوبی آنان را مشاهده نماید و از حال آنان آگاه شده و اطّلاع پیدا کند .

این قـدرت یابی که برای انسان در عصـر پیشـرفته ظهور واقع می شود به چنـد صورت ممکن است مورد بررسـی و تحلیل قرار گیرد :

۱ - آنچنان قـدرت فکر و انـدیشه انسان کامل شود و نیروی اراده او قوی گردد که با اراده و تمرکز فکر بتواند در هر نقطه ای از عالم ببینـد ؛ به این گونه که در میدان دید ظاهری گسترش ایجاد شود ، یا این که مقصود از رؤیت را به عنوان رؤیت باطنی و دیدن با چشم دل معنی کنیم .

این تحلیل ، با توجّه به مطالبی که درباره تحوّل فکر و اندیشه و تقویت

اراده در عصر ظهور گفته ایم ، یک امر طبیعی است .

۲ – در عصر پرشکوه ظهور آنچنان صنعت و تکنولوژی پیشرفت می کند که انسان ها می توانند با استفاده از وسایل پیشرفته ، یکدیگر را در شرق و غرب عالم ببینند .

نکته ای که باید به آن توجّه داشته باشیم این است که اکنون ذهن ما با کامپیوتر ، اینترنت و تلویزیون آشنا است ، و می دانیم عدّه ای می توانند تصویر دیگران را در اینترنت و... ببینند به دلیل وجود این گونه وسائل تصویری ، ممکن است اختراعات پیشرفته آینده را نیز یک نوع وسیله تصویری بدانیم، در حالی که ممکن است وسایلی که در آینده در اختیار انسان ها قرار می گیرد نه تنها تصویر آن ها ، بلکه به گونه ای نشان دهنده تجسّم آنان باشد . به تعبیر دیگر نشان دهنده وجود دوبُعدی آن ها نیست ، بلکه وجود سه بُعدی آن ها را نشان می دهد .

۳ – تحلیل دیگری نیز به نظر می آید و آن این است که بر اثر پیشرفت بی سابقه و شگفت انگیزی که در بُعد مادّی و معنوی برای انسان ها پیش می آید ، انسان ها از هر دو طریقی که بیان کردیم می توانند استفاده کنند .

۴ – علاوه بر آنچه گفتیم ممکن است تحلیل دیگری ارائه شود و آن این که بر اثر افزایش قدرت های باطنی ، انسانها بتوانند وجود مثالی خویش را در نزد برادران خود – در هر نقطه عالم که باشند – حاضر ساخته و با تجسّم بخشیدن به وجود مثالی یا بدون تجسّم آن ، برادران خود را ببینند .

نکته ای که در توضیح این روایت اضافه کنیم این است که : ما چه همه یا چند تا یا یک

تحلیل از تحلیل های گذشته را بپذیریم و چه تحلیل دیگری در توضیح روایت داشته باشیم ، به این مطلب باید توجّه کنیم که از ظاهر این روایت چنین استفاه می شود که این قدرت یعنی دیدن افراد در هر نقطه جهان ، حالتی است که برای عموم مردم به وجود خواهد آمد . یعنی از روایت ، حالت همگانی و عمومیّت استفاه می شود .

بنابراین با هر تحلیلی که روایت را توضیح دهیم باید بدانیم که قدرت رؤیت از راه دور در عصر پیشرفته ظهور ویژه گروه خاصّی نیست بلکه عموم مردم دارای چنین قدرتی خواهند بود .

۵ - رؤیت و دیدن یکدیگر به گونه دیگر نیز ممکن است و آن ، حضور طرف مقابل در نزد انسان باشد ؛ برعکس برخی از صوری که ذکر کردیم. شبیه آنچه در روایات وارد شده است که هر کس به حضرت خضر علیه السلام سلام کند او در نزد وی حاضر می شود . اکنون به روایت توجّه کنید :

در روایتی حضرت امام رضا علیه السلام درباره حضرت خضر می فرمایند :

إنّه لیحضر حیث ما ذکر ، فمن ذکره منکم فلیسلّم علیه .(۱۸۸)

او هر زمان که یاد شود حاضر می شود ، پس هر کس از شماها او را یاد کرد باید بر او سلام کند .

در هر صورت ، لازمه برخی از صوری که ذکر کردیم ، بودن انسان در دو مکان یا بیشتر از آن است .

۶ - یکی از تحولّات چشمگیر عصر درخشان ظهور را تحوّلی بدانیم که در دیدِ انسان رخ می دهد و با اراده توانایی و قدرتِ برای دیدن از راه دور برای او فراهم می گردد .(۱۸۹)

تحوّلی

که در دیدِ انسان ایجاد می شود به گونه ای است که افزایشی شگفت انگیز در آن به وجود می آید .

درباره شگفت انگیز بودن قدرت دیدِ انسان در روزگار رهایی به این روایت توجّه کنید : امام صادق علیه السلام فرمودند :

إنّ قائمنا إذا قام مدّ اللّه لشیعتنا فی أسماعهم وأبصارهم حتّی (لا)یکون بینهم وبین القائم برید ، یکلّمهم فیسمعون وینظرون إلیه ، وهو فی مکانه .(۱۹۰)

به راستی آن گاه که قائم ما قیام نماید خداوند در گوش ها و چشمان شیعیان ما کشش ایجاد می کند (بر قدرت آن ها می افزاید) تا آنجا که میان آن ها و حضرت نیازی به پُست (واسطه) نیست . او با آنان سخن می گوید و آن ها می شنوند و به او نگاه می کنند در حالی که او در مکان خود می باشد .

این روایت صریح است که در عصر ظهور ، خداوند در قدرت دیدن و شنیدن انسان ها افزایشی ایجاد می کند که همه می توانند حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه را در هر کجای عالم که باشند ببینند و صدای آن حضرت را بشنوند .

دقّت در روایت

قابل ذکر است که این گونه روایات را برخی از نویسندگان به «تلویزیون» و... تطبیق نموده اند که با توجّه به تعبیراتی که در روایت شده است به هیچ وجه نمی توان گفت مقصود امام صادق علیه السلام از این روایت تلویزیون می باشد ؛ زیرا :

۱ - امام صادق علیه السلام می فرمایند : مؤمن برادر خودش را می بیند ؛ اگر مقصود آن حضرت ، تلویزیون می بود ، باید همه مردم جهان در تلویزیون ظاهر شوند تا برادران شان آنان را در قسمت دیگر کره زمین ببینند . زیرا «الف و لام» در «المؤمن» برای جنس است و

اطلاق دارد ؛ یعنی همه مؤمنین را شامل می شود . و تلویزیون آن گونه قابل بهره برداری نیست که هر کس بتواند برادر خودش را در آن ببیند ، بلکه تنها کسانی را در تلویزیون مشاهده می کند که در صحنه یا فیلم حاضر شده اند .

تاکنون چند نفر از هفت میلیارد جمعیّت جهان(۱۹۱) ، برادر خود را در تلویزیون دیده اند ؟

نکته های قابل توجّه دیگری در روایت وجود دارد که دلالت بر تأکید مطلب می نماید ؛ یعنی از آن ها استفاده می شود اطلاق دیدن مؤمن برادر خود را در قسمت دیگر کره زمین ، حتمی و قطعی است ؛ زیرا این روایت: ۱ - با جمله اسمیّه شروع شده است . ۲ - در ابتدای آن کلمه «إنّ» وجود دارد . ۳ - «لیری أخاه» با لام آورده شده که همه اینها دلیل بر تأکید اصل مطلب که اطلاق کلام است می نماید .

با توجّه به این نکات در آن عصر درخشان و شکوهمند ، هر فرد مؤمن برادر خود را از راه های بسیار دور می بیند همان گونه که او نیز برادر خود را می بیند و این مطلبی است که امام صادق علیه السلام در این روایت آن را با چند تأکید بیان فرموده اند .

۲ - روایت ظاهر در این است که برادر خصوصیّتی در مشاهده ندارد و امام علیه السلام آن را به عنوان مثال بیان نموده اند و گرنه در آن زمان مؤمن نه تنها برادر خود بلکه خواهر ، مادر ، دختر ، همسر و سایر بستگانش را می تواند از یک قسمت کره زمین در قسمت دیگر آن ببیند . آیا همه خواهران و... باید در تلویزیون برنامه

داشته باشند تا مؤمن بتواند آن ها را ببیند ؟!

۳ – ظاهر روایت این است که مقصود از دیدن در این روایت طرفینی است یعنی همان طور که فردی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می بیند ، کسی هم که در مغرب است برادر خود را در مشرق می بیند ؛ هر دو یکدیگر را می بینند ، ولی در تلویزیون کسی که به آن نگاه می کند افرادی را در تلویزیون می بیند ولی آنان که در صحنه تلویزیون هستند نمی توانند کسانی را که به صحنه نگاه می کنند ، ببینند .

جالب توجّه است که امام صادق علیه السلام افزایش نیروی دید و شنوایی مردم را به زمان قیام حضرت بقیّه اللّٰه ارواحنا فداه مقیّد نموده اند و فرموده اند : «هر گاه قائم ما قیام نماید ...» که از آن استفاده می شود قبل از قیام آن حضرت دیدن و شنیدن مردم آن گونه نیست .

بنابراین نمی توان گفت که مقصود آن حضرت تلویزیون می باشد – همان گونه که متأسّفانه چند نفر از نویسندگان گفتار امام صادق علیه السلام در این روایت را به تلویزیون تطبیق نموده اند – زیرا ظاهر روایت این است که آن حضرت در مقام بیان ویژگی های عصر ظهور می باشند .

۴ – اگر مقصود آن بزرگوار از این کلام تلویزیون باشد ، این امتیازی برای زمان قیام امام عصر ارواحنا فداه نخواهد بود ؛ زیرا تلویزیون قبل از قیام آن ، اختراع شده و در عصر تیره غیبت بسیاری از مردم را به تاریکی بیشتر کشانده است .

۵ – اگر چه با نگاه به تلویزیون ، انسان افراد را از راه های دور در سراسر جهان می بیند ولی

قدرت دیدن و شنیدن با وسایل صنعتی به معنای امتداد و افزایش قدرت دیدن و شنیدن نیست .

۶ - در این روایت ، خصوصیّت ذکر شده به شیعیان اختصاص داده شده ؛ زیرا امام صادق علیه السلام می فرماید : «مدّ اللّه لشیعتنا» و استفاده از تلویزیون اختصاص به شیعیان ندارد .

۷ - نگاه کردن به تلویزیون نه تنها باعث افزایش قدرت دیدن نمی شود بلکه همان گونه که دانشمندان گفته اند نگاه کردن به تلویزیون برای چشم زیان آور است نه آن که قدرت چشم را افزایش می دهد .

۸ - اگر مقصود از روایت ، وسیله های ظاهری باشد ، چه دلیلی داریم که آن وسیله تلویزیون است ، شاید وسیله ای بسیار پیشرفته ای غیر از تلویزیون باشد . پس اگر حتّی احتمال داده شود که مقصود آن حضرت چیزی غیر از تلویزیون می باشد ، به چه دلیل کلام امام علیه السلام را بر تلویزیون حمل کنیم ؟!

۹ - نکته بسیار جالبی که در بعضی از روایات وجود دارد ، تصریح به این مطلب است که تحوّلی که در شنیدن و دیدن رخ می دهد ، بعد از ظهور و قیام آن حضرت واقع می شود .

بنابراین هر گونه وسیله ای از قبیل تلویزیون ، کامپیوتر ، اینترنت و یا هر وسیله ای که قبل از ظهور آن حضرت وجود داشته باشد نفی شده و این روایت شامل آن ها نمی شود .

امام صادق علیه السلام این تحوّل عظیم را که در وجود انسان واقع می شود مقیّد به پس از قیام و ظهور حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی فرجه نموده و فرموده اند : «إنّ قائمنا إذا قام...» که صریح در این باره است که

تحوّل عظیمی که در وجود انسان واقع می شود ، پس از قیام آن بزرگوار است .

۱۰ – نکته جالب توجّه دیگر این است که حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند : «مدّ اللّه لشیعتنا فی أسماعهم وأبصارهم...» خداوند در گوش ها و چشمان شیعیان ما کشش ایجاد می کند و بر قدرت شنوایی و دید آن ها می افزاید . اگر مقصود آن حضرت از این تحوّل به خاطر وسیله های ظاهری مانند تلویزیون و کامپیوتر باشد ، بدیهی است در چشم و گوش افراد ، هیچ گونه تحوّلی ایجاد نشده و بر قدرت آن ها افزوده نشده است .

بنابراین همان گونه که متن روایت واضح است مقصود حضرت امام صادق علیه السلام از فرمایشی که فرموده اند : »مدّ اللّه لشیعتنا...« ، تحوّل در وجود آن ها است نه در خارج از وجود آن ها که اسباب و وسیله های ظاهری باشد .

۱۱ – نکته جالب توجّه دیگر این است که امام صادق علیه السلام می فرمایند : «مدّ اللّه ...» این تحوّل و تغییر را کار خداوند دانسته و به خدا نسبت می دهند . یعنی پس از قیام امام عصر ارواحنا فداه خداوند این تحوّل را در مردم ایجاد می کند که دلیل بر یک دگرگونی غیر طبیعی و فوق العاده است و از ظاهر عبارت واضح است که اختراع تلویزیون و یا وسیله ای دیگر همانند آن را به خداوند نسبت نمی دهند .

۱۲ – حضرت ولیّ عصر عجّل اللّه تعالی فرجه در جهانداری و نظم جهانیان از قدرت های فوق العاده معنوی استفاده می نمایند و به این گونه برای تکامل جهان و جهانیان در مردمانِ عالَم تحوّل ایجاد می نمایند . با این بیان ، خام اندیشی جهانخوارانی که می خواهند

جهان را با تکیه بر سیاست و تک بُعدی اصلاح نمایند ، روشن می شود . این کوچک اندیشان - که خود در خم یک کوچه گرفتارند - گمان می کنند که می توانند هفت اقلیم جهان را اداره کنند !!

۱۳ - از ویژگی های عصر درخشان ظهور ، کاسته شدن محدودیّت های زمان و مکان است . از آنجا که این گونه بحث ها تاکنون متأسّفانه مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است ، برای جامعه ما شگفت انگیز می باشد . به این جهت می توان این گونه بحث ها را به عنوان «شگفتی های عصر درخشان ظهور» و آن زمان را «زمان شگفتی ها» نامید .

ممکن است ایجاد تحوّل در مسأله زمان و مکان در عصر ظهور و بحث در این باره برای ما تازگی داشته باشد ، ولی با جستجو در روایات و گفتار خاندان وحی علیهم السلام می بینیم این بحث ها عنوان شده و بنابر این آشنا نبودن جامعه ما با طرح این گونه مطالب مهمّ ، دلیل بر این نیست که آن بحث ها در روایات اهل بیت علیهم السلام عنوان نشده اند .

روایتی را که در اینجا نقل نمودیم ، نمونه ای از آنهاست که در آن امام صادق علیه السلام از شکسته شدن محدودیّت مکان در عصر ظهور پرده برداشته اند و آن را به عنوان یک مطلب قطعی و حتمی بیان فرموده اند .

محدود بودن بشر در طول تاریخ تاکنون به زمان و مکان و مقیّد بودن انسان به این دو ، مسأله ای نیست که نیازی به توضیح و بحث داشته باشد و برای همه روشن است که انسان در بند زمان و مکان اسیر بوده و هست و تاکنون برای نجات از آن نقشه های فراوانی کشیده است

ولی شکسته شدن محدودیّت در سطح عالی در عصر ظهور واقع می شود .

جمله ای که امام صادق علیه السلام می فرمایند (... لیری أخاه الّذی فی المغرب...) دلیل بر شکسته شدن نسبی محدودیّت مکان است ؛ زیرا در این روایت زمان ظهور حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه این گونه توصیف شده است که : در آن زمان حتماً مؤمن از مشرقِ عالم ، برادرش را در غرب عالم می بیند .

این نکته ، دلیل بر آن است که فاصله صدها هزار کیلومتر میان دو نفر و دور بودن آن ها از یکدیگر در این مسافت طولانی ، دلیل بر این که آن ها یکدیگر را نبینند نمی شود و بُعد مکانی و فاصله بودن میان دو نفر حتّی در این سطح وسیع ، آن ها را از دیدن یکدیگر محروم نمی نماید .

این خود دلیل بر شکسته شدن نسبی مسأله مکان است به گونه ای که با وجود آن همه مسافت ، گویا آنان در کنار یکدیگر و هر دو در یک مکان هستند . این همه پیشرفت بر اثر تحوّلی است که در قدرت دید انسان ها به وسیله اختراع دستگاه های پیشرفته ایجاد می گردد ؟

با تکمیل عقل ها برای یافتن علم و آگاهی - علاوه بر قدرت سمع و بصر - قدرت های فرامادّه وسیله بسیار مهمّی برای کسب علم و آگاهی می باشد .

با وجود همه احتمالاتی که نقل کردیم ، ممکن است که رؤیت و دیدن یکدیگر در عصر ظهور از شرق یا غرب عالم ، به گونه ای دیگر باشد که فکر ما به آن راه نمی یابد .

نگاهی به صنعت روز

از مطالبی که پیرامون پیشرفت شگفت انگیز علم و دانش در روزگار درخشان ظهور ذکر نمودیم و از نکته هایی که

دربـاره تکامل انـدیشه و فرهنگ در عصـر حکومت جهانی امام زمان ارواحنا فـداه یاد نمودیم ، روشن می شود که بسـیاری از تکنیکهای صنعتی و وسایلی که اکنون بشر از آن استفاده می کند - به دلیل تکامل علم و فرهنگ - از رده خارج شده و همان گونه که اکنون بشر به خاطر داشتن ماشین های مدرن و تندرو ؛ کالسکه ، گاری و درشکه را کنار گذارده ، در آن زمان نیز با تکاملی که انسانها در زمینه علم و دانش به آن می رسـند ، بسـیاری از وسایلی را که امروز آن ها را مدرن و پیشـرفته می دانند رها نموده و از وسایل پیشرفته عصر جهش و تکامل علمی بهره می برند .

آیا صـحیح است که جهان بشـریّت با پیشـرفت بی سابقه و شـگفت انگیزی که در تمام ابعاد علم و دانش می نماید ، باز هم از وسایل دوران گذشته استفاده کند ؟!

آیا استفاده از وسیله های دوران گذشته با وجود وسایل پیشرفته ، عقب گرد به زمان گذشته نیست ؟!

بی تردیـد و بـا قـاطعیّت می توان گفت : همان گونه که اکنون انسان نـخ و سوزن را رها کرده و از چرخ های پیشـرفته خیاطی اسـتفاده می کند ، و همان گونه که از گاری ، کالسـکه و درشـکه دست برداشـته و سوار آخرین ماشین های مدرن می شود ؛ پیشـرفت زمان و تکامل علم و فرهنگ بیشتر وسایل کنونی را - اگر نه همه آن ها را - کنار نهاده و با استفاده از پیشرفت سریع و خارق العاده علم و دانش ، به ساختن وسایلی می پردازد که وسیله های این زمان در برابر آن ها دارای ارزش نیست .

برای روشن شدن مطلب به عنوان مثال می گوییم : اگر

کسی که بتواند از انرژی خورشید بهره گرفته و ماشین و وسایل خود را با آن به حرکت درآورد ، آیا صحیح است که از بنزین و گازوئیل استفاده کرده و فضا را آلوده سازد ؟!

همان گونه که در گذشته بیان کردیم در آن روزگار پرشکوه نه تنها انسان به بهترین وجه و کاملترین نوع از وسایل موجود مادّی در علم و صنعت بهره گیری می کند؛ بلکه با پیشرفت در امور معنوی و راهیابی به ملکوت اشیاء به قدرت های بسیار ناشناخته در عصر ما ، دست می یابد و با بهره گیری و استفاده از آن ها به وسیله های بسیار پیشرفته و مدرن دست یافته و در زندگی از آن ها بهره می گیرد .

بنابراین می گوییم : وسایل پیشرفته عصر ما – و یا حداقلّ بسیاری از آن ها – در آن عصر درخشان علم و فرهنگ ، کنار نهاده می شوند .

بدیهی است این کار به معنای بازگشت به زمان های قبل و عقب گرد به دوران های گذشته نیست ؛ بلکه با تکامل دانش و بینش انسان ها در عصر فرخنده حکومت الاهی حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه انسان ها با جهش به سوی تکامل علم و صنعت ، از وسیله هایی استفاده می کنند که بهره گیری از وسایل پیشرفته کنونی نسبت به آن ها همچون استفاده از گاری و درشکه در این زمان است !

این یک حقیقت واضح و روشن برای همه کسانی است که روزگار پرشکوه ظهور را عصر تکامل علم و دانش و بینش می دانند .

زیرا می دانند همان گونه که پیشرفت علم نسبت به گذشته در یک قرن اخیر تحوّلات زیادی در صنعت به وجود آورد ، پیشرفت خارق العاده دانش در عصر حکومت الاهی امام

عصر ارواحنا فداه، تحوّلات بسیار مهمّ و شگفت انگیزی برای جامعه بشریّت به ارمغان خواهد آورد که پیشرفت کنونی در برابر آن اهمیّتی ندارد .

خورشید یک منبع بسیار مهمّ نور و روشنایی ، قدرت و انرژی است که بشر هنوز با همه ادّعایی که در زمینه پیشرفت علم و دانش دارد نتوانسته است از انرژی خورشید استفاده کامل نموده و همان گونه که با بستن سدّ از هدر رفتن آبها جلوگیری می کند ، با ذخیره نمودن کامل انرژی خورشید ، از این قدرت بسیار عظیم استفاده نماید .

آنچه تاکنون دانش بشر به آن راه یافته و از آن آگاه شده است ، شناخت خورشید به عنوان یک منبع بسیار مهمّ حیات و دارای انرژی های پرتوان حیاتی است ؛ ولی این نکته که راه استفاده از آن چیست و چگونه می توان به آن راه یافت و به چه وسیله می توان استفاده از انرژی های خورشید را جایگزین استفاده از نفت و گازوئیل و... نمود ، موضوعی است که هنوز در پرده ابهام باقی مانده و تاکنون جز مواردی اندک ، از آن بهره ای نبرده است .

گذشته از خورشید و انرژیِ آن ، ماه یک منبع بسیار مهمّ و پرقدرت است که نیروی آن بر زمین و موجودات آن تأثیر بسیار فراوان دارد ، ولی متأسّفانه بشر با همه ادّعاهایی که درباره پیشرفت علم و دانش دارد ، نتوانسته است انرژی ماه را کنترل و ذخیره نموده و آن را در اختیار خود قرار داده و به گونه صحیح از آن بهره مند شود .

تأثیر نور ماه بر آبهای زمین و جزر و مدّ دریاها و همچنین تأثیر آن بر

جسم و روان انسان ها و نیز تأثیر شگفت آن بر اشیاء دیگر از مطالبی است که دانشِ کنونی به آن پی برده است ولی راه کنترل و یا ذخیره آن و استفاده از آن را در موارد لازم به دست نیاورده است .(۱۹۲)

از خورشید و ماه که بگذریم نور ستارگان و انرژی کهکشان ها نیز از قدرت های بسیار شگفت انگیزی است که هنوز جوامع علمی جهان ، رازهای آن را نگشوده و از چگونگی انباشتن و ذخیره آن ها چیزی به دست نیاورده است .

تأثیری که خداوند برای طلوع بعضی از ستارگان بر زمین و زمینیان قرار داده ، آنچنان شگفت انگیز است که فراتر از باور بسیاری از افراد است !

راه خود را بسیار دور کردیم از زمین به ماه و خورشید رفته و از آنجا به کهکشان سفر نمودیم، اکنون به وطن خود - زمین - بازمی گردیم که شگفتی های مهمّ آن نیز هنوز سربسته باقی مانده ، به گونه ای که علم و دانش کنونی بسیار ناتوان از درک و فهم اسرار آن است و هنوز رازهای خلقتِ زمین همچنان ناگشوده باقی مانده است .

روزگاری که حکومت مطلقه الاهی حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه سراسر گیتی را فرا گیرد و کسانی که شاهد خلقتِ زمین و زمان ، ماه و خورشید ، کهکشان ها و سحابی ها بوده اند برای انسان ها ظاهر شده و بر آنان حکومت نمایند ، سراسر جهان را با نور علم و دانشِ خویش روشن ساخته و ظلمت و تاریکی و جهل را از جامعه دور می سازند .

آری ؛ در آن روزگار - همان گونه که خود وعده داده اند - هیچ گونه دانشی باقی نخواهد ماند

و هیچ رازی پنهان نخواهد بود .(۱۹۳)

ما اکنون با یاد آن روزگارِ ناشناخته ! که اسرار جهان فاش می شود و رازی ناگشوده نمی ماند ، قلب خود را شاد می نماییم و با امید به هر چه زودتر فرا رسیدن آن روزگار پرشکوه به سر می بریم و نیز با شِکوه از وضع کنونی ، آه سرد از دل پردرد می کشیم ، شاید که آه دل را اثری باشد .

در عصر ظهور سرنوشت اختراعات کنونی چیست ؟

گفتیم دو عامل اساسی و مهمّ : ۱ – راهنمایی های امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف ، ۲ – تکامل عقلی و رشد فکریِ مردم عصر ظهور ، آنان را با سرعت هر چه بیشتر به سوی علوم و آگاهی های بس بلند می رساند و تمدّنی بس عظیم را برای آنان به ارمغان می آورد .

اکنون این سؤال را مطرح می کنیم که با پیشرفت عجیب علم و تمدّن در زمان پرشکوه ظهور ، سرنوشت اختراعات کنونی چه خواهد شد ، آیا آن ها نابود خواهند شد ؟ آیا مردم عصر ظهور از آن ها استفاده خواهند نمود ؟ و آیا...

این سؤالی است که ممکن است در ذهن بعضی از افراد وجود داشته باشد و سزاوار است که پاسخی قانع کننده به آن داده شود .

ما برای پاسخ گویا و مفصّل به این سؤال ، اختراعات این زمان را دسته بندی می کنیم تا بتوانیم پاسخ جالبی را به خوانندگان محترم ارائه دهیم :

اختراعات زیان بار نابود می شوند

تعدادی از اختراعات که تا این زمان انجام گرفته است شامل وسایل ویرانگری می شود که در جنگ ها و کشتارها آن ها را به کار گرفته و می گیرند مانند بمب های اتمی ، و... .

بدیهی است وجود این گونه اختراعات که جز تباهی و ویرانگری و خونریزی برای جامعه بشریّت چیزی به ارمغان نیاورده و جز ظلم و فساد اثر دیگری نداشته است ، با حکومت عدلِ الهی حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی فرجه سازگار نیست .

روشن است که نابود ساختن چنین وسایلی ، به نفع جامعه بشریّت می باشد و برای نجات انسان ها و دیگر موجودات باید این گونه وسایلِ مخرّب نابود شوند .

نه تنها در حکومت عادلانه

حضـرت مهـدی ارواحنا فـداه این گونه وسایل نابود می شونـد ، بلکه گاهی در طول تاریـخ برخی از پادشاهانی که از انسانیّت بهره ای داشته اند با ساختن این گونه وسایل اگرچه به آن کاملاً نیاز داشته اند سخت مخالفت ورزیده اند .

یکی از کسانی که با ساختن این گونه وسایل ویرانگر سخت مخالفت ورزید »لوئی پانزدهم« است .

«لوئی پانزدهم» را از سلاطینی دانسته اند که برای علم و دانش ارج و قرب فراوانی قابل بود و دانشمندان را احترام می گذاشت و امکان فعالیّت و پژوهش های آن ها را فراهم می ساخت . در دوران سلطنت او شیمیدانی به نام «دوبره» نوعی آتش مخرّب با تأثیر شـگرف و آنی ساخته بود که هیـچ کس قـدرت مقابله یا پرهیز از آن را نـداشت . و حتّی آب هم به جای خاموش کردن آن ، بر آتش و قدرت او می افزود .

«دوبره» در کانـال ورسـای در حضـور پادشـاه و در محـوطه زرّاد خـانه پـاریس ، مـادّه اخـتراعی خود را آزمـایش کرد و «لوئی پانزدهم» که شدیداً متعجّب و متوحّش شده بود ، از این که می دید مادّه ای وجود دارد که می تواند شـهری را به آتش بکشد و یا فوجی را نابود کند ، دستور داد که این اختراع فوراً از بین برده شود و اسرار آن با کسی در میان گذاشته نشود .

بـا آن که «لوئی پـانزدهم» در آن زمـان بـا انگلسـتان جنـگ می کرد و برای نابودی نیروی دریایی دشـمن نیاز به چنین اسـلحه مخرّبی داشت ، با این حال به گفته خود برای نجات بشـریّت مصـلحت در آن دیـد که آن سـلاح را به کار نگیرد و در نابودی آن بکوشد .(۱۹۴)

علم نمی تواند جهان را رهبری کند

اگرچه در

قرن هفدهم و هیجدهم میلادی بسیاری از دانشمندان ، بر اثر پیشرفت هایی که در علم به دست آمده بود ، گمان می کردند روزگاری می رسد که علم جهان را رهبری کند و در سایه قوانینی که با استفاده از علم وضع می شود ، دنیا را از نابسامانی ها و گرفتاری ها نجات می دهند ؛ ولی گذشت زمان ثابت کرد حقیقت غیر از آن است که آنان گمان می کردند . زیرا پیشرفت علم و دانش نه تنها جهان را از بی عدالتی و نابسامانی نجات نداد بلکه بر رنج و اندوه و گرفتاری های جامعه بشریّت افزود .

تاریخ نشان دهنده این حقیقت است که تاکنون میلیون ها نفر بر اثر پیشرفت علم ، جان خود را از دست داده اند ، میلیون ها نفر بی خانمان شده و از هستی ساقط گشته اند . همه این ها به خاطر این نکته است که علم پیشرفت کرده است ولی انسانیّت تقویت نشده است ، در صورتی که پیشرفت باید همه جانبه باشد نه تک بُعدی .

علم در صورتی که همراه با عقل و انسانیّت پیشرفت کند ، جامعه را به سوی تکامل می برد ولی اگر بدون اینها باشد ، هستی اجتماع را به نیستی می کشد .

چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا

نظام آفرینش بر مبنای تکاملِ صحیح قرار دارد به این معنی که همه نباتات ، حیوانات و انسان ها از روزی که خلق می شوند تکامل آنان شروع می شود . اگر آنان به همان حالی که در روز اوّل خلقت شان هستند باقی بمانند ، دنیا به چه صورتی در خواهد آمد ؟ بنابراین تکامل به این معنی ، از شرایط حتمی زندگی است .

نکته مهمّی که وجود دارد این است

که تکامل جسـمی باید همراه و همگام با تکامل فکری و روحی باشد ، یعنی همان گونه که کودکان از نظر جسـمی رشد پیدا می کننـد بایـد از نظر فکری و روحی نیز تکامـل بیابنـد . اگر آنـان از نظر جسـمی رشـد نماینـد ولی در افکـار و انـدیشه هـای کودکانه آنان هیچ گونه تحوّلی ایجاد نشود ، جامعه به چه وضعی درمی آید ؟!

پس تکامل جسمی انسان ها باید همراه با تکاملی فکری و رشد عقلی آنان باشد.

این همراهی و همگامی بایـد در تمام ابعاد جامعه وجود داشـته باشد و گرنه در صورتی که بشـر از جهتی دارای تکامل باشد و از جهت دیگر تنزّل کند یا همچنان متوقّف بماند ، تعادل در آن اجتماع از میان می رود و جامعه را به سقوط می کشاند .

بنابراین، همان گونه که جامعه در راه علم و صـنعت تلاش می کند و خواهان پیشرفت و تکامل علم و صنعت و رسیدن به اوج مسائل مادّی است؛ بایـد از نظر روحی و معنوی ، در حالِ تکامل باشد و گرنه پیشـرفت در علم و صـنعت بدون توجّه به مسائل روحی و معنوی ، آینده ای بسیار تاریک و خطرناک را به ارمغان می آورد !

اگر جامعه بشریّت و طرفداران مدرنیزه کردن جهان در جستجوی پیشرفت و تکامل هستند ، باید در راه تکمیل و تکامل فکری و روحی جامعه نیز تلاش کنند ، نه اینکه فقط به تکامل ابزاری که می سازند ، بپردازند .

اوّل باید در ساختار وجود انسان ها از نظر شخصیّت ، افکار و اندیشه ها تحوّل و تکامل ایجاد شود تا پیشرفت واقعی در تمدّن و صنعت به وجود آید ، و گرنه پیشرفت تک بعدی جهان

را به نابودی و انهدام تهدید می کند .

آینده جهان و جنگ جهانی

معروف ترین شخصیّت های جهان در گذشته و حال ، از نابودی و انهدام جهان ترس و هراس داشته اند و دانسته و می دانند که این سرنوشت را خود برای مردم جهان به وجود آورده اند . یکی از این گونه افراد اینشتین است .

«راسل» می گوید : بمب اتمی و حتّی بیشتر از آن بمب هیدروژنی ، سبب ایجاد وحشت های تازه ای شده و نتایج علم را در زندگی بشر ، بیش از پیش در معرض تردید قرار داده است . حتّی بعضی از صاحب نظران برجسته ، که «اینشتین» به شمار آنان است ، خاطر نشان ساخته اند که خطر محو حیات ، این سیّاره خاکی را تهدید می کند .(۱۹۵)

«دکنت دونوئی» می گوید : امروز که بشریّت ، در نتیجه به کار بردن نیروی اتمیک، تهدید به انهدام کامل می شود، مردم تازه متوجّه می شوند که تنها نجات مؤثّر آن ها ، منوط به توسعه بیشتر و عالی تر اخلاق انسان است . برای اوّلین بار در تاریخ بشر ، انسان از کاری که با هوش خود انجام داده بیمناك است .(۱۹۶)

آری ؛ اکنون بسیاری از سیاستمداران اروپایی درباره آینده انسان و جهان در هراس عجیبی به سر می برند و نمی دانند آیا سرانجام بر اثر استفاده از سلاح های هسته ای جهان بکلّی نابود خواهد شد یا نه ؟!

یکی از عوامل مهمّی که آینده جهان را تهدید نموده و زمینه جنگ جهانی را فراهم می کند ، فروش وسایل پیشرفته نظامی به دولت های دیگر است . سیاستمداران برای کسب ثروت بیشتر و نیز نفوذ فراوان تر در کشورهای دیگر ، دست به این گونه کارهای ویرانگر می زنند .

فروش تسلیحات نظامی به

کشورهای دیگر ، یکی از منابع مهمّ درآمد برای کشورهای بزرگ به حساب می آید . از این جهت هر روزی سلاحی تازه تر به بازار می آید و هر روز اسحله ای ، قویتر از اسلحه دیگر درست می شود . اینک این گزارش را مطالعه کنید :

«... دو بمبی که در اواخر جنگ جهانی دوّم روی دو شهر ژاپنی «هیروشیما و ناکازاکی» انداخته شد ، خرابی های زیادی بر جای گذاشت ، حال آن که بمب نوترونی برخلاف بمب اتمی فقط کشنده است و حتّی به اندازه یک سر سوزن قدرت تخریب ندارد .

قدرت انفجارش ناچیز است ؛ زیرا ۸۰ درصد انرژی آن به شکل اشعّه نوترون آزاد خواهد شد . این اشعّه بر هر میدان جنگی که ساطع شود ، کلیّه موجودات زنده حتّی موجودات ذرّه بینی را نابود خواهد ساخت» .

«ساموئل کوهن» درباره معایب و محاسن اختراع خود ! چنین ادامه می دهد : بمب نوترونی دو عیب عمده دارد : اوّل این که چون شهرها و ساختمان ها را بی آسیب می گذارد ، ممکن است دشمن آن ها را اشغال کند و یا این که برای نابودی آن ها از سوی دشمن بمب اتمی به کار رود . و عیب دوّم این بمب در محدوده عملش تمامی موجودات حتّی موجودات انگلی را نابود می سازد و شهر بزرگی را در یک میلیونیم ثانیه به یک گورستان خاموش مبدّل می سازد و سایر موجودات نیز آسیب خواهند دید .

امّا به نظر من بمب نوترونی «اخلاقی تر» از بمب هسته ای است ؛ چرا که بمب هسته ای که از شکسته شدن هسته اتم ساخته می شود . پس از انفجار علاوه بر کشتار، بسیاری را کور ، کر ، و

ناقص العضو می کند ، حال آن که بمب نوترونی با قدرتی که دارد دیگر هیچ کس را ناقص العضو باقی نخواهد گذاشت» . (۱۹۷)

سخن پدر بمب نوترونی حکایت از خیلی چیزها می کند ، از جمله آن که آدم کشی جزو ارزش ها به شمار می رود و اگر بمبی ساخته شود که هیچ انسانی را بر روی زمین باقی نگذارد، بمب بسیار اخلاقی است . آری؛ سرانجامِ انسانی که از خدا بریده و ارزش های الهی را رها کرده است ، این چنین است !» .(۱۹۸)

«با محکوم ساختن ماشین و فنّ جمعی نیز علم را محکوم دانسته اند ، تا بدانجا که این سخن تلخ مأیوس کننده را «برتراندراسل» درباره علم گفت : «شاید ما در عصری به سر می بریم که عصر فنای نوع بشر است. اگر چنین به وقوع پیوندد ، گناه آن بر گردن علم خواهد بود .»(۱۹۹)

در دهه ۱۹۶۰ ، دشمنی نسبت به علم و سرخوردگی از آن به صورتی وسیع در میان جوانان و بخصوص جوانان تحصیل کرده و دانشگاهی رواج گرفت ، زیرا بشر از اینهمه مسائل و مصائب ناشی از گسترش فنون به ستوه آمده است.»(۲۰۰)

«تمدّن کنونی غربی ، همان طور که علم را به منافع غیر انسانی و حقیرانه آلوده است ، دموکراسی را نیز پرده استتار هدف های نامردمی خود ساخته است . وقت آن رسیده است که درباره سرنوشت این تمدّن تولید و مصرف بیندیشیم و موجبات از خودبیگانگی و بی اعتدالی و درماندگی انسان را ، در آستانه قرن بیست و یکم ، بشناسیم و به چاره جویی بپردازیم . نه با طرد علم و روی آوردن به توهّمات ، بلکه با فرزانگی . «عالمی دیگر

بباید ساخت و از نو آدمی» . باید فروتنانه از برج عاج تفرعن عالمانه این خرد فرود آییم که متعصّبانه بر این باور است که پاسخ همه پرسش ها و نیازهای انسان را با قرع و انبیق آزمایشگاهی فراهم خواهد ساخت .»(۲۰۱)

«از سال ۱۹۴۵ به بعد جهان در لبه پرتگاه مرگ و نابودی قرار گرفته و بارها تا مرحله سقوط پیش رفته است. تسلیحات اتمی ابرقدرت ها سایه عفریت مرگ را بر سر هر جانداری گسترده و مسابقه ای که در زمینه تجهیز و تقویت ارتش ها با نیروی هسته ای صورت می گیرد ، خطر نابودی زمین و تمدّن و فرهنگ آن را بیش از پیش مطرح می سازد .

در بحبوحه قدرت نظامیان و سیاستمدارانی که در چند دهه پیش طرف دیگر را با سلاح هسته ای مورد تهدید قرار می دادند ، دو دانشمند علم مخالفت با اسلحه اتمی برافراشتند . این دو که خود در ساخت و به صحنه آوردن آن نقش مؤثّری ایفا کرده بودند ، «آلبرت اینشتین» و «لئواسزیلارد» بود .

در سال ۱۹۶۲ فیزیکدان های اتمی در مورد انجام آزمایش های اتمی هشدار دادند و رسماً اعلام کردند که ۲۰۰۰۰۰ کودک معلول و ناقص الخلقه ظرف یک سال تحت تأثیر آزمایش های بمب اتم به دنیا آمده اند .

اختراعات ویران گر غیر اتمی

«سزیوم ۱۳۷» که در نتیجه انفجارات اتمی به وجود می آید مستقیماً بر ژن و جنین تأثیر می گذارد و حداقل کودکان شش انگشتی و یا با دست و پای کج و کوله و بی قواره به دنیا می آیند .

دانشمندانی چون «ژان روستان» و دکتر «لونی» و پروفسور «مولر» زیست شناس برنده نوبل از آمریکا ، رسماً نگرانی خود را از این حیث اعلام داشتند و هشدار دادند

که در صورت تکرار ، محیط زیست با مخاطرات جدّی تری مواجه خواهد شد و از آن پس گروه بی شماری از دانشمندان سراسر گیتی با آنان هم صدا شدند تا جهان با کاهش زرادخانه های اتمی که اخیراً صورت گرفت ، نفسی به راحتی کشید .

در سال ۱۹۶۲ صدها زیست شناس مشهور جهان اجتماعی تحت عنوان «همگی در اثر تشعشعات اتمی خواهید مرد اگر ...» تشکیل دادند و در آن جلسه «ژان روستان» طبیعی دان معروف فرانسوی چنین هشدار داد: «... موادّ رادیوآکتیو بر سر جانداران مرگ و نیستی خواهد بارید و نتیجه آن ازدیاد نسل دیوانگان و معلولان و ناشنوایان و نابینایان خواهد بود».(۲۰۲)

«نسلی که بعد از بمباردمان مرگ زای اتمی به وجود خواهد آمد بزرگتر از کف دست نخواهد بود !

اختراعات ویران گر غیر اتمی

مسأله دیگری که با آن روبرو هستیم این است که نه تنها صنایع اتمی ، بلکه صنایع شیمیایی نیز پا به پای آن در این مسابقه مرگ و نیستی شرکت دارد و همان طور که دانشمندان آمریکایی این مطلب را تأیید کرده اند ، تنها اشعّه ایکس خطراتی ۲۰ برابر تشعشعات اتمی به وجود می آورد و یا داروهایی که فرآورده صنعت شیمیایی هستند و آن ها را به سادگی از داروخانه می خریم ما را با چه مخاطراتی که مواجه نمی سازند . آن گاه دارو و درمان دست به دست هم می دهند تا ریشه ما را بیاندازند . میزان تشعشع هر قدر می خواهد باشد به گونه ای در نسل و نطفه تأثیر خواهد گذارد .

به عبارت بهتر هر کس اگر یک بار هم شده رادیوگرافی کرده باشد ، بایستی بداند که تخمه و تابر خود را در معرض اثرات آن

قرار خواهد داد.

گفتنی است که این تشعشعات می تواند حتی پرتوهای تلویزیون و دستگاه های رادیوگرافی و غیره را دربرگیرد و اگر تأثیرات آن در زمان کوتاه ظاهر نشود در سال ها و حتی قرن های آینده اثرات مخرّب و زیانبار خود را آشکار خواهد ساخت .

دکتر «رابرت ویلسون» یکی از دانشمندان عضو کمیسیون انرژی اتمی آمریکا اظهار داشته است که پرتوهای تلویزیونی تشعشعات زیادتری از آزمایش های انفجارات هسته ای منتشر می سازند ، شاید به این علّت است که مواد زائد کارخانجات اتمی را به هیچ وسیله - حتّی دفن کردن آن ها در اعماق اقیانوس ها - نمی توان از بین برد .»(۲۰۳)

اکنون برای روشن شدن پاسخ ما درباره اختراعات کنونی ، آن ها را به سه دسته تقسیم می کنیم :

۱ - اختراعاتی که دارای آثار منفی ، شوم و ویران گر هستند .

۲ - اختراعاتی که آثار شوم ندارند ولی زمان استفاده و بهره برداری از آن ها گذشته است .

۳ - اختراعاتی که دارای آثار منفی نیستند و مورد استفاده جامعه قرار دارند .

دسته اوّل :

بدیهی است که در نظام عادلانه و حکومت عدل پرور حضرت مهدی عجّل اللّه تعالی فرجه نه تنها وسایل ویران گر جنگی بلکه هر گونه وسیله ای که در راه فساد ، تباهی و نابودی جسم یا جان انسان ها به کار می رود از میان برداشته خواهد شد و نابود می گردد .

بنابراین از مطالب گذشته چنین نتیجه می گیریم که از میان برداشتن وسایل ویران گر و نابود ساختن آن ها در حکومت عدلِ الهی حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه نه تنها وسایل ویران گر جنگی بلکه هر گونه وسیله ای که دارای اثر منفی بر جامعه بشری است از سر راه انسان ها برداشته می شود و آن حضرت

با نابود ساختن آن ها بشریّت را از آثار شوم و منفی آن ها نجات خواهند داد .

پس در حکومت امام عصر ارواحنا فداه آن دسته از اختراعات که دارای اثرات شوم ، ویران گر و منفی هستند به نابودی کشیده شده و از میان برداشته می شوند .

دسته دوّم از اختراعات

دسته دوّم از اختراعات کنونی ، آن قسمت از اختراعاتی هستند که دارای آثار منفی نیستند ولی در عصر ظهور دوران بهره وری و استفاده از آن ها گذشته است . مانند وسایل طبّی و یا برخی از وسایل جنگی که در جهادهای عادلانه مورد استفاده قرار می گیرند .

این گونه وسایل نیز از بین خواهند رفت ؛ زیرا نیازی به وجود آن ها در میان جامعه وجود ندارد . روشن است وقتی که صحّت و سلامتی ، تمامی جهانیان را فرا گرفته و همه از صحّت روحی و جسمی برخوردار باشند ، اصلاً نیاری به وسایل جنگی نابودکننده بشر و یا وسایل طبّی که دیگر قابل بهره برداری نیستند ، وجود ندارد .

پس وقتی که بیماری باقی نماند تا نیاز به وسایل طبّی وجود داشته باشد ، آن وسایل کنار گذارده می شوند .

بی نیازی از وسایل جنگی

همیشه جنگ ها و خونریزی ها عوامل گوناگونی داشته اند که به خاطر آن ها ملّتی بر ملّت دیگر هجوم برده و به کشت و کشتار یکدیگر پرداخته اند . دو چیز عامل اساسی کشتارهایی بوده است که در طول تاریخ صحنه گیتی را با خون مردم رنگین نموده است:

۱ – ضعف و کمبود ۲ – افزون طلبی .

با یک نگاهِ دقیق به صفحات تاریخ می توان دریافت دو موردی را که به عنوان نمونه نام بردیم ، اساس بسیاری از جنگ های مهمّ تاریخ بوده است؛ زیرا کمبود زمین های حاصلخیز، رودخانه های پرآب ، دامداری های وسیع و معدن های عظیمِ نفت ، طلا ـ و... حکومت های ظالم را تحریک نموده است تا به همسایگان خود که از این نعمت ها برخوردار بوده اند هجوم برده و سرزمین و اموال آنان را تصاحب کنند . عامل اصلی این

گونه خونریزی ها کمبود و ضعف و کاستی هایی بوده است که حکومت مهاجم آن را در کشور خود مشاهده می نموده است .

عامل مهمّ دیگر در بسیار از جنگ ها و خونریزی هایی که در تاریخ واقع شده است افزون طلبی دولت های مهاجم بوده است . یعنی کشوری که آتش جنگ را روشن نموده و دو ملّت را به جان یکدیگر انداخته ، نه تنها ضعف و کمبود در مواردی که ذکر نمودیم نداشته است ؛ بلکه با همه امکانات و بهره های فراوانی که داشته ، برای افزون نمودن آن ها به کشور دیگر چشم دوخته و برای توسعه بخشیدن و افزایش دادن حکومتِ خویش به کشور دیگر حمله ور شده است .

اگر در جنگ های طولانی و لشکرکشی هایی که در صفحات تاریخ ثبت شده نگاه کنید به روشنی درمی یابید که افزون طلبی یک عامل مهمّ در جنگ ها ، کشتارها و حمله های آنان بوده است .

البتّه همان گونه که گفتیم کمبود و ضعف ، و افزون طلبی دو عامل مهمّ برای جنگ ها و خونریزی هایی بوده اند که در تاریخ انجام گرفته است؛ و گرنه جنگ ها اسباب و عوامل دیگری نیز داشته اند که به خاطر آن ها آتش جنگ شعله ور شده و خون مردم صفحه گیتی را رنگین ساخته است .

درباره دو موردی که نام بردیم دقّت کنید: ضعف و کمبود و همچنین افزون طلبی «دو عامل برونی» حکّام و دولتمردان بوده است .

بسیاری از جنگ ها نه بر اساس «عوامل برونی» بلکه بر اساس «عوامل درونی» حکّام صورت گرفته است .

«عقده های روانی» که از شمار مهمّ «عوامل درونی» است تاکنون بسیاری از افراد را به صورت جرثومه های خون آشام درآورده که با شعله ور ساختن آتش جنگ و ریختن خون مردم

بیچاره ، صفحات تاریخ را رنگین ساخته اند .

بدیهی است بشر با تکامل عقلی از این گونه عقده ها رهایی یافته و عوامل درونی و برونی برای شعله ور شدن فتنه جنگ نابود می گردد و صلح و صفا و آرامش سراسر گیتی را فرا می گیرد . در این صورت چه نیازی به بمب های مرگبار اتمی و غیر اتمی وجود دارد ؟!

از آنچه گفتیم پاسخ سؤال راجع به قسم دوّم از اختراعات کنونی به خوبی واضح می شود . بدیهی است وقتی زمینه به کارگیری چیزی از میان رفت ، آن چیز نیز محکوم به نابودی است و به دست فراموشی سپرده خواهد شد .

دسته سوّم از اختراعات

دسته سوّم از اختراعاتی که در دوران غیبت مورد استفاده مردم می باشند وسیله هایی هستند که آثار منفی در آن ها وجود ندارد . آیا وضع این گونه ابزار آلات چگونه خواهد بود ؟

در پاسخ به این مورد از اختراعات - که تعداد آن ها نیز زیاد است - باید بگوییم : با توجّه به پیشرفت بیش از حدّ علم و دانش و تکامل عقلی و افزایش فراوان قدرت های مغزی و به کار افتادن کامل نیروهای فکری ، بدیهی است که وسایل پیشرفته مهمّی اختراع خواهد شد که با وجود آن ها نیازی به وسیله های عقب مانده و از رده خارج شده وجود نخواهد داشت .

برای توضیح مطلب وسائلی را که در این زمان مورد استفاده قرار دارند مقایسه کنید با وسیله هایی که تا یک قرن قبل مورد استفاده بوده اند. به عنوان نمونه آیا می توان دلو و ریسمان را با پمپ های قوی آب مقایسه نمود ؟! آیا دستگاه های قدرت مندی را که برای کشیدن آب از قعر چاه ها یا رودخانه ها ساخته

شده اند ، جایی برای استفاده از دلو و ریسمان باقی می گذارد ؟!

البتّه هنوز در بسیاری از نقاط محروم جهان مردم مستضعف و بی پناه از دلو و ریسمان استفاده می کنند و این به خاطر ضعفِ کشورهای به اصطلاح متمدّن است که صنعت تمام نقاط جهان را فرا نگرفته و مورد استفاده همه مردم جهان واقع نشده است . امّا در دوران شکوهمند ظهور وضع جهان این گونه نخواهد بود .

ما درباره ویژگی های حکومتی حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه گفته ایم یکی از ویژگی های حکومتی آن حضرت ، جهانی بودن حکومت آن بزرگوار است و جهانی بودن حکومت آن حضرت نه تنها به معنای حکومت واحد در سراسر گیتی است بلکه به معنای بهره مندی همه مردمان جهان از امکانات آن روزگار درخشان نیز هست .

تبلیغات گسترده و توخالی غرب

غرب برای خودنمایی و فریفتن مردم جهان دست به تبلیغات گسترده ای در زمینه علوم گوناگون زده است که روان شناسی نمونه ای از آن ها است .

طرح مسائل روان شناسی در کشورهای بزرگ جهان آنگونه گسترش یافته که به پندارِ خود آنچنان پیشرفت نموده و به نکته های تازه دست یافته اند که از روان شناسی گذشته و به فراروان شناسی رسیده اند ! کسانی که هنوز جسم خود را نشناخته اند و انسان را حتّی از نظر جسم ، موجودی ناشناخته می دانند چگونه از روانِ خود آگاه شده و آنگاه پا را فراتر نهاده و به فراروان شناسی پرداخته اند !

آری ؛ این چنین است جهان لجام گسیخته کنونی که از مقام ولایت و سرپرستی نظام عالم روی برتافته و به خاطر بافته های خویش ، خود را راه یافته می داند !

زورگویان جهان نه اکنون ! بلکه از زمان های بسیار دور ، ملّت های خود را با استفاده

از تبلیغات گسترده ، فریب داده اند .

آنان با نیرنگ و حیله ، مردمان را سرگرم ساختند و با نقشه های شوم خود ، افکار و اندیشه های انسان هایی را که پاک زاده شده اند ، به گمراهی کشاندند . آنان نگذاردند انسان ها بر اساس فطرت پاک خویش راه نجات را بیابند و منجی و رهائی بخش خود را بخواهند .

آنان علم و تمدّن را به رخ ملّت ها کشیدند و با تبلیغات گسترده ، افکار مردم جهان را شستشو دادند ؛ با این که از اشتباهات خود آگاه بودند .

نمونه های فراوانی در طول تاریخ - از گذشته تا حال - وجود دارد که معروف ترین دانشمندانِ عصر غیبت از بزرگترین اشتباه های علمی برخوردار بوده اند از «ارسطو» و قبل از او گرفته تا دانشمندان عصر ما اشتباهات فراموش نشدنی را در صفحات تاریخ به نام خود ثبت نموده اند .

از چه کسانی پیروی کنیم ؟

آیا انسان می تواند از دانشمندانی که دست به خیانت زدند و لباس خدمت گذاری به ستمگرانِ جهان را پوشیدند ، پیروی کند ؟!

آیا صحیح است ما فریب تبلیغات گسترده غرب را خورده و فریفته زندگی ماشینی آنان شویم ؟

ستمگران جهان از زمان های دور به مخالفت با پیامبران الهی برخاستند و توده ملّت را از پیوستن به آنان بازداشتند ...

با فرارسیدن عصر رسالت رسول خدا حضرت محمّد صلی الله علیه وآله وسلم و عصر امامت خاندان وحی علیهم السلام ، گروهی که شریرترین افراد در طول تاریخ بودند به مخالفت با خاندان نبوّت برخاستند و مردم را از گِرد خاندان وحی علیهم السلام پراکندند ، و با بازداشتن مردم از نوشتن فرموده های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و بستن باب علم آن بزرگوار ،

به عصر جاهلیّت تداوم بخشیدند .

آن ها نگذاشتند مردم از آبشخور علمِ وحیانی سیراب شوند و از سرچشمه زلال دانش الهی بهره مند گردند .

آن هـا نگذاشـتند علـم و دانش در میـان مردم جهـان گسـترش یابـد و بـا دور شـدن مردم از خانـدان وحی علیهم السـلام ، آن بزرگواران نکته های ناب علم و اسرارِ دانش را فقط به بزرگان اصحاب خود آموختند .

آیـا انسـان از رهـبرانی پیروی کنـد که همه اسـرار هستی در برابر آن هـا روشن و آشـکار است و علم و دانش آنـان به تمـامی موجودات جهـان توسـعه دارد ، یـا از دانشـمندانی که خود بارها به جهل و عجز خود اعتراف نموده انـد ؟ و بارها علم و دانش خود را در برابر مجهولاتشان بسیار اندك و ناچیز شمرده اند .

به عنوان نمونه ، «اسـحاق نیوتن» - که او را از بزرگترین دانشـمندان جهـان می داننـد - در این باره گفته است : «من نمی دانم که از نظر جهانیان چه هستم ؟ از دریچه چشم خودم به کودکی می مانم که در ساحل دریا گرم بازی است و خود را به جستن سنگریزه هایی خوش تراش از سـنگدانه های دیگر و صدف هایی خوش نقش تر از صدف های دیگر مشغول می کند . امّا در این میان ، اقیانوس ناگشوده حقیقت ، از بی کران تا بی کران فراروی او همه جا گسترده است .»(۲۰۴)

این اعتراف ، واقعیّتی است که نه تنهـا دربـاره «نیوتن» بلکه درباره همه افرادی چون او ، صـحیح است . البتّه گروه زیادی بر اثر جستجوی فراوان ، سنگریزه های خوش تراش و یا صدف های خوش نقش تری را یافته اند ولی پرسش ما این است :

آیا بشر باید از کودکانی که سرگرم بازی هستند پیروی کند یا تلاش کند

به سوی کسانی که با اسرار خلقت و رازهای جهان آفرینش آشنا هستند راه یابد ؟

بدیهی است که گم کردن راه سبب گمراهی می شود و گمراهی نتیجه اش اشتباه و تباهی است .

اشتباه ارسطو ، کپرنیک و بطلمیوس

اکنون نمونه هایی از اشتباهاتی را که در حوزه علم وارد شده نقل می کنیم :

«ارسطو» تصوّر می کرد که خورشید در یک دایره کامل به دور زمین می گردد .

«کپرنیک» فکر می کرد که زمین در یک دایره کامل به دور خورشید می گردد .

این دو یک رقابت واقعی داشتند ؛ نمی شد که هر دو حق داشته باشند ، بعداً معلوم شد که هر دو اشتباه می کردند ، مدار زمین بیضوی است.(۲۰۵)

باید این واقعیّت را دانست که «ارسطو» حکیم مشهور مشّائی و بعد از او «بطلمیوس» که پنج قرن پس از وی آمد علم نجوم را مدّت هزار و هشتصد سال از قرن سوّم قبل از میلاد تا قرن پانزدهم بعد از میلاد به تأخیر انداختند .

«ارسطو» مدّت هیجده قرن نوع بشر را در ظلمت جهل نگاه داشت و نگذاشت که انسان بتواند خود را از آن ظلمتکده نجات بدهد و می توان به جرئت گفت که ارسطو مدت هیجده قرن پیشرفت علمی بشر را به تأخیر انداخت .(۲۰۶)

می دانیم که علوم چون حلقه های زنجیر است و یک حلقه از آن به حلقه دیگر متّصل می شود و یک علم ، سبب پیدایش علم دیگر می گردد .

جهل بشر در مورد حرکت زمین و سیّارات دیگر به دور خورشید که عامل آن ارسطو شد ، مدّت هیجده قرن دو بال آدمی را برای پرواز در عرصه علم بست و نفوذ ارسطو ، آنچنان زیاد بود که هیچ کس نمی توانست نظریّه او را

در مورد ثابت بودن زمین محکوم به بطلان کند .

دو چیز قوّت نظریّه «ارسطو» را در ذهن اقوام جهان افزایش داد : اوّل این که «بطلمیوس» جغرافیادان مشهور مصری که پنج قرن بعد از «ارسطو» آمد ، بر نظریّه او صحّه گذاشت و برای حرکات ستارگان نظریّه ای ابراز کرد که سیّارات به دور چیزهایی می گردند که متحرّک هستند و آن چیزها به دور زمین گردش می کنند امّا زمین بدون حرکت و ثابت است . بطوری که می بینیم «بطلمیوس» گردش سیّارات را اطراف زمین دو درجه ای کرد و گفت : آن ها گرد چیزهایی می گردند که آن ها به نوبه خود اطراف زمینِ ثابت ، حرکت می کنند .

عامل دوّم که قوّت نظریّه ارسطو را افزایش داد این بود که در اروپا ، کلیسای مسیحی بر نظریّه ارسطو صحّه گذاشت و گفت : بدون تردید آنچه ارسطو راجع به ثبات زمین و این که مرکز جهان می باشد گفته حقیقت است . چون اگر زمین ثابت و مرکز جهان نبود ، پسر خدا (یعنی حضرت مسیح) در آن ظهور نمی کرد .(۲۰۷)

اشتباه پوزیدونیوس

فلیسوف رواقی ، «پوزیدونیوس» صد سال پیش از میلاد مسیح ، هیأتی را به سوی اسپانیای غربی رهبری کرد تا ببیند آیا هنگامی که در هر غروب ، خورشید در دریای آتلانتیک فرو می رود صدای فیش از آن برمی خیزد یا نه !(۲۰۸)

اشتباه ارشمیدس

«ارشمیدس» می گفت : شماره ذرّاتی که در سراسر جهان هست عدد ۱۰ به توان ۶۳ می باشد یعنی اگر عدد ۱۰ را شصت و سه بار در خود آن ضرب کنیم ، شماره ذرّاتی که در جهان هست به دست می آید .

در نظر »ارشمیدس« ذرّه عبارت بود از کوچکترین جزء از مادّه که دیگر نتوان آن را به دو قسمت کرد و به همین جهت آن را جزء لایتجزّی می خواندند .(۲۰۹)

اشتباه ادینگتون

«ادینگتون» دانشمند فیزیکی انگلیسی که در سال ۱۹۴۴ میلادی درگذشت، در آغاز آن قرن و هنگام جوانی گفت : مجموع اتم هایی که در هستی وجود دارد عدد ۱۰ به توان هشتاد می باشد .

یعنی اگر عدد ۱۰ را هشتاد بار در نفس خود ضرب کنند شماره اتم هایی که در جهان هست به دست می آید .

روزی که «ادینگتون» شماره اتم های هستی را با این فرمول ریاضی حساب کرد ، منجّمین عقیده داشتند که شماره کهکشان ها بطور تقریب یک میلیون عدد است .(۲۱۰)

اشتباه اینشتین

اینشتین چنین می پنداشت که هیچ موجودی نمی توانـد دارای سـرعتی افزون از سـرعت نور باشد . و آخرین سـرعت سـیر در جهان هستی ، سرعت نور است .

اکنون ثابت شـده است که موجوداتی وجود دارند به نام «تاخنون» که سـرعت سـیر آن ها مافوق سـرعت نور است . اگر نظریّه اینشتین درست بود ، بشر باید از بسیاری از سفرهای فضایی در عصر آینده ناامید باشد.

علاوه بر این از نظر روایات و فرموده های خانـدان وحی علیهم السـلام ملائکه مانند جبرائیل و... از عرش و مافوق کهکشان ها تا زمین را در کمتر از لحظه ای می توانند سیر کنند .

اینشتین و افرادی همانند او به خاطر دور بودن از معارف

علمی خاندان وحی علیهم السلام ، از این حقایق آگاهی نداشته و ندارند .

«زومرفلد» این تئوری را مطرح ساخت که ذرّاتی وجود دارند که حرکت آن ها سریع تر از سرعت نور بوده و دارای این خاصیّت ویژه هستند که هرچه انرژی آن ها کمتر شود ، دارای سرعت بیشتری می گردند .

تئوری اینشتین در تضادّ با این فرضیّه متهورانه «زومرفلد» می باشد ؛ زیرا که بر اساس تئوری اینشتین ، کلیّه ذرّات در مرز رسیدن به سرعت نور ، دارای جرم بی نهایت هستند .

تئوری های متهوّرانه و اثبات نشده ، همین که یکبار در سطح بین المللی مطرح شدند ، به این زودی کشش خود را از دست نداده و مدّتها همچنان جالب توجّه باقی می مانند .

از زمانی که «زومرفلد» در آغاز قرن جاری تئوری خود را مطرح ساخت تاکنون نسلهای متعدّدی از دانشمندان علم فیزیک به مطالعه و تحقیق درباره این ذرّات سریع تر از نور پرداخته اند . ولی تنها در سال ۱۹۶۷ بود که بالاخره «جرالد – فینبرگ» G.Fcinberg پرفسور فیزیک تئوریک در دانشگاه آمریکائی کلمبیا ، توانست با رساله ای درباره ذرّاتی که حرکتشان سریعتر از حرکت نور است ، باب بحث مجدّد در این مورد را باز کند .

«فینبرگ» برای این ذرّات اسمی هم انتخاب کرد و آن ها را «تاخنون» Tachionen نامید که از لغت یونانی «تاخیس» Tachys به معنای «سریع» مشتقّ گشته است .

بار دیگر صدای دانشمندان فیزیک برخاست که بر اساس تئوری اینشتین ، هیچ چیزی سریع تر از نور نمی تواند وجود داشته باشد . امّا چند تن از دانشمندان فیزیک هسته ای این ایده جالب را تعقیب نموده و اکنون به این نتیجه رسیده اند که چنین ذرّات

سریع تر از نوری باید وجود داشته باشند ، ولی برخی به طرفداری از اینشتین به توجیه ایراد وارد بر او پرداختند .

اشتباه دیگر اینشتین

اینشتین می گفت جهان دارای وسعتی است که پهنای آن از سه میلیارد سال نوری تجاوز نمی نماید در حالی که از سال ۱۹۶۳ میلادی که اوّلین کوآزر کشف گردید عقل دانشمندان نجومی متزلزل شده است و وقتی پشت رادیو تلسکوپ آرسی بوئه یک کوآزر دوردست را مورد مطالعه قرار می دهند . سر را با دو دست می گیرند که مبادا عقل از سرشان برود و دیوانه شوند .

گفتیم فاصله کوآزرهای دوردست با زمین ۹ میلیارد سال نوری است در صورتی که اینشتین می گفت که جهان وسعتی است که پهنای آن (یا قطر آن) از سه میلیارد سال نوری تجاوز نمی نماید .

برای سنجش وسعت فضائی که نور ، مدّت ۹ هزار میلیون سال وقت صرف می کند تا آن را بپیماید کافی است که فکر کنیم که نور در هر سال ۹۵۰۰ میلیارد کیلومتر طی می کند و ۹۵۰۰ میلیارد کیلومتر را باید در ۹ میلیارد سال ضرب کرد تا این که دریافت که فاصله کوآزر و زمین چقدر می باشد .

از این فاصله عظیم که عقل قادر به تجسّم آن نیست گذشته ، آنچه عقل علمای نجوم را متزلزل کرده نور کوآزر است که ده هزار میلیارد برابر نور خورشید می باشد و نمی توانند بفهمند که درون کوآزر چه نوع انرژی وجود دارد که یک چنین روشنایی را به وجود می آورد .»(۲۱۱)

با توجّه به این مطالب روشن شد که پندار اینشتین درباره قطر جهان بسیار اشتباه بوده است .

اکنون که سخن از اینشتین به میان آمد ، مناسب است

بگوییم که او یک یهودی آلمانی بود و خیانتی بر ملّت خود روا داشت که بی سابقه است. او به آمریکا پیشنهاد کرد که در ساختن بمب اتمی از آلمان سبقت بگیرد !

«در سال **۱۹۳۲** هیتلر به قدرت رسید . در آن زمان اینشتین در آمریکا بود و اعلام کرد که به آلمان برنخواهد گشت . از این رو سربازان نازی ، خانه او را خراب کردند و حساب بانکی وی را مسدود کردند .

یکی از روزنامه های برلین مقاله ای با عنوان درشت «خبر خوبی از اینشتین، وی برنخواهد گشت» نوشت ، با تهدیدهای نازی ها اینشتین خونسردی اش را حفظ کرد . ولی از ترس این که مبادا دانشمندان آلمان اقدام به ساختن بمب اتمی کنند به آمریکا پیشنهاد کرد در ساختن بمب اتمی پیشدستی کند . با وجود این حتّی پیش از انفجار اوّلین بمب ، وی مردم را از خطرات بمب آگاه می کرد و پیشنهاد کنترل سلاحهای هسته ای را از سوی جامعه بین المللی نمود .»(۲۱۲)

شاید به خاطر خیانتی که او به ملّت خویش روا داشت از زندگی خود پشیمان بود :

«اپنهایمر ، که از دوستان نزدیک اینشتین بود، در گردهمایی دانشمندانی که به مناسبت دهمین سال درگذشت اینشتین توسّط یونسکو ترتیب یافته بود گفت : اینشتین در غروب زندگیش ، سرخورده و مأیوس از مسابقات تسلیحاتی و جنگ ها ، به او گفته بود : اگر قرار بود زندگی را دوباره از سر گیرم ، ترجیح می دادم کارگر ساده برق باشم .»(۲۱۳)

و به نقلی دیگر او دوست می داشت یک کفّاش بود : «آدم های زیادی هم این طرف و آن طرف دنیا بودند که نمی توانستند کشتار ژاپنی ها را

در هیروشیما فراموش کنند و نمی توانستند فراموش کنند که امضای این نابغه فیزیک یکی از آن فرمول های جادوگرانه پشت ماجرا بوده است . برای آن ها مهمّ نبود که او بعد از شنیدن خبر ، هشت روز تمام خودش را حبس کرده ، عزا گرفته و به یک چیز فکر کرده است : اگر دوباره به دنیا می آمد دیگر تئوری و فرمول نمی ساخت ، می رفت کفّاش می شد .»(۲۱۴)

اینهم جریان دیگری از اینشتین : «یک نامه که دو استاد فیزیک دانشگاه کلمبیا برای روزولت نوشته بودند ، خلاصه اش این بود : چیزی وجود دارد به نام انرژی هسته ای . دانشمندان نازی هم مشغول کار بر روی آن هستند . واضح است که این یک سلاح استراتژیک و تعیین کننده است . رئیس جمهور باید تصمیم بگیرد که با آن ، چه باید کرد ؟ دوّم اوت ۱۹۳۹.

دو استاد فیزیک می دانستند رئیس جمهور چیزی درباره فیزیک هسته ای نمی داند ؛ اما همان نزدیکی در پرینستن کسی زندگی می کرد که از فیزیک هسته ای سر درمی آورد و رئیس جمهور هم او را قبول داشت . پس قبل از روزولت به سراغ او رفتند . برای اینشتین غم انگیز بود که بعد از آن که یک عمر طرف دار دو آتشه صلح بوده است پای چنین چیزی را امضا کند . او این کار را کرد و تا وقتی زنده بود بابت این که دکمه را فشار داده است ، ملامت شد .»(۲۱۵)

اعتراف اینشتین به پشیمانی او از گذشته خود ، روشنگر این مطلب است که او اگرچه یک دانشمند پرآوازه جهان بوده ؛ ولی او خدمتِ خود را در راه علم و دانش ،

تحت الشعاع خیانتی که به ملّتش روا داشته ، می دانسته است .

علم و دانش ، دستاویزی برای سوداگران

بدون شک و تردید ، علم و دانش ، چراغ فروزانی است که باید بر انسان ها بتابد و راه را برای آنان روشن سازد؛ نه آنکه دستاویز ستمگران جهان قرار گرفته و گروهی به وسیله آن به خیانت و شیّادی بپردازند ! ولی متأسّفانه تاریخ گواه آنست که علم و دانش در رشته های گوناگون تاکنون بارها و بارها مورد استفاده افراد سودجو قرار گرفته و آن را در راه هدف های شوم خود به کار گرفته اند .

گروهی از دانشمندان و دانشمندنماها دانسته و ندانسته ، از علم و دانش سوء استفاده نمودند یا تاریکی جهل را به عنوان نور علم به مردم جلوه دادند . بدیهی است این کار یک عامل مهمّ در سرخوردگی جامعه از علم و دانش است ؛ به گونه ای که جهانیان باور کرده اند : دانشمندان نمی توانند حکومت ایده آل را بر عالم حاکم نموده و جهان را به مدینه فاضله تبدیل نمایند .

محدودیّت علم

عامل دیگری که سبب نااُمید شدن مردم از علم و دانش می شود ، محدودیّت آن است ؛ به ویژه درباره روح که بشر پیرامون آن از علمی اندک برخوردار است . قرآن در این باره می فرماید :

«وَما اُوتيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلّا قَليلاً» .(۲۱۶)

از دانش ، چیزی جز مقداری اندک داده نشده اید .

تا وقتی که مغز آدمی کارآیی کامل نداشته باشد و حتّی نابغه ترین دانشمندان فقط از جزئی اندک از مغز خود استفاده کنند ، بشر چگونه می تواند رازهای عظیم و ناگشوده جهان بزرگ را درک کند ؟

این حقیقتی است که در روایات خاندان وحی علیهم السلام به آن تصریح شده و غرب تازه به آن راه یافته است . تا

وقتی که زمان غیبت ادامه داشته باشد و بشر به تکامل عقلی نرسیده و کارآیی مغز کامل نشود علم و دانش نیز در محدودیّت خواهد بود .

با این بیان ، علم و دانشِ محدود چگونه می تواند پاسخ گوی مشکلات ناشناخته باشد و چگونه می تواند جهان تاریک را به مدینه فاضله تبدیل کند ؟

بر اثر پاسخگو نبودن دانش به بسیاری از پرسش های جامعه و بی جواب ماندن بسیاری از مشکلات ، مردم آگاه شدند که علم و دانش نمی تواند ناهنجاری های جامعه و مشکلات آن را برطرف سازد .

این ، حقیقتی است که بسیاری از دانشمندان به آن اعتراف نموده اند . ما در اینجا به نقل چند گفتار از آن ها اکتفا می کنیم :

۱ - علم حدود دقیقاً مشخّصی دارد و هرگز نمی تواند جز چگونگی پدیده های مورد بررسی چیزی به ما بدهد . علم در واقع به ما می گوید که چگونه زمین دور خورشید می گردد ، چگونه انسانها زاده می شوند و می میرند اما نمی تواند پاسخگوی چراها باشد یعنی جز مقصودی که احتمالاً ـ موضوع مورد تجربه خود تلویحاً بیان می کند قصد دیگری را آشکار سازد ... . (۲۱۷)

علم ، نمی تواند جهان را درک کند

۲ - مقیاس های ثانیه ، سانتی متر و گِرم را - که کاربرد آن ها در استخراج قوانینی است که در عالم مادّه حکومت می کند - نمی توان برای فهم حقیقتِ جاذبه ، نفس ، روح ، عقل و عوامل غیر مادّی دیگر به کار برد.

بنابراین ، حقیقت نیروی جاذبه نزد فیزیک دانان ناشناخته است ، همچنین حقیقت الکتریسیته یا مغناطیس یا انرژی - اعمّ از انرژی حرارتی یا الکتریکی یا حرکتی یا اتمی - نیز مجهول است ، فیزیک دانان معترفند که از فهم حقیقت هر امر غیر

عادّی ، عاجزنـد ، حتّی این که آن ها به عـدم فهم حقیقت مادّه نیز معترف هسـتند ؛ زیرا مادّه سـرانجام به اتم برمی گردد و اتم مجموعه ای از قوای الکتریکی مثبت (یعنی پرتون) و قوای الکتریکی منفی (یعنی الکترون) و قوای دیگری که علم جدید برای همیشه از شناختن آثار آن ها عاجز است ، می باشد .(۲۱۸)

۳ – علم فیزیـک تا امروز نتوانسـته به این سؤال جواب بدهـد : چگونه نور چراغ ما که انرژی است ، مبـدّل به مادّه می شود ؟ و اگر علم فیزیک پاسخ این سؤال را پیدا کند ، در یک لحظه ، علم راه صد هزار ساله را خواهد پیمود .

چون در فیزیک سـر الأسـرار همین است و راز عظیم خلقت ، جواب همین پرسش می باشد که انرژی چگونه مبدّل به مادّه می شود .

تبدیل مادّه به انرژی در نظر ما عادّی است و روز و شب ، مادّه را در کارخانه ها و هواپیماها و کشتی ها و اتومبیل ها و خانه ها حتّی در بـدن خودمـان مبـدّل به انرژی می کنیم ولی تـا امروز نتوانسـته ایم انرژی را مبـدّل به مادّه نماییم و هنوز نمی دانیم در جهان ، انرژی چگونه مبدّل به مادّه می شود .(۲۱۹)

۴ – ما بعد از بیست و شـش قرن با تمام پیشـرفت های علم فیزیک و علم «آستروفیزیک» یعنی علم شـناسایی فیزیکی سـتارگان هنوز از لحـاظ شـناسائی مبـدء دنیا از لحاظ فیزیکی (از لحاظ جسـمی) از حـدود نظریّه فیلسوف قرن شـشم قبل از میلاد کشور یونان جلوتر نرفته ایم .

اتم هیـدروژن که سـبک ترین اتم هـای عناصـر می باشـد دارای یـک الکـترون و یـک پرتون است و الکـترون اطراف پروتون گردش می کند و هنوز هیچ نظریّه فیزیکی نتوانسته

قانون علمی تبدیل شیئی غیر قابل وصف اولیّه را به الکترون و پروتون توضیح بدهد ، یعنی قانون علمی آن را کسی کشف نکرده است و نمی دانیم که آیا اول پروتون به وجود آمد یا الکترون ، یا این دو که اوّلی دارای شارژ مثبت و دیگری دارای شارژ منفی برق است ، در یک موقع به وجود آمدند ؟ و چه شد که در یک موقع از شیئی غیر قابل وصف اوّلیه به وجود آمدند ؟

از قرن نوزدهم میلادی تا امروز ، هر چه در این خصوص گفته شد تئوری است و ما از لحاظ شناسایی مبدأ دنیا بیش از مردم یونان در دوره «آناگزیماندر» اطّلاع نداریم .(۲۲۰)

با توجّه به مطالب گذشته ، به بیان چند نکته مهمّ می پردازیم :

۱ - چون علوم مختلف و دانش های گوناگون بی ارتباط با یکدیگر نیستند ، اشتباه در یک رشته از علوم نه تنها سبب رکود و توقّف در پیشرفت آن علم خواهد شد ، بلکه در رشته های دیگری از علوم که در ارتباط با آن علم است نیز مؤثّر می باشد .

بنابراین زیان اشتباه دانشمندان در یک علم ، منحصر به آن رشته از دانش نخواهد بود ؛ بلکه در پیشرفت علوم دیگری که در ارتباط با آن علم است نیز خسارت وارد می سازد .

۲ - از آنجا که برخی از دانشمندان عصر غیبت یا قبل از این زمان در میان شاگردان خود و نیز سایر مردمان دارای چهره های پرنفوذ و باعظمتی بوده اند ، شاگردان آنان تحت تأثیر شخصیّت آنان قرار می گرفتند و آراء و نظریّات آنان را از جان و دل پذیرا می شدند و گاهی این جریان

تا چندین نسل ادامه می یافت و شاگردان و شاگردانِ شاگردان و... بر اثر شخصیّت زدگیِ بی جا ، به نظریّه اشتباه شخص اوّل پابرجا می ماندند .

گاهی شخصیّت زدگی شاگردان ، آنچنان مهمّ بوده است که اگر فردی از آنان پی به اشتباه استاد می برده ، جرأت اظهار آن را برای دیگران نداشته است ؛ زیرا می دانسته که اگر به مخالفت با استاد برخیزد ، مورد ریشخند نابجای دیگران واقع شده و با هیاهو و جنجال بی جا ، برای او آبرویی باقی نخواهد ماند . به این جهت از اظهار اندیشه و فکر صحیح خود ، خودداری و امتناع می ورزیده است . این واقعیّتی است که در طول تاریخ وجود دارد .

۳ - گاهی برخی از مذاهب تحریف شده به پشتیبانی برخی از دانش ها و پندارهای بی پایه برمی خیزند و با نفوذی که در مردم خود دارند ، جرأت مخالفت با عقاید اشتباه را از دیگران سلب می کنند ، همانند طرفداری کلیسا از نظریّه «ارسطو» .

در این گونه موارد ، دینِ تحریف شده و دانش خیالی دست به دست یکدیگر داده و جامعه را از پیشرفت و رسیدن به حقیقت دور می کنند .

۴ - اشتباهات دانشمندان و سوء استفاده زورگویان از دانش آنان و محدودیّت علم و دانش مانع آنست که علم و دانش ، جهان ستمدیده را به مدینه فاضله تبدیل کند .

۵ - در عصر درخشان ظهور که علم و دانش وحیانی فراگیر شده و همه از آبشخور علم صحیح می آشامند ، نه تنها جایی برای اظهار دانش خیالی باقی نمی ماند ، بلکه با حکومت و دین واحد جهانی ، همه مردمان جهان در سایه مکتب راستین و دانش پرور

تشیّع زندگی می کنند و از مکتب های باطل و تحریف شده اثری باقی نخواهد ماند .

بنابراین دست دین و دانش خیالی رو شده و همه مردمان جهان از اشتباه گذشتگان آگاه خواهند شد . با فرارسیدن آن روزگار پرشکوه و تابش انوار تابناک علم و دانش صحیح ، جایی برای خفّاشان فراری از نور ، باقی نخواهد ماند .

(۸)

سفرهای فضایی

سفرهای فضایی

سخن گفتن از سفرهایی فضایی در عصر پیشرفته ظهور ، از بحث های بسیار شورانگیز ، جالب و سرورآفرین می باشد و نکته ها و اشاراتی که درباره سفرهای فضایی در قرآن و گفتار خاندان وحی علیهم السلام وجود دارد ، بسیار مهمّ و سازنده است .

ما پیش از آن که بحثی را درباره راه یابی به آسمان ها و اوج گرفتن در فضای عالم هستی در عصر درخشان ظهور آغاز کنیم ، ناگزیریم برای روشن شدن و آشکار گشتن اهمیّت سفرهای فضایی در عصر ظهور ، نکته های مهمّی را درباره عظمت کهکشان ها ، سحابی ها ، و... همچنین درباره فضای پهناور آسمانِ گسترده بیان کنیم تا از اهمیّت سفرهای فضایی در عصر ظهور بیشتر آگاه شویم و بدانیم سفرهای فضایی که در عصر دانش های پیشرفته نصیب انسان خواهد شد ، بسیار مهمّ و عجیب است .

و نیز سزاوار است بدانیم آنچه را که اکنون کشورهای استعمارگر به عنوان عصر فضا و یا تسخیر فضا بیان می کنند به معنای نادیده گرفتنِ عظمتِ جهان هستی است .

به نظر ما تبلیغاتی که کشورهای ستمگر جهان برای رزرو اطاق در هتل های کره ما به راه انداختند ! (۲۲۱) و دم از تسخیر فضا زدند ، بیشتر برای شستشوی مغزیِ جهانیان و اظهار برتری ، خودنمایی و تسلّط بر افکار

مردم کشورهای جهان است . آنان می دانند که جهان آنچنان باعظمت و گسترده است که جز با قدرت های پیشرفته فرامادّه نمی توان به آن دست یافت . آیا رفتن به کره ماه تسخیر فضا است ؟

کره زمین در نظارت قدرتی بس بزرگ

ممکن است برخی از خوانندگان محترم از آنچه گفتیم شگفت زده شده و نتوانند آن را باور کنند . به این جهت برای روشن شدن مطلب این نکته را می افزاییم : در عصر غیبت ، جلوه های غیبی امام زمان ارواحنا فداه در آن حدّ بوده است که کشورهای بزرگ به خوبی از آن آگاهند و می دانند قدرتی مافوق طبیعت وجود دارد که مراقب رفتار آنان است ! (۲۲۲)

سازمان های جاسوسی جهان مانند سیا ، مافیا و... و همچنین دیگر سردمداران کشورهای بزرگ به خوبی می دانند که یک قدرت بزرگ غیر مادّی نظاره گر کردار آنان است و بسیاری از آنان به این واقعیّت اعتراف کرده اند . اکنون به این مطلب توجّه کنید :

«برخی از دانش پژوهان که درباره پدیده های شگفت انگیز مطالعه می کنند بر این باورند که کره زمین از دیرباز ، همواره تحت نظارت و مراقبت شدید و سیستماتیک قرار داشته است و موجودات ، یا نیروهائی که ماهیّت آنان هنوز بر ما روشن نیست ، این جهان را زیر نظر دارند . تعداد زیادی از دانشمندان نیز - اعمّ از دولتی و غیر دولتی - به این نکته اشاره داشته اند (۲۲۳)».

جالب است بدانید که کشورهای بزرگ درک کرده اند که نه تنها برای پیشرفت تمدّن و رسیدن به دانشِ پیشرفته ، بلکه برای فضانوردی در کهکشان ها و فضاهای دور نیز نیاز به دستیابی به قدرت های فرامادّه و فوق طبیعت دارند . در این صورت هم

می توانند در فضانوردی به ستارگان دوردست و کهکشان ها دست یابند و هم می توانند زمین را عرصه تکامل و پیشرفتِ علم و تمدّن نمایند .

به این جهت آن ها تلاش کردند راهی به عالم غیب بگشایند ! و در این راه از مشهورترین دانشمندانِ خود مانند اینشتین و دکتر جساپ کمک خواستند ! ولی چون از بی راهه می خواستند به شهر علم وارد شوند در برنامه ای که اینشتین و دکتر جساپ فراهم کرده بودند با شکست روبرو شده و افرادی را که در آن برنامه مأموریّت یافته بودند ، به جنون و مرگ گرفتار ساختند .(۲۲۴) اینشتین از آن کار دست برداشت و دکتر جساپ توسّط «مردان ناشناخته» کشته شد !

اکنون برای عظمت مسأله راه یابی به آسمان ها در عصر پیشرفته ظهور ، نگاهی به عظمتِ گستردگی فضا ، پهناوری آسمان ها و عظمت عالمِ هستی می اندازیم :

کهکشان ها

زمین ما ، سیّاره ای است در میان گروهی سیّاره دیگر ، که همه به گرد خورشید می گردند . قطر آن ۱۲۷۵۰ کیلومتر است و با خورشید ۱۵۰ میلیون کیلومتر فاصله دارد . در این محدوده ، تاکنون ۹ سیّاره را شناخته ایم . خانواده خورشید و سیّارات آن ، منظومه شمسی یا خورشیدی را تشکیل می دهند .

در این منظومه ، خورشید حرکت منظّم تمام سیّارات پیرامون خود را تحت فرمان دارد، و آن ها را با سرعت های گوناگون، در مدارهای متفاوت به گرد خود می گرداند . مدار ، خطّی است که هر سیّاره ، در آن ، به گرد خورشید می گردد . یا به عبارت بهتر ، مسیری است که هر جرمی ، به گرد جرم دیگر می پیماید .

روشنایی و گرمای سیّارات منظومه ما

از خورشید سرچشمه می گیرد. خورشید بیش از یک میلیون بار از زمین ما بزرگتر است .

منظومه خورشیدی ما ، تنها بخش بسیار کوچکی از کهکشان راه شیری است که با سرعتی برابر با ۸۰۰ هزار کیلومتر در ساعت ، هر ۲۳۰ میلیون سال یک بار به گرد مرکز این کهکشان می گردد . فاصله منظومه خورشیدی ، از خورشید تا مرکز کهکشان راه شیری ۲۸ هزار سال نوری است . کهکشان راه شیری از صدها میلیارد ستاره تشکیل شده است . و خورشید ، تنها یکی از این صدها میلیارد ستاره کهکشان ما است ، که ستاره ای زرد – نارنجی به شمار می رود . کهکشان راه شیری یکی از زیباترین و درخشانترین کهکشان های جهان است .(۲۲۵)

این کهکشان عظیم ، در برابر میلیاردها کهکشان دیگر تنها یک ابر کوچک پرستاره است و مجموعه این کهکشان ها که از نظر علمی «متاگالاکسی» نام دارد ، جهان ما را تشکیل می دهد .

برای آن که شما تصوّر کاملی از این جهان در نظر داشته باشید کافی است بدانید که تعداد کهکشان ها ، در پهنه بیکران آفرینش ، از مجموع شن های ساحلی همه سواحل روی زمین بیشتر است .(۲۲۶)

۱۰۰ بیلیون ستاره دنباله دار

گرداگرد منظومه شمسی ما را ابر وسیعی متشکّل از ۱۰۰ بیلیون ستاره دنباله دار فرا گرفته که به سبب نام کاشف آن »یان آئورت« ابر آئورت نامیده می شود . خوشبختانه این کمربند ستاره های دنباله دار در فاصله بسیار دور از ما قرار گرفته است و سه تریلیون کیلومتر از خورشید فاصله دارد ، به عبارت دیگر فاصله آن از خورشید ۲۰۰۰۰ برابر فاصله زمین تا خورشید است . (۲۲۷)

۲۵۰ بیلیون خورشید

در کهکشان ما ۲۵۰ بیلیون خورشید وجود دارد . مساحتی که این کهکشان در کیهان اشغال کرده به قدری گسترده است که اگر یک پرتو نور بخواهد طول آن را با سرعت یک بیلیون کیلومتر در ساعت بپیماید ، ۱۰۰۰۰۰ سال در راه خواهد بود . (۲۲۸)

تریلیون ها کهکشان

«در سرتاسر جهان ، تریلیون ها کهکشان پخش شده اند ، یک کهکشان ، دارای قطری معادل صد هزار سال نوری و دربرگیرنده بیش از صد بیلیون ستاره است .

و تازه فضای جهان ، به قدری وسیع و گسترده است که این همه موادّ تشکیل دهنده ستارگان و منظومه ها و کهکشان ها ، در مقایسه با وسعتِ بی کرانِ فضائی که کهکشان ها را دربرمی گیرند آن قدر ناچیزند که گوئی می توان از آن ها صرف نظر نمود .

اگر جرم تمـام کهکشـان هـا (حـــدود یـک میلیـارد کهکشـان) را بطـور مسـاوی در فضـا قســـمت می کردنـــد بـــه هر «۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰» (یـک میلیون میلیـارد) میـل مکعبی نزدیـک به سـی گرم مادّه می رسـید . جهان ، مکان متروکی است و تقریباً چون شبحی غیر جسمانی است.

در برابر این وسـعت بـاورنکردنی ، کهکشـان مـا ، منظومه ما و زمینی که روی آن زنـدگی می کنیم و خود ما و آنچه متعلّق به ماست ، و غالباً آن همه برایمان اهمیّت می یابـد و باعث دلمشـغولی های فراوان و اضـطرابات بسـیار می گردد ، آنقدر ناچیز و بی اهمیّت جلوه می کنـد که گاه ، حالت طنز به خود می گیرد . قطره ای در برابر اقیانوسـی عظیم که هیچ کرانه ای بر آن پیدا نیست .»(۲۲۹)

تمدّن در جهان بزرگ

دکتر شـپلی می گوید : دست کم ۱۰۰ میلیون سـیّاره مسـکون در عالم وجود دارد . ساکنان بیشتر آن ها را به مراتب پیشرفته تر از ما هستند .

دیگر دانشـمندان علم نجوم از جمله دکتر «اتزاسترو» - کـارل ساگـان - فرانـک دریـک و چنـد تن دیگر که در سال ۱۹۶۱ در «گرین بنک» واقع در ویرجینیای غربی با یکدیگر ملاقات کردند ، نظریّه نسبتاً تکان دهنده ای ارائه دادند و اعلام داشتند :

در این عالم پهناور ، بین ۴۰ الی

۵۰ میلیون کره وجود دارد که ساکنان آن ها می کوشند به طریقی به ما علامت دهند و یا برعکس ، به پیام هایی که از سوی زمین مخابره شده گوش فرا دهند .

یک دانشمند فرانسوی بنام «موریس شاتلن» که سابقاً یکی از کارشناسان سازمان فضائی آمریکا بود ، دست کم در سه مورد ، علائم رادیوئی دریافت کرده که نشان می دهد احتمالاً این علائم از فضا و از جانب موجودات هوشمندی مخابره شده است و چنین به نظر می رسد که برخی از دنیاهای کیهانی می کوشند به این وسیله حضور خود را به دانشمندان علم نجوم در سایر سیّارات اعلام کنند .

دو تن از دانشمندان فضائی شوروی یعنی «تروتسکی» و «کارداشف» این علائم رادیوئی اسرارآمیز را که از فضا ارسال می شد طی چند سال از طریق چهار ایستگاه رادیوئی در شوروی دریافت کرده اند .

این علائم از یک ماهواره یا سفینه ساخته دست بشر صادر نشده ، چرا که این علائم ، سال ها پیش از آن که نخستین سفینه «اسپوتنیک» به فضا پرتاب شود کشف گردید .(۲۳۰)

تاکنون ۱۱۳ پیام به این طریق و بیش از دو هزار و پانصد پیام از طریق وسایل ارتباطی و سوری و پیام های مخابراتی توسط دستگاه های متعدّدی روی زمین از فضائی زمینی هر کدام هم وجود اجسام نورانی که آن ها را تعقیب می کرده اند ، گزارش کرده اند و هم این پیام را دریافت کرد نوارهای مربوط به آن را به زمین آورده اند در این که پیام ها از کرات دیگر از فضا و دنیای دیگری ارسال شده اند تردیدی نیست ولی هنوز بدرستی معلوم نیست که آن پیام ها چه می گویند و مهمتر از همه از کجا آمده اند

ولی ممکن است سازمان های دولتی به واقع این اسرار را بدانند ولی آن ها را فاش نکنند بخصوص گفته می شود که از کارت دیگر پیام هایی به سازمان ملل ارسال شده اند و در اختیار این سازمان است ولی از افشاء آن ها خودداری می کند . (۲۳۱)

تمدّن در کهکشان ها

بنابراین امروزه شکّی بر هیچ کس نیست که در کائنات زندگی فراخاکی وجود دارد . هنگامی که یازده تن از دانشمندان متخصّص بعد از یک کنفرانس محرمانه در سال ۱۹۶۱ در «گرین بانک» ویرجینیای غربی از یکدیگر جدا می شدند ، توافق نامه ای داشتند که برطبق فرمولی نشان می داد بیش از پنجاه میلیون تمدّن در کهکشان ما وجود دارد .

«راجرآمک گوان» یکی از مقامات مسئول در «ناسا» (واقع در رداستون آلاباما) که بر طبق نظریّات وی جدیدترین پیشرفت های فضایی تحقّق یافته است ، به عدد ۱۳۰ میلیارد فرهنگ ممکن در کهکشان نیز رسیده است .(۲۳۲)

سفرهای فضایی در عصر ما !

با توجّه به عظمت جهان هستی و گستردگی فضا آیا می توان سفر به ماه و مرّیخ را تسخیر فضا نامید ؟!

قدرت های استعمارگر جهان برای تداوم حکومتِ ظالمانه خود و بقاء سایه تاریک و شوم خویش بر مردم جهان ، سفرهای فضایی خود را که پس از ده ها سال از آغاز آن هنوز در گام های نخستین است ، آنچنان برای جهانیان جلوه دادند تا در قلب آن ها از عظمت و قدرتی فوق العاده برخوردار باشند و توجّه جهانیان را به خود جلب کنند . و به این وسیله هدف های شوم و استعمارگرانه خود را بر ملّت جهان تحمیل نمایند . و به این گونه در قلب جهانیان رعب و وحشت ایجاد نموده تا تسلیم برنامه های شوم آنان باشند .

همه اینها در صورتی است که خود می دانند برای سفرهای فضایی و رسیدن به ستارگان دوردست ، باید از قدرتی برخوردار باشند که از تقیّد به «زمان» خارج شوند و به سرعتی مافوق سرعت نور دست یابند .

آنان خود می دانند در عصری که علم و دانش تمام

جهان را فرا گیرد و فرهنگ و تمدّن توده های بشر را به تکامل و تمدّن واقعی برساند ، به روشها و برنامه های این عصر خواهند خندید .

جالب توجّه است که اکنون نه تنها قدرتهای استعماری جهان از حقیقت باخبرند ، بلکه خود این نکته را به صراحت گفته و آن را اظهار نموده اند .

آنچه اکنون نقل می کنیم ، به خوبی روشنگر مطلب ما است :

«سفرهای فضایی امروز بسیار بیشتر از آنچه باید باشد گران تمام می شود . شاتل های فضایی آمریکا و ایستگاه فضایی روسی میر ، بسیار بسیار پرهزینه است ؛ زیرا هر چه فضانوردان آن ها نیاز داشته باشند - اعمّ از غذا و آب و هوا و سوخت - باید از زمین برای آنان برده شود .

اکنون هزینه انتقال هر کیلوگرم بار به مدار زمین ۱۰۰۰۰ دلار است . مثلاً تعمیر تلسکوپ فضایی هابل (Hubble) در سال ۱۹۹۳ ، ۵۰۰ میلیون دلار هزینه دربرداشت . اینها نمونه های کوچکی از هزینه های بسیار گزاف پروژه های فضایی است . آیندگان به روش کنونی ما در مدیریت این برنامه ها خواهند خندید .»(۲۳۳)

آنان به خوبی می دانند که هزینه های بسیار زیادی که خرج پروژه های فضایی می کنند سبب خنده آیندگان به آنان خواهد شد .

اکنون به نقل دو گزارش دیگر درباره خرج های سرسام آور سفرهای فضایی می پردازیم و سپس یک نکته بسیار مهمّ را برای شما بیان می کنیم :

«هزینه ای که دولت آمریکا ، تا لحظه فرود آمدن «آپولو ۱۱» بر خاک ماه صرف این کار کرده بود ، به بیش از ۵ میلیارد دلار می رسید . میزان این هزینه ها چنان عظیم است که انسان را به شگفتی وا می دارد .»(۲۳۴)

«هزینه سفر «آپولو»

از هزینه جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ بیشتر بود . گریزی نبود ؛ زیرا موادّ و فرآیندهای ارزان تر امروز برای سفر به ماه در آن دوران کشف نشده بود . تقریباً تمامی صاحب نظران نتایج سفر «آپولو» را بیشتر از اندازه امیدوار کننده ارزیابی می کردند . خود من ، پس از اطّلاع از فرود «آپولو» بر سطح کره ماه مقالات زیادی در دیلی تلگراف منتشر کردم و در تمامی آن ها قریب الوقوع بودن ایجاد پایگاه هایی بر سطح کره ماه را پیش بینی کردم و حتّی برای یک اتاق دو تخته برای اقامت شبانه در هتل ماه ثبت نام کردم .

این نتیجه گیری ها شتابزده بود و ما به قدر کافی به جزئیّات آنچه فضانوردان در سطح ماه انجام دادند آگاهی نداشتیم و نمی دانستیم آنان که از ماه باز می گردند وارد حیطه صنایع خصوصی می شوند و هزینه صنایع خصوصی را سهام داران خصوصی بر عهده دارند .

پیشتر گفتیم که پرواز هر شاتل فضایی آمریکا چند صد میلیون دلار هزینه در بردارد . در واقع ، انتقال هر کیلوگرم بار به فضا ۱۰۰۰۰ میلیون دلار خرج برمی دارد .»(۲۳۵)

خطر سفرهای فضایی در عصر ما

از آنچه تاکنون نقل کردیم هزینه های گزاف و بی نتیجه دولتهای استعماری آنچنان روشن و آشکار است که خود می دانند آیندگان به ناتوانی آنان خواهند خندید .

اکنون به این نکته بسیار مهمّ توجّه کنید : هزینه های گزاف سفرهای فضایی در این زمان – آن هم تا کره ماه نه تا ستارگان و کهکشانهای دور – یکی از عوامل عدم موفّقیّت دولتهای استعماری در سفرهای فضایی است ؛ زیرا امور دیگری وجود دارد که دارای نقش عمده در شکست آن ها در پروژه های فضایی است . یکی از آن ها

خطرهای سهمگین سفرهای فضایی در این زمان است . دولتهای استعمارگر گاهی حاضرند به خاطر هدفهای شوم خود سلامتی و جان میلیاردها انسان را به خطر بیندازند .

اجرای پروژه های خطرناک آنان در سفرهای فضایی گواه بر این است که آن ها ارزش جان جهانیان را نادیده می گیرند و حاضرند سلامتی و جان چند میلیارد انسان را تهدید کنند ! برای روشن شدن مطلب به این گزارش توجّه کنید :

«در سال ۱۹۹۷ آخرین کاوشگر اتمی ناسا به نام کاسینی با ۳۲ کیلوگرم پلوتونیم بیشتر نسبت به سفینه های قبلی به فضا فرستاده شد . ناسا با اکراه خطرات احتمالی انتشار ناخواسته این مادّه در جوّ را تصدیق کرده است . اگر کاسینی درون اتمسفر منفجر شده بود ، بیش از ۵ میلیارد نفر در سرتاسر زمین مقدار ناچیزی از پرتوهای رادیواکتیویته را دریافت می کردند . پلوتونیم به عنوان یک عامل افزاینده خطر سرطان در دراز مدّت شناخته شده است . آنچنان که درصد احتمال ابتلا به سرطان ، حتّی اگر انسانها مقدار کمی از اتمهای این مادّه را استنشاق کنند به طور چشمگیری افزایش می یابد . با اجرای پروژه پرومتیوس این احتمال در حدّ زیادتری افزایش خواهد یافت .

«بروس گاگنون» عضو شبکه جهانی مقابله با تسلیحات و انرژی اتمی در فضا می گوید : این فن آوری غیر ضروری است و اگر حادثه ای به وقوع بپیوندد می توانند تأثیری ویران کننده و مخرّب در پی داشته باشد.»

او معتقد است که پرتاب سفینه تنها خطر آخر در زنجیره طولانی حوادث احتمالی است .(۲۳۶)

آیا اجرای این گونه برنامه خدمت به جامعه بشری یا خیانت و جنایتی بس بزرگ می باشد ! نکته بسیار قابل توجّه

این است که آنـان اعتراف کرده انـد : بر فرضـی که اجرای این پروژه با موفّقیّت همراه باشـد تازه به سـختی می تواننـد به ده تا دوازده ستاره از میلیاردها ستاره در کهکشان خودمان ! – نه کهکشان های دیگر – سفر کنند .

امکان سفرهای فضایی

بـا توجّه به عظمت فضا و جهان هستی ما نمی توانیم امکان سـفر را به کهکشان هایی که چنـدین سال نوری با ما فاصـله دارند انکار کنیم .

برای توضیح این گفتار ، مقدّمه ای را بیان می نماییم و سپس به اصل مطلب می پردازیم :

آیا از نقطه نظر روش علمی ، می توان گفت که چون تا به حال هر انسانی را که دیـده ایم به همین صورت کنونی بوده است ، پس محال است که انسانی ، به صورتی غیر از آن چه مشاهده می کنیم ، پدید آید ؟

البتّه نمی توان ؛ زیرا تا زمانی که مشاهدات و تجربیات ما منحصـر به قسمت هایی از جهان و محدود به دوره ای از زمان باشد، به هیچ وجه نمی توانیم چنین حکمی را صادر کنیم .

جابر بن حیّان می گوید : »چه بسا در جهان موجوداتی باشـند که حکم آن ها با اشیایی که ما دیده ایم و به آنها آگاهی داریم متفـاوت باشـد ؛ زیرا ساختار وجودی هر یک از ما به گونه ای است که توانایی شـناخت همه موجودات و دستیابی بـدان ها را نداریم« .

جـابر پس از آوردن نمونه هـای فوق ما را به این اصل کلّی رهنمون می شود : «هیـچ کسـی نمی توانـد بـدرستی ادّعا کنـد که پدیده های غیر مشـهور ، درست شبیه پدیده های مشـهور هسـتند و یا آنچه در گذشـته وجود داشته و یا در آینده پدید خواهد آمد ، درست مانند همان چیزهایی است که

در حال حاضر وجود دارند ، زیرا انسان موجودی ناتوان ، جزئی و از لحاظ زمانی و احساس محدود است .

همچنین نمی توان گفت : به دلیل آن که کسی به آغاز پیدایش جهان ره نبرده است ، پس جهان ازلی و بی آغاز است .

به گمـان من جابر در این عبارات ، مرزهای روش تجربی را ، به دقیق ترین وجه ممکن مشـخّص کرده است ، زیرا می گویـد : هر چند ، صدور حکم از روی پدیده های مشـهور نسـبت به پدیده های غیر مشـهور جز بر سبیل احتمال و به تعیین روا نیست . امّا نباید از نظر دور داشت که ، متقابلاً ، انکار وجود پدیده های غیر مشـهور نیز ، تا زمانی که مورد آزمایش و مشاهده ما قرار نگرفته باشند ، علمی نارواست .

زیرا لازمه ایـن کـار ، محصـور کردن انسـان در مرز داده هـای حسّ یـا داده هـای غیری و در نـتیجه انکـار وجـود بسـیاری از چیزهایی است که حقیقتاً وجود دارند . مثلًا در جهان ، کسانی هسـتند که هر گونه تمساح را ندیده اند حال اگر کسی به آنان بگوید در این جهان ، حیوانی وجود دارد که به هنگام جویدن غذا فکّ بالایش را می جنباند آیا می توانند ، به صـرف این که تاکنون چنین حیوانی را ندیـده انـد ، این گفته را انکار کنند هرگز در هیچ کس نباید وجود چیزی را ، به صـرف این که مانند آن را ندیـده است ، انکار و منع کنـد ، بلکه بایـد از اظهار رأی خودداری کنـد تا آن که به برهانی بر وجود یا عدم آن دسـت یابد» .

بنابراین ، حکم به نبودن چیزی ، به دلیل

آن که مورد مشاهـده قرار نگرفته یا خبری پیرامون آن نرسیده است ، و همچنین انکار چیزی که به وسیله اخبار دیگران از آن اطّلاع حاصل کرده ایم ، بـدان جهت که مورد مشاهـده مستقیم خود ما قرار نگرفته است نشانگر بی اطّلاعی آشکار از روش استدلالی است که قبلاً بیان داشتیم .(۲۳۷)

بنـابراین اگرچه سـفر به ماه و مرّیـخ را نمی توان تسـخیر فضا نامیـد ؛ زیرا به خاطر گستردگی فضا و پهناوری آسـمان ها چنین گامی را نمی توان تسخیر فضا بدانیم .

بـا توجّه به استدلالی که از جـابر بن حیّان نقل کردیم ، نمی توانیم بگوییم همانگونه که انسانِ معاصـر نتوانسـته است به چنین چیزی دست یابـد ، هیـچ مخلوق دیگری نیز به آن دست نیافته است به این دلیل ما از آن خبر نـداریم . بدیهی چنین استدلالی همانگونه که جابر بن حیّان گفته است باطل است .

سفرهای فضایی اهل بیت علیهم السلام

سفرهای فضایی اهل بیت علیهم السـلام در عصـری که معتقـد به هیئت بطلمیوسـی بوده و می پنداشـتند که سـفر به آسـمان ها محال است مکرّر واقع شده و نمونه هایی از سـفرهای حضـرت امیرالمؤمنین علیه السلام ، امام سجّاد علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام در چندین روایت نقل شده است .

علاوه بر معراج های مکرّر رسول گرامی خداونـد که بارها واقع شـده ، خود یک نوع سـفر فضایی است و اعتقاد به عروج آن حضرت به آسمان ها از اعتقادات همه ما می باشد .

بدیهی است این سفرها در زمانی برای مردم نقل می شده که هیئت بطلمیوسی بر جهان حاکم بوده است و با توجّه به جوّی که در آن عصر وجود داشته ، روشن می شود که بسیاری از این گونه سفرها کتمان می شده

است . اگر در آن زمان افشای مطالب برای اهل بیت علیهم السلام ممکن بود ، به نمونه های بیشتری ما دست می یافتیم .

و بر فرض کسی در سفرهای فضائی اهل بیت علیهم السلام تردید داشته باشد باید متوجّه این نکته باشیم : مشیّت الهی بر این است که در هر زمانی حجّت خود را دارای قدرتی برتر از قدرت های معمول آن زمان قرار دهد .

واضح است که به این مشیّت در صورتی که مقرون به اصلاح همه جهان و سراسر گیتی باشد ، نیاز بیشتری احساس می شود . یعنی کسی که می خواهد سراسر جهان را بگیرد ، در سراسر جهان باید دارای نیروی مافوق نیروهای معمول در سراسر جهان باشد ؛ به گونه ای که نه تنها قدرتمندان صنعت و دارندگان تکنولوژی جهان ، بلکه افراد دیگر که از قدرت مهمّ نامرئی برخوردارند مانند مرتاض ها و... در برابر قدرت عظیم حجّت الهی شکست خورده و مغلوب گردند .

در تاریخ وجود ندارد که دانشمندترین دانشمندانِ جهان ، یکی از پیامبران را مغلوب مطالب علمی خود سازد .

اگر خداوند رسول خود را با قرآن و شمشیر فرستاد ، بدیهی است که آخرین حجّت خویش را نیز با قرآن و برهان و نیرویی برتر از نیروهای موجود عصر قیام آن حضرت می فرستد . آن نیرو نیرویی خواهد بود که غالب بر نیروهای عصر است و توان و قدرت بیشتری از آن ها دارد .

اکنون به این روایت بسیار جالب توجّه کنید :

قال المتوکّل لابن السکیت : سل ابن الرضا مسأله عوصاء بحضرتی ، فسأله فقال : لِمَ بعث اللّٰه موسی بالعصا و بعث عیسی بإبراء الأکمه والأبرص و إحیاء الموتی

، وبعث محمّداً بالقرآن والسيف ؟

فقال ابوالحسن عليه السلام : بعث اللّه موسى عليه السلام بالعصا واليد البيضاء فى زمان الغالب على أهله السحر ، فأتاهم من ذلك ما قهر بسحرهم وبهرهم ، وأثبت الحجّه عليهم.

وبعث عيسى عليه السلام بإبراء الأكمه والأبرص وإحياء الموتى بإذن اللّه تعالى فى زمان الغالب على أهله الطبّ ، فأتاهم من إبراء الأكمه والأبرص وإحياء الموتى بإذن اللّه فقهرهم وبهرهم .

وبعث محمّداً صلى الله عليه وآله وسلم بالقرآن والسيف فى زمان الغالب على أهله السيف والشعر ، فأتاهم من القرآن الزاهر والسيف القاهر ما بهر به شعرهم و بهر سيفهم...(۲۳۸)

متوكّل به ابن سكّيت – كه از دانشمندان بزرگ آن زمان بود – گفت : از امام هادى (عليه السلام) مسأله بسيار مشكلى را در حضور من بپرس .

ابن سكّيت به امام هادى عليه السلام گفت : چرا خداوند موسى را با عصا و عيسى را به خوب كردن نابينا و پيس و زنده كردن مردگان و محمّد (صلى الله عليه وآله وسلم) را با قرآن و شمشير به رسالت فرستاد ؟!

امام هادى عليه السلام در پاسخ فرمودند : خداوند موسى عليه السلام را با عصا و دستى كه نور سفيد از او درخشان بود فرستاد ؛ زيرا بر مردم آن زمان سحر غالب بود ، موسى با آن قدرت به سوى آنان رفت تا سحر آن ها را نابود كرده و بر آنان غالب گشت و دليل را بر آنان ثابت كرد .

و عيسى عليه السلام را به خوب كردن نابينا و پيس و زنده كردن مرده به اذن خدا به رسالت فرستاد ، در زمانى كه غالب بر اهل آن

زمان طبّ بود . پس با خوب کردن نابینا و پیس و زنـده کردن مرده به اذن خداوند به سوی آنان رفت تا آنان را مقهور ساخته و بر آنان غالب گشت .

و محمّد (صـلی الله علیه وآله وسلم) را با قرآن و شمشیر به رسالت فرستاد در زمانی که بر مردم آن زمان ، شمشیر و شعر غالب بود . پس با قرآنِ درخشان و شمشـیر قاهر به سوی آنان رفت تا به وسـیله آن بر شـعر آنان غالب گشـته و بر شمشیر آنان پیروز گردد ... .

با توجّه به این روایت هر چنـد این زمان را عصـر فضانوردی و تسـخیر فضا بدانیم ، حضـرت صاحب الزمان ارواحنا فداه دارای وسیله های فضایی مهمّی خواهند بود که سفینه های فضایی در عصر ما در برابر آن ها ناچیز و بی ارزش خواهد بود .

راه یابی به آسمان ها

نه تنها تشـکیل حکومت اهل بیت علیهم السـلام و ظهور قدرت عظیم آن بزرگواران همه مردمان پاک طینتِ جهان را به سوی خود جلب می کند ، بلکه سـخن گفتن از فرارسیدن آن روزگار پرشکوه ، قلب انسان ها را سرشار از شور و شوق برای هر چه زودتر فرارسیدن آن عصر درخشان ، نموده و مجذوب آن روزگار فرخنده می سازد .

برنـامه های بزرگ و عظیمی که در عصـر ظهور در سراسـر جهان پیاده می شود ، هر یک به تنهایی می توانـد میلیون ها نفر از مردم را به سوی خود فرا خواند .

یکی از جریانات بسـیار جالب و شگفت انگیز عصر ظهور ، راه یابی انسان به آسمان ها و پرواز در فضا و فرود در کرات دیگر می باشد .

پرواز بر فراز آسمان ها و نشست در کرات آسمانی ، از آرزوهای دیرین

انسان بوده و برای دستیابی به آن ، کوشش های فراوان نموده و ثروت های هنگفتی در راه رسیدن به آن مصرف شده است .

آنچه گفتیم راه یابی به آسمان ها از نظر مُلکی بود . نکته بسیار مهمّ و جالب تر این است که در آن روزگارِ ناشناخته ، نه تنها انسان بر فراز آسمان ها از نظر مُلکی و مادّی به پرواز درمی آیند ؛ بلکه از نظر ملکوتی نیز راه به آسمان ها یافته و نظاره گر ملکوت آسمان ها خواهند شد .

همان گونه که می دانیم عالم ملك و ملکوت از نظر چگونگی و اهمیّت با یکدیگر تفاوتِ فراوان دارند ؛ به گونه ای که نمی توان عالم ملك را با عالم ملکوت مقایسه نموده و با یکدیگر همسنگ بدانیم .

با توجّه به برتری عالم ملکوت از عالم ملك و راه یابی انسان ها در حکومت صالحان به عالم ملکوت ، درمی یابیم که انسان ها در روزگار ظهور از چه عظمت والای ظاهری و معنوی برخوردار می باشند .

خوشا به حال آنان که عصر درخشان ظهور را درک نموده و در آن روزگار فرخنده زندگی کنند .

خوشا به حال آنان که از روزگار تیرگی و تاریکی گذشته و در عصر نور و روشنایی نظاره گر جهانی سرشار از شادی و شادمانی خواهند بود .

خوشا به حال آنان که ...

سفرهای فضایی در عصر ظهور

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در شب معراج که آن حضرت بر فراز آسمان ها رفته و در عرش با خداوند همسخن شدند ، خداوند بزرگ از سفرهای فضایی حضرت بقیّه اللّٰه الأعظم ارواحنا فداه با رسول گرامی خود سخن گفتند ؛ نه تنها از سفرهای فضایی آن بزرگوار بلکه از تشکیل حکومت واحد جهانی ، از تداوم آن

تـا قیـامت ، از تحوّلات و دگرگونی های عظیم در سراسـر گیتی ، از پاکسازی جهان از وجود دشـمنان و... خبر داده است . در اینجا قسمتی از این روایت را آورده و سپس به بیان نکته هایی درباره آن می پردازیم :

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

... فقلت : یا ربّ هؤلاء أوصـیائی بعـدی ؟ فنودیت یا محمّد ؛ هؤلاء اولیائی وأحبّائی وأصـفیائی ، وحججی بعدک علی بریّتی ، وهم أوصیائک وخلفاؤک وخیر خلقی بعدک .

وعزّتی وجلالی لأظهرنّ بهم دینی ، ولأعلینّ بهم کلمتی ، ولأطهّرنّ الأرض بآخرهم من أعـدائی ، ولاُملّکنّه مشارق الأرض ومغاربها ، ولأسـخرنّ له الرّیاح ، ولاُذلّلنّ له السـحاب الصـعاب ، ولاُرقینّه فی الأسـباب ، ولأنصـرنّه بجندی ، ولاُمدّنّه بملائکتی ، حتّی یعلن دعوتی ، ویجمع الخلق علی توحیدی ، ثمّ لأدیمنّ ملکه ، ولأداولنّ الأیّام بین أولیائی إلی یوم القیامه.(۲۳۹)

گفتم : ای پروردگار ؛ اینان اوصیای من بعد از من هستند ؟

پس نـدا شـدم : ای محمّد ؛ اینان اولیاء من و دوسـتان من و برگزیدگان من و حجّتهای من بعد از تو بر خلق من هسـتند و آنان اوصیاء تو و جانشیان تو و بهترین خلق من بعد از تو می باشند .

سوگند به عزّتم و سوگند به جلالم ؛ حتماً دینم را به وسـیله آنان ظاهر می سازم و کلمه خود را به وسیله آنان برتر می نمایم و حتماً زمین را به وسیله آخرین آنـان از دشـمنانم پاک می سازم و حتماً او را مالک بر مشـرق های زمین و مغرب های آن می گردانم و حتماً بادها را در تسخیر او درمی آورم و حتماً ابرهای سخت را برای او رام می سازم و

حتماً او را در وسیله ها بالا می برم و حتماً او را با لشکر خودم یاری می نمایم و حتماً او را به وسیله ملائکه خود مدد می کنم تا دعوت مرا آشکار ساخته و همه خلق را بر اعتقاد به توحید و یکتایی من گرد آورد . سپس ملك او را پایدار ساخته و ایّام را تا روز قیامت میان دوستانم می گردانم .

همان گونه که دیدید ، در این روایت از مطالب مهمّی صحبت شده است: از عظمت مقام ائمّه اطهار علیهم السلام ، از فضیلت و برتری آنان ، از ظاهر شدن دین اسلام توسّط آنان ، از پاکسازی زمین از دشمنان به وسیله آخرین آنان ، از ابرهای فضانورد ، از وسیله های صعود به آسمانها ، از ارتش خداوند ، از معتقد شدن همه خلق بر یکتایی خداوند و از حکومت واحد جهانی و پایداری آن تا روز قیامت و...

نکته های جالبی در روایت

در این روایت ، نکته های جالبی وجود دارد که با تأمّل در آن می توان به برخی از نکته های مهمّ دست یافت :

۱ - در این روایت این جمله که خداوند می فرماید : «لُاُسخّرنّ له الریاح ، ولُاُذلّلنّ له السحاب ، ولُاُرقّینّه فی الأسباب» ، دلیل بر این نکته است که صعود آن حضرت به آسمان ها با وجود جسمانی آن حضرت است ، همان گونه که معراج رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جسمانی بوده است . یعنی رفتن آن بزرگوار به آسمان ها با قالب مثالی نیست ، همانگونه که مقصود از صعود بر فراز آسمان ها صعود روحی نیست . زیرا اگر رفتن آن حضرت به آسمان ها صعود روحی باشد و یا با قالب مثالی

صورت گیرد ، نیازی به سحاب صعاب و یا اسباب نیست . برای رفتن روح و یا قالب مثالی به آسمان ها لازم نیست از وسیله های فضایی استفاده شود .

۲ - نکته جالب دیگری که از این روایت برداشت می کنیم این است : اگرچه آن حضرت اگر اراده کنند برای صعود جسمانی به آسمان ها هم نیازی به اسباب و وسیله های فضایی ندارند بلکه می توانند بدون وسیله ظاهری و یا با استفاده از براق که مخصوص رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بوده و در اختیار آن حضرت است استفاده کنند . و در روایت که تعبیر به اسباب و وسیله ها شده دلیل بر آن است که رفتن آن حضرت به آسمان ها توسّط یک وسیله انحصاری همانند براق نیست بنابراین لفظ اسباب و وسیله ها ظهور در این دارد - به خاطر تعدّد وسیله ها و جمع بودن لفظ اسباب - که آن حضرت از یک وسیله انحصاری مانند «براق» استفاده نمی فرمایند .

جالب توجّه است که لفظ »سحاب صعاب« و ابرهای سخت نیز به صورت جمع آورده شده است .

۳ - این نکته را نیز استفاده می کنیم که در روزگار ناشناخته ظهور برای فضانوردی و رفتن به آسمان از وسیله های گوناگون استفاده می شود که در این روایت به سه نوع آن تصریح شده است :

الف) «لأُسخّرنّ له الرياح» ؛ ریاح را حتماً در تسخیر او قرار می دهیم .

در قرآن کریم از حضرت سلیمان و بساط عظیم او که بادها بساط او را با صدها نفر به آسمان می برند ، سخن به میان آمده است .

قدرت بادها و طوفان های شدید بسیار شگفت انگیز است که تسخیر آن ها به معنای در

اختیار داشتن آن ها و کنترل آن ها می باشد .

در عصـر ما هیچگاه دانشمندان نتوانسته اند طوفان ها را مهار کنند و از قدرت آن ها استفاده کنند ، ولی بنابر آیات قرآن کریم حضرت سلیمان قدرت بر چنین کاری را داشته است .

حضـرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنـا فـداه – که ولایت بر همه چیز دارنـد – با کنترل آن ها نه تنها آثار منفی آن ها را از بین می برند ، بلکه با تسخیر آن ها و تسلّط بر آن ها از آن ها استفاده مثبت می نمایند .

ب) «ولاُذلّلنّ له السحاب الصعاب» ؛ و حتماً ابرهای سرسخت را ، برای او رام می کنیم .

بدیهی است ابرهای نوری و قدرت های شگفت انگیز آن ها غیر از ریاح می باشند .

ج) «ولاُرقینّه فی الأسباب» ؛ و حتماً در وسیله های فضایی او را بالا می بریم .

جالب توجّه است که در این جمله از کلمه «فی» استفاده شده که به معنای این است که آن حضرت در میان وسیله های فضایی قرار می گیرند و اگر مقصود از اسباب همان «سحاب صعاب» می بود باید کلمه «علی» به کار برده می شد یعنی سوار بر ابرها می شود نه در ابرها .

۴ – علاوه بر نکته هـای فراوان دیگری که در این روایت وجـود دارد ، توجّه به این نکته بسیار مهمّ است که خداونـد در این حدیث قدسـی پس از سوگند یاد نمودن به عزّت و جلال خود تمام مطالبی را که برای رسول گرامی خود بیان فرموده است با «لام» و با «نون» تأکید آورده است که این ها همه دلیل بر این نکته است که جریاناتی که در این روایت به آن ها تصـریح شده ، مانند رفتن آن حضرت به آسمان ها توسّط وسیله های فضایی و...

قطعاً و صد در صد در عصر درخشان ظهور واقع خواهد شد و قابل هیچ گونه شکّ و تردید نمی باشد .

۵ – نکته بسیار جالب دیگری که از روایت استفاده می کنیم این است : در تسخیر بودن همه ابرهای صعاب و تمامی اسباب ها و وسیله های فضایی ، تنها برای استفاده شخص آن حضرت نیست ؛ بلکه تعدّد و فراوان بودن آن ها دلیل بر آنست که اصحاب و یاوران و هر کسی را که آن حضرت اراده فرمایند از این وسایل استفاده خواهد کرد و در اختیار آن ها قرار خواهد گرفت .

همان گونه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بعضی از اصحاب خود مانند سلمان و... را با ابرهای فضانورد به آسمان ها بردند و صعود و عروج آن ها به آسمان تا آن حدّ بود که کره زمین برای آنان به اندازه گردویی دیده می شده .(۲۴۰)

بدیهی است صعود آن ها به آسمان ها بیشتر از فاصله ای است که میان ماه و کره زمین هست یعنی آنان خیلی بالاتر از کره ماه ، به آسمان صعود نموده اند ؛ زیرا با اینکه ماه از زمین بسیار کوچکتر است از اندازه یک گردو بزرگتر دیده می شود . پس فاصله آن ها تا زمین خیلی بیشتر بوده از فاصله ای که میان ماه و کره زمین وجود دارد .

آشنایی با موجودات آسمانی

۶ – از آنچه گفتیم چنین نتیجه می گیریم که حکومت حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه فراتر از یک حکومت عدل جهانی در سراسر گیتی است ؛ زیرا خداوند پس از بیان این نکته که تمامی شرق و غرب زمین در عصر شکوهمند ظهور در تحت سیطره قدرت و ولایت آن حضرت خواهد بود ، سفرهای فضایی

و وسیله های گوناگون فضانوردی در آن زمان را بیان می کند .

بنابراین ، علاوه بر ملکوت آسمان ها در عصر درخشان ظهور ، از نظر ملک نیز آسمان در آن روزگار فرخنده در اختیار حضرت ولیّ عصر عجّل اللّه تعالی فرجه خواهد بود .

۷ - نکته بسیار مهمّ دیگری که از این روایت استفاده می کنیم با توجّه به عظمت جهان آفرینش و گستردگی فضا و آسمان ها ، لفظ «اسباب السّماوات» که در این روایت به کار رفته است ، دلیل بر این نکته بسیار مهمّ است که سفینه ها و وسیله های فضایی که در آن عصر شکوهمند آسمان پهناور را طی می کند ، باید وسیله هایی باشند که فراتر از سرعت نور باشند .

پس تعبیر به «اسباب السماوات» ؛ (وسیله هایی که آسمان ها را می پیماید) وجود وسیله های فضایی برتر از سرعت نور را ثابت می کند ؛ به گونه ای که از جاذبه مادّه و مکان گذشته و به محدودیّت زمان گرفتار نباشد . این خود از اصول اساسی در پیشرفت های فضایی است .

آشنایی با موجودات آسمانی

لازمه سفرهای فضایی ، آشنا شدن با موجودات آسمانی است ؛ زیرا در آسمان ها نیز افرادی زندگی می کنند .

ائمّه اطهار علیهم السلام در میان گفتارهای خود درباره موجودات آسمانی که در کهکشانها وجود دارند ، سخنانی فرموده اند ، روایتی که می آوریم یکی از آنهاست : امام صادق علیه السلام فرمودند :

قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لهذه النّجوم الّتی فی السماء مدائن مثل المدائن الّتی فی الأرض .(۲۴۱)

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : برای ستارگانی که در آسمان هستند شهرهایی است همانند شهرهایی که در زمین وجود دارد.

این روایت به خوبی نشان دهنده این حقیقت است که در ستارگان فراوانی

که در آسمان وجود دارد ، موجودات آسمانی زندگی می کنند و همانند انسان هایی که در زمین شهرهایی را برای خود بنا نموده اند ، دارای شهرها ، ساختمان ها و... می باشند .

در روایت دیگری ابوبصیر می گوید :

سألته عن السماوات السبع ، فقال : سبع سماوات لیس منها سماء إلّا وفیها خلق ، وبینها وبین الاُخری خلق حتّی ینتهی إلی السابعه.

قلت : والأرض .

قال : سبع ، منهنّ خمس فیهنّ خلق من خلق الربّ ، واثنتان هواء لیس فیهما شی ء .(۲۴۲)

از امام صادق علیه السلام درباره آسمان های هفتگانه سؤال کردم ، حضرت فرمودند : هفت آسمان است که در میان آن ها آسمانی نیست مگر آن که در آن مخلوقاتی وجود دارد و بین آن آسمان تا آسمان دیگر)در فضا(آفریده هایی وجود دارد ، تا به آسمان هفتم منتهی گردد .

پرسیدم : زمین چگونه است ؟

فرمودند : زمین هفت تاست در پنج تا از آن ها مخلوقات وجود دارند و در دو تای دیگر هواست و در آن دو چیزی وجود ندارد .

وسایل تبلیغاتی جهان که همیشه دم از پیشرفت و تکامل می زنند هنوز وسیله ای را که دارای سرعت نور باشد ، در اختیار ندارند . و بر فرضی که به چنین وسیله ای دست یابند ، برای رفتن به کراتی که میلیاردها سال نوری با ما فاصله دارند چه خواهند کرد ؟!

بدیهی است که به عمر چند میلیارد ساله نیاز خواهند داشت . این خود دلیل روشن و آشکار دیگری است که برای سفر به فضاهای دوردست باید به قدرتهای فرامادّه ، دست یافت و این همان نکته ای است که از قرنها پیش خاندان وحی علیهم السلام به آن

اشاره فرموده اند .

استفاده از قدرت های فرامادّه

در میان آیات قرآن و روایاتی که از خانـدان وحی علیهم السـلام به ما رسـیده است ، در موارد متعـدّد ، از قـدرت های فرامادّه سخن گفته شده ؛ به گونه ای که از نظر قرآن و روایات نه تنها اسـتفاده از قدرت های فرامادّه ممکن می باشد ، بلکه در موارد متعدّد واقع شده و صورت عملی به خود گرفته است .

رسول خـدا صـلی الله علیه وآله وسـلم و اهـل بیت آن بزرگوار ، بـا فرهنگ متعالی و برنامه پیشـرفته ای که بر مردم جهان ارائه کرده انـد ، تنها از امکان اسـتفاده از قدرت های فرامادّه سـخن نگفته اند ، بلکه وقوع آن را نیز برای جامعه بشـریّت بیان نموده اند .

نکته های عالی و ناب در قرآن و روایات فراوان است که یکی از آن ها استفاده از قدرت های فرامادّه بلکه وقوع آنست .

اسـتفاده از قـدرت هـای فرامادّه از روزگاران گذشـته بوده و قرآن کریم نمونه های متعـدّدی از آن ها را بیان نموده است . در روایاتی که از خاندان وحی علیهم السلام رسیده است نیز به موارد بسیاری از آن ها تصریح شده است .

به این جهت چـون جـامعه بشـری در عصـر پیشـرفته ظهور برخوردار از تکامـل فکری و معنوی است ، اسـتفاده از قـدرت هـای فرامادّه در آن عصر درخشان به اوج خود خواهد رسید .

عصر ظهور ، عصر بهره برداری از قدرت های فرامادّه است .

مدارک کتاب

قرآن کریم

الف (کتاب ها :

۱ - آمارها پرده برمی دارند : اصغر جدائی ، نشر نور السجّاد علیه السلام - قم ، چاپ اوّل ، بهار ۱۳۸۳

۲ - آینده جهان)مجموعه جهان در قرن بیست و یکم(: سارا آنجلیس و کولین آتلی ، مترجم : داود شعبانی داریانی ، نشر

پیدایش - تهران ، چاپ اوّل ، زمستان ۱۳۸۱

۳ - آیه الکرسی، پیام آسمانی توحید: محمّد تقی فلسفی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران چاپ چهارم ، سال ۱۳۸۲

۴ - إثباه الهداه : شیخ حرّ عاملی ، دار الکتب الإسلامیّه - تهران ، چاپ سوّم ، پائیز ۱۳۶۴

۵ - إحقاق الحقّ : قاضی نوراللَّه تستری ، منتشورات مکتبه آیه اللَّه مرعشی نجفی - قم

۶ - الإرشاد : شیخ مفید رحمه الله ، منشورات مکتبه بصیرتی - قم

۷ - استاد عشق : ایرج حسابی ، نشر وزارت ارشاد - تهران ، چاپ بیست و دوّم ، سال ۱۳۸۳

۸ - اصول کافی : مرحوم کلینی ، دار الکتب الإسلامیّه - تهران

۹ - إعلام الوری : شیخ ابی علی فضل بن حسن طبرسی ، مؤسّسه آل البیت علیهم السلام - قم ، چاپ اوّل ، ربیع الأوّل ۱۴۱۷ ه ق

۱۰ - اینشتین : حبیبه جعفریان ، نشر سروش - تهران ، چاپ دوّم ، سال ۱۳۸۳

۱۱ - بازگشت به ستارگان : اریک فون دنیکن ، مترجم : مسعود نوده فراهانی ، نشر برهمند ، چاپ اوّل

۱۲ - بحار الأنوار : علاّمه محمّد باقر مجلسی رحمه الله ، منشورات مکتبه اسلامیّه - تهران ، چاپ رمضان المبارک ۱۳۹۳ ه ق

۱۳ - بشقاب پرنده : ترجمه و تنظیم : پ زرنگار ، انتشارات زرّین - تهران

۱۴ - بصائر الدرجات : محمّد صفّار قمی ، منشورات مکتبه آیه اللَّه مرعشی نجفی - قم ، ۱۴۰۴ ه ق

۱۵ - پرسش های عجیب، پاسخ های عجیب تر: ا.جی.آرمسترانگ، ترجمه پریسا همایون روز، نشر کتابهای قاصدک وابسته به مؤسّسه نشر و تحقیقات ذکر - تهران ، چاپ دوّم

، بهار ۱۳۸۰

۱۶ – تاریخ کوفه : سیّد حسین براقی نجفی ، مترجم : سعید رادرحیمی ، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی – مشهد مقدّس ، چاپ اوّل ، سال ۱۳۸۱

۱۷ – تاریخ ناشناخته بشر : روبر شارو ، مترجم : هوشیار رزم آرا ، نشر سپنج – تهران ، چاپ اوّل ، زمستان ۱۳۶۸

۱۸ – تحلیلی از آرای جابر بن حیّان : دکتر زکی نجیب محمود ، مترجم : حمیدرضا شیخی ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی – مشهد مقدّس ، سال ۱۳۶۸

۱۹ – التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن المعروف بالملاحم والفتن : سیّد بن طاووس ، نشر مؤسّسه صاحب الأمر علیه السلام – قم ، چاپ اوّل ، ۱۵ شعبان ۱۴۱۶ ه ق

۲۰ – توانایی های خود را بشناسید : ویکتور پکلیس ، ترجمه محمّد تقی فرامرزی ، نشر پارسا – تهران ، چاپ اوّل ، سال ۱۳۷۳

۲۱ – جهان در ۵۰۰ سال آینده : آدریان بری ، مترجم : دکتر کوشیار کریمی طاری ، نشر نسل نواندیش – تهران ، چاپ اوّل ، زمستان ۱۳۷۸

۲۲ – الخرائج والجرائح : قطب الدین راوندی ، مؤسّسه الإمام المهدی علیه السلام – قم ، چاپ اوّل ، سال ۱۴۰۹ ه ق

۲۳ – دایره المعارف)هزار و یک نکته جذّاب(: مهدی وفائی ، نشر وفائی – قم ، چاپ اوّل ، سال ۱۳۸۲

۲۴ – دلائل الإمامه: محمّد بن جریر بن رستم طبری، مؤسّسه بعثت – قم ، چاپ اوّل، سال ۱۴۱۳ ه ق

۲۵ – دوازده هزار مَثَل فارسی : دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری ، انتشارات آستان قدس رضوی – مشهد مقدّس ، چاپ اوّل

، سال ۱۳۸۰

۲۶ – دو هزار دانشمند در جستجوی خدا : رایموند روایه ، ترجمه فرامرز برزگر ، انتشارات جاویدان – تهران ، چاپ چهارم ، سال ۱۳۵۸

۲۷ – راه تکامل : استاد احمد امین ، مترجم : دکتر احمد بهشتی ، ادیب لاری و امامی شیرازی ، نشر دار الکتب الإسلامیّه – تهران ، چاپ هفتم ، بهمن سال ۱۳۶۱

۲۸ – روانشناسی ضمیر ناخودآگاه : کارل گوستاویونگ ، ترجمه محمّد علی امیری ، شرکت انتشارات علمی فرهنگی – تهران ، چاپ اوّل ، سال ۱۳۷۲

۲۹ – سال ۲۱۰۰ توصیف سده آینده : تیبری گُدن ، مترجم : دکتر عبّاس آگاهی ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی – تهران ، چاپ اوّل ، سال ۱۳۷۹

۳۰ – شرح دعای سمات : سیّدعلی قاضی طباطبائی ، مؤسّسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس – تهران ، چاپ اوّل ، سال ۱۳۸۴

۳۱ – شرح غرر الحکم و دُرر الکلم : مرحوم جمال الدین محمّد خوانساری ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ سوّم ، بهمن سال ۱۳۶۶

۳۲ – شگفتی های آفرینش : قدیری فرد ، نشر رنگ آسمان – قم ، چاپ اوّل ، سال ۱۳۸۳

۳۳ – شگفتی های کاوش جهان : جون میکنتاش ، ترجمه نیاز یعقوبشاهی ، نشر زمانه – تهران ، چاپ اوّل ، سال ۱۳۷۴

۳۴ – الصحیفه المبارکه المهدیّه : سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی ، نشر حاذق – قم ، چاپ اوّل ، سال ۱۴۱۹ ه ق

۳۵ – صحیفه مهدیّه : سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی ، نشر حاذق – قم ، چاپ هشتم ، مرداد ماه سال ۱۳۸۴

۳۶ – عجیب تر از رؤیا : فرانک ادواردز – اریک نورمن ، ترجمه

سیروس گنجوی ، نشر پیک فرهنگ - تهران ، چاپ اوّل ، بهار ۱۳۷۲

۳۷ - علم، شبه علم و علم دروغین: هانری ژری اِرس، ترجمه دکتر عبّاس باقری، نشر نی - تهران ، چاپ اوّل ، سال ۱۳۷۹

۳۸ - عقدر الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام : یوسف بن یحیی ، تحقیق : عبدالفتاح محمّد الحلو ، انتشارات نصایح - قم ، چاپ اوّل ، سال ۱۴۱۶ ه ق

۳۹ - عجایب حسّ ششم : غلامرضا اربابی ، نشر گروه فرهنگی اربابی - تهران ، آبان ۱۳۷۲

۴۰ - الغیبه : شیخ الطائفه طوسی ، منشورات کتابفروشی بصیرتی - قم ، چاپ دوّم ، سال ۱۳۸۵ ه ق

۴۱ - الغیبه : شیخ نعمانی ، تحقیق : علی اکبر غفّاری ، مکتبه صدوق - تهران

۴۲ - فوق طبیعت: لیال واتسن، ترجمه شهریار بحرانی و احمد ارژمند، مؤسّسه انتشارات امیرکبیر - تهران ، چاپ سوّم ، سال ۱۳۶۹

۴۳ - کمال الدین : شیخ صدوق رحمه الله ، منشورات دارالکتب اسلامیّه - تهران، چاپ دوّم، سال ۱۳۹۵ ه ق

۴۴ - گلزار اکبری : شیخ علی اکبر نهاوندی ، انتشارات علمی - تهران ، چاپ افست ، سال ۱۳۳۶ ه ق

۴۵ - گمشدگان مثلث برمودا : چارلز برلیتز ، مترجم : سیروس گنجوی ، انتشارات خواجو - تهران ، چاپ اوّل ، آبان سال ۱۳۶۲

۴۶ - مختصر البصائر : شیخ حسن بن سلیمان حلّی ، تحقیق : مشتاق المظفّر ، مؤسّسه نشر اسلامی - قم ، چاپ اوّل ، سال ۱۴۲۱ ه ق

۴۷ - مستدرک الوسائل : مرحوم محدّث نوری ، تحقیق مؤسّسه آل البیت علیهم السلام - قم ، چاپ اوّل ،

شوّال ۱۴۱۴ ه ق

۴۸ – مصباح الزائر : سیّد بن طاووس ، مؤسّسه آل البیت علیهم السلام – قم ، چاپ اوّل ، محرّم الحرام سال ۱۴۱۷ ه ق

۴۹ – مصباح الشریعه : منسوب به امام صادق علیه السلام ، منشورات مؤسسه الأعلمی – بیروت ، چاپ اوّل ، سال ۱۴۰۰ ه ق

۵۰ – مغز متفکّر جهان شیعه : ترجمه و اقتباس : ذبیح اللّٰه منصوری ، انتشارات جاویدان – تهران ، چاپ سوّم ، فروردین 2536

۵۱ – نسخه عطّار : محمّد تقی عطّار نژاد ، تهران ، سال ۱۳۵۸

۵۲ – نوادر الأخبار : محسن بن فیض کاشانی ، تحقیق : مهدی انصاری قمی ، مؤسّسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی)پژوهشگاه(– تهران ، سال ۱۳۷۱

۵۳ – نهج البلاغه: سیّد رضی رحمه الله، به قلم فیض الإسلام، انتشارات فقیه – تهران، چاپ اوّل، سال ۱۳۷۵

۵۴ – نگاهی به سرنوشت جهان ، انسان ، تاریخ : دکتر محمّد کریمی ، انتشارات موحّد – مشهد ، چاپ اوّل ، تابستان ۱۳۷۴

۵۵ – وسائل الشیعه : شیخ حرّ عاملی ، دار إحیاء التراث العربی – بیروت ، چاپ چهارم ، سال ۱۳۹۱ ه ق

ب (نشریّات :

۱ – حکیم شماره ۵۹)ضمیمه شماره ۱۳۲۷ روزنامه جام جم(.

۲ – روزنامه پول (۴ آبان ۱۳۸۳)

۳ – روزنامه دنیای اقتصاد (۴ آبان ۱۳۸۳)

۴ – روزنامه کیهان (۵ شهریور ۱۳۶۰)

۵ – کتاب هفته (۱۷ بهمن ۱۳۸۳ شماره ۶۱۱)

۶ – کلیک ، شماره ۳۱)ضمیمه روزنامه جام جم(

۷ – ماهنامه اطّلاعات علمی)سال ۱۹ شماره ۳ دی ماه ۱۳۸۳)

۸ – ماهنامه کشاورز)شهریور ۱۳۸۳ شماره ۲۹۷)

۹ – مجلّه دانستنیها)سال ۲۶ ، مهرماه ۱۳۸۳ ، شماره

۱۰ – مجلّه دانشمند)مهرماه ۱۳۸۳ شماره ۴۹۲)

۱۱ – هفته نامه خبر (۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۶)

.پی نوشتها :

۱) شرح غرر الحکم : ۴۷۶/۲ .

۲) الصحیفه المبارکه المهدیّه : (چاپ اوّل) ۱۶۶ .

۳) تجلیل هـای دیگری از معصومین علیهم السـلام درباره حضـرت مهـدی عجّل اللّه تعالی فرجه الشـریف را در مقـدّمه کتاب «صحیفه مهدیّه» نقل کرده ایم ، به آن کتاب مراجعه کنید .

۴) عقد الدرر : ۶۹ ، ۱۸۸ و ۲۱۲ .

۵) بحار الأنوار : ۳۶۶/۵۲ ح ۱۴۹ .

۶) بحار الأنوار : ۱۴۳/۷۷ .

۷) بحار الأنوار : ۱۵۶/۵۱ .

۸) بـا تـوجّه به وصف شـدن امـام عصـر ارواحنـا فـداه به : «المسـتور عن عوالمهم» ، ظهور آن حضـرت نیز – همچون غیبت آن بزرگوار – اختصاص به عالمِ ما ندارد .

۹) مواردی که با این علامت «×» مشـخّص شـده انـد ، نام های مقـدّس مادر بزرگوار حضـرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه می باشد .

۱۰) سوره حدید ، آیه ۲۵ .

۱۱) در زمان حکومت پنـج ساله حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام نیز دشـمنان تا می توانسـتند به کارشـکنی می پرداختنـد به گونه ای که فدک همچنان در دست غاصبان باقی ماند .

۱۲) صحیفه مهدیّه : ۶۳۶ .

۱۳) سوره حجّ ، آیه ۴۱ .

۱۴) إحقاق الحقّ : ۳۴۱/۱۳ .

۱۵) الغيبه مرحوم نعمانى : ۲۹۷ .

۱۶) صحيفه مهديّه : ۶۱۸ .

۱۷) بحار الأنوار : ۳۷۸/۵۲ ح ۱۸۴ .

۱۸) صحيفه مهديّه : ۶۲۰ .

۱۹) الغيبه مرحوم نعمانى : ۱۵۰ .

۲۰) الغيبه شيخ طوسى رحمه الله : ۱۱۱ .

۲۱) إحقاق الحقّ : ۱۵۲/۱۳ .

۲۲) بحار الأنوار : ۳۷۴/۵۲ .

۲۳) التشريف بالمنن : ۲۹۹ .

۲۴) الغيبه شيخ طوسى رحمه الله : ۱۱۵ .

۲۵) بحار الأنوار : ۲۸۰/۵۲ .

۲۶) بحار الأنوار : ۳۱۶/۵۲

.

۲۷) عجائب حسّ ششم : ۵۴ .

۲۸) عجائب حسّ ششم : ۵۸ .

۲۹) عجائب حسّ ششم : ۶۵ .

۳۰) التشریف بالمنن : ۲۰۳ .

۳۱) بحث درباره نور اللّه و مقام نورانیّت خاندان وحی علیهم السلام از معارف عالی اهل بیت علیهم السلام است که متأسّفانه آگاهی جامعه ما درباره آن بسیار اندک است و لازم است برای شناخت آن بحثهای گسترده و وسیع انجام گیرد .

۳۲) سوره شوری ، آیه ۲۹ .

۳۳) سوره جاثیه ، آیه ۴ .

۳۴) سوره انعام ، آیه ۳۸ .

۳۵) پرسشهای عجیب ، پاسخهای عجیبتر : ۹۸/۲ .

۳۶) دوازده هزار مَثَل فارسی : ۶۰ .

۳۷) نهج البلاغه ، قصار الحکم ۲۱۱ ص ۱۱۸۴ .

۳۸) مستدرک الوسائل : ۳۶۶/۱۷ .

۳۹) بحار الأنوار : ۱۱/۱۴ .

۴۰) «خمیس» به معنای جنگ و «شرطه الخمیس» به افراد خاصّی می گفتند که اصبغ بن نباته یکی از آن ها بود . از او پرسیدند : چرا به شما «شرطه الخمیس» می گویند ؟

گفت : ما با امیرالمؤمنین علیه السلام شرط کردیم که در پیشاپیش لشکر بجنگیم تا کشته شویم و آن حضرت برای ما فتح و پیروزی را وعده دادند . (بحار الأنوار : ۱۱/۱۴)

۴۱) بحار الأنوار : ۲۵۹/۴۰ .

۴۲) سوره نمل ، آیه ۱۵ .

۴۳) سوره انبياء ، آيه ۷۹ .

۴۴) سوره ص ، آيه ۲۶ .

۴۵) بحار الأنوار :۱۰/۱۴ ، و شبيه آن در وسائل الشيعه : ۱۶۷/۱۸ .

۴۶) رک : بحار الأنوار : ۶/۱۴ .

۴۷) رک: بحار الأنوار: ۷/۱۴. در مستدرک الوسائل: ۳۶۱/۱۷ اين موارد را به عنوان يک روايت نقل کرده است.

۴۸) بحار الأنوار : ۵۶/۵۲ .

۴۹) بحار الأنوار : ۵۷/۲۵ .

۵۰) بحار الأنوار : ۵۶/۲۵

.

۵۱) بحار الأنوار : ۳۲۰/۵۲ .

۵۲) بحار الأنوار : ۲۵۶/۴۶ .

۵۳) بحار الأنوار : ۲۶۴/۵۰ ، ۳۲۰/۵۲ و ۳۱/۹۵ و ۶۶ ، مستدرک الوسائل : ۳۶۴/۱۷ .

۵۴) بحار الأنوار : ۸۶/۲۳ و ۱۷۷/۲۶ و ۳۲۰/۵۲ ، مستدرک الوسائل : ۳۶۴/۱۷ . این روایت در «وسائل الشیعه» از ابی عبیده ، از امام باقر علیه السلام نقل شده است .

۵۵) بحار الأنوار : ۳۲۰/۵۲ ، وسائل الشیعه : ۱۶۸/۱۸ ، مستدرک الوسائل : ۳۶۴/۱۷ .

۵۶) بحار الأنوار : ۲۸۶/۵۲ و ۳۶۹ ، و قسمتی از آن در مستدرک الوسائل : ۳۶۵/۱۷ آمده است .

۵۷) بحار الأنوار : ۳۱۹/۵۲ .

۵۸) سوره حجر ، آیه ۷۵ و ۷۶ .

۵۹) بحار الأنوار : ۳۳۹/۵۲ و قسمتی از آن در ج : ۱۴/۱۴ آمده است .

۶۰) سوره آل عمران ، آیه ۳۴ .

۶۱) بحار الأنوار : ۳۱۳/۳۶ .

۶۲) کمال الدین : ۶۷۱ .

۶۳) بحار الأنوار : ۱۷۷/۲۶ .

۶۴) الغیبه مرحوم نعمانی : ۳۱۹ .

۶۵) بحار الأنوار : ۳۴۵/۵۲ .

۶۶) برخی چنین اظهار نظر کرده اند که تعداد مردان و زنانی که پیشگامانِ یاوران امام زمان ارواحنا فداه می باشند ، مجموعاً سیصد و سیزده نفر می باشد . امّا این نظر صحیح نیست ؛ زیرا اگرچه در میان پیشگامانِ یاوران امام عصر ارواحنا فداه تنی چند از زنان نیز وجود دارند ، ولی آنان از زمره سیصد و سیزده نفر که پس از استقرار حکومت عدل الهی حاکم بر اقلیم های جهان خواهند بود ، نمی باشند .

آنچه باعث این اشتباه شده است این است : در بیشتر روایاتی که درباره سیصد و سیزده نفر وارد شده است ، لفظ «رجلاً» (یعنی مرد) قید نشده

ولی با توجّه به روایات دیگر مانند روایتی که نقل کردیم روشن می شود که سیصد و سیزده نفر همه از مردان خواهند بود ؛ اگرچه زنانی نیز در شأن و مرتبت معنوی برخی از سیصد و سیزده نفر وجود دارند .

۶۷) باید دقّت شود که تکاثر و افزون طلبی ، فقط تکاثر و افزون طلبی در اموال نیست ؛ بلکه شامل همه افزون طلبیهایی که عامل مهمّ خیانت و جنایت است ، می شود که شامل افزون طلبی در اموال ، ریاست ، شهرت ، شهوت و... می شود .

۶۸) دوازده هزار مَثَل فارسی : ۴۳۲ .

۶۹) بحار الأنوار : ۳۴۵/۵۲ .

۷۰) قسمتی از این روایت در کتاب «عقد الدرر : ۲۲۶» آمده و آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده است همان گونه که روایات دیگری را که از امام صادق علیه السلام روایت شده به امام حسین علیه السلام نسبت داده است . مانند روایت معروف : «لو أدرکته لخدمته أیّام حیاتی». علّت اشتباه او اشتراک کنیه امام صادق علیه السلام با امام حسین علیه السلام - که »ابو عبداللّه« است - می باشد . مؤلّف «عقد الدرر» گمان کرده است مقصود از ابوعبداللّه ، امام حسین علیه السلام می باشند .

۷۱) الغیبه مرحوم نعمانی : ۱۵۰ .

۷۲) آمارها پرده برمی دارند: ۱۹۰ .

۷۳) سازمان ملل : شمار بیکاران جهان به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر رسید که در مقایسه با سال قبل ۲۰ میلیون نفر افزایش یافته است . طبق آمار منتشره از سوی بانک جهانی ، در طیّ ده سال آینده، جمعیّت بیکار خاورمیانه به ۴۷ میلیون نفر می رسد . (آمارها پرده برمی دارند : ۱۸۷)

۷۴) ماهنامه کشاورز

: ص ۳۶ ، شهریور ماه ۸۳ ، شماره ۲۹۷ .

۷۵) هزینه زندگی در ایران در ۲۰ سال گذشته ، ۱۰۰ برابر شده است در حالی که دستمزدها ۵۵ برابر افزایش یافته اند .

بر این اساس و بر اساس خطّ فقری که بانک مرکزی اعلام کرد (هر کس درآمدش کم تر از ۱۸۵ هزار تومان باشد فقیر محسوب می شود) ۱۵٪ جمعیّت ایران از فقر مطلق و ۴۵٪ از فقر نسبی رنج می برند . همچنین مخارج واقعی خوراک خانواده های شهری در دو دهه اخیر ، بیش از ۴۳٪ کاهش یافته است . (آمارها پرده برمی دارند : ۸۲)

۷۶) رجوع کنید به روزنامه دنیای اقتصاد : ۴ آبان ۱۳۸۳ صفحه ۴ ، و روزنامه پول : ۴ آبان ۱۳۸۳ صفحه ۴ .

۷۷) آمارها پرده برمی دارند : ۱۹۰ .

۷۸) التشریف بالمنن : ۱۴۹ .

۷۹) سوره اعراف ، آیه ۹۶ .

۸۰) بحار الأنوار : ۶۳/۵۳ .

۸۱) یکی از نتیجه های حاکم نبودن تقوا و پرهیزگاری در اجتماع ، اسراف و زیاده روی است که لازمه آن کم شدن برکات الهی و یا از میان رفتن آن می باشد . متأسّفانه اسراف در سطح جهان وجود دارد و برای ریشه کن شدن آن اقدامی نمی شود . به این گزارش توجّه کنید :

رئیس مرکز تحقیقات صنایع غذایی : با دور ریختن ۲۰ میلیون تن محصولات غذایی ، غذای ۱۵ میلیون نفر در کشور ، دور ریخته می شود .

معاون وزارت بازرگانی : سالانه ۲ میلیون تن گندم به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار)حدود ۲۴۰۰ میلیون تومان(در کشور ، هدر می رود .

معاون برنامه ریزی اداری – مالی استاندارد گیلان : هر ساله ، معادل هزینه ساخت ۸۰ کتابخانه روستایی

در استان گیلان ، نان دور ریخته می شود .

هر سال بـه ازای هر ایرانی ، ۵۰ کیلوگرم نـان هـدر می رود ؛ در حـالی که این میزان ضایعات برابر با نیاز غـذایی چنـد کشور جهان است .

آیا می دانید میزان نانی که در یک روز ، در کشور ما دور ریخته می شود برای سیر کردن ۱۵ میلیون نفر کافی است ؟ آیا می دانیـد اگر ضایعـات نـان حـذف شود ، مـا دیگر نیـازی به وارد کردن گنـدم به کشور نخواهیم داشت ؟ آیا می دانیـد که ایران دوّمین مصـرف کننـده و سوّمین ضایع کننـده نان در دنیا است ؟ روزانه ۸۵ تن ضایعـات نان در تهران ، توسّط شـهرداری جمع آوری می شود . (آمارها پرده برمی دارند : ۸۳)

بر اثر حاکم شدن تقوا و ریشه کن شدن اسراف و گناهان دیگر در عصر ظهور ، برکت های الهی همه را فرا می گیرد و از فقر و نیاز اثری باقی نخواهد ماند .

۸۲) سوره شوری ، آیه ۲۳ .

۸۳) بحار الأنوار : ۱۶۵/۷۴ .

۸۴) التشریف بالمنن : ۳۲۲ ، عقد الدرر : ۲۱۹ ، إحقاق الحقّ : ۱۴۶/۱۳ ، و نظیر آن در بحار الأنوار : ۹۲/۵۱ آمده است .

۸۵) التشریف بالمنن : ۱۴۷ .

۸۶) التشریف بالمنن : ۱۴۶ .

۸۷) بحار الأنوار : ۳۰۴/۵۲ .

۸۸) بحار الأنوار : ۳۴/۵۳ .

۸۹) الغیبه مرحوم نعمانی : ۲۳۷ باب ۱۳ ح ۲۶ ، نوادر الأخبار : ۲۷۵ ، و نظیر آن در بحار الأنوار : ۲۹/۵۱ .

۹۰) بحار الأنوار : ۳۳۵/۵۲ .

۹۱) الغیبه مرحوم نعمانی : ۳۱۷ .

۹۲) بحار الأنوار : ۶۲/۵۳ .

۹۳) سازمان بهداشت جهانی : در حال حاضر ، ۴۵ میلیون نفر نابینا در دنیا

زندگی می کنند و هر ساله ۱ تا ۲ میلیون نفر به این آمار افزوده می گردد . (آمارها پرده برمی دارند : ۲۰۲)

۹۴) مغز متفکّر جهان شیعه : ۳۸۷ .

۹۵) به گزارش ایسنا ، صندوق محیط زیست بانک جهانی اعلام کرد : مرگ و میر ناشی از بیماری های تنفّسی و آلودگی هوا ، هر سال جان ۸۰۰ هزار نفر در جهان را می گیرد که تنها در آسیا ۵۰۰ هزار نفر هر سال ، جان خود را از دست می دهند.

مسئول اداره آلودگی هوای وزارت بهداشت : سالانه ۸/۲ میلیون نفر در جهان بر اثر آلودگی هوا در فضای بسته ، جان خود را از دست می دهند .

بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت : ۲۰۰ هزار مورد از ۳ میلیون مرگ و میر ، بر اثر بیماری های ناشی از آلودگی هوا ، به دلیل عوارض آلودگی هوای در فضای باز است .

٪۹۰ موارد مرگ و میرهای ناشی از آلودگی هوا ، در کشورهای در حال توسعه و بیشتر مربوط به آلودگی هوا در فضاهای بسته است . (آمارها پرده برمی دارند : ۲۰۱)

۹۶) سالانه ۵۵ هزار خطای بزرگ پزشکی در ایران گزارش می شود : ۱۰ هزار و ۵۰۰ مورد آن منجر به مرگ می شود . ۲۳ هزار مورد باعث نقص عضو می شود . (آمارها پرده برمی دارند : ۷۲)

۹۷) یک استاد دانشگاه مون پلیه (فرانسه) : هم اکنون حدود ۳۵۰۰ بیماری در انسان شناخته شده است که طبّ نوین و غربی از معالجه آن ناتوان است . (آمارها پرده برمی دارند: ۲۰۵)

۹۸) مجلّه دانشمند : مهرماه ۱۳۸۳ ، شماره ۴۹۲ ، صفحه ۲۵ .

۹۹) کلیک شماره ۳۱ صفحه ۸ ضمیمه روزنامه جام جم شماره

۱۳۳۵ : یکشنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۸۳ .

۱۰۰) حکیم شماره ۵۹ صفحه ۲ ضمیمه شماره ۱۳۲۷ روزنامه جام جم : سه شنبه ۱۵ دی ۱۳۸۳ .

۱۰۱) سیاه چاله Black hole جسمی است در فضا که به سبب فشردگی خارق العاده جرم آن ، جاذبه فوق العاده شدیدی دارد به طوری که هیچ چیز ، حتّی نور ، نمی تواند از آن بگریزد و به فضا وارد شود . سیاه چاله هایی که با سرعت زیاد به دور خود می چرخند در واقع همچون تونل فضا زمان عمل می کنند و با وارد شدن به آن ها ، از لحاظ تئوری می توان در همان لحظه در جایی بسیار دورتر در فضا یا زمانی در آینده یا گذشته وارد شد . (جهان در ۵۰۰ سال آینده : ۶۰۱)

۱۰۲) بعد از کشف کوآزرها برای دانشمندان نجومی نظریّه ای پیدا شد ، مشعر بر این که تمام کهکشان هایی که به چشم نوع بشر می رسد، اجرام برون مرزی جهان است و مرز جهان از کوآزرها که گفتیم بعضی از آن ها با زمین ۹ هزار میلیون سال نوری فاصله دارند شروع می شود و بنابراین چون رادیوتلسکوپ های ما نمی تواند بیش از فاصله ۹ هزار میلیون سال نوری را ببیند آنچه در ماورای کوآزرها قرار گرفته به چشم ما نمی رسد .

بر طبق این نظریّه یکصد هزار میلیون کهکشان هر یک دارای ده ها هزار میلیون خورشید که به چشم تلسکوپ های نوری و رادیوتلسکوپ های بشر می رسد دنیای اصلی نیست بلکه اجرام پراکنده و قلیلی است واقع در خارج مرز جهان و دنیای اصلی از کوآزرها شروع می شود برای این که اگر اصلی نبود ، هر کوآزر ، ده هزار میلیارد برابر خورشید ما نور نداشت .

در خورشید

ما برای این که روشنایی که می بینیم تولید بشود در بیست و چهار ساعت چهار صد میلیارد تن هیدروژن تفکیک (یا ادغام) می شود و در یک کوآزر چقدر هیدروژن در هر بیست و چهار ساعت باید تفکیک شود تا نوری به وجود بیاید برابر با ده هزار میلیارد برابر نور خورشید (اگر نور کوآزر ناشی از انفجار مادّه و ضدّ مادّه نباشد) .

با یک حساب ساده ، ما باید چهارصد میلیارد تن را در ده هزار میلیارد ضرب کنیم تا این که بدانیم در هر بیست و چهار ساعت در یک کوآزر چقدر هیدروژن تفکیک می شود و بعد از ضرب کردن رقم ۴ را به دست می آوریم در حالی که بیست و هفت صفر در طرف راست آن قرار گرفته است و این عدد آن قدر بزرگ می باشد که ما نمی توانیم آن را بر زبان بیاوریم .

ولی می توانیم بگوییم که به قاعده هر کوآزر در هر بیست و چهار ساعت ده هزار میلیارد برابر خورشید سوخت می سوزاند و لذا دنیای اصلی کوآزر است یعنی دنیای اصلی از آن شروع می شود و چون رادیوتلسکوپ ها هنوز قدرت آن را ندارد که ماورای کوآزر را ببیند منجّمین و علمای فیزیک نمی توانند بفهمند که وسعت دنیای اصلی که از کوآزر شروع می گردد چقدر می باشد و چون از وسعت جهان حتّی به طور تخمین بدون اطلاع هستند نمی توانند حساب کنند که در جهان چند خورشید وجود دارد تا چه رسد به این که به تقلید ارشمیدس و ادینگتون درصدد برآیند که اتم های موجود در جهان را محاسبه نمایند . (مغز متفکّر جهان شیعه : ۳۶۷)

این کوآزرهایی که بعضی از آن ها

تا زمین ۹ هزار میلیون سال نوری فاصله دارند آیا آغاز جهان هستند یا وسط دنیا یا پایان جهان .

خورشید ما که در قبال کوآزرها یک چراغ خاموش است با این که در هر بیست و چهار ساعت ما ، چهار صد میلیارد تن هیدروژن را مبدّل به هلیوم می کند تا این که ما و سیّارات دیگر دارای نور و حرارت باشیم تا ده میلیارد سال دیگر خاموش نخواهد شد .

وقتی عمر خورشید ما این قدر باشد می توان از روی حدس و تخمین فکر کرد که عمر یک کوآزر چقدر می باشد .

با یک مقایسه و تخمین ساده ، عمر کوآزر از نوع آنهایی که با زمین ۹ هزار میلیون سال نوری فاصله دارد از هزار میلیارد سال بیشتر است و چون در این جهان خورشیدهایی هم مثل خورشیدهای ما وجود دارد که ده میلیارد سال دیگر خاموش خواهد شد ناگزیر به حکم عقل و علم باید تصدیق کنیم که ما در یک دنیای واحد زندگی نمی کنیم و دنیاهای متعدد جزء هستی است . (مغز متفکّر جهان شیعه : ۳۶۵)

۱۰۳) بحار الأنوار : ۳۳۶/۵۲ .

۱۰۴) بحار الأنوار : ۳۵۰/۶۷ .

۱۰۵) بحار الأنوار : ۳۷۲/۵۲ .

۱۰۶) اصول کافی : ۱۷۳/۱ ، بحار الأنوار : ۲۵۴/۷۴ .

۱۰۷ و ۱۰۷/ ۲. بحار الأنوار : ۶/۷۸ .

۱۰۸) بحار الأنوار : ۶/۷۸ .

۱۰۹) سوره زمر ، آیه ۲۲ .

۱۱۰) بحار الأنوار : ۵۱/۷۰ .

۱۱۱) جناب «هالو» به ظاهر یک فرد عادّی بوده و در اصفهان کارگری می کرده است ولی در واقع یکی از مأمورین امام عصر ارواحنا فداه بوده و آن حضرت برای انجام بعضی از کارها به او مأموریّت می داده اند

.

۱۱۲) بحار الأنوار : ۵۳/۷۰ .

۱۱۳) سوره بقره ، آیه ۳ .

۱۱۴) گلزار اکبری : ۳۵۸ .

۱۱۵) تاریخ کوفه : ۷۲ .

۱۱۶) تاریخ کوفه : ۷۳ .

۱۱۷) تاریخ کوفه : ۱۱۲ .

۱۱۸) علّت امور خارق العاده ای که از مرحوم سیّد بحرالعلوم دیده شده است ، تحوّلی بوده است که بر اثر تشرّف آن بزرگوار به خدمت حضرت بقیّه اللّه عجّل اللّه تعالی فرجه واقع شده است . در آن تشرّف ، حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه ، سیّد بحرالعلوم را در آغوش پدرانه گرفتند و به سینه فشردند و بر اثر آن تشرّف ، آن تحوّل عظیم در سیّد بحرالعلوم به وجود آمد .

اگرچه مرحوم محدّث نوری می گوید : از بعضی از ثقات نقل شده که آن مرحوم فرموده است که این مکاشفات از اثر آن غذای اندکی است که از کاسه خمسه طیّبه صلوات اللّه علیهم اجمعین باقی مانده بود و من آن را خوردم و خوابی در این خصوص بیان فرموده که خلاصه آن این است که آن بزرگواران را در خواب دیدم که کاسه ای در برابر آن ها است و در آن آشی می باشد که از تمام حبوبات در آن هست ، پس من وارد شده سلام کرده بعد از رد جواب ، جدّه ام فرمودند : ولدی مهدی از این آش میل داری ؟ عرض کردم : البتّه مایلم پس کاسه را نزد من گذاشته ، دیدم چیز درستی در آن نیست ، پس اطراف آن کاسه را به قاشقی که در میان آن بود جمع کرده و خوردم و آنچه را که از من مشاهده می کنید از اثر آن است . (گلزار اکبری

۳۵۸ :)

۱۱۹) بنا به روایات و فرموده های خاندان وحی علیهم السلام خداوند ، اولیاء خود را در میان مردمان مخفی ساخته است . ولی آنگاه که عصر شکوهمند ظهور فرا رسد و یاوران خودساخته و خاصّ امام عصر ارواحنا فداه شناخته شوند و توانایی های عظیم آنان حتّی در عصر غیبت برای مردم آشکار شود ، همه خواهند دانست که طلایه داران عصر پرفروغِ ظهور ، چگونه با داشتن آنهمه توانایی و قدرت خود را در میان مردم ناشناخته و مخفی نگه داشته اند !

۱۲۰) هفته نامه خبر ، ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۷۶ .

۱۲۱) اصول کافی : ۲۰/۱ .

۱۲۲) مقصود از جهل در آن روایت ، نفس است نه نادانی ؛ زیرا جهلِ به معنای نادانی ، خود یکی از ارتش جهل به معنای نفس است که در آن روایت بیان شده است .

۱۲۳) توانایی های خود را بشناسید : ۱۴ .

۱۲۴) توانایی های خود را بشناسید : ۳۲ .

۱۲۵) توانایی های خود را بشناسید : ۱۷ .

۱۲۶) نسخه عطّار : ۱۳۴ .

۱۲۷) توانایی های خود را بشناسید : ۳۴۷ .

۱۲۸) بازگشت به ستارگان : ۷۶ .

۱۲۹) وقتی «و . ج پنفیلد» ، محقّق نامدار مغز انسان ، ناحیه ای از مخچه را به طریق الکتریکی تحریک می کرد ، بیمار تمام جزئیات مربوط به گذشته های دور را به یاد می آورد . (توانایی های خود را بشناسید : ۱۲۱)

۱۳۰) سال ها پیش از این ، «یوهان فون نیومن» ریاضی دان و سیبرنتیک دان بزرگ معاصر ، مطلبی پر سر و صدا را به آگاهی مردم رساند . او تخمین زد که مغز انسان عملاً می تواند ۱۰۲۰ واحد اطّلاعاتی را در خود ذخیره سازد . این رقم را اگر به

زبـان ساده ترجمه کنیم بـدین معنی خواهـد بود که هر یک از ما خواهـد توانست کلّ محتوای اطّلاعاتی میلیون ها جلـد کتاب موجود در بزرگترین کتابخانه جهان در مسکو را به حافظه بسپارد . (توانایی های خود را بشناسید : ۴۴)

۱۳۱) توانایی های خود را بشناسید : ۴۵ .

۱۳۲) همان کتاب : ۴۶ .

۱۳۳) توانایی های خود را بشناسید : ۵۳ .

۱۳۴) توانایی های خود را بشناسید : ۵۴ .

۱۳۵) توانایی های خود را بشناسید : ۵۶ .

۱۳۶) کلیک شماره ۳۱ (ضمیمه روزنامه جام جم) : صفحه ۹ .

۱۳۷) کلیک شماره ۳۱ (ضمیمه روزنامه جام جم) : صفحه ۹ .

۱۳۸) کلیک شماره ۳۱ (ضمیمه روزنامه جام جم) : صفحه ۹ .

۱۳۹) بحار الأنوار : ۶۳/۵۳ .

۱۴۰) توجّه داشته باشیم که در عصر ظهور همه مردمان جهان پیرو خاندان وحی علیهم السلام می باشند .

۱۴۱) الغیبه شیخ طوسی رحمه الله : ۲۷۵ .

۱۴۲) إحقاق الحقّ : ۳۴۹/۱۳ ، از ینابیع المودّه : ۴۲۲ .

۱۴۳) سوره نصر ، آیه ۱ و ۲ .

۱۴۴) بحار الأنوار : ۳۰/۵۱ ، الإرشاد : ۳۴۴ ، اعلام الوری : ۴۶۱ ، نوادر الأخبار : ۲۷۲ .

۱۴۵) مصباح الزائر : ۴۱۰ ، بحار الأنوار : ۶۷/۱۰۲ ، الصحیفه المبارکه المهدیّه : ۶۱۴ .

۱۴۶) بحار الأنوار : ۳۰/۵۱ .

۱۴۷) بحار الأنوار : ۳۳۸/۵۲ .

۱۴۸) بحار الأنوار : ۲۴۲/۲ .

۱۴۹) بحار الأنوار : ۱۸۴/۲ .

۱۵۰) اشاره به حدیث شریف : «الناس معادن کمعادن الذهب والفضّه» .

۱۵۱) بصائر الدرجات : ۲۸ ، بحار الأنوار : ۱۹۶/۲ .

۱۵۲) الغیبه شیخ طوسی رحمه الله : ۱۷۶ .

۱۵۳) کمال الدین : ۶۴۷ .

۱۵۴) سوره الذاریات ، آیه ۵۶ .

۱۵۵) بحار الأنوار : ۳۱۱/۵۲ .

۱۵۶) حضرت الیاس یکی از

چهار پیامبری است که در قید حیات می باشد و در عصر غیبت و ظهور از یاوران حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه است .

۱۵۷) بحار الأنوار : ۳۶۴/۴۶ .

۱۵۸) صحیفه مهدّیه : ۵۷۱ .

۱۵۹) سوره انبیاء ، آیه ۱۰۵ .

۱۶۰) بحار الأنوار : ۴۶۵/۹۵ .

۱۶۱) مصباح الشریعه : ۹ .

۱۶۲) بحار الأنوار : ۵۹/۷۰ .

۱۶۳) صحیفه مهدیّه : ۹۳ .

۱۶۴) سوره رعد ، آیه ۲۸ .

۱۶۵) مصباح الشریعه : ۹ .

۱۶۶) بحار الأنوار : ۳۳۶/۵۲ ، مختصر البصائر : ۳۲۰ ، نوادر الأخبار : ۲۷۸ و در الخرائج: ۸۴۱/۲ با اندکی تفاوت.

۱۶۷) اگر ما به ظاهر روایت عمل کنیم پیشرفت علم در آن حدّ خواهد بود که گفتیم ولی اگر روایت را توجیه کنیم ، مجموعه علم و دانش تا پایان عصر غیبت ، قابل مقایسه با علم و دانش در عصر ظهور نیست .

۱۶۸) رک : شرح دعای سمات : ۴۱ از مرحوم آیه اللّه سیّد علی قاضی .

۱۶۹) سوره لقمان ، آیه ۲۷ .

۱۷۰) بحار الأنوار : ۱۶۶/۵۰ .

۱۷۱) بحار الأنوار : ۲۲/۶ و ۲۷۸/۹۳ .

۱۷۲) مصباح الزائر : ۴۳۷ ، صحیفه مهدیّه : ۶۳۰ .

۱۷۳) بحار الأنوار : ۳۷/۹۴ ، صحیفه مهدیّه : ۵۷۱ .

۱۷۴) سوره یونس ، آیه ۳۵ .

۱۷۵) کمال الدین : ۶۸۰ ، اصول کافی : ۲۰۲/۱ .

۱۷۶) الغیبه شیخ طوسی رحمه الله : ۱۴۷ .

۱۷۷) بحار الأنوار : ۲۱/۴۴ و ۲۸۰/۵۲ .

۱۷۸) در میان ۸۶۰۰۰ نوع پرنده ای که در دنیای ما زندگی می کنند بزرگ ترین و بلندترین آن ها شترمرغ آفریقایی است امّا این حیوان نمی تواند پرواز کند ؛ زیرا به طور متوسّط وزنش ۱۳۵ و طول قدّش ۲/۴۰ می باشد .

به

موجب اطّلاعات دقیق ، کلاغ پرسال ترین پرنده روی زمین است و پس از کلاغ پرستوی دریائی است . سالخورده ترین کلاغ اهلی ، کلاغی بود که ۱۰۸ سال عمر کرد و پرسال ترین پرستوی دریائی ۴۴ سال تمام در بین همنوعان خود بسر برد . (دایره المعارف (۱۰۰۱ نکته جذّاب) : ۲۶۳)

۱۷۹) کتاب هفته ، ص ۲۲ شنبه ۱۷ بهمن ۸۳ ، شماره پیاپی ۶۱۱ .

یکی از نویسندگانی که درباره «پروانه» جستجو و تحقیق نموده است می نویسد : ۹ سال روی این کتاب کار کردم . از سال ۷۳ بود که دوربین عکّاسی ام را برداشتم و قدم به قدم ایران را گشتم ؛ اکثر سفرهایم به صورت گردش های علمی بوده که دانشجویانم را هم به همراه داشته ام .

به این ترتیب بود که گونه های مختلف پروانه ها را در باغ ها ، مزارع ، کوهها و روی علف ها شکار کردم ، شناسایی کردم و عکس گرفتم . ضمناً از موزه هایی که پروانه ها را جمع آوری کرده اند و همچنین از منابع خارجی هم برای تکمیل مطالب کتاب استفاده کرده ام .

پروانه با همه زیبایی های که دارد و برخلاف تصوّر ما که یک موجود مظلوم است از جمله زیان آورترین حشرات محسوب می شود . آن ها در پروازهای دسته جمعی از یک نقطه به نقطه ای دیگر محصولات کشاورزی را از بین می برند و با ایجاد قحطی و به دنبال آن شیوع بیماری ها هزاران انسان را می کشند .

۱۸۰) گلزار اکبری : ۶۲۶ .

۱۸۱) شگفتی های آفرینش : ۲۰ .

۱۸۲) اگر ویژگی های بسیار فراوان حضرت بقیّه اللّه الأعظم عجّل اللّه تعالی فرجه به خوبی و شایستگی مورد بحث و تحقیق واقع شوند ، نوشته ای بسیار پرمحتوی ، ارزنده و سازنده فراهم

خواهد شد .

۱۸۳) صحیفه مهدیّه : ۵۶۷ .

۱۸۴) سال ۲۱۰۰ توصیف سده آینده : ۱۹/۲ .

۱۸۵) تاریخ ناشناخته بشر : ۱۱ .

۱۸۶) سوره مؤمنون ، آیه ۱۴ .

۱۸۷) بحار الأنوار : ۳۹۱/۵۲ .

۱۸۸) صحیفه مهدیّه : ۹۸ .

۱۸۹) بدون شکّ تحوّلی که در جسم و جان مردمان عصر ظهور پدید می آید ، در قدرت چشم انسان ها نیز اثر می گذارد ، در زمان های گذشته کسانی بوده اند که از قدرت بسیار بالای دید برخوردار بوده اند ؛ یکی از آنان ابوعلی سینا است . از او نقل شده که گفته است : «در روز ستاره عطارد را دیدم که در وقت مقارنه با آفتاب بر روی آفتاب بود مانند خالی که بر صورت کسی باشد و عطارد اگرچه در فلک دوّم است و شمس در فلک چهارم ، لیکن چون مقارنه بود یعنی در یک برج و در یک دقیقه جمع گشته بودند چنان به نظر می آمد که خالی در روی آفتاب است .» (گلزار اکبری : ۳۸۳)

در «قصص العلماء» درباره قوّه باصره او نوشته است : قدرتِ دیدِ او به حدّی بود که از مسافت چهار فرسخ مگس را می دید ، چنان که روزی در مجلس سلطان وارد شده دید که دوربین انداخته . شیخ پرسید که دوربین برای چه انداخته اید ؟ سلطان گفت : در چهار فرسخی سواری می آید ، می خواهم او را تمیز داده باشم .

ابو علی گفت : در این مسافت قلیل حاجت به دوربین نیست . پس شیخ بدان جانب نگاه کرد و گفت که : سواری می آید که به فلان شکل و به فلان لباس است و اسب او را فلان رنگ

است و شیرینی می خورد.

سلطان گفت : شیرینی داخل در مطعومات است نه مرئیّات ، پس آن را چگونه دانستی ؟ ابوعلی در جواب گفت که : از آنجا دانستم که مگس هایی چند در اطراف دهانش پرواز می کنند و این علامت آن است که شیرینی می خورد و چون سوار نزدیک شد و از او سؤال نمودند همان نحو بود که شیخ گفته بود و شکل و لباس و رنگ اسبش چنان بود که شیخ اظهار نموده .

و به قولی شیخ گفت که : آن سوار نان خشک می خورد چه ریزه های نان در میان ریش و سبیل او است و چون تفحّص کردند گفته شیخ ابوعلی صادق آمد . (گلزار اکبری : ۳۸۲)

در زمان ما نیز افرادی هستند که دیدِ آنان بسیار قوی است . در اینجا نمونه ای از آن ها را می آوریم :

«هیچمن» زنی است که با چشم غیر مسلّح اقمار مشتری را از فاصله ۲۶۸ میلیون کیلومتری به وضوح می بیند و مشاهدات او مورد تأیید دانشمندان نجوم و ستاره شناسی نیز قرار گرفته است . یا این که از مسافت ۱۶۰۹ متری حالت خطوط صورت نوه اش را تشریح می کند و از فاصله سه متری حروف ریز ذرّه بینی را می خواند .

وجود این گونه افراد دلیل بر این است که امکان دارد چشم انسان از دید بسیار بالا و شگفت انگیزی برخوردار باشد ، ولی با این همه آنچه در عصر ظهور واقع می شود و تحوّلاتی که در دیدِ انسان ها رخ می دهد بالاتر از این حرف ها است.

۱۹۰) بحار الأنوار : ۳۳۶/۵۲ ح ۷۲ .

۱۹۱) آینده جهان : ۵ .

۱۹۲) درباره آثار بسیار شگفت نور ماه رجوع کنید به :

از کتاب های قدیم

: گلزار اکبری ؛ تألیف : مرحوم آیه اللّه شیخ علی اکبر نهاوندی .

و از کتاب های جدید : فوق طبیعت ؛ تألیف : «لیال واتسن» ، ترجمه شهریار بحرانی و احمد ارژمند .

۱۹۳) اشاره به روایتی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند : «ما من علم إلّا وأنا أفتحه والقائم یختمه» .

۱۹۴) تاریخ ناشناخته بشر : ۱۰۵ .

۱۹۵) آیه الکرسی ، پیام آسمانی توحید : ۲۱۳ .

۱۹۶) آیه الکرسی ، پیام آسمانی توحید : ۲۱۳ .

۱۹۷) روزنامه کیهان : ۵ شهریور ۱۳۶۰ صفحه ۵ .

۱۹۸) سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب : ۴۶۵ .

۱۹۹) علم ، قدرت ، خشونت : ۸۷ .

۲۰۰) روان شناسی ضمیر ناخودآگاه : ۷۳ .

۲۰۱) روان شناسی ضمیر ناخودآگاه : ۷۹ .

۲۰۲) تاریخ ناشناخته بشر : ۱۶۹ .

۲۰۳) تاریخ ناشناخته بشر : ۱۷۱ .

۲۰۴) رک : فکر ، نظم ، عمل : ۹۳ .

۲۰۵) علم و نابخردی : ۱۰۳ .

۲۰۶) رک : مغز متفکّر جهان شیعه : ۳۰۲ .

۲۰۷) مغز متفکر جهان شیعه : ۳۰۳ .

۲۰۸) جهان در ۵۰۰ سال آینده : ۲۴۰ .

۲۰۹) رک : مغز متفکّر جهان شیعه : ۳۶۷ .

۲۱۰) رک : مغز متفکّر جهان شیعه : ۳۶۷ .

۲۱۱) مغز متفکّر جهان شیعه : ۳۶۲ .

برای شناخت عظمت کوآزرها به پاورقی ص ۱۲۷ این کتاب رجوع کنید .

۲۱۲) ماهنامه اطّلاعات علمی : سال ۱۹ ، شماره ۳ ، دی ماه ۱۳۸۳ .

۲۱۳) مقدّمه روانشناسی ضمیر ناخودآگاه : ۷۸ ، به نقل از علم و ترکیب : ۲۹ .

۲۱۴) اینشتین : ۲۷ .

۲۱۵) اینشتین : ۲۵ .

۲۱۶) سوره اسراء ، آیه، ۸۵ .

۲۱۷) علم ، شبه علم و علم دروغین : ۴۵

.

۲۱۸) راه تکامل : ۸۹/۵ .

۲۱۹) مغز متفکّر جهان شیعه : ۳۴۴ .

۲۲۰) مغز متفکّر جهان شیعه : ۱۱۲ .

۲۲۱) تبلیغی که آن ها در این باره انجام دادند ، آن چنان وسیع و گسترده بود که افرادی همچون دکتر حسابی فریب این گونه تبلیغات را خوردند و برای رزرو اتاق در یکی از هتل های کره ماه نام نویسی کردند . (رجوع کنید به کتاب استاد عشق)

در سال ۱۹۶۹ ، اوّلین انسان بر روی ماه فرود آمد . در آن زمان ، دانشمندان معتقد بودند که ظرف چند سال انسان می تواند مثل زمین در کره ماه زندگی کند. با وجود آن ، اگر این کار امکان پذیر باشد تا آن روز که انسان بتواند در ماه زندگی کند راهی طولانی در پیش است . قبل از هر چیز ، زندگی در آنجا ناخوشایند است . هوا و آب در آنجا نیست و حیوانات و گیاهان نمی توانند در آنجا زنده بمانند .

هنگام روز ، سطح ماه از آب جوشان داغ تر است . در شب ، به زیر ۱۰۰ درجه یعنی بیشتر از نقطه انجماد می رسد . بدتر این که ، یک شب و یک روز کره ماه برابر پانزده روز زمین است .

اگر انسان عاقبت موفّق شود در کره ماه زندگی کند باید لباس های مخصوص فضایی بپوشد تا از خود در برابر گرمای شدید محافظت کند . خانه ها را باید کاملاً پوشاند و همه درزها را محکم بست و همه چیز حتّی هوا باید از زمین آورده شود. (شگفتی های آفرینش : ۷۴)

با توجّه به شرایطی که در کره ماه وجود دارد آنهمه تبلیغات برای رزرو اطاق در کره ماه

! برای چه هدفی انجام می گرفت ؟!

۲۲۲) جلوه های غیبی حضرت بقیّه اللّه الأعظم ارواحنا فداه در عصر غیبت ، آنچنان جذّاب و جالب توجّه است که به خوبی می توانـد مردم را به سوی فرهنگ مهدویّت راهنمایی کند ؛ ولی متأسّفانه تاکنون حتّی یک کتاب جامع و ارزنده در این باره در اختیار مردم قرار نگرفته است .

۲۲۳) عجیب تر از رؤیا : ۳۵۶ .

۲۲۴) از آنجا که شرح این جریان طولانی است و ما را از بحث خود دور می کند ، تفصیل مطلب را در فرصتی دیگر بیان خواهیم کرد ؛ جوانان ما باید بدانند کشورهای بزرگ با همیاری مأمورینشان برای تسلّط بیشتر بر مردم جهان چه نقشه هایی را طرح می کننـد و دست بـه انجام چه برنامه هایی می زنند ! به هر حال با شکستِ اینشتین ، دکتر جساپ و دیگر دست اندرکاران آن برنامه ، آن ها نتوانستند آمریکا را برای راه یابی به قدرت های فرامادّه راهنمایی کنند .

۲۲۵) شگفتی های کاوش جهان : ۲۳۰ .

۲۲۶) دو هزار دانشمند در جستجوی خدا : ۱۳ .

۲۲۷) جهان در ۵۰۰ سال آینده : ۴۹۴ .

۲۲۸) جهان در ۵۰۰ سال آینده : ۵۲۰ .

۲۲۹) نگاهی به سرنوشت جهان ، انسان ،تاریخ : ۲۷ .

۲۳۰) گمشدگان مثلث برمودا : ۱۹۲ .

۲۳۱) بشقاب پرنده : ۲۱۲ .

۲۳۲) بازگشت به ستارگان : ۴ .

۲۳۳) جهان در ۵۰۰ سال آینده : ۴۲۶ .

۲۳۴) شگفتی های کاوش جهان : ۲۷۹ .

۲۳۵) جهان در ۵۰۰ سال آینده : ۲۷۹ .

۲۳۶) مجلّه دانستنیها : سال ۲۶ ، مهرماه ۱۳۸۳ ، شماره مسلسل ۳۶۰ ، صفحه ۴۲ .

۲۳۷) تحلیلی از آرای جابر بن حیّان : ۵۹ .

٢٣٨) بحار الأنوار : ١٦٥/٥٠ و

نظیر آن در ج ۲۱۰/۱۷ .

۲۳۹) بحار الأنوار : ۳۱۲/۵۲ .

۲۴۰) و همچنین حضرت سلیمان علیه السلام که افراد او بر بساط آن حضرت نشسته و او به بادها دستور می داد بساط را با تمامی افراد به آسمان بالا برد که جریان آن در قرآن مجید بیان شده است .

۲۴۱) بحار الأنوار : ۹۱/۵۸ .

۲۴۲) بحار الأنوار : ۹۷/۵۸ .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹